



فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

شماره ۲۸. تابستان ۱۳۹۴

شاپا: ۱۷۳۵-۲۲۴X

صاحب امتیاز: وزارت ورزش و جوانان
مدیرمسئول: محمد رضا فضلی
سردبیر: سید نصراله سجادی
مدیر داخلی و ویراستار: زهرا کمالیان
صفحه آرا: پردیس واهب زاده
چاپ و صحافی: نشر دانشگاه هنر

مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی

بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان

تلفن: ۲۲۶۶۲۲۶۷، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰

نشانی الکترونیکی: strategic.studies@msy.gov.ir

اقتباس و درج مطالب با ذکر ماخذ آزاد است.

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان دارای

اعتبار علمی - پژوهشی $\frac{۳/۱۸/۸۰۳۳}{۱۳۹۳/۱/۲۵}$ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است
و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می شود.

هیئت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

کیومرث اشتریان

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمدجوادی پور

استادیار گروه روش ها و برنامه های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سید نصراله سجادی

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران و معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای وزارت

ورزش و جوانان

مهدی طالب پور

دانشیار گروه رفتار حرکتی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

محمدحسین عبدالهی

دانشیار گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی

فرزاد غفوری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی

محمد کشتی دار

دانشیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

محمود گلزاری

دانشیارگروه روانشناسی بالینی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی و معاون ساماندهی امور

جوانان وزارت ورزش و جوانان

امیر ملکی

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

حبیب هنری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی و عضو کمیته علمی - پژوهشی مرکز مطالعات

و پژوهش های راهبردی وزارت ورزش و جوانان

مشاوران علمی این شماره:

امیر حسین واعظی، حسن کلاشلو، سید محسن بنی جمالی، علی احمد یحیوی، علی کاشی، لطیف سعادت
سیدبگلو، محمود عظیمی رستا، امر الله امانی کلاریجانی، رضا فاضل، سوران رجبی، علی اکبر گرجی، غلامرضا
خسروی، ستار پروین، مسعود دارابی، محمد خبیری، محمد جواد پوروفار، محمدرضا برومند، وحید ولی پور ده نو،
علی فهیمی نژاد، مهدی نادری نسب، سعید صانعی، جواد شهلانی، فرشید طهماسبی، علی حیرانی، احسان زارعیان،
جبار سیف پناهی، رسول خدادادی، اسفندیار خسروی زاده، علی گریزی، بختیار ترتیبیان، حمید معرفتی، سید محمد
حسین رضوی، مهدی مومنی، اصغر توفیقی، احمد رحمانی، مهدی سلیمی، حسین پور سلطانی، مهدی بشیری،
امین غلامی، لقمان کشاورز، محمد پورکیانی، فریده عقیلی، منیره علی، لیلا میرآقاسی، مریم قاضی نژاد، شراره مهدی
زاده، پروانه دانش، مستوره صداقت، رقیه بهاری، فرشته پورمحسنی کلوری، ناهید طالبی، پروین شوشی نسب، مهتا
اسکندر نژاد، زهرا سلمان، فرزانه حاتمی، زهرا اصغری، الهه حیدریان بایی، نسرين عزیزیان، مرجان صفاری، شهرزاد
نیری و طاهره موسوی راد

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست ها و برنامه های موجود
۲. کمک به سیاست گذاری و برنامه ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش های فراروی جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه ها
۴. انعکاس جدیدترین یافته های جوان پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آنها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
۴. مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

راهنمای تنظیم مقاله های فصلنامه

۱- مقاله های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت اند از گزارش های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته ها، بحث و تفسیر، نتیجه گیری و منابع باشند.

۲- حجم مقاله ها باید بین ۱۵ تا ۲۵ صفحه A۴ (هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت word 2007 به بالا تایپ شده باشد.

۳- ساختار مقاله ها باید شامل اجزای زیر باشد:

صفحه عنوان: ضروری است که عنوان کامل مقاله در کوتاه ترین و زیباترین شکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نمابر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.

چکیده فارسی و انگلیسی: لازم است که چکیده ای سازمان یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسی و انگلیسی در بر گیرنده بخش های هدف، روش، یافته ها و نتیجه گیری به صورت فشرده و منعکس کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه ای که مقاله بر مبنای آن نمایه سازی شود) ارائه گردد.

مقدمه: شامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه ای از تعاریف، اصول، تئوری ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی چارچوب نظری، فرضیه ها یا پرسش ها، و نتایج، بحث و و منابع به صورت کامل ارائه گردد.

روش: شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری و ابزارهای پژوهش است.
یافته ها: یافته های حاصل از روش های آماری می تواند به صورت متن، جدول (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود- تعداد جدول ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد.
بحث و نتیجه گیری: ضمن مقایسه یافته های حاصل از این تحقیق با تحقیقات قبلی از منظر شباهت ها و تفاوت ها، به درستی یا نادرستی فرضیه ها و هدف تحقیق اشاره گردد.

منابع: تمامی مقاله ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیست، مسئولیت این امر بر عهده نویسنده مسئول می باشد. همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند.

۴- ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی (APA) در داخل پراکنش و به شیوه زیر باشد: (نام خانوادگی مولف، سال انتشارمنبع: شماره صفحه یا صفحات)- چنانچه از نویسنده ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
۵- معادل غیر فارسی واژه های تخصصی، اسامی افراد یا مکان ها، کتبه نوشت ها و سر واژه ها، در پاورقی هر صفحه با شماره گذاری مستقل ذکر شود.

۶- هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انتهای مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.

۷- فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انتهای مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:

- الف. کتاب:** نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) عنوان کتاب. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر.
- ب. مقاله:** نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) "عنوان مقاله". نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.
- ج. مجموعه مقالات:** نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) "عنوان مقاله". نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). در (in) نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.
- د. رساله تحصیلی:** نام خانوادگی مولف، نام (سال تدوین) "عنوان رساله". مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.
- ه. پایگاه اینترنتی:** نام خانوادگی مولف، نام (آخرین زمان به روز نمودن سایت) "عنوان مقاله". نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه).

فهرست

فرا تحلیل رابطه بین عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی کشورها در رویدادهای ورزشی فرناز فخری، سید محمد حسین رضوی، امیر رضا خادم	۹
عوامل زمینه ای موثر بر موفقیت کسب و کارهای متوسط و کوچک ورزش کشور فرزاد نوبخت، محمد احسانی، هاشم کوزه چیان، مجتبی امیری	۲۵
اثرات توسعه ورزش بر فرآیند جهانی شدن ایران یوسف حمزه لو، محمدرضا معین فرد، پروین شوشی نسب	۳۹
طراحی مدل موانع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال ایران حسن قره خانی، جبار سیف پناهی، شهرام فولادی حیدرلو	۵۵
بررسی تاثیر فعالیت های ورزشی بر میزان انحرافات اجتماعی جوانان احمد بخارایی، سید مهدی آقا پور، امیر ستاری دولت آباد	۶۷
بررسی موانع اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران مرتضی سلیمانی، بهنام گیلانی نیا	۸۹
بحران های سیاسی، شبکه های اجتماعی و جامعه پذیری سیاسی رسانه های جوانان ذبیح اله صدفی، سکینه بابایی	۱۰۹
بررسی رابطه گذران اوقات فراغت و میزان شادی جوانان (مطالعه جوانان ۱۵ - ۲۹ ساله شهر مرند) فیروز راد، حمیده محمدزاده، فاطمه محمدزاده	۱۳۷
جامعه پذیری علمی و مدیریت بدن در دانشگاه (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران) محمد امین قانع راد، آذر رشتیانی	۱۵۳
شناسایی الگوهای جوانان و نوجوانان و عوامل زمینه ای موثر بر آن (مورد مطالعه: شهر شیراز) نرگس عرب مقدم، عباس گرگی، بهنام جمشیدی، راضیه شیخ الاسلامی	۱۶۹
ویژگی های روان سنجی پرسشنامه سلامت اجتماعی مبتنی بر آموزه های اسلام و پایش شهروندان تهرانی بر اساس آن محمد مهدی شمسایی، حسن پاشا شریفی، محمد باقر صابری زفرقندی	۱۸۵
تبیین جامعه شناختی عوامل موثر بر تمایل دختران نوجوان به بزهکاری در شهر کرمان محمد تقی ایمان، الهام شیردل، فاطمه انجم شعاع، حمید شیردل	۲۰۳



فرا تحلیل رابطه بین عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی کشورها در رویدادهای ورزشی

فرناز فخری^۱

سید محمد حسین رضوی^۲

امیر رضا خادم^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲۴

بتازگی رقابت بین کشورها برای کسب مدال در رویدادهای بین المللی و رتبه بندی کشورها بر اساس امتیازات کسب شده، شدت بالایی به خود گرفته است و سبب شده که محققان در بررسی علل موفقیت ورزشی کشورها، به عوامل اقتصادی- اجتماعی و... مؤثر بر عملکرد کشورها در رقابت های مختلف، از جمله بازی های المپیک اقبال نشان دهند. نتایج برخی از مطالعات حاکی از آن است که عواملی مانند تولید ناخالص داخلی، جمعیت و... می توانند در کسب افتخارات بین المللی و ارتقای عملکرد ورزشی نقش داشته باشند. با این حال، علیرغم رشد تحقیقات در این حوزه و بروز نوعی پراکندگی اطلاعات، تسلط بر تمامی ابعاد این حوزه امکان پذیر نیست. از این رو، ترکیب نتایج و استفاده از پژوهش های انجام شده پیشین برای به دست آوردن یک تصویر کلی از یک موضوع پژوهشی، به مراتب موثرتر از تعریف طرح های پژوهشی جدید است. در پژوهش حاضر، روش نمونه گیری بصورت هدفمند و از نوع نمونه گیری گلوله برفی می باشد که پس از بررسی پایان نامه ها و مقالات مرتبط با موضوع، تعداد ۲۰ مطالعه انتخاب شد. برای تحلیل داده های جمع آوری شده، از برنامه فراتحلیل جامع استفاده گردید. نتایج حاصل نشان داد که میانگین اندازه اثر رابطه بین عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی کشورها در رویدادهای ورزشی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۴۱۵ می باشد. از آنجا که اندازه اثر برآورد شده با احتمال ۹۵ درصد معنادار می باشد، می توان گفت که بین عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی کشورها رابطه وجود دارد.

واژگان کلیدی: عوامل اقتصادی، فرا تحلیل، عملکرد ورزشی و رویدادهای ورزشی

مقدمه

ورزش و تفریحات به طور بالقوه تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد یک کشور دارند (لوئیز و فادال، ۲۰۱۰). امروزه، نقش اساسی و انکارناپذیر ورزش و نفوذ آن در ابعاد مختلف زندگی بشری، مسئولان را بر آن داشته است تا با سرمایه گذاری در این بخش، سهم خود را از مزایا و منافع حاصل از ورزش افزایش دهند (صادقی آرانی و میرغفوری، ۱۳۸۸). صنعت ورزش منافع اقتصادی مستقیمی را از طریق اشتغال، درآمد حاصل از رویدادها، مواد مصرفی و مالیات ایجاد می کند. علاوه بر آن، امروزه مزایای اقتصادی حاصل از فروش کالا و خدمات ورزشی به جایی رسیده است که صنعت ورزش از جمله یکی از صنایع پردرآمد به شمار می رود. سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی (GDP)^۱ کشورهای توسعه یافته به واسطه هتل داری، حمل و نقل، تغذیه، بازدید از اماکن دیدنی و خرید از مغازه ها حدود ۱ تا ۲ درصد است. از سوی دیگر، ورزش نقش به سزایی در روند جهانی شدن و بازسازی هویت ملی دارد (عسکریان، ۱۳۸۳). به علاوه، کسب مدال های بین المللی، جهانی و المپیک از نظر هویت ملی و اعتبار سیاسی و شاخص پیشرفت ورزشی از اهمیت روزافزون و انکارناپذیری در بین جوامع مختلف برخوردار است (فخری، ۱۳۹۱). هرچند کمیته بین المللی المپیک از به رسمیت شناختن رتبه بندی کشورها براساس مدال های کسب شده امتناع می ورزد، با این حال هر روز شاهد به روزآوری منظم جدول مدال ها و امتیازات کشورها در رویدادهای مختلف هستیم که با پوشش رسانه ای و منافع عمومی همراه می باشد (راتک و ویتک، ۲۰۰۸). با نگاهی به تاریخ رویدادهای مهم جهان مشخص می شود که همه ملت ها، دارای توانایی برابر برای شرکت در مسابقات و کسب مدال نیستند. به عنوان مثال، از بین ۱۹۹ کشوری که در المپیک آتن شرکت کردند، ۱۲۴ کشور تنها یک مدال کسب کردند؛ در صورتی که ده برنده برتر جمعاً ۵۱۴ مدال به خانه برده اند و در کل به بیش از ۵۰ درصد مدال های آتن دست یافته اند. همچنین، طبق اعلام کمیته بین المللی المپیک (IOC)^۲ در بازی های المپیک تابستانی ۲۰۰۸ در پکن، در کل ۹۵۸ مدال توزیع شد که بیش از نیمی (۵۶ درصد) از این مدال ها (۵۴۲ مدال) و ۶۴ درصد از تمامی مدال های طلا (۱۹۴ مدال)، توسط ۱۰ کشور برتر جهان یعنی چین، آمریکا، روسیه، انگلستان، آلمان، استرالیا، کره جنوبی، ژاپن و ایتالیا- که فقط یک سوم جمعیت جهان را در بر می گیرند- کسب شده است و تقریباً ۵۷ درصد از کل کشورهای شرکت کننده (۱۱۷ کشور) هیچ مدالی را کسب نکردند (بیان، ۲۰۰۵؛ چارلیف و فلیتمن، ۲۰۰۶).

در چند دهه گذشته، رقابت بین کشورها برای بردن مدال ها در رقابت های بین المللی شدت بالایی به خود گرفته است. این امر سبب شده است که دولت ها و سازمان های ورزشی کشورها در سراسر جهان، میزان بودجه اختصاصی به ورزش قهرمانی را افزایش دهند. به منظور موفقیت بین المللی، سیستم های ورزش قهرمانی کشورها به شدت متجانس و همگن شده اند و همه آنها تقریباً از سیستم های واحدی پیروی می کنند. بسیاری از کشورها نشان داده اند که افزایش بودجه ورزش قهرمانی می تواند منجر به افزایش کسب مدال ها در رویدادهای بزرگ بویژه بازی های المپیک شود. با این وجود، علی رغم افزایش رقابت ها و تجانس سیستم های ورزش قهرمانی، استراتژی مطلوب برای موفقیت در سطوح بین المللی هنوز نامعلوم است (پوپاوکس، ۲۰۰۴؛ ساتی، ۲۰۰۸؛ سوینن و وندمورتل، ۲۰۰۸). از طرفی، علاقه فوق العاده به موفقیت ملی رویدادهای مختلف، محققان را بر آن داشته است که به بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی موفقیت های رویدادهای مختلف بپردازند (فخری، ۱۳۹۱). نخستین مطالعه برای تجزیه و تحلیل

1. Gross Domestic Product (GDP)
2. International Olympic committee (IOC)

موفقیت در بازی‌های المپیک، بعد از بازی‌های ۱۹۵۲ هلسینکی توسط جوکل^۱ و همکاران (۱۹۵۶) انجام شد. در این مطالعه، از شاخص های تولید ناخالص ملی^۲ یا سرانه تولید ناخالص ملی (GNP)^۳ به عنوان یک شاخص پیش بینی کننده بالقوه، برای موفقیت در المپیک استفاده گردید (راتک و ویتک، ۲۰۰۸). هر چند که برخی کشورها با عدم برخورداری از وضعیت نسبتاً خوب، ممکن است چند مدالی را کسب نمایند (آندریف، ۲۰۰۱؛ لوئیز و فادال، ۲۰۱۰). شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP) در تحقیقات افراد دیگری از جمله: کاستونا و اسکوریچ^۴ (۲۰۱۱)، لویی و سوئن^۵ (۲۰۰۸)، راتک و ویتک^۶ (۲۰۰۸)، رابرتز^۷ (۲۰۰۶)، ماترس و نامورو^۸ (۲۰۰۴)، جانسون و علی^۹ (۲۰۰۴ و ۲۰۰۰)، برنارد و باس^{۱۰} (۲۰۰۴)، فارست و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۰)، امپریال و هاگرمین^{۱۲} (۲۰۱۱)، کاستونکا و اسکوریچ (۲۰۱۱)، شریعتی فیض آبادی و همکاران (۱۳۹۰)، فخری (۱۳۹۱)، واگناس (۲۰۱۲)، آندریف (۲۰۱۳)، کنستانتین و کریستینا، (۲۰۱۴) و کوپر و استرکن^{۱۳} (۲۰۰۱) مورد استفاده قرار گرفته است. جیانگ و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۰)، در تحقیق خود با عنوان "تجزیه و تحلیل عوامل اقتصادی در بازی‌های المپیک" رابطه بین مدال و عوامل اقتصادی را تجزیه و تحلیل نمودند. جیانگ بر طبق یافته های تحقیق، شاخص های اقتصادی را به عنوان بنیادی ترین عامل اثرگذار بر توسعه ورزش رقابتی معرفی کرد. همچنین، خوان بیان^{۱۵} (۲۰۰۵) در پیش بینی تعداد مدال های المپیک و تأثیر توسعه اقتصادی بر عملکرد المپیک، نشان داد که سرانه تولید ناخالص داخلی و اندازه جمعیت، تأثیر زیادی بر کسب مدال در رویدادهای بزرگ دارند. البته در برخی از تحقیقات علاوه بر سرانه تولید داخلی، به عواملی مانند جمعیت (کوپر و استرکن، ۲۰۰۱؛ جانسون و علی، ۲۰۰۴؛ سوئن و لویی، ۲۰۰۸؛ کریشنا و هاگلند، ۲۰۰۸؛ لوئیز و فادال، ۲۰۱۰؛ لی و همکاران، ۲۰۱۳)، میزبانی (سویی و لوئن، ۲۰۰۸؛ کوپر و استرکن، ۲۰۰۱)، آب و هوا (کاستونکا و اسکوریچ، ۲۰۱۱؛ جانسون و علی، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۰)، شرایط سیاسی و ورزشی حاکم (جانسون و علی، ۲۰۰۰)، آموزش و سرانه درمان (لوئیز و فادال، ۲۰۱۰) برای بررسی و پیش بینی عوامل کسب مدال در موفقیت های ورزشی استناد شده است. در نگاه اول شاید طبیعی به نظر برسد که یک کشور پرجمعیت، منبع بزرگتری از ورزشکاران با استعداد را در اختیار خواهد داشت و از این رو قادر به کسب مدال بیشتر است. با این حال، کشورهایی همچون: هندوستان، بنگلادش، تایلند، برزیل، اندونزی، نیجریه، پاکستان و ایران، با وجود جمعیت زیاد، دارای موفقیت نسبتاً پایین در بازی‌های المپیک هستند. یک مثال مناسب در این زمینه، استرالیا می باشد که بر حسب جمعیت، پنجاه و چهارمین کشور، ولی بر حسب مدال با کسب ۱۴ طلا، در

1. Jokle
2. Gross National Product (GNP)
3. Gross National Product (GNP)
4. Čustonja and Škorić
5. Lui & Suen
6. Rathke & Woitek
7. Roberts
8. Matros & Namoro
9. Johnson & Ali
10. Bernard & Busse
11. Forrest & et al
12. Imperiale & Hagerman
13. Kuper & Sterken
14. Yong Jiang & et al
15. Xun Bian

رتبه ششم جهان می باشد (برگرفته از سایت economywatch.com). راتک و ویتک^۱ (۲۰۰۸) در تحقیق خود چنین بیان کردند: "تأثیر اندازه جمعیت وابسته به اندازه ثروت و دارایی یک کشور می باشد؛ یعنی، تأثیر جمعیت فقط برای کشورهای نسبتاً ثروتمند مثبت است". براساس نظر آن‌ها، تنها کشورهای بسیار ثروتمند و با جمعیت نسبتاً پایین می‌توانند از افزایش جمعیت سود ببرند و برای کشورهای فقیر، افزایش جمعیت باعث کاهش منابع موجود برای ایجاد موفقیت‌های المپیک می‌گردد. نتایج آن‌ها هم نشانگر مزیت‌های بزرگ و غیرقابل انکار کشور میزبان، هم در مشارکت و هم در تعداد مدال‌ها می‌باشد. از طرفی، با بررسی وضعیت کسب مدال طلای کشورهای میزبان در دوره میزبانی و دوره قبل از آن، می‌توان تأثیر میزبانی بر ورزش قهرمانی را در کشورهای مربوط مشاهده نمود. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که تعداد متوسط مدال‌های طلای کشورهای میزبان از ۷/۹ مدال در دوره قبل از میزبانی تا ۱۳/۶ مدال در دوره میزبانی افزایش داشته است (طرح جامع ورزش کشور، ۱۳۸۲). طبق نظر برنارد و باس^۲ (۲۰۰۴) کشورهای میزبان به طور معمول برنده ۱/۸ درصد از مدال‌ها می‌شوند. بنابراین، تعداد متوسط مدال‌های طلای کشورهای میزبان در دوره میزبانی، حداقل دو مدال نسبت به دوره قبل از میزبانی رشد داشته است (باس و برنارد، ۲۰۰۴)؛ به طوری که لویی و سوئن^۳ (۲۰۰۸) با بررسی نقش میزبانی در کسب مدال‌های المپیک اعلام کردند که تعداد مدال‌های کسب شده توسط قهرمانان چینی در المپیک ۲۰۰۸ پکن نسبت به ۲۰۰۴ آتن در حدود ۱۴ درصد رشد داشته است (لویی و سوئن، ۲۰۰۸).

به علاوه، جانسون و علی^۴ (۲۰۰۰ و ۲۰۰۴) در بررسی نقش آب و هوای مناطق مختلف بر کسب مدال‌های ورزشی چنین بیان کرده‌اند که کشورهایی با آب و هوای سردتر دارای اجرای بهتری از کشورهایی با آب و هوای گرم تر هستند. در تحقیقی که هافمن و همکاران (۲۰۰۲) با عنوان "عوامل مؤثر اجتماعی-اقتصادی بر عملکرد فوتبال بین‌المللی" انجام دادند، بدین نتیجه رسیدند که عوامل اقتصادی، فرهنگی و آب و هوا مهم‌ترین عوامل کسب موفقیت می‌باشند. لوئیز و فادال (۲۰۱۰) با تجزیه و تحلیل اقتصادی عملکرد ورزشی در آفریقا، به بررسی وضعیت کشورهای آفریقایی در بازی‌های المپیک، رابطه بین موفقیت یک کشور در فوتبال با متغیرهای اجتماعی و اقتصادی، بررسی عملکرد تیم‌های ملی فوتبال آفریقایی عضو فیفا و بالاخره رابطه بین موفقیت یک کشور در بازی‌های ملت‌های آفریقا با متغیرهای اجتماعی-اقتصادی و سازمانی پرداختند. در این تحقیقات عوامل مختلفی مانند سرانه سلامت، آب و هوا، تولید ناخالص داخلی، میزان انحرافات اجتماعی، جمعیت و آموزش و پرورش را مورد بررسی قرار گرفت. لوئیز و فادال در این تحقیق از ۴ نوع مدل استفاده نمودند:

۱. بر طبق نتایج حاصل از مدل A که به بررسی وضعیت کشورهای آفریقایی در بازی‌های المپیک پرداخت، تولید ناخالص داخلی، اندازه جمعیت و نخبگی از عوامل تأثیرگذار بر موفقیت تیم‌ها در بازی‌های المپیک می‌باشند، ولی رابطه معنی‌داری بین آب و هوا (عرض جغرافیایی نیمه معتدل) و موفقیت مشاهده نشد.
۲. مدل B که رابطه بین موفقیت یک کشور در فوتبال را با متغیرهای اجتماعی و اقتصادی بررسی می‌کند. نتایج نشان داد که بین سرانه سلامت، آب و هوا، تولید ناخالص داخلی و میزان انحرافات اجتماعی و میزان موفقیت در جام جهانی رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد، ولی اندازه جمعیت تأثیری بر عملکرد بهتر ندارد.
۳. در مدل C که جامعه آماری آن تیم‌های ملی فوتبال آفریقایی عضو فیفا بود، تنها متغیر اثرگذار بر عملکرد

1. Rathke and Woitek
2. Bernard & Busse
3. Luie & Suen
4. Johnson and Ali

بهتر، تولید ناخالص داخلی بدست آمد، اما هیچ رابطه ای بین متغیرهای دیگر، اندازه جمعیت، آب و هوای نیمه معتدل، سرانه سلامت و انحرافات اجتماعی با میزان موفقیت مشاهده نشد.

۴. طبق نتایج حاصل از بررسی های به عمل آمده از مدل D که رابطه بین موفقیت یک کشور در بازی های ملت های آفریقا را با متغیرهای اجتماعی - اقتصادی و سازمانی بررسی می کند، تولید ناخالص داخلی بار دیگر به عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر عملکرد معرفی شد. در کل نتایج تحقیق نشان می دهد که عملکرد کشورهای آفریقایی در ورزش، به طیف وسیعی از عوامل اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و ... وابسته است که برخی مطالعات از سراسر جهان آن را تأیید می کند.

همانطور که مشاهده می شود، در سال های اخیر تحقیقات فراوانی در زمینه عملکرد ورزشی کشورهای مختلف در رویدادهای بزرگ ورزشی از جمله المپیک در حوزه های مختلف صورت گرفته است. در همه این تحقیقات، تعداد مدال های کسب شده در رویدادهای ورزشی (بازی های المپیک، بازی های آسیایی، المپاد دانشجویان جهان (فیزو) و جام جهانی فوتبال) به عنوان شاخص عملکرد ورزشی در نظر گرفته شده اند و هر کدام، عوامل متعددی را به عنوان "عامل اثرگذار در موفقیت در رویدادهای بزرگ" معرفی نموده اند. متأسفانه، تحلیل های متعدد و پراکنده ای که در این قلمرو انجام شده، همچون جزیره ای جدا از یکدیگر رها شده اند، در حالی که با انجام یک فرا تحلیل می توان به ترکیب و تلفیق این پژوهش ها پرداخت و علاوه بر ارائه مسائل موجود در تحقیقات، هم به راهکارها و پیشنهادات این تحقیقات توجه داشت و هم موضوعات مغفول در این پژوهش ها را شناسایی نمود. به عبارتی، با مقایسه تحقیقات، تجزیه و تحلیل آن ها و ارائه تفسیری جدید از پژوهش ها، دید کل نگرانه ای از پژوهش های صورت گرفته به دست می آید که به سازمان های متولی ورزش اجازه می دهد تا از حجم بسیار زیاد اطلاعات رهایی یافته و با بهره مندی از نتایج و دستاوردهای این تحقیقات، به برنامه ریزی مناسب در این حوزه مبادرت نمایند. از این رو، می توان با مطالعه و فرا تحلیل تحقیقاتی که تاکنون در مورد عوامل اقتصادی - اجتماعی موثر بر عملکرد ورزشی کشورها در رویدادهای بزرگ صورت یافته است، این عوامل را شناسایی و درک کرد و این امکان فراهم می شود که بتوان توصیه ها و پیشنهادات لازم جهت برنامه ریزی و تأمین نیازهای ورزش قهرمانی کشور و کسب افتخارات بین المللی - جهانی در رشته های ورزشی و مسابقات آسیایی و المپیک را به مسئولان ارائه داد. با توجه به متغیرهای مختلفی که به عنوان عامل اثرگذار در تحقیقات مختلف، در نظر گرفته شده اند، مشخص می شود که عامل اقتصادی، مهم ترین عامل در کسب می باشد که به نوعی عوامل دیگر همچون: جمعیت، هزینه سلامت، نرخ باسوادی، میزبانی مسابقات و ... را تحت تأثیر قرار می دهد. به عبارتی دیگر، یکی از مولفه های مهم در حیطه ورزش، عوامل اقتصادی می باشد. مطالعات زیادی در این زمینه انجام گرفته که نشان دهنده وجود ارتباط معنادار بین عوامل اقتصادی با عملکرد ورزشی کشورها در رویدادهای بزرگ می باشد.

همانطور که اشاره شد، کاستونا و اسکوریچ^۱ (۲۰۱۱)، لویی و سوئن^۲ (۲۰۰۸)، راتک و ویتک^۳ (۲۰۰۸)، رابرتز^۴ (۲۰۰۶)، ماترس و نامورو^۵ (۲۰۰۴)، جانسون و علی^۶ (۲۰۰۴ و ۲۰۰۰)، برنارد و باس^۷

1. Čustonja and Škorić
2. Lui & Suen
3. Rathke & Woitek
4. Roberts
5. Matros & Namoro
6. Johnson & Ali
7. Bernard & Busse

(۲۰۰۴)، فارست و همکاران^۱ (۲۰۱۰)، امپریال و هاگرمین^۲ (۲۰۱۱)، کاستونکا و اسکوریچ (۲۰۱۱)، شریعتی فیض آبادی و همکاران (۱۳۹۰)، فخری (۱۳۹۱)، واگناس (۲۰۱۲)، آندریف، (۲۰۱۳)، کنستانتین و کریستینا، (۲۰۱۴)، کوپر و استرکن^۳ (۲۰۰۱)، کاوتسس (۲۰۰۸)، جیانگ و همکاران^۴ (۲۰۱۰) و ... در مطالعات جداگانه خود به این نتیجه رسیده اند که بین عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی کشورها در رویدادهای بزرگ ورزشی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. با توجه به تعدد مطالعات اولیه یاد شده در مورد رابطه بین عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی کشورها، نتایج عددی در قالب روشی موسوم به فراتحلیل^۵ می تواند برآورد دقیق مشخصه های توصیفی، تبیین ناهمبستگی ها و نیز کشف عوامل تعدیل کننده و میانجی ها را در مجموعه یافته های پژوهشی ممکن سازد. فرا تحلیل، مجموعه روش های آماری است که برای حل تناقض حاصل از پژوهش های آزمایشی و همبستگی که به طور مستقل و در ارتباط با یک موضوع واحد انجام گرفته اند به کار می رود. فرا تحلیل، نتایج مطالعات مختلف را به مقیاس مشترک تبدیل می کند و با روش های آماری، رابطه بین ویژگی های مطالعات و یافته ها را مورد بررسی قرار می دهد (هومن، ۱۳۸۷).

در این امر تردیدی نیست که ترکیب نتایج و استفاده از پژوهش های انجام شده پیشین (به عنوان واحد تحلیل) برای به دست آوردن یک تصویر کلی و بدون ابهام از یک موضوع پژوهشی، به مراتب مفیدتر و موثرتر از تعریف طرح های پژوهشی جدید در آن موضوع است (کار، ۲۰۰۲؛ هومن، ۱۳۸۷). بر اساس پژوهش هایی که در زمینه رابطه بین عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی کشورها در رویدادهای ورزشی انجام شده است، بدست آوردن تصویر کلی و بدون ابهام از موضوعات پژوهشی ضروری بنظر می رسد. بر این اساس این مقاله در صدد پاسخ گویی به این سؤال است که رابطه عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی کشورها در رویدادهای ورزشی چیست؟

روش شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، فراتحلیل مطالعات انجام شده با استفاده از شیوه کمی سازی اندازه اثر^۶ می باشد. کلیه پایان نامه ها و مقالات نگارش یافته در داخل کشور و خارج که رابطه بین عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی کشورها در رویدادهای بزرگ را بین سال های ۲۰۰۰-۲۰۱۴ مورد بررسی قرار داده بودند، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل داده اند. روش نمونه گیری بصورت هدفمند و از نوع نمونه گیری گلوله برفی در نظر گرفته شد؛ یعنی، پژوهش های انجام یافته ردیابی شد و تعداد ۲۰ مقاله، پایان نامه و همایش های مربوط، از سایت های مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، جهاد دانشگاهی و پایگاه های ساینس دایرکت^۷، دواج^۸، السویر^۹، اپسکو^{۱۰} ... مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت. در مرحله بعد، از بین پژوهش های موجود ۴ پژوهش کنار گذاشته شد و در نهایت ۱۶ نمونه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که

1. Forrest & et al
2. Imperiale & Hagerman
3. Kuper & Sterken
4. Yong Jiang & et al
5. Meta-analysis
6. Effect Ssize
7. Science Direct
8. Doaj (directly of open access journals)
9. Elsevier
10. EPSCO

اطلاعات مربوط به ۱۶ پژوهش مورد استفاده در جدول ۱ ارائه شده است. ملاک انتخاب این مطالعات، روش پیشنهادی (تابانه، ۲۰۰۴) می باشد که عبارت است از: (۱) مطالعه با حجم نمونه زیاد، (۲) ابزار اندازه گیری مناسب و دارای پایایی و روایی لازم، (۳) پژوهش های کارشناسی ارشد و بالاتر و (۴) روش نمونه گیری مناسب (نمونه گیری تصادفی). در ضمن، برای جمع آوری داده های مربوط از چک لیست محقق ساخته به روش دلفی بهره گرفته شد. برای تحلیل داده های جمع آوری شده از پژوهش های مورد نظر، پس از کدگذاری، از برنامه فراتحلیل جامع برای انجام محاسبات آماری استفاده گردید؛ بدین ترتیب که آزمون های آماری استفاده شده در فرضیه های مطالعات، پس از تبدیل به اندازه اثر از طریق فرمول های ارائه شده توسط ولف (۱۹۸۶)، با ترکیب اندازه های اثر به روش اندازه اثر، هانتر و اشمیت^۱ مورد تحلیل قرار گرفتند. همچنین، برای تفسیر اندازه اثر از جدول کوهن^۲ بهره گرفته شد.

جدول ۱: اطلاعات تفصیلی پیرامون پژوهش های مورد استفاده در فراتحلیل (نمونه پژوهش)

ردیف	عنوان	پژوهشگر	محل تحقیق	سال
۱	تحلیل اقتصادی عملکرد ورزشی در قاره آفریقا	جان لوتیز	دانشگاه ویت واترساند ^۱	۲۰۱۰
۲	چرا برخی کشورها مدال های المپیک بیشتری کسب می کنند؟	آنیردوخ کریشنا	دانشگاه داک ^۲	۲۰۰۸
۳	تحلیل عوامل اقتصادی در بازی های المپیک	یانگ جیانگ	دانشگاه نانجینگ ^۳	۲۰۱۰
۴	موفقیت المپیک و کشورهای آسیایی	رابرت هافمن	دانشگاه ناتینگهام ^۴	۲۰۰۴
۵	پیش بینی تعداد مدال المپیک: تأثیر توسعه اقتصادی بر عملکرد المپیک	خوان بیان	-	۲۰۰۵
۶	مشارکت و تعداد مدال در بازی های المپیک تابستانی و زمستانی	دنیل جانسون	ماساچوست	۲۰۰۲
۷	پیش بینی مجموع مدال تیم های ملی در بازی های المپیک تابستانی	دیوید فارست	انگلستان	۲۰۱۰
۸	رفاه ملی و رویدادهای ورزشی بین المللی	کاوتسس	لندن	۲۰۰۸
۹	عوامل اقتصادی- اجتماعی در عملکرد فوتبال بین المللی	رابرت هافمن	دانشگاه ناتینگهام	۲۰۰۲
۱۰	بازی های المپیک زمستانی: مشارکت و عملکرد	جرارد کوپر	هلند	۲۰۰۱
۱۱	کدام برنده بازی های المپیک می شود؟ منابع اقتصادی و مجموع مدال	برنارد	هانوفر	۲۰۰۲

1. Hunter & Schmidt
2. Cohen, J. (1977)
3. University of Witwatersand
4. Duck University, US
5. Faculty of Mathematics and Physics, Nanjing University
6. Nottingham University Business School

۱۲	بررسی عوامل مؤثر بر توسعه و عملکرد ورزش قهرمانی در ایران	فرناز فخری	دانشگاه تبریز	۱۳۹۱
۱۳	بررسی ارتباط بین شاخص های جمعیتی-اقتصادی با میزان موفقیت کشورهای آسیایی حاضر در بازی های المپیک ۲۰۰۸ پکن	شریعتی فیض آبادی	تهران	۱۳۹۰
۱۴	ارتباط بین شاخص های جمعیتی-اقتصادی با میزان موفقیت کشورهای شرکت کننده در بازی های آسیایی ۲۰۱۰ گوانگجو	شریعتی فیض آبادی	تهران	۱۳۹۱
۱۵	ارتباط بین یکپارچه سازی پول، توسعه اقتصادی منطقه اروپا و عملکرد ورزشی	کنستانتین	رومانی	۲۰۱۴
۱۶	پیش بینی اقتصادی از برندگان مدال در المپیک زمستانی ۲۰۱۴	ولادمیر آندریف	دانشگاه پاریس	۲۰۱۳

یافته های پژوهش

تحلیل آماری تحقیق حاضر، با استفاده از نرم افزار فراتحلیل جامع^۱ ۷۲ و به روش ترکیب اندازه اثر هانتر و اشمیت صورت گرفت. برای آزمون این سؤال پژوهشی، ۱۶ مطالعه که اندازه اثر آنها در جدول ۲ ارائه گردیده مشخص شده است.

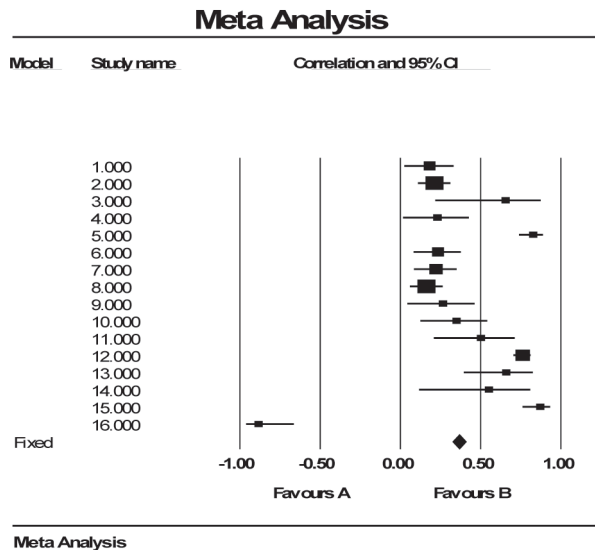
جدول ۲: برآورد اندازه اثر رابطه عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی با رویکرد هانتر و اشمیت در هریک از ۱۶ مطالعه

آماره های فراتحلیل مطالعه	اندازه اثر	فاصله اطمینان ۹۵%	
		حد پایین اندازه اثر	حد بالای اندازه اثر
جان لوئیز	۰/۱۸۳	۰/۰۲۴	۰/۳۳۲
آنیردوخ کریشنا	۰/۲۱۳	۰/۱۰۹	۰/۳۱۲
یانگ جیانگ	۰/۶۵۶	۰/۲۱۶	۰/۸۷۴
رابرت هافمن	۰/۲۳۲	۰/۰۱۶	۰/۴۲۷
خوان بیان	۰/۸۲۸	۰/۷۳۸	۰/۸۸۹
دنیل جانسون	۰/۲۳۵	۰/۰۸۲	۰/۳۶۷
دیوید فارست	۰/۲۲۲	۰/۰۸۴	۰/۳۵۱
کاوتسس	۰/۱۶۳	۰/۰۵۸	۰/۲۶۴
رابرت هافمن	۰/۲۶۶	۰/۰۴۳	۰/۴۶۴
جرارد کوپر	۰/۳۵۰	۰/۱۲۴	۰/۵۴۲

۰/۷۱۳	۰/۲۰۸	۰/۵۰۲	برنارد
۰/۸۱۲	۰/۷۰۳	۰/۷۶۳	فرناز فخری
۰/۸۲۴	۰/۳۹۴	۰/۶۶۰	شریعتی فیض آبادی
۰/۸۱۰	۰/۱۱۵	۰/۵۵۲	شریعتی فیض آبادی
۰/۹۳۴	۰/۷۶۰	۰/۸۷۳	کنستانتین
-۰/۶۶۴	-۰/۹۶۳	-۰/۸۸۳	ولادمیر آندریف
۰/۴۰۴	۰/۳۲۴	۰/۳۶۵	اثرات ترکیبی ثابت
۰/۵۶۶	۰/۲۳۷	۰/۴۱۵	اثرات ترکیبی تصادفی

جدول ۲ نشان می دهد که تمام مطالعات مورد بررسی با احتمال ۰/۹۵ درصد معنادار هستند. بزرگترین مقدار اندازه اثر مربوط به مطالعه ولادمیر آندریف (۲۰۱۳) و کوچکترین آن مطالعه کاوتسس (۲۰۰۸) می باشد. علاوه بر آن، نمودار انباشت پراکندگی رابطه برآورد اندازه اثر میزان رابطه عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی در رویدادهای بزرگ، بر اساس اندازه اثر با رویکرد هانتراشمیت به روش تصادفی برای ۱۶ مطالعات مربوطه نیز بصورت بصری برآورد هر مطالعه و حدود اطمینان ۹۵ درصدی را نشان می دهد.

نمودار ۱: انباشت برآورد اندازه اثر رابطه عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی بر اساس اندازه اثر با رویکرد هانتراشمیت



در نمودار ۱، برآورد هر مطالعه با یک مربع سیاه رنگ و حدود اطمینان ۹۵ درصدی برآورد با یک خط عرضی نمایش داده شده است که در واقع اندازه مربع های سیاه مقدار وزن هر مطالعه را نشان می دهد. خط عمودی منقطع که منطبق بر محور عمودی لوزی برآیند مطالعات (اندازه اثر ترکیبی) را نشان می دهد. دیگری خط ممتد که مبین فرضیه صفر می باشد. اگر این خط دامنه اطمینان مطالعه ای را قطع کند آن مطالعه از نظر آماری معنادار نیست.

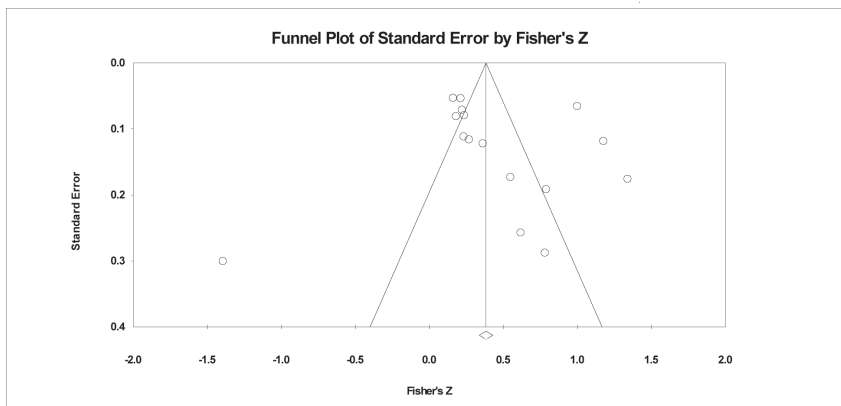
بخشی از هر فراتحلیل ارزیابی سوگیری انتشار^۱ است که ناشی از انتشار پژوهش های چاپ شده (معنادار) و عدم انتشار پژوهش های چاپ نشده (غیرمعنادار) و انواع خطاها می باشد. هر فراتحلیلی به نوبه خود، به سبب ملاک های انتخاب و حذف برخی مطالعات، مقداری سوگیری دارد. در این پژوهش به منظور بررسی تورش انتشار از آزمون ایگر بهره گرفته شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون آماری ایگر مربوط به تورش انتشار برآورد اندازه اثر رابطه عوامل اقتصادی و عملکرد

آماره	ضریب	خطای معیار	T	درجه آزادی	p	فاصله اطمینان
عرض از مبدا	۱/۵۴۴	۲/۲۴۷	۰/۶۸۷	۱۴	۰/۵۰۳	۶/۳۶۳ -۳/۲۷۵

در صورت عدم وجود سوگیری در انتشار نتایج باید مقدار عرض از مبدا به سمت صفر میل کند و از مبدأ مختصات عبور کند. لذا در صورتی که فاصله اطمینان عدد صفر را در بر نگیرد، سوگیری انتشار وجود دارد. نتایج آزمون ایگر نشان داد که در انتشار نتایج سوگیری رخ داده و این سوگیری از نظر آماری با احتمال ۹۵ درصد معنادار می باشد که نمودار قیفی نامتقارن نیز به صورت دیداری نشان می دهد که تورش انتشار رخ داده است.

نمودار ۲: نمودار قیفی مربوط به سوگیری انتشار برآورد اندازه اثر میزان رابطه عوامل اقتصادی و عملکرد



نتایج جدول ۳ و نمودار ۲ مطالعات پژوهش حاضر، حاکی از این مطلب است که مطالعات مربوط به رابطه عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی در رویدادهای بزرگ، دارای سوگیری انتشار می باشد. در نتیجه، در تعمیم نتایج باید محتاط بود.

بنابراین از مدل اثرات تصادفی بجای مدل اثرات ثابت برای برآورد اندازه اثر ترکیبی استفاده می گردد که در جدول ۴ نتایج فراتحلیل رابطه عوامل اقتصادی بر عملکرد ورزشی در رویدادهای بزرگ، نشان داده شده است.

جدول ۴: یافته های فراتحلیل رابطه عوامل اقتصادی و عملکرد به روش ترکیب اندازه اثر

آماره های فراتحلیل فرض پژوهش	تعداد مطالعه	تصادفی اثرات ترکیبی	سطح معناداری (ES)	تصادفی ۹۵٪ اندازه اثر	فاصله اطمینان	آزمون همگنی: χ^2 مقدار	χ^2 درجه آزادی	χ^2 سطح معناداری	I^2	τ^2
رابطه عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی	۱۶	۰/۴۱۵	۰/۰۰۱ <	۰/۲۳۷ ۰/۵۶۶		۲۴۵/۹۸۸*	۱۵	<۰/۰۰۱	۹۳/۹۰۲	۰/۱۴۴

* ناهمگن در سطح ۰/۰۵ (معنادار بودن آن ناخالص بودن رابطه بین دو متغیر و نیاز به بررسی اثر متغیرهای مداخله گر را تایید می کند)

نتایج حاصل از جدول ۴، نشان می دهد که میانگین اندازه اثر (اثرات ترکیب تصادفی) رابطه عوامل اقتصادی و عملکرد در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۴۱۵ می باشد. از آنجا که اندازه اثر برآورد شده با احتمال ۹۵ درصد معنادار می باشد، لذا بین عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی کشورها رابطه وجود دارد. بر اساس جدول کوهن (۱۹۷۷) این رابطه در حد بالا ارزیابی می شود. پس می توان نتیجه را با اطمینان بالا تعمیم داد. همچنین، آزمون ناهمگنی (X^2) دارای مقادیر معنادار است و از طرفی برای بررسی همگنی مطالعات از دو شاخص دیگر نیز بهره می گیرند که عبارت اند از: I^2 و t^2 . هر چه مقدار این شاخص به عدد صد نزدیک گردد، دلیل بر ناهمگنی مطالعات می باشد که در این مطالعه هر سه شاخص بیانگر ناهمگنی تحقیقات مورد بررسی می باشد و ناهمگن بودن مطالعات نشان می دهد که متغیرهای مداخله گر بین دو متغیر عوامل اقتصادی و عملکرد وجود دارد. جهت ارزیابی عوامل ایجاد کننده ناهمگونی از مدل فرا رگرسیون استفاده گردید. برای دست یابی به این مهم، سال انجام مطالعات و اندازه نمونه به عنوان عوامل محتمل ایجاد کننده ناهمگونی از عوامل مختلف در مدل وارد شدند که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج متارگرسیون در ایجاد ناهمگونی برآورد اندازه اثر رابطه عوامل اقتصادی و عملکرد

آماره	ضریب رگرسیون	عرض از مبدا	خطای معیار	z	p
اندازه نمونه	-/۰۰۱	۰/۵۹۹	۰/۰۰۰۲	-۴/۷۳	<۰/۰۰۱
سال	-۰/۰۰۱	۲/۵۴۴	۰/۳۸۲	۶/۶۴۹	<۰/۰۰۱

یافته های فراگرسیون نشان می دهد که متغیر اندازه نمونه و سال مطالعات با احتمال ۹۵ درصد معنادار می باشد. بنابراین، متغیر اندازه نمونه و سال به عنوان یک متغیر تعدیل کننده بین متغیر عوامل اقتصادی و عملکرد ورزشی عمل می کند. پس می توان گفت حجم عوامل اقتصادی و زمان به عنوان متغیرهای تعدیل کننده، اثر بخشی عوامل اقتصادی بر عملکرد ورزشی کشورها در رویدادهای بزرگ را تحت تأثیر قرار می دهند و بیانگر آن اند که هر چه تعداد عوامل اقتصادی کم تر باشد، میزان اثربخشی عوامل اقتصادی بیشتر می شود و هر چه قدر زمان بیشتر باشد، میزان اثر بخشی عوامل اقتصادی زیاد تر می گردد.

بحث و نتیجه گیری

این مطالعه با عنایت به پیشینه نظری و سوابق پژوهشی در حوزه عملکرد ورزشی کشورها طراحی شده است. در این پژوهش سعی بر آن بوده است که با استفاده از روش فراتحلیل، میزان ارتباط بین عامل اقتصادی با عملکرد ورزشی کشورها در رویدادهای ورزشی مشخص گردد. در فراتحلیل، ابتدا داده ها از منابع اولیه استخراج، سپس با یکدیگر ترکیب می شوند و سرانجام یک کل جدید حاصل می شود. در روش فراتحلیل، پژوهشگر با ثبت ویژگی ها و یافته های توده ای از پژوهش ها در قالب کمی، آنها را آماده استفاده از روش های نیرومند آماری می کند. بدین منظور برای انجام مطالعه، فهرستی جهت جمع آوری داده های مربوط به پژوهش های انجام شده در خصوص موضوع تهیه گردید که با توجه به متغیرهای کلیدی و سؤال پژوهش، مورد استفاده قرار گرفت. تعداد ۲۰ نمونه (۱۶ مطالعه قابل بررسی) از پژوهش های انجام شده در خصوص عملکرد ورزشی کشورهای مختلف انتخاب گردید. روش اجرای پژوهش نیز بنا بر ملاحظات نظری و روش شناختی، با ترتیب خاصی صورت گرفت و رویکرد مورد استفاده در این پژوهش، رویکرد هانتر و اشمیت (۱۹۷۷) بوده است. نتایج حاصل از سؤال پژوهش حاضر نشان داد عوامل اقتصادی با عملکرد ورزشی کشورها رابطه دارد. بر اساس جدول کوهن (۱۹۷۷) این رابطه در حد بالا ارزیابی می شود. لذا می توان نتیجه را با اطمینان بالا تعمیم داد.

در تبیین این موضوع می توان گفت، افزایش رشد اقتصادی و درآمد می تواند به عنوان عامل تأثیرگذار در شاخص توسعه و مبنایی برای سنجش میزان توسعه یافتگی در نظر گرفته شود. به عبارتی، شاخص هایی مانند افزایش انباشت سرمایه و به تبع آن رشد سرمایه گذاری و رشد تولید ناخالص ملی می تواند بر بهبود درآمد و عملکرد اقشار مختلف مردم تأثیر قابل توجهی داشته باشد (احمدوند و امیری، ۱۳۸۸). از طرفی، جیانگ و همکاران (۲۰۱۰)، شاخص های اقتصادی را به عنوان "بنیادی ترین عامل اثرگذار بر توسعه ورزش" معرفی کرده اند. یک جامعه ثروتمند قادر به تخصیص مبلغ بیشتری از منابع به توسعه زیرساخت های ورزشی (برای مثال، استادیوم ها، تجهیزات و مربیگری حرفه ای) است که ایجاد و توسعه استعداد ورزشی بیشتری را در کشور به همراه خواهد داشت، چرا که بهبود وضعیت اقتصادی، با افزایش سطح رفاه مردم و این موضوع بالتبع، با افزایش تقاضای مردم برای ورزش همراه است که باعث شکوفایی هرچه بیشتر استعدادهای و در نهایت، قهرمان پروری در آن کشور می شود (جیانگ، ۲۰۱۰؛ هافمن و همکاران، ۲۰۰۴؛ لوئیز و فادال، ۲۰۱۰). تحقیقات زیادی در این زمینه انجام شده است که اکثر آنها، تولید ناخالص داخلی یا ملی یک کشور را مهم ترین عامل مؤثر بر میزان موفقیت یک کشور در بازی های المپیک گزارش کرده اند (جانسون و علی، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴؛ راتک و ویتک، ۲۰۰۸؛ کاستونکا و اسکوریچ، ۲۰۱۱). بسیاری از کشورها نشان داده اند که افزایش بودجه ورزش قهرمانی می تواند منجر به افزایش کسب مدال ها در بازی های المپیک شود (هافمن، جینگ

و راماسامی^۱، ۲۰۰۴). درآمد بیشتر، ممکن است به کشور این اجازه را دهد تا در ورزش ها تخصصی شوند، ورزشکاران بهتری را آموزش دهند مراقبت های بهداشتی بهتری ارائه دهند، گروه های زیادی را به مسابقات اعزام نمایند- همانطور که کشورهایی با توسعه اقتصادی بالا از جمله ایالات متحده، آلمان، فرانسه، بریتانیا و استرالیا در ورزش قهرمانی نیز توسعه یافته اند و همین میزان بر عملکرد آن ها در بازی های المپیک نیز اثر گذار می باشد (هافمن و همکاران، ۲۰۰۴).

تحقیق حاضر، در قالب طرح فراتحلیل، هنوز مورد توجه پژوهشگران داخلی قرار نگرفته است. لذا پژوهش حاضر می تواند توجه پژوهشگران داخلی را به این موضوع و همچنین انجام فراتحلیل هایی مرتبط با سایر متغیرهای تأثیرگذار بر عملکرد ورزشی در رویدادهای بزرگ همچون: جمعیت، میزبانی، هزینه سلامت و... جلب نماید. در سطح کاربردی نیز می توان با مورد توجه قرار دادن تأثیرگذاری عامل اقتصادی در عملکرد ورزشی، این موضوع را هم در سطح ملی و هم در سطح استانی مد نظر قرار داد. چنانکه گفته شد، استدلال های زیادی حاکی از همبستگی مثبت بین ثروت ملی یک ملت و موفقیت در المپیک وجود دارد. یک کشور ثروتمند قادر به تخصیص مبلغ بیشتری از منابع به توسعه زیرساخت های ورزشی (مانند استادیوم ها، تجهیزات و مربیگری حرفه ای) است. این کار، ایجاد و توسعه استعداد ورزشی بیشتری در آن کشور را تسهیل خواهد کرد. علاوه بر این، سطح توسعه، تعیین کننده توانایی کشور در تأمین بودجه بین المللی در حد رویدادهای ورزشی مانند بازی های المپیک است که اثر مستقیم بر روی موفقیت کشورها دارد. به طور مشابه، توسعه اقتصادی نقش مثبتی در سلامت جسمانی یک جامعه دارد که به نوبه خود ممکن است دستاوردهای ورزشی را تحت تأثیر قرار دهد. تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است که افزایش بودجه ورزش قهرمانی می تواند به افزایش کسب مدال ها در بازی های المپیک منجر شود (تچا و پرشین، ۲۰۰۳؛ هافمن، ۲۰۰۴).

منابع

- احمدوند، محمدرحیم و امیری، نعمت اله (۱۳۸۸) "نگاهی به شاخص توسعه انسانی و جایگاه ایران در برخورداری از توسعه انسانی در مقایسه با سایر کشورها". بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی. شماره های ۸۹ و ۹۰.
- سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۲) "طرح جامع ورزش کشور، مطالعه تفصیلی توسعه ورزش قهرمانی". مرکز ملی مدیریت و توسعه ورزش.
- شریعتی فیض آبادی، مهدی و همکاران (۱۳۹۰) "بررسی ارتباط میان شاخص های جمعیتی-اقتصادی با میزان موفقیت کشورهای آسیایی حاضر در بازی های المپیک ۲۰۰۸ پکن". ششمین همایش ملی دانشجویان تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران، تهران.
- شریعتی فیض آبادی، مهدی؛ خبیری، محمد و نصیری، خسرو (۱۳۹۱) "ارتباط بین شاخص های جمعیتی-اقتصادی با میزان موفقیت کشورهای شرکت کننده در بازی های آسیایی ۲۰۱۰ گوانگجو". همایش ملی تربیت بدنی کاربردی و علوم ورزشی، تفت.
- صادقی آرانی، زهرا و میرغفوری، حبیب اله (۱۳۸۸) "تجزیه و تحلیل وضعیت توسعه یافتگی ورزشی استان های ایران طی سال های ۸۵-۱۳۸۴". پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۲۴، پاییز، صص ۱۲۰-۱۰۳.
- عسکریان، فریبا (۱۳۸۳) "بررسی وضعیت اقتصادی صنعت ورزش ایران ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ با تکیه بر تخمین (GDSP)". رساله دکتری مدیریت و برنامه ریزی ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران.
- فخری، فرناز (۱۳۹۱) "بررسی عوامل مؤثر بر توسعه و عملکرد ورزش قهرمانی در ایران". پایان نامه کارشناسی ارشد، مدیریت و برنامه ریزی ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۷) راهنمای عملی فرا تحلیل در پژوهش علمی. تهران: انتشارات سمت
- Andreff, W. (2001) **The correlation between economic underdevelopment and sport**: European Sport Management Quarterly, 1(4), pp. 251 - 279.
- Andreff, W., Andreff, M. (2013) **Economic Prediction of Medal Wins at the 2014 Winter Olympics**, University of Economics, Prague
- Bernard, A. B. and Busse, M. R. (2004) **Who Wins the Olympic Games: Economic Resources and Medal Totals**, the Review of Economics and Statistics, 86(1), pp. 413-511.
- Bian, X. (2003) **Predicting Olympic Medal Counts: the Effects of Economic Development on Olympic Performance**: The Park Place Economist, Vol. 22, pp. 44-37.
- Carr, A.B. (2002) **Systematic reviews of the literature: The overview and meta-analysis**, Dental Clinics of North America, 46, 79-86.
- Churilov, L. and Flitman, A. (2006) **Towards fair ranking of Olympics achievements: the case of Sydney 2000**, Computers and Operations Research, 33(7), pp. 2057-2082.
- Cohen, J. (1977) **Statistical Power Analysis for the Behavioral Sciences**, Revised ed., NY: Academic Press.
- Constantin, O, V., Cristiana, S, I. (2014) **The Relation between Monetary**

Integration, the Economic Development of the Euro Area and Sports Performance, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Volume 117, Pages 715-723.

- Čustonja, Z. and Škorić, S. (2011) **Winning Medals at the Olympic Games -Does CROATIA Have Any Chance**: Kinesiology 43(1), pp.107-114.
- Hoffmann, R., Ging, L. C. and Ramasamy, B. (2002) **The Socio-Economic Determinants of International Soccer Performance**: Journal of Applied Economics, 5(2), pp. 253-272.
- Hoffmann, R., Ging, L.C., Ramasamy, B. (2004) **Olympic Success and ASEAN Countries, Economic Analysis and Policy Implications**. JOURNAL OF SPORTS ECONOMICS, Vol. 5 No. 3, August 2004 262–276.
- Johnson, D. K. and Ali, A. (2004) **A Tale of Two Seasons: Participation and Medal Counts at the summer and Winter Olympic Games**, Social Science Quarterly, 85(4), pp. 974-993.
- Johnson, D.K.N., & Ali, A. (2000) **A tale of two seasons: Participation and medal counts at the summer and Winter Olympic Games**. Social Science Quarterly, 85, 974 - 993.
- Kavetsos, G., Szymanski, S. (2008) **National Wellbeing and International Sports Events**, North American Association of Sport Economists, Working Paper Series, No. 80-84.
- Krishna, A. & Haglund, E. (2008) **Why do some countries Win More Olympic Medals? Lessons for Social Mobility and poverty reduction**: Economic & Political Weekly, pp. 151-143.
- Kuper, G. H. and Sterken, E. (2001) **Olympic Participation and Performance since 1896**, Mimeo. Department of Economics, University of Groningen.
- Li, Sh., Blake, A., Thomas, T. (2013) **Modelling the economic impact of sports events: The case of the Beijing Olympics**, Economic Modelling, Volume 30, Pages 235-244.
- Lui, H.K., & Suen, W.C. (2008) **Men, money, and medals: An econometric analysis of the Olympic Games**. Pacific Economic Review, 13 (1), pp. 1-16.
- Luiz, J. and Fadal, R. (2011) **An economic analysis of sports performance in Africa**: International Journal of Social Economics, Vol. 38 Iss: 10, pp.869 – 883.
- Matros, A., & Namoro, S.D. (2004) **Economic incentives of the Olympic Games** /on-line/. Retrieved January 15, 2008 from: <http://ssrn.com/abstract=588882>.
- Nauright. (2004) **Global Games: Culture, Political, Economy and Sport in the Globalized World of the 21st Century**. Third World Quarterly, 25(7), pp. 1325-1336.
- Poupaux, S. (2004) **Performances Economiques ET Succès Olympiques: UN réexamen**. Version préliminaire présentée au Séminaire du ROSES, le 23 Février 2004.
- Rathke, A. and Woitek, U. (2008). **Economics and the Summer Olympics: An Efficiency Analysis**: Journal of Sports Economics, 9(5), pp. 520-537.
- Roberts, G. (2006) **Accounting for achievement in Athens: A count data analysis**

of national Olympic performance /on-line/. Retrieved January 20, 2008 from: <http://web.uvic.ca/econ/ewp0602.pdf>.

- Saaty, T.L. (2008) **Who Won the 2008 Olympics? A Multicriteria Decision of Measuring Intangibles**. University of Pittsburgh.
- Swinnen, J., Vandemoortele, T. (2008) **Sports and Development: An Economic Perspective on the Impact of the 2010 World Cup in South Africa**. LICOS Centre for Institutions and Economic Performance Katholieke Universiteit Leuven.
- Tcha, M., Pershin, V. (2003) **Reconsidering Performance at the Summer Olympics and Revealed Comparative Advantage**. Journal of Sports Economics, 4(3), pp. 216-239.
- Thabane, L. (2004) **An Overview of meta- analysis: methodological issues in randomized Clinical trials**. Mc Master University.
- Vagenas, G., Vlachokyriakou, E. (2012) **Olympic medals and demo-economic factors: Novel predictors, the ex-host effect, the exact role of team size, and the “population-GDP” model revisited**, Sport Management Review, Volume 15, Issue 2, Pages 211-217.
- Wolf, F. (1986) **Meta-Analysis: Quantitative Methods for Research synthesis**. Beverly Hills, CA: sage.

عوامل زمینه ای موثر بر موفقیت کسب و کارهای متوسط و کوچک ورزش کشور

فرزاد نوبخت^۱
محمد احسانی^۲
هاشم کوزه چیان^۳
مجتبی امیری^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۳/۱۹

هدف اصلی این تحقیق، تحلیل عوامل زمینه ای موفقیت کسب و کارهای ورزشی بود. روش تحقیق از نوع میدانی و جامعه آماری تحقیق کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی کشور ($N=1500$) بودند که تعداد ۳۰۶ شرکت به صورت نمونه انتخاب گردید. اطلاعات مورد نیاز، از طریق پخش پرسشنامه محقق ساخته در بین مدیران شرکتها، جمع آوری و با استفاده از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل بازاریابی، طرح کسب و کار، حمایت دولت، شبکه سازی، آمادگی کارآفرینی، تکنولوژی، دسترسی به اطلاعات، دسترسی به سرمایه و قانونمندی از عوامل زمینه ای موفقیت کسب و کار ورزشی در ایران می باشد. نتایج به دست آمده پیشنهاد می کند که صاحبان این کسب و کارها جهت نیل به موفقیت، باید به طرح کسب و کار مناسب، بهبود فعالیت های بازاریابی، شبکه سازی، استفاده از حمایت دولتی، توسعه تکنولوژی و بهبود سطح آمادگی کارآفرینی توجه داشته باشند. همچنین، نهادهای دولتی و دانشگاه ها در زمینه استفاده از اطلاعات و کاربرد سرمایه ها می توانند در این زمینه موثر واقع شوند. بهبود قوانین بروکراسی مربوط به کسب و کارهای کوچک و متوسط به موفقیت کسب و کار ورزشی کمک می کند.

واژگان کلیدی: کسب و کارهای کوچک و متوسط (SMEs)، کسب و کار ورزشی و موفقیت

E-mail: nobakht.farzad@yahoo.com

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

۴. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

مقدمه

موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط در هر کشوری، اثرات قابل توجهی بر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن دارند. اکثر محققان روی توسعه اقتصادی ناشی از کسب و کار توافق دارند و اهمیت اقتصادی آن را قبل از هر مورد دیگری بیان می‌کنند. با رقابتی شدن محیط کسب و کار، شانس موفقیت تصادفی افراد در این حوزه کمتر می‌شود. پس لازم است علل و عوامل موفقیت کسب و کارهای موجود بررسی و بر اساس همین اطلاعات مسیر مناسبی برای موفقیت در کسب و کار انتخاب گردد. به کارگیری روش‌های سنتی و قدیمی، کمبود سرمایه، تکنولوژی نامناسب و محدودیت‌های داخلی باعث می‌شود حتی برخی از کسب و کارها تعطیل شوند (سوئرچک و ها، ۲۰۰۳؛ مید و لیدهولم، ۱۹۹۸). تحول محیط‌های رقابتی کسب و کار، صاحبان و مدیران این حوزه را با چالش‌های متعددی روبرو می‌سازد. مدیران این کسب و کارها باید از یک طرف، توان رقابتی و توسعه داشته باشند و از طرف دیگر، از ایجاد هزینه‌های اضافی خودداری کنند. در حال حاضر، تحقیقات کمتری پیرامون بررسی عوامل موفقیت در کسب و کارهای کوچک و متوسط صورت گرفته است و به ویژه در حوزه ورزش با احتیاط می‌توان گفت که پژوهشی در این زمین صورت نگرفته است. این در حالی است که ورزش یکی از زمینه‌های بسیار مناسب برای کارآفرینی در کشور ما معرفی شده است (فروغی پور، کاظمی، ۱۳۹۰).

اینک، افزایش فارغ التحصیلان دانشگاهی، تنوع نیازها و مناسب نبودن وضعیت کسب و کارهای امروزی باعث شده که خیلی از علاقمندان این حوزه توان ورود به این بخش را نداشته باشند و حتی صاحبان کسب و کارهای ورزشی به دلایلی متعدد از قبیل تورم و رکود اقتصادی، داوطلبانه از محیط رقابتی خارج می‌شوند. با این حال افرادی نیز هستند که استواری خود را با کسب موفقیت در محیط امروزی به نمایش می‌گذارند. با توجه به نیاز موجود، علاقه پژوهشگران و نبود فعالیت تحقیقی در این زمینه، نتایج تحقیق حاضر برای موفقیت در حیطه کسب و کارهای ورزشی، انجام پژوهش‌های جدید و ایجاد زمینه ارتباط علم با صنعت در ورزش می‌تواند موثر واقع شود. در این مقاله، عوامل زمینه‌ای موثر بر موفقیت کسب و کارهای ورزشی مورد تحلیل قرار گرفته است.

تا کنون تحقیقات گسترده‌ای توسط روان‌شناسان و اقتصاددانان در مورد توصیف و پیش‌بینی موفقیت کارآفرینان انجام گرفته است و آنان سعی کرده‌اند با استفاده از سطوح مختلفی از تحلیل، به درک بهتری از موفقیت کارآفرینان برسند، اما هنوز نتوانسته‌اند به یک تعریف مشترک از موفقیت کارآفرینانه برسند (گرجی‌سکی و آسکلون، ۲۰۰۶). تعریف شغلی از موفقیت بر اساس شاخص‌های سختی چون: سود، برگشت سرمایه و رشد کارمندان اگرچه صحیح است، اما مطالعات نشان می‌دهد که رسیدن به ثروت، رشد مداوم و گسترش بازار در تعریف موفقیت کارآفرینان ناکافی می‌باشد (لوک و بائوم، ۲۰۰۴). بنابراین، در این تحقیق موفقیت کسب و کار بر اساس ادراک مدیریت تعیین شد.

استروی (۱۹۹۴) با مطالعه جامع کسب و کارهای کوچک و تحلیل رشد آنها به این نتیجه رسید که سه دسته عوامل می‌تواند در رشد و موفقیت کسب و کارهای متوسط و کوچک موثر باشد:

- ۱- ویژگی‌های فرد کارآفرین شامل سن، جنس، زمینه شخصی مثل تجربه مرتبط با شغل و تحصیلات؛
- ۲- ویژگی‌های خود کسب و کار مثل پیدایش کسب و کار، مدت زمان عملیاتی شدن، اندازه موسسه و

1. Swierczek and Ha
2. Mead and Liedholm
3. Gorgiveski and Ascalon
4. Baum and Locke

منبع سرمایه؛

۳- متغیرهای زمینه ای که به صورت سیستمی یا با عنوان "استراتژی" در هر کسب و کاری بوجود می آید. در این تحقیق، عوامل زمینه ای بررسی شده است. عوامل زمینه ای، قابل کنترل بوده و فرد کارآفرین با ایجاد این عوامل و یا بهبود آنها می تواند نقش اساسی در توسعه کسب و کار خود داشته باشد. این عوامل شامل مباحث بازاریابی، تکنولوژی، دسترسی به اطلاعات، آمادگی کارآفرینی، شبکه اجتماعی، قانونمندی، حمایت دولت و طرح کسب و کار می باشد که با تاکید بر ادبیات تحقیق در جدول ۱ آورده شده اند.

جدول ۱: مروری بر ادبیات تحقیق در زمینه عوامل زمینه ای موفقیت کسب و کار

سازه های تحقیق	عامل مورد نظر	محقق و سال
عوامل زمینه ای موفقیت کسب و کار کوچک و متوسط	بازاریابی	اعرابی و همکاران (۱۳۸۶)، عباسی و همکاران (۱۳۸۸)، قاضی ثمری و رسول زاده (۱۳۸۷)، اسلاتر و نارور، زاده (۱۳۸۲) (۲۰۰۰) دیوانداری و همکاران (۱۳۸۷) معماری (۱۳۸۶)، ریلیانگ (۲۰۰۷)
	حمایت دولت	ثمری طالبی و همکاران (۱۳۸۷)، انصاری و همکاران (۱۳۸۸)، و رسول زاده (۱۳۸۷)، مرادنژادی و همکاران (۱۳۸۷)
	تکنولوژی	انصاری و همکاران (۱۳۸۸)، زعفریان و ثمری و رسول زاده (۱۳۸۷)، فتحی همکاران (۱۳۸۵)، و صفی (۱۳۸۸)، سیاهی و سیمونی (۲۰۰۵) عمید و زاده (۱۳۸۴)، غمخواری (۱۳۸۸) ملک
	دسترسی به سرمایه	آراستی و همکاران (۱۳۸۷)، آقازاده و همکاران (۱۳۸۶)، جیمز ساندی (۲۰۱۱)
	دسترسی به اطلاعات	عباسی و همکاران (۱۳۸۸)، مانیان (۱۳۸۸)، آراستی و همکاران (۱۳۸۸)، مارتین و رایت (۲۰۰۵)، آبروین و آندرسون (۲۰۰۸)، گیلانین و همکاران (۲۰۱۲)
	شبکه سازی	عباسی و همکاران (۱۳۸۸)، استاث اوپولو و همکاران (۲۰۰۴)، کریستیانسن (۲۰۰۴)، محمدی الیاسی و همکاران (۱۳۹۰)، اخوان صراف، احمد رضا (۱۳۸۶).
	قانونی بودن	دوح (۲۰۰۳)، مازارول و چو (۲۰۰۳)
	طرح کسب و کار	زوت و آمیت (۲۰۰۲)، لیندر و کانترل (۲۰۰۱)، شافر و همکاران (۲۰۰۵)
	آمادگی کارآفرینی	بیزینگ و همکاران (۲۰۰۹)، مقیمی و همکاران (۱۳۸۸)، رهنمائی و همکاران (۱۳۸۸)، مرادنژادی و همکاران (۱۳۸۷)، ابارا و همکاران (۲۰۰۸)، بورگس (۲۰۰۷)، یحیی و (۱۳۸۴) سجادی زاده و همکاران (۲۰۱۱) مهرعلی

بر همین اساس، اثر عوامل یاد شده بر موفقیت کسب و کار های کوچک و متوسط ورزشی کشور سنجیده شد.

روش شناسی پژوهش

روش مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر محل اجرا میدانی و از نظر استراتژی، از نوع توصیفی و پیمایشی است که با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بر اساس پیشینه تحقیق و روانی قابل قبول - طبق نظر کارشناسان حوزه مدیریت ورزش و کارآفرینی - انجام گرفت: به طوری که ابتدا یک مطالعه مقدماتی در جامعه مشابه انجام شد و پایانی آن با (آلفا=۸۷ درصد) با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید قرار گرفت. بازاریابی شامل ۴ گویه، طرح کسب و کار ۳ گویه، حمایت دولت ۴ گویه، شبکه سازی اجتماعی ۳ گویه، دسترسی به اطلاعات ۶ گویه، دسترسی به سرمایه ۳ گویه، عوامل آمادگی کارآفرینی یا مهارت ها ۴ گویه، تکنولوژی و قانونمندی ۳ گویه و موفقیت کسب و کار ۴ گویه بودند. جامعه تحقیق حاضر، کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی شامل ۱۵۰۰ شرکت بودند (N) که ۳۰۶ (n) شرکت به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت تحلیل داده ها از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی استفاده شد.

یافته های پژوهش

الف: ویژگی های جمعیت شناختی

آزمودنی های این تحقیق مدیران شرکت های ورزشی بودند که از نظر جنسیتی ۹۳٫۷ درصد آنها مرد (۲۸۷ نفر) و ۶٫۳ درصد آنها زن (۱۸ نفر) می باشند. همچنین، میانگین سنی آزمودنی ها 41 ± 3 سال و سطح تحصیلات آنها ۳۵/۹ درصد (۱۱۰ نفر) فوق دیپلم و دیپلم ۴۵/۷ درصد (۱۴۰ نفر) و بقیه ۱۸/۳ درصد (۵۶ نفر) فوق لیسانس و بالاتر بودند.

از نظر نوع شرکت، ۱۵۲ شرکت (۴۹/۶ درصد) مسئولیت محدود، ۱۷ شرکت (۵/۵ درصد) تعاونی، ۱۳۷ شرکت (۴۴/۹ درصد) سایر بودند.

جدول ۲: توزیع فراوانی شکل کسب و کار افراد شرکت کننده در تحقیق

درصد فراوانی	فراوانی	شکل شرکت
۴۹/۶	۱۵۲	مسئولیت محدود
۵/۵	۱۷	تعاونی
۴۴/۹	۱۳۷	سائر
۱۰۰	۳۰۶	کل

ب: نتایج بارهای عاملی اختصاصی برای زیر سازه ها

نتایج بارهای عاملی اختصاصی برای عوامل مورد بررسی در جدول ۳ ارائه شده است. برای زیر سازه های عوامل زمینه ای با توجه به بارگذاری آیتم ها در زیر عامل مرتبط روایی عاملی (سازه ای) برای این حیطه تایید گردید.

جدول ۳: نتایج بارهای عاملی برای متغیرهای تحقیق

موقعیت	حمایت دولت	کارآفرینی آبادی	طرح کسب و کار	فانومندی	شبکه سازی	دسترسى به اطلاعات	دسترسى به سرمایه	فناوری	بازاریابی	بار
									۰/۶۵۹	q ^۱
									۰/۸۱۷	q ^۲
									۰/۷۵۱	q ^۳
									۰/۷۱۹	q ^۴
								۰/۶۸۹		q ^۵
								۰/۸۷۱		q ^۶
								۰/۸۱۳		q ^۷
								۰/۷۸۳		q ^۸
							۰/۸۲۹			q ^۹
							۰/۸۸۲			q ^{۱۰}
							۰/۸۵۸			q ^{۱۱}
						۰/۷۳۲				q ^{۱۲}
						۰/۸۰۳				q ^{۱۳}
						۰/۸۵۱				q ^{۱۴}
						۰/۶۵۱				q ^{۱۵}
						۰/۵۷۲				q ^{۱۶}
						۰/۳۴۴				q ^{۱۷}
					۰/۲۳۴					q ^{۱۸}
					۰/۷۷۵					q ^{۱۹}
					۰/۸۳۹					q ^{۲۰}
					۰/۷۱۰					q ^{۲۱}
				۰/۷۱۳						q ^{۲۲}
				۰/۸۲۸						q ^{۲۳}
				۰/۷۵۰						q ^{۲۴}
			۰/۶۴۲							q ^{۲۵}
			۰/۸۳۰							q ^{۲۶}
			۰/۸۵۵							q ^{۲۷}
		۰/۷۸۴								q ^{۲۸}
		۰/۹۱۷								q ^{۲۹}

q30										۰/۸۷۷		
q31										۰/۸۱۵		
q32										-۰/۰۲۸		
q33										۰/۸۳۵		
q34										۰/۶۵۵		
q35										۰/۷۶۷		
q36										۰/۵۹۴		
q37										۰/۶۴۱		
q38										۰/۷۳۴		
q39										۰/۷۷۸		
q40										۰/۷۵۷		
q41										۰/۷۶۴		
KMO	۰/۶۸	۰/۷۳	۰/۷۱	۰/۷۷	۰/۶۰	۰/۶۲	۰/۶۰	۰/۶۹	۰/۷۶			
P (Bartlett)	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱
% Variance Explained	۵۴/۶۰	۶۲/۶۸	۷۳/۳۹	۴۶/۲۴	۴۶/۵۸	۵۸/۶۱	۶۱/۰۲	۵۷/۸۳	۵۱/۷۲	۵۴/۲۴		

بر اساس یافته‌های حاصل، کفایت مدل برای هر یک از مقیاس‌های مورد بررسی، تایید شد. به عبارت دیگر، برای آیت‌های مربوط به بازاریابی، فناوری، سرمایه، اطلاعات، شبکه‌سازی، قانونمندی، طرح کسب و کار، آمادگی کارآفرینی، حمایت دولت، و موفقیت (در هر مورد شاخص KMO بزرگتر از ۰/۶ و $P > ۰/۰۰۱$ تایید گردید (جدول ۳).

ارزیابی کفایت مدل برای مدل اکتشافی مرتبه دوم

بر اساس یافته‌های حاصل، کفایت مدل برای هر یک از مقیاس‌های مورد بررسی، تایید شد. به عبارت دیگر، برای حیطه‌های مربوط به عوامل زمینه ای (شاخص KMO بزرگتر از ۰/۶ و $P > ۰/۰۰۱$ و درصد واریانس بیان شده برابر ۳۵/۳۱ درصد) کفایت مدل از طریق پرسشنامه تایید گردید (جدول ۴).

جدول ۴: نتایج مدل اکتشافی مرتبه دوم

حیطه ها	بارهای عاملی
بازاریابی	۰/۵۴۳
فناوری	۰/۵۲۰

۰/۵۸۵	دسترسی به سرمایه
۰/۶۱۳	دسترسی به اطلاعات
۰/۶۳۱	شبکه سازی
۰/۶۳۸	قانونمندی
۰/۷۳۳	طرح کسب و کار
۰/۵۶۴	آمادگی کارآفرینی
۰/۵۰۵	حمایت دولت
۰/۵۷۵	موفقیت
۰/۷۸	KMO
<۰/۰۰۱	P (Bartlett)
۳۵/۳۱	% Variance Explained

۳۱

شاخص‌های برازش

شاخص‌های برازش برای بررسی مناسب بودن مدل تحلیل عاملی تاییدی یا مدل اندازه گیری برای هر یک از سازه‌های عوامل زمینه ای در جدول ۵ ارائه شده است:

جدول ۵: شاخص‌های برازش برای بررسی مناسب بودن مدل تحلیل عاملی تاییدی

Model	χ^2	χ^2/df	P	GFI	AGFI	RMSEA (95% CI)	NFI	RFI	IFI	NNFI	CFI
زمینه‌ها	۱/۵۰	۲۸/۴۰	۰/۰۷۶	۰/۹۷	۰/۹۳	۰/۰۵ (۰/۰۰; ۰/۰۹)	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۹۸	۰/۹۵	۰/۹۸

χ^2 , chi-square; df, degrees of freedom; χ^2/df , normed chi-square; GFI: Goodness of Fit Index; AGFI: Adjusted Goodness of Fit Index; RMSEA, root mean square error of approximation; NFI: Normed Fit Index; RFI: Relative Fit Index; IFI: Incremental Fit Index; NNFI: Non-Normed Fit Index; CFI, comparative

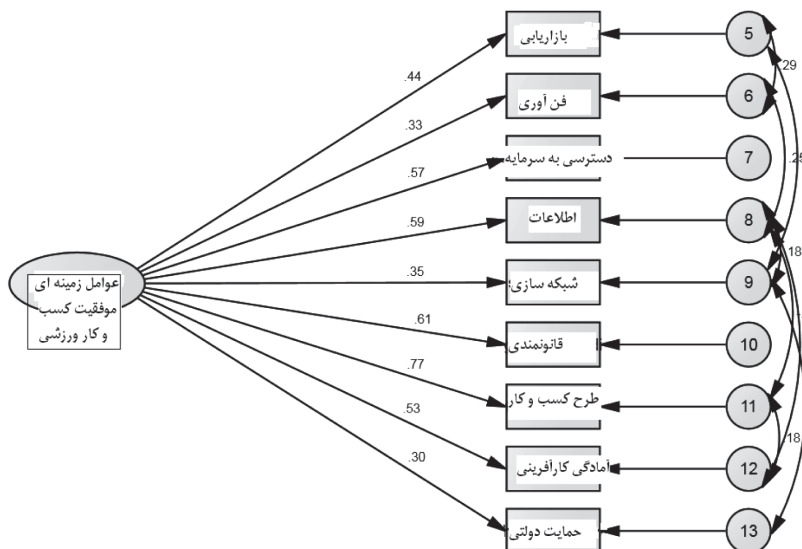
با توجه به مقادیر شاخص‌های ارائه شده برای هر یک از این زیرسازه‌ها، شاخص کای دو به درجه آزادی آن کوچکتر از ۵ بود که برازش مدل‌ها را تایید کرد. همچنین، شاخص‌های برازش GFI، AGFI، NFI، NNFI، RFI، IFI و CFI بزرگتر از ۰/۹، RMSEA نیز کوچکتر از ۰/۰۸ به دست آمد که اعتبار

این مدل را تایید نمودند. در نتیجه، این مدل نسبتاً به سطح مطلوبی از برازش دست یافته است و بر اساس آنها می توان ساختار هر یک از زیرسازه ها را تایید کرد.

دیاگرام مسیری با ضرایب استاندارد برای سازه زمینه ها

ضرایب استاندارد تحلیل عاملی تاییدی برای سازه عوامل زمینه ای موفقیت در شکل ۱ ارائه شده است:

شکل ۱: ضرایب استاندارد تحلیل عاملی تاییدی برای سازه عوامل زمینه ای موفقیت کسب و کار ورزشی



بررسی معنی داری ضرایب تحلیل عاملی تاییدی

نتایج این بررسی در جدول ۶ ارائه شده است:

جدول ۶: بررسی معنی داری ضرایب تحلیل عاملی تاییدی

			Estimate	S.E.	C.R.	Estimate	P
بازاریابی	<---	عامل زمینه ای	۱/۰۰۰	--	--	۰/۴۳۹	--
فناوری	<---	عامل زمینه ای	۰/۸۶۴	۰/۲۱۰	۴/۱۰۹	۰/۳۳۰	<۰/۰۰۱
دسترسی به سرمایه	<---	عامل زمینه ای	۱/۷۷۸	۰/۳۴۶	۵/۱۳۴	۰/۵۶۶	<۰/۰۰۱
دسترسی به اطلاعات	<---	عامل زمینه ای	۱/۲۷۱	۰/۲۷۱	۴/۶۹۴	۰/۵۸۷	<۰/۰۰۱
شبکه سازی	<---	عامل زمینه ای	۱/۰۳۳	۰/۲۹۳	۳/۵۳۰	۰/۳۵۲	<۰/۰۰۱
قانونمندی	<---	عامل زمینه ای	۱/۴۵۵	۰/۲۷۴	۵/۳۱۷	۰/۶۱۱	<۰/۰۰۱
طرح کسب و کار	<---	عامل زمینه ای	۱/۸۳۳	۰/۳۴۴	۵/۳۲۵	۰/۷۶۸	<۰/۰۰۱

آمادگی کارآفرینی	<---	عامل زمینه ای	۱/۳۴۳	۰/۳۰۱	۴/۶۶۶	۰/۵۳۱	<۰/۰۰۱
حمایت دولت	<---	عامل زمینه ای	۰/۷۶۳	۰/۲۲۱	۳/۴۵۵	۰/۳۰۲	<۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول ۶، همه ضرایب تحلیل عاملی تاییدی برای این سازه ها معنی دار بودند ($P < 0/05$) برای همه موارد).

بحث و نتیجه گیری

اولین گام برای توسعه کسب و کارهای ورزشی، شناخت عوامل موثر بر موفقیت آنهاست. بدون موفقیت امکان استمرار این کسب و کارها به حداقل می رسد. از سوی دیگر، رشد و توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط در راستای فعالیت چرخه اقتصادی اجتناب ناپذیر می باشد. براساس نتایج بدست آمده در این تحقیق، ابعاد دسترسی به سرمایه و اطلاعات مخالف با تحقیق (کریستیانسن، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۲؛ دوح، ۲۰۰۳؛ سوئرجک و ها، ۲۰۰۳) همچنین، قانونی بودن با موفقیت کسب و کارهای تجهیزات و لوازم ورزشی ارتباط معنی داری دارند. به نظر می رسد عاملی مثل قانون و مقررات مزیت هایی را برای کسب و کارها ایجاد می کند و به این دلیل از دیدگاه مدیران کسب و کار، در موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی مهم و اثرگذار می باشد که موافق با تحقیقات انجام شده توسط (دوح، ۲۰۰۳؛ کریستیانسن و همکاران، ۲۰۰۳؛ مازارول و چو، ۲۰۰۳) می باشد؛ یعنی، مدیران شرکت ها قانونی بودن را بستری برای موفقیت خود تعریف می کنند. بدین ترتیب، مقررات دولتی باید طوری تنظیم شوند که اطاعت از آن ها باعث مزیت رقابتی شود و شرکت ها منافع خود را در بکارگیری مقررات و اعمال قانون لمس کنند. در مورد ارتباط دسترسی به سرمایه و اطلاعات با موفقیت، به نظر می رسد شرایط غیر قابل پیش بینی در بازار ایران، اعتماد مدیران را نسبت به این منابع با ارزش را تعدیل نموده است و بسیاری از مدیران در پرسش باز اذعان داشته اند که شرایط بازار ایران غیرقابل پیش بینی می باشد و نمی توان به اطلاعات گذشته اعتماد کرد. همچنین، ماهیت اقتصادی و فضای کشور ممکن است نقش این عوامل را در موفقیت کسب و کار ورزشی کمرنگ کند. اگر چه اطلاعات نقش مهمی را در موفقیت کسب و کار دارد، ولی توانایی استفاده از آن به مدیر کسب و کار بستگی دارد. در شرایط کنونی زیرساخت اطلاعاتی کشور نیز برای کارآفرینان مناسب نمی باشد. ارتباط عوامل زمینه ای دسترسی به اطلاعات، سرمایه و قانونی بودن از دیدگاه مدیران کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی با موفقیت معنی دار و مثبت نشان داده شده است. در ادبیات تحقیق نیز دلایل کافی برای این امر آورده شده است. برای مثال، نداشتن سرمایه، از موانع خلأیت در کسب و کار عنوان شده است. همچنین، اطلاعات جدید برای رشد و گسترش کسب و کار ضروری ارزیابی گردیده است. قانونمندی و تدوین نظام حقوقی شفاف، انسجام و بدور از هرگونه بخشی نگری و روزآمدی و حاکم نمودن آن بر محیط کسب و کارها نیز همواره به عنوان یکی از پیش نیازها و زیرساخت های اولیه نهادی در مدل های توسعه کسب و کارها مطرح بوده و هست. عوامل دیگر مورد بررسی در تحقیق همسو با نتایج تحقیقات انجام گرفته از قبیل طرح کسب و کار (اسبورن، ۲۰۰۹)، بازاریابی (ریلیانگ، ۲۰۰۷؛ کریستیانسن و همکاران، ۲۰۰۴)، فن آوری (انجمن اطلاعات و مدیریت تصویری، ۲۰۰۸؛ سوئرجک و ها، ۲۰۰۳)، شبکه اجتماعی (دکلرک و کرون، ۲۰۰۸)، حمایت دولت (مید و لیدهولم، ۱۹۹۸؛ سوئرجک و ها، ۲۰۰۳) و آمادگی کارآفرینی (مک فرسون، ۲۰۰۹؛ پاجریس، ۲۰۰۲) با موفقیت در کسب و کارهای متوسط و کوچک تجهیزات ورزشی ارتباط مستقیم و معنی داری دارد. بر اساس جدول ۱، ادبیات داخلی نیز نتایج یاد شده را تأیید می کنند و چنین عواملی مستقل از اینکه چه فکر و کسب

و کاری داریم می تواند موجب توفیق در این زمینه باشد. امروزه تغییرات سریع، مدیران شرکت ها را مجبور به استفاده از تکنولوژی های کارآمد، روش های بازاریابی نوین، تشخیص مسیر تحول با استفاده از طرح کسب و کار و آمادگی کارآفرینی به عنوان جدیدترین شیوه مدیریتی نموده است. بدیهی است که به دلیل تنوع خواسته ها و توان محدود شرکت ها در تامین نیازها، بهره گیری بایستی از شبکه سازی ضروری است. همچنین حمایت دولت در بعد کلان مثل رویکردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در بعد خرد مثل مالیات، یارانه های شرکتی، تسهیلات ارزان قیمت و سیاست های تقویتی کسب و کار در موفقیت کسب و کارها قابل توجه است. در این میان ما به دلیل ضعف کلی صنعت ورزش در کشور ما، شرکت های ورزشی نیاز به توجه و حمایت جدی و دولت دارند. بنابراین انتظار بر این است که کسب و کارهای ورزشی ضمن تدوین طرح کسب و کار، آموزش هایی را در زمینه دسترسی به سرمایه و اطلاعات، بازاریابی، تکنولوژی های جدید، مهارت های کارآفرینی و توسعه شبکه کسب و کار فراگیرند و از حمایت های دولتی و قانونی غافل نشوند. به کار گیری این یافته ها با در نظر گرفتن نوع کسب و کار و محیط آن می تواند افراد را در رسیدن به موفقیت یاری نماید. با توجه به نتایج تحلیل عاملی در تحقیق حاضر که ۳۵ درصد از موفقیت کسب و کار را توضیح می دهد، عوامل دیگری نیز وجود دارند که می توانند در موفقیت کسب و کار نقش حیاتی داشته باشند. آنچه در این تحقیق بیان شد، عواملی بودند که صورت سیستمی در انواع مختلف از کسب و کار قابل استفاده اند. پیشنهاداتی کاربردی برای صاحبان این کسب و کارها به صورت زیر ارائه و تاکید می گردد که از عوامل دیگری که در مقالات به عنوان مصداق بیان شده است، غفلت نشود:

- این کسب و کارها باید از استقرار یک نظام بازاریابی که مبتنی بر مطالعات بازار ورزش ایران باشد، بهره مند شوند که متفاوت با مباحث فروش می باشد.
- از آنجا که سیاست های دولت در حمایت از کسب و کارها هر ساله تغییر می یابد، ضمن توجه به جنبه های دیگر باید این نوع حمایت ها دائماً رصد شود.
- تکنولوژی های تولید و خدمات پیوسته در حال تغییر می باشد که آگاهی از این تغییرات و به کارگیری مستمر آن در کسب و کار توصیه می گردد.
- در صورت امکان، از قدرت شبکه سازی در کسب و کار نباید غافل شد به ویژه شرکت ها تولیدی که می توانند به بهترین شکل از این تکنیک استفاده نمایند.
- طرح و برنامه کسب و کار باید هر ساله به روزرسانی شود و در آن از اطلاعات جدید اعم از نیروی انسانی، بازار، مقررات، تکنولوژی، سیاست های حمایتی دولت و سرمایه های قابل دستیابی استفاده گردد.
- توجه به مقررات اعم از قوانین مالیاتی، نیروی انسانی و بیمه و قوانین داخل شرکت، شرکت های مدرن را از شرکت های سنتی متمایز می کند. توجه و تمرکز دولت نیز به این امر حتی در ارائه تسهیلات مالی کاملاً مشهود است. لذا داشتن آگاهی و آموزش مستمر این قوانین به بهبود وضعیت کسب و کار کمک می کند.
- آمادگی کارآفرینی نیز به عنوان مهارت های کسب و کار با رویکرد کارآفرینی مثل یادگیری نرم افزارهای جدید حسابداری، مدیریت وب سایت، فناوری اطلاعات و تبلیغات در شبکه های اجتماعی که متفاوت با آموزش کسب و کارهای سنتی می باشد، بسیار مهم و قابل پیگیری می باشد.

منابع

- آراستی، زهرا و اکبری جوکار، محمدرضا (۱۳۸۵) "بررسی شیوه های ارتباط شبکه ای زنان کارآفرین ایرانی و تاثیر آن در راه اندازی کسب و کار". مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان) ۴(۳): ۲۲-۵.
- اخوان صراف، احمد رضا (۱۳۸۶) "کاربرد شبکه سازی در بازاریابی بنگاه های متوسط و کوچک". تدبیر. ۱۸۰، صص ۴۵-۴۸.
- انصاری، محمد تقی و دیگران (۱۳۸۴). "مقایسه تطبیقی و شناسایی مهم ترین موانع حمایت از SME ها" در ایران. مجموعه مقالات نهمین کنگره سراسری همکاری های دولتی، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی.
- دیواندری، علی؛ نیکوکار، غلامحسین؛ نهاوندیان، محمد و آقازاده، هاشم (۱۳۸۷) "بازار گرای و عملکرد کسب و کار در ایران". مدیریت بازرگانی. ۱.
- زعفریان، رضا؛ اسماعیل زاده، مونا و شاهي، نسا (۱۳۸۵) "ارایه الگوی پیاده سازی مدیریت دانش در کسب و کارهای متوسط و کوچک (مطالعه موردی: شرکت نفت ایران زمین)". توسعه کارآفرینی. ۱۳۸۷؛ ۱(۲): ۷۵-۱۰۲.
- عمید، امین و غمخواری، سیده معصومه (۱۳۸۸) "بررسی تأثیر فناوری اطلاعات بر توسعه صادرات صنایع کوچک و متوسط در ایران". چشم انداز مدیریت، ۳۲ صص. ۱۸۳-۲۰۲.
- فروغی پور، حمید (۱۳۸۴). "زمینه های کارآفرینی در ورزش از دیدگاه متخصصان تربیت بدنی کشور". رساله دکترا، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات.
- فروغی پور، حمید؛ مظفری، سید امیر احمد و اشرف گنجویی، فریده (۱۳۸۶) "ارزیابی و معرفی مهم ترین اولویت های کارآفرینی در ورزش از دیدگاه دست اندرکاران ورزش کشور". پژوهش در علوم ورزشی. ۱۶۰.
- محمدی الیاسی، قنبر؛ رکنی، ندا و طیبی، سید کمیل (۱۳۹۰) "نقش شبکه های اجتماعی در تشخیص فرصت های کارآفرینی". توسعه کارآفرینی، سال سوم، شماره یازدهم، ص ۲۶.
- معماری، ژاله (۱۳۸۶) "تحلیل و مدل سازی آمیخته بازاریابی صنعت ورزش کشور با رویکرد تصمیم محور". رساله دکترا، دانشگاه تهران - دانشکده تربیت بدنی.
- ملک زاده، غلامرضا (۱۳۸۴) "مدیریت استراتژیک تکنولوژی". تهران: انتشارات جهان فردا
- مهرعلی زاده، یداله و سجادی، حسین (۱۳۸۴) "شناسایی عوامل مرتبط با میزان موفقیت کارآفرینان شرکت های کوچک صنعتی".
- Association of Information and Image Management (2008) **Enterprise 2.0 technologies "critical to business success"**. International Journal of Micrographics and Optical Technology. 26(1), 6.
- De Klerk, S., Kroon, J. (2008) „**Business networking relationships for business success**“. South African Journal of Business Management. 39(2), 25-35.
- Duh, M. (2003) "Family enterprises as an important factor of the economic development: the case of Slovenia". Journal of Enterprising Culture. 11(2), 111-130.
- Klerk, S., Kroon, J. (2008) "Business networking relationships for business success". South African Journal of Business Management, 39(2), 25-35.

- Kristiansen, S. (2004) **"Social Networks and Business Success. American Journal of Economics and Sociology"**. 63: 1149–1171.
- Linder, J., Cantrell, S. (2001), **"Five business-model myths that hold companies back"**. Strategy & Leadership. Vol. 29, No. 6, pp. 13-18.
- Macpherson, M. (2009) **"Entrepreneurial learning: Secret ingredients for business success"**. T and D, 63(7), 46-51+47.
- McMahon, R. G. P. (2001). **"Growth and performance of manufacturing SMEs: The influence of financial management characteristics"**. International Small Business Journal. 19(3), 10-28.
- Mead, D. C., Liedholm, C. (1998) **"The dynamics of micro and small enterprises in developing countries"**. World Development. 26(1), 61-74.
- Martin .Lynn M «Wright .Len Tiu (2005) **"No gender in cyberspace?: Empowering entrepreneurship and in novation in female-run ICT small firms"**. International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research. Volume: 11 Issue: 2; 2005 Research paper.
- Mazzarol, T., Choo, S. (2003) **"A study of the factors influencing the operating location decisions of small firms"**. Property Management. 21(2), 190-208.
- Obura. Constant Okello «Minishi-Majanja. M.K «Ikoja-Odongo.J.R(2008) **"Business activities and information needs of SMEs in northern Uganda: Prerequisites for an information system"**. Library Management. Volume: 29 Issue: 4/5; 2008 «Research paper.
- Osbourne, W. (2009) Small business success: **"The roles planning, location, and government play in the entrepreneurship development"**. Unpublished M.A., State University of New York Empire State College, United States, New York.
- Osterwalder, A., Pigneur, Y., Tucci, C. L.)2005(**"Clarifying business models: origins, present, and future of the concept"** . Communications of the Association for Information Systems. Vol. 16, pp. 1-25.
- Pajares, F. (2002) **"Overview of Social Cognitive Theory and Self-efficacy"**.
- Powers, M. (2005) **"Leadership development is critical to business success"**. T and D, 59(7), 34-35.
- Riliang, Q. (2007) **"The role of market orientation in the business success of MNCs' UK subsidiaries"**. Management Decision, 45(7), 1181.
- Shafeiyan AH(2008). **"A Survey on the Impacts of Entrepreneurial Management Model on Economic Performance of Tehran Cultural Tourism Organizations"**. Journal of Islamic Management Lectures.1(1): 2[Article in Persian].
- Shafer, S. M., Smith, H. J., Linder, J. C. 2004, **"The power of business models"**. Business Horizons. 2005, No. 48, pp. 199-207
- Stathopoulos. Sophia «Demetrios Psaltopoulos «Dimitris Skuras(2004).**"Rural entrepreneurship in Europe: A research framework and agenda.International"** Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research. Volume: 10,Issue: 6;

- Swierczek, F. W., Ha, T. T. (2003). **"Entrepreneurial orientation, uncertainty avoidance and firm performance: an analysis of Thai and Vietnamese SMEs"**. International Journal of Entrepreneurship and Innovation, 4(1), 46-58.
- Yahya, Ahmad Zahiruddin. Kwai Fatt, Choong. Othman, Abdullah Sanusi. Abdul, Ishak(2011) **"Management skills and entrepreneurial success of small and medium enterprises (SMEs) in the services sector"**.
- Zott, C., & Amitt, R. (2002) **"Measuring the performance implications of business model design: evidence from emerging growth public firms"**. Fontainebleau, France. INSEAD Working Paper Series , 1-48.

اثرات توسعه ورزش بر فرآیند جهانی شدن ایران

یوسف حمزه لو^۱
محمدرضا معین فرد^۲
پروین شوشی نسب^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۹

هدف پژوهش حاضر، بررسی اثرات توسعه ورزش بر فرآیند جهانی شدن ایران بود. ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته ای بود که پس از تایید روایی صوری، روایی سازه ($KMO = ۰/۹۰۸$) و پایایی ($a = ۰/۹۳$) مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری این تحقیق، کلیه متخصصان و اعضای هیات علمی رشته مدیریت ورزشی دانشگاه های کشور بودند (۲۱۴ نفر). نمونه آماری تحقیق به صورت هدفمند (۱۲۰ نفر) انتخاب شد. از آزمون K-S جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده ها استفاده شد. از آزمون معناداری میانگین ها برای بررسی میزان اهمیت گویه ها و از تحلیل عاملی مرتبه دوم برای اولویت بندی اثرات توسعه ورزش بر ابعاد چهارگانه جهانی شدن استفاده شد. نتایج نشان داد که مهم ترین اثرات توسعه ورزش بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جهانی شدن به ترتیب شامل «افزایش جذب سرمایه گذاری های (مستقیم و غیرمستقیم) خارجی»، «گسترش و توسعه صنعت گردشگری»، «گسترش دیپلماسی و تعامل با سایر کشورهای جهان» و «گسترش استفاده از زبان واحد بین المللی» می باشد. جهانی شدن، یک پدیده چندوجهی و اجتناب ناپذیر است که جوامع با آن روبرو هستند. مدیریت این پدیده جهت افزایش اثرات مثبت و اجتناب از اثرات منفی آن ضروری است. در این راستا، شناخت این اثرات از جنبه های گوناگون می تواند بستری مناسب جهت توسعه و برنامه ریزی های موثر در کشور باشد.

واژگان کلیدی: ورزش، جهانی شدن و ایران

E-mail: moeinfard@yahoo.com

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری

۲. استادیار، دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول)

۳. استادیار، دانشگاه حکیم سبزواری

مقدمه

ورزش، پدیده‌ای جهانی (غفوری و هنرور، ۱۳۸۶: ۵۲) و یکی از صنایع بزرگ و مهم در دنیاست؛ به‌طوری‌که ۲/۵ درصد تجارت بین‌المللی را به خود اختصاص داده است (بلالی، ۱۳۸۹: ۳۲). ورزش همچنین در قرن معاصر با نفوذ در عمق نهادهای اجتماعی گوناگون اعم از خانواده، مدرسه، شهرداری و بخش‌های خصوصی و قلب رسانه‌های بزرگ و همگانی تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های اجتماعی نیز گشته است. از این‌روست که دولت‌ها توجه ویژه‌ای را به ورزش معطوف کرده‌اند و از نقش و جایگاه آن در راستای توسعه به‌خوبی استفاده می‌نمایند. اصولاً عصر حاضر عصر تغییرات و دگرگونی‌هاست. در هیچ عصری زندگی بشر تا این حد ناپایدار و دست‌خوش تحولات پی‌درپی نبوده است (احمدی نصر، ۱۳۹۱: ۲)؛ عصری که جهانی شدن مختص آن است. جهانی شدن امری اجتناب‌ناپذیر است؛ به‌طوری‌که به‌زعم کوفی عنان رئیس سابق سازمان ملل «مخالفت در برابر جهانی شدن مانند مخالفت در برابر قانون جاذبه است» (مورر، ۲۰۱۱: ۲۳۵). این پدیده، تمام جنبه‌های زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است (دانایی فرد و عباسی، ۲۰۱۱: ۷۶). جهانی شدن نیرویی است که با سرعت تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را به‌پیش می‌برد؛ به‌طوری‌که فرآیند کنونی جهانی شدن بی‌سابقه بوده و نمود مشابهی در تاریخ ندارد (میرزایی، ۱۳۸۷: ۴). جهانی شدن فرآیندی دارای ابعاد مختلف است که به تبع آن دارای تعاریف متفاوتی نیز می‌باشد. برخی از محققان به چهار بعد کلان جهانی شدن یعنی بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اشاره کرده‌اند (دانایی فرد و عباسی، ۲۰۱۱: ۷۱ و ۷۲، پیشگاهی فرد و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۵۷ و ۱۵۸). اندرسون^۲ (۲۰۰۰)، جهانی شدن را به‌عنوان کاهش در هزینه فعالیت‌ها تلقی می‌کند (فرهادی محلی، ۱۳۹۰: ۲). همچنین، عبدالجباری جهانی شدن را به استقبال یک جهان رفتن، متحدشدن، آشنایی با فرهنگ‌های دیگر و احترام گذاشتن به آرا و نظرات دیگران می‌داند (فرهادی محلی، ۱۳۹۰: ۷). فرهادی محلی (۹: ۱۳۹۰) بیان می‌کند که جهانی شدن همان تراکم زمان و مکان است. بدین ترتیب هر اتفاق در هر گوشه دنیا به‌سرعت به اطلاع همگان می‌رسد و عملاً مکان و زمان، معنای خود را از دست می‌دهد. به نظر می‌رسد از یک دید کلی، جهانی شدن را بتوان چنین معنی کرد: «یک تجربه خارج از فضا و همکاری آگاهانه و یا الزامی ملت‌ها، دولت‌ها و فرهنگ‌ها جهت زیستن در یک دهکده کوچک جهانی و محیطی رقابتی». شجاعی زند (۱۳۸۲) جهانی شدن را محو شدن مرزهای جداکننده جهان و حرکت تدریجی جهان به‌سوی نوعی همگنی یا همگونگی بیش‌تر در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دانسته و درواقع آن را نوعی حرکت از کثرت به وحدت می‌داند؛ به‌طوری‌که افراد ساکن بر روی کره زمین به‌مثابه اعضای واحد مشترکی تلقی می‌شوند. از نگاه اقتصادی، بسیاری از محققان، جهانی شدن را به‌عنوان یک عامل برای توسعه، رفاه و یکپارچگی کشورها می‌دانند که منجر به توزیع منافع در میان مردم شده است. با این‌وجود، برخی نظریه‌پردازان آن را یک نیروی تبعیضی می‌دانند که باعث فقیرتر شدن فقرا و غنی‌تر شدن ثروتمندان می‌گردد (دانایی فرد و عباسی، ۲۰۱۱: ۶۷). همچنین، برای عده‌ای جهانی شدن ابزاری برای پیشرفت بوده، ثروت به وجود آورده و فرصت‌ها را افزایش داده، درحالی‌که برای عده‌ای دیگر باعث تشدید نابرابری‌ها و ناامنی شده است (گرچی و علی پوریان و سرمدی، ۱۳۸۹: ۳). یکی از مهم‌ترین وجوه اقتصادی جهانی شدن که به‌شدت بر سازوکارهای نابرابری و فقر تأثیر می‌گذارد، تحرک و آزادی سرمایه است. این تحرک علاوه بر ایجاد محدودیت برای نیروی کار در جهت کسب حداقل‌های معیشتی، با قدرت بالای چانه زنی خود در زمینه کاهش مالیات‌ها، قدرت دولت جهت برقراری حمایت‌های لازم اجتماعی از نیروی کار را

کاهش می دهد. کاهش حمایت های اجتماعی، فقر درآمدی را به فقر قابلیت تبدیل می کند و پیامد ناگزیر آن استمرار در فقر و تشدید نابرابری است (خادمی و رحیمی، ۲۰۱۱: ۲). از سوی دیگر، برخی معتقدند که جهانی شدن اقتصاد و تجارت آزاد در کوتاه مدت اثری ناچیز، اما با گذشت زمان و در درازمدت اثر قابل توجهی بر رشد اقتصادی دارد (عاشورزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). یکی از صنایع مهم در توسعه اقتصادی و افزایش تولید ناخالص ملی صنعت گردشگری است. نکویی و همکاران (۱۳۹۰: ۱) عنوان می کنند که از میان ۹ شاخص اقتصادی جهانی شدن، سه شاخص افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی، ثبات قیمت ها (سیاست های پولی و ریالی) و افزایش روند پرداخت با کارت های الکترونیکی دارای بیشترین اهمیت و شاخص های افزایش سهم تجارت خارجی در GDP (صادرات و واردات) و آزادی جابجایی عوامل تولید دارای کمترین نقش و اهمیت در توسعه گردشگری می باشند. بسیاری از پژوهش ها بر نقش پررنگ جهانی شدن در ابعاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی نیز اشاره دارند. در بعد سیاسی می توان گفت که رابطه بین ورزش و سیاست یک رابطه دوطرفه است؛ به گونه ای که از یک طرف، سیاست از طریق تدوین و اجرای راهبردهای ورزشی بر ورزش تأثیر دارد و از طرف دیگر، ورزش از طریق تحکیم ارزش های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت های سیاسی بر سیاست اثر می گذارد و البته خود نیز به ویژه در زمان برگزاری ورزش های بین المللی مورد استفاده قدرت های جهانی واقع می شود (ملکوتیان، ۱۳۸۸: ۳۰۱). احمدی علی آبادی (۱۳۸۶) کوشش نموده است تا پس از بررسی جهانی شدن و تبعات آن، علاوه بر ارائه تعریفی پویا از فرهنگ و هویت های فرهنگی، ملی و دینی در عصر جهانی شدن، به فرآیندهایی عطف نماید که امکان جوششی را به خالقان فرهنگ می بخشد که به جای تقلید و انفعال، بستر تحولات آتی را رقم زنند. با نگاه به ساختار، روابط و ابعاد مختلف هویت، آن را از خرافات، جهل و تعصبات زدوده و امکان تبلور ارزش ها و حقوق انسانی و معنوی را با تعامل مداوم فرهنگ های بومی و جهانی فراهم آورد.

جهانی شدن با همه مزایا و محدودیت هایش به عنوان پدیده ای کثیرالوجه و منشوری در مسائل اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیک، اجتماعی و زیست محیطی اثرات تعیین کننده ای بجا گذاشته است که به هیچ رو نمی توان آن را انکار کرد و از آن احتراز نمود. این پدیده را باید باور کرد و به جای نفی آن در اداره و مدیریت مؤثر آن همت گماشت (الوانی، ۱۳۹۰: ۴). ورزش یکی از عرصه هایی است که روند جهانی شدن در آن به وضوح قابل رؤیت است (البوصافی و بنافا، ۲۰۱۳: ۸۷). جو مگ یور^۱ یکی از اهداف مهم ورزش مدرن را ایجاد جامعه جهانی ورزش و جهانی شدن می داند؛ به طوری که بازی های المپیک، القای تفکر جهانی شدن را در جهان امروز بسط می دهد. درواقع، مسابقات بزرگ و جهانی همانند بازی های المپیک و جام جهانی، نماد بارز جهانی شدن^۲ ورزش در عصر امروزی است که بر اساس آن فرهنگ ها و ادیان مختلف با ارزش های متفاوت و گاه متضاد در کنار هم به رقابتی صلح آمیز دست می زنند (مشیری، رجبی و رجایی، ۱۳۸۶: ۲). ورزش در عصر ارتباطات و جهانی شدن، از یک موضوع صرف ورزشی خارج شده و در طول سال های بسیار، اثرات ماندگاری در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تجارت شهرها و نواحی پیرامون گذاشته است. امروزه ورزش بیشتر به ایده آل های جهانی اهتمام داشته و کمتر به واقعیت های عینی موجود در درون جوامع توجه نشان می دهد (دوستی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷). ورزش یک زبان جهانی (راگ^۳، ۲۰۰۷: ۳)، ابزاری برای ایجاد صلح پایدار، فرصتی برای گفتگوهای رهبران سیاسی و سازوکاری مفید و

1. AL-Busafi & Banafa

2. Jo Maguire

3. Globalization

4. Jacques Rogge

مؤثر برای نزدیک کردن خرده فرهنگ‌ها به یکدیگر است (جیلیانوتی^۱، ۲۰۱۰: ۲۰۹)، ورزش آینه تمام نمایی از جنبه‌های روند جهانی‌شدن یعنی سیاست، فرهنگ و اطلاعات است (رجائی، ۱۳۸۵: ۲). جهانی‌شدن ورزشی نه تنها موجب تشدید رقابت‌های ورزشی شده است، بلکه بازارهای بین‌المللی ورزشی را همراه با محصولات و ایده‌های ورزشی تحت نفوذ خود قرار داده است. ورزش به منزله جایگاهی حیاتی برای تحقیقات نظری و تجربی اکتشاف فرآیند چندبعدی جهانی‌شدن در درازمدت است (جیلیانوتی و رابرتسون^۲، ۲۰۱۰: ۵۴۶). فدراسیون‌های بین‌المللی و انجمن‌های جهانی، بازی‌های کشورهای مشترک‌المنافع (غفوری و هنرور، ۱۳۸۶: ۵۲)، بازی‌های بزرگ جهانی و المپیک (مشیری، رجبی و رجایی، ۱۳۸۶: ۲) از دیگر مصداق‌های جهانی‌شدن در ورزش به شمار می‌روند. پیش‌بینی اینکه در سال‌های آتی قرن بیست و یکم تعامل مردم با یکدیگر چگونه خواهد بود چندان دشوار نیست. افزایش اثرات ارتباطات و فن آوری اطلاعات بر همه سازمان‌ها از جمله سازمان‌های ورزشی جهانی‌شدن را تسریع خواهد کرد؛ به‌طوری‌که حتی یک رخداد کوچک ورزشی، را می‌توان به‌صورت همزمان در سراسر دنیا نظاره کرد (غفوری و هنرور، ۱۳۸۶: ۵۳). در حال حاضر، تعداد کشورهای عضو در سازمان‌های بین‌المللی ورزشی به گونه‌ای افزایش یافته که تعداد این اعضا حتی از تعداد اعضای سازمان ملل متحد بیشتر می‌باشد (فیفا با ۲۰۸ عضو، کمیته بین‌المللی المپیک با ۲۰۵ و انجمن بین‌المللی فدراسیون‌های ورزشی (IAAF)^۳ با ۲۱۳ عضو در مقابل ۱۹۲ عضو سازمان ملل) که خود نشانی از جهانی‌شدن ورزش است (البوصافی و بنافا، ۲۰۱۳: ۹۰). سیبالت^۴ (۲۰۰۹) ضمن ستایش ارتباط جهانی‌شدن و ورزش استدلال می‌کند که ورزش توانایی منحصربه‌فردی برای از بین بردن شکاف‌ها، اختلافات و تعصبات ملی و غیره دارد. وی شواهدی دال بر وجود ارتباط بین ورزش و جهانی‌شدن ارائه می‌دهد؛ از جمله: افزایش دخالت شرکت‌های رسانه‌ای، رشد شرکت‌های مدیریت ورزشی بین‌المللی، افزایش برنامه‌های مدیریت ورزشی در زمینه تحصیلی در دانشگاه‌ها و کالج‌ها در سراسر جهان و تعدادی از سازمان‌ها در سطح قاره‌ای، منطقه‌ای و حتی در درون کشورها و گسترش هسته مرکزی تعدادی از مجلات در رابطه با مدیریت و کسب‌وکار ورزشی. وی درعین حال عنوان می‌کند که اگرچه جهانی‌شدن منجر به نتایج مثبتی در مدیریت ورزش شده است، اما مشکلات مهمی نیز به همراه دارد که باید موردتوجه قرار گیرند. او این حقایق ناخوشایند را به‌طور خلاصه در چهار مسئله خاص بیان می‌نماید:

- تقسیم‌کار در مقیاس بین‌المللی، جایی که شرکت‌های چندملیتی در حال نقشه کشیدن برای نیروی کار کشورهای در حال توسعه برای تولید پوشاک و تجهیزات ورزشی می‌باشند؛
- افزایش جریان مهاجرت ورزشکاران بدون هیچ‌گونه محدودیتی از زادگاه خود به جایی که در آن به رقابت و بازی می‌پردازند؛
- افزایش درگیری و مشارکت رسانه‌های جهانی در ورزش؛
- اثر ورزش بر محیط‌زیست.

یوسف و محمدشاه (۲۰۰۸) عنوان می‌کنند که برای روبرو شدن با تهدیدات جهانی‌شدن ورزش نیاز به یک راهبرد و رویکرد هماهنگ است. تعدادی از این راهبردها شامل توسعه شبکه‌های کسب‌وکار، بهره‌برداری از مزایای بازرگانی، دستیابی به اعتبار یابی برای خدمات و کالاهای ورزشی، سرمایه‌گذاری روی برگزاری رویدادهای ورزشی در سطح کلاس جهانی و برند سازی و شاخص کردن تولیدات ورزشی می‌باشند.

1. Giulianotti
 2. Giulianotti & Robertson
 3. International Association of Athletics Federations
 4. Thibault

جهانی شدن و ورزش خواه ناخواه، کم و بیش بر یکدیگر اثرگذارند. آرخي و همکاران (۱۳۹۳) بیان می کنند که جهانی شدن بر ابعاد اقتصادی، تکنولوژیکی و زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی و علمی و فنی ورزش تأثیر دارد. غفوری و هنرور (۱۳۸۶) معتقدند که جهانی شدن بر راهبردهای تربیت بدنی در ایران تأثیرگذار است. کیونگ^۱ (۲۰۰۴) حمایت قوی دولت، حمایت عمومی و بازیابی و شکل گیری ورزش سنتی کره (تکواندو) به عنوان وسیله ای برای تبادل فرهنگی را به عنوان عواملی که به فرایند جهانی شدن ورزش در کره کمک نموده است، قلمداد می کند.

ایران که به نوعی یکی از شگفت آورترین کشورهای منطقه خاورمیانه شناخته می شود، همراه با هند جزو تنها کشورهایی هستند که علی رغم توان بالقوه مناسب برای جهانی شدن، رتبه بسیار پایینی از جهانی شدن را کسب کرده اند- این در حالی است که ایران دارای پتانسیل ورزشی بسیار بالایی بوده و در این زمینه نیز ظرفیت جهانی شدن را دارد. شواهد مبین آن است که این رتبه پایین ناشی از سیاست های داخلی و خارجی است (مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۴). فرهادی محلی (۱۳۸۷) معتقد است که در فضای جهانی شدن با توجه به دیدگاه های مخالفان و موافقان، مدیران و دولت ها زمانی می توانند توفیق پیدا کنند که از حالت انفعالی در مقابل این پدیده خارج شوند و به صورت فعال با آن روبرو گردند. ستوده (۱۳۸۱) عنوان می کند که در دوران جدید و روند فزاینده جهانی شدن، مفهوم منافع ملی صرفاً دربرگیرنده مرزهای ملی و نظم کلاسیک نیست و چگونگی تأمین منافع ملی ایران تا حد زیادی نیازمند شناخت فرآیندهای جهانی شدن و تعامل هدفمند با بازیگران روابط بین المللی است که شرایط لازم برای استفاده از امکانات و فرصت های بین المللی را فراهم سازد. جهانی شدن یک فرصت استثنائی است، لذا شرط توفیق ایجاب می کند که ابعاد این پدیده به خوبی شناخته شود تا راهبردهای بهینه میسر گردد (نکویی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱). پژوهش در زمینه جهانی شدن به نوعی کوشش در رشد محسوب می شود، اما متأسفانه در مورد تعامل، ارتباط و اثرپذیری و اثرگذاری ورزش و جهانی شدن بر یکدیگر در ایران مطالعات چندانی انجام نشده و این مسائل به طور کامل درک نگردیده است. ورزش در عرصه جهانی شدن نقش تعیین کننده و آشکار و پنهانی دارد که لزوم مهندسی ورزشی آن جهت طراحی سازوکار مناسب و تدوین یک برنامه منسجم و ماموریت محور در مواجهه با ابعاد داخلی و خارجی آن در سطح خرد و کلان ورزش ایران ضروری است. کشور ایران با توجه به اتکای بیش از اندازه به صادرات نفتی، توجه خود را از توان های بالقوه تولیدی داخلی سلب کرده و این باعث از دست رفتن توان رقابتی اش در بازارهای جهانی در محصولات غیرنفتی و از جمله محصولات و خدمات ورزشی شده است. خصومت و تحریم های بین المللی نیز داغی مضاعف بر این زخم زده و موجب آسیب پذیرتر شدن اقتصاد ایران گشته است. همچنین، با توجه به جوان بودن جمعیت کشور و بالا بودن نرخ بیکاری در بین جوانان، توجه به بازارهای جهانی به خصوص در حوزه ورزش از ضروریات است. هدف از تحقیق حاضر، شناسایی اثرات ورزش بر فرایند جهانی شدن ایران است تا از این راهبرد، دانشی هرچند اندک در این حیطه به دست آید. شاید این دانش بتواند راهنمایی کوچک جهت برنامه ریزی های آتی باشد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی بوده که به شکل میدانی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش کلیه متخصصان و اعضای هیئت علمی دانشگاه های ایران دارای مدرک دکتری یا دانشجوی مقطع دکتری در رشته مدیریت ورزشی بودند که بر اساس دسترسی محقق، به صورت حضوری یا از طریق پست

الکترونیک مورد بررسی قرار گرفتند (۲۱۴ نفر). ابزار تحقیق، پرسشنامه‌ای محقق ساخته بود. به این ترتیب که ابتدا مبانی نظری، اسناد و مدارک شامل کتب، مقالات، اخبار و نشریات جمع آوری و مطالعه گردید. پس از تعیین ابعاد جهانی شدن، شاخص های آن در هر بعد تعیین و سوالات پرسشنامه مشخص گردید. این پرسشنامه پس از تأیید روایی صوری- (از طریق توزیع پرسشنامه و نظرخواهی از ۱۴ نفر از متخصصان ورزشی- و روایی سازه- از طریق تحلیل عاملی اکتشافی جهت تعیین همبستگی سوالات درون گروه ها یا دسته های مختلف (بدین صورت که آیا سوالات هر دسته با یکدیگر همبستگی دارند و یا به عبارتی سوالات هر دسته آنچه را که باید اندازه گیری کنند می سنجد یا خیر، $KMO = 0/908$) - و نیز تعیین پایایی ($a = 0/93$) مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه موردنظر از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول، شامل سوالات مربوط به ویژگی های فردی پاسخ دهندگان و بخش دوم، شامل سوالات اصلی مربوط به اثرات ورزش بر بعد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی فرآیند جهانی شدن ایران است که به صورت دووجهی و بر اساس مقیاس هفت ارزشی لیکرت تنظیم گردیده است. پس از توزیع، با پیگیری های محقق ۱۲۰ پرسشنامه جمع آوری شد. تحلیل عاملی در بسته های نرم افزاری آماری SPSS و (لیزرل) Lisrel ۸/۵ استفاده شد. در تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون K-S جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده ها استفاده شد که بر اساس آن توزیع داده ها نرمال نبود، ولی بنا بر قضیه حد مرکزی وقتی اندازه حجم نمونه ها به اندازه کافی بزرگ باشد این شرایط و پیش فرض لازم نیست. همچنین، از آزمون معناداری میانگین ها برای بررسی میزان اهمیت گویه ها و از تحلیل عاملی مرتبه دوم برای اولویت بندی اثرات توسعه ورزش بر ابعاد چهارگانه جهانی شدن استفاده گردید.

یافته های پژوهش

نتیجه بررسی ها نشان داد ۶۷/۵۰ درصد افراد نمونه آماری، دانشجوی دوره دکتری مدیریت ورزش هستند و بقیه آن ها ۳۲/۵۰ درصد دارای مدرک دکتری مدیریت ورزش می باشند. حدود نیمی از جامعه آماری مورد بررسی (۴۴/۳۴ درصد) در رده سنی بالای ۳۰ سال قرار گرفته اند. همچنین، ۶۵/۸۳ درصد افراد نمونه آماری مرد و ۳۴/۱۷ درصد آنان زن بودند (جدول ۱).

جدول ۱: ویژگی های نمونه های آماری

متغیر شاخص آماری	جنس		سن			میزان تحصیلات		جمع
	مرد	زن	زیر ۳۰	۳۰ تا ۴۰	بالای ۴۰	دانشجوی دکتری	دکتری	
فراوانی	۷۹	۴۱	۶۸	۳۶	۱۶	۸۱	۳۹	۱۲۰
درصد	۶۵/۸۳	۳۴/۱۷	۵۶/۶۶	۳۰	۱۳/۳۴	۶۷/۵۰	۳۲/۵۰	۱۰۰

جدول ۲، دیدگاه پاسخ دهندگان در مورد اثرات توسعه ورزش بر بعد اقتصادی جهانی شدن را نشان می دهد. بر این اساس، پاسخ دهندگان اتفاق نظر دارند که توسعه ورزش بر این بعد اثرگذار است. همچنین، پاسخ دهندگان

«افزایش جذب سرمایه‌گذاری‌های (مستقیم و غیرمستقیم) خارجی» با بار عاملی ۰/۹۷، «افزایش جریان سرمایه و گسترش آزادی تجاری» با بار عاملی ۰/۹۲ و «توسعه و گسترش خصوصی‌سازی» با بار عاملی ۰/۸۸ را به ترتیب جزو مهم ترین اثرات توسعه ورزش بر بعد اقتصادی جهانی شدن کشور می‌دانند.

جدول ۲: مقایسه و اولویت بندی دیدگاه پاسخ دهندگان در مورد اثرات توسعه ورزش بر بعد اقتصادی جهانی شدن کشور

ردیف	مؤلفه‌ها	بار عاملی	جهت اثر	میانگین	رتبه
۱	افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP)	۵/۲۹	مثبت	کم	۱۱
۲	افزایش جذب سرمایه‌گذاری‌های (مستقیم و غیرمستقیم) خارجی	۵/۷۳	مثبت	متوسط	۱
۳	توسعه و گسترش خصوصی‌سازی	۵/۶۴	مثبت	متوسط	۳
۴	افزایش ثبات اقتصادی	۵/۰۸	مثبت	کم	۱۰
۵	گرایش و پیوستن به سیستم بانکی بین‌المللی و امکان استفاده از کارت‌های الکترونیکی بین‌المللی	۵/۴۸	مثبت	کم	۵
۶	افزایش جریان سرمایه و گسترش آزادی تجاری	۵/۵۷	مثبت	متوسط	۲
۷	اشتغال‌زایی و امنیت شغلی	۵/۱۹	مثبت	کم	۶
۸	شکل‌گیری و گسترش شرکت‌های تجاری و اقتصادی چندملیتی و بین‌المللی	۵/۷۰	مثبت	متوسط	۴
۹	ایجاد فضای رقابتی تجاری و صنعتی (داخلی و خارجی)	۵/۵۳	مثبت	متوسط	۷
۱۰	افزایش مهاجرت و جابجایی نیروی کار در سطح جهانی	۵/۲۸	مثبت	کم	۹
۱۱	ایجاد زمینه‌ای برای صنعتی شدن کشور	۵/۴۸	مثبت	کم	۸
۱۲	گسترش توسعه پایدار اقتصادی	۵/۰۶	مثبت	کم	۱۲

جدول ۳: دیدگاه پاسخ‌دهندگان در مورد اثرات توسعه ورزش بر بعد اجتماعی جهانی شدن را نشان می‌دهد. بر این اساس، پاسخ‌دهندگان اتفاق نظر دارند که توسعه ورزش بر این بعد اثرگذار است. همچنین، نتایج حاکی از این است که «گسترش و توسعه صنعت گردشگری» با بار عاملی ۰/۹۵، «گسترش درک بین‌المللی» با بار عاملی ۰/۹۵ و «توسعه ارتباطات اجتماعی و فناوری اطلاعات و ارتباطات» با بار عاملی ۰/۹۴، به ترتیب مهم ترین اثرات توسعه ورزش بر بعد اجتماعی جهانی شدن ایران می‌باشند (جدول ۳).

جدول ۳: مقایسه و اولویت بندی دیدگاه پاسخ دهندگان در مورد اثرات توسعه ورزش بر بعد اجتماعی جهانی شدن کشور

ردیف	مؤلفه‌ها	فراوانی	میانگین	نوع اثر	میزان اثر	بار عاملی	رتبه
۱	گسترش درک بین‌المللی	۵/۵۹	مثبت	متوسط	۰/۹۵	۲	
۲	افزایش حفاظت و نگهداری از محیط‌زیست	۴/۶۵	مثبت	کم	۰/۶۵	۶	
۳	توسعه ارتباطات اجتماعی و فناوری اطلاعات و ارتباطات	۵/۷۴	مثبت	متوسط	۰/۹۴	۳	
۴	گسترش و توسعه صنعت گردشگری	۵/۹۲	مثبت	کم	۰/۹۵	۱	
۵	گسترش تحقق عدالت و امنیت اجتماعی	۴/۸۷	مثبت	کم	۰/۵۵	۹	
۶	کنترل و کاهش بزه‌کاری و ناآرامی اجتماعی	۴/۶۳	مثبت	کم	۰/۵۵	۸	
۷	گسترش جریان آزاد اطلاعات (تبادل اطلاعات، عقاید، افکار و ارزش‌ها در سطح بین‌الملل)	۵/۴۴	مثبت	کم	۰/۸۲	۴	
۸	افزایش امید، آرامش و رفاه اجتماعی	۵/۰۳	مثبت	کم	۰/۷۳	۵	
۹	گسترش بیماری‌های واگیر و مسری	۴/۲۸	مثبت	کم	۰/۲۱	۱۱	
۱۰	گسترش مواد مخدر و اعتیاد	۴/۴۳	مثبت	کم	۰/۳۶	۱۰	
۱۱	کاهش تبعیض نژادی و تبعیض جنسیتی در جامعه	۵/۱۷	مثبت	کم	۰/۶۱	۷	

جدول ۴، دیدگاه پاسخ‌دهندگان در مورد اثرات توسعه ورزش بر بعد سیاسی جهانی شدن را نشان می‌دهد. بر این اساس، پاسخ‌دهندگان اتفاق نظر دارند که توسعه ورزش بر این بعد اثرگذار است. همچنین، پاسخ‌دهندگان «گسترش دیپلماسی و تعامل با سایر کشورهای جهان» با بار عاملی ۰/۹۳، «افزایش عضویت در سازمان‌های بین‌المللی» با بار عاملی ۰/۹۲ و «گسترش و ارتقای صلح و وحدت ملی و بین‌المللی» با بار عاملی ۰/۸۸ را به ترتیب جزو مهم‌ترین اثرات توسعه ورزش بر بعد سیاسی جهانی شدن کشور می‌دانند.

جدول ۴: مقایسه و اولویت بندی دیدگاه پاسخ دهندگان در مورد اثرات توسعه ورزش بر بعد سیاسی جهانی شدن کشور

ردیف	مؤلفه‌ها	فراوانی	میانگین	نوع اثر	میزان اثر	بار عاملی	رتبه
۱	افزایش ثبات سیاسی	۱۲۰	۴/۹۰	مثبت	کم	۰/۶۵	۱۰
۲	گسترش دموکراسی	۱۲۰	۵/۰۹	مثبت	کم	۰/۷۵	۷

۳	گسترش و ارتقای صلح و وحدت ملی و بین‌المللی	۱۲۰	۵/۲۶	مثبت	کم	۰/۸۸	۳
۴	توسعه قدرت و اقتدار ملی و سیاسی در سطح جهانی	۱۲۰	۵/۳۸	مثبت	کم	۰/۸۷	۴
۵	گسترش قلمرو زدایی کم رنگی مرزهای سیاسی و جغرافیایی، تقلیل ملی گرایی و سرزمین محوری	۱۲۰	۵/۰۱	مثبت	کم	۰/۷۳	۸
۶	افزایش عضویت در سازمان‌های بین‌المللی	۱۲۰	۵/۵۸	مثبت	متوسط	۰/۹۲	۲
۷	مقررات زدایی	۱۲۰	۴/۵۱	مثبت	کم	۰/۵۴	۱۱
۸	تصویب و اجرای قوانین حمایتی زیست‌محیطی	۱۲۰	۴/۸۴	مثبت	کم	۰/۷۹	۶
۹	افزایش وابستگی‌های متقابل جهانی	۱۲۰	۵/۰۸	مثبت	کم	۰/۶۵	۹
۱۰	ظهور و گسترش فعالیت سازمان‌های بشردوستانه و حقوق بشر در کشور	۱۲۰	۵/۲۴	مثبت	کم	۰/۸۴	۵
۱۱	گسترش تروریسم	۱۲۰	۵/۲۸	مثبت	کم	۰/۴۵	۱۲
۱۲	گسترش دیپلماسی و تعامل با سایر کشورهای جهان	۱۲۰	۵/۷۰	مثبت	متوسط	۰/۹۳	۱

جدول ۵، دیدگاه پاسخ‌دهندگان در مورد اثرات توسعه ورزش بر بعد فرهنگی جهانی شدن را نشان می‌دهد. بر این اساس، پاسخ‌دهندگان اتفاق نظر دارند که توسعه ورزش بر این بعد اثرگذار است. همچنین، نتایج نشان داد که «گسترش استفاده از زبان واحد بین‌المللی» با بار عاملی ۰/۹۱، «گسترش تعامل فرهنگی» (گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها) با بار عاملی ۰/۹۰ و «ارتقای کیفیت و سبک زندگی» با بار عاملی ۰/۸۸ به ترتیب جزو مهم ترین اثرات توسعه ورزش بر بعد فرهنگی جهانی شدن کشور از دیدگاه متخصصان و کارشناسان دانشگاهی می‌باشند.

جدول ۵: مقایسه و اولویت بندی دیدگاه پاسخ‌دهندگان در مورد اثرات توسعه ورزش بر بعد فرهنگی جهانی شدن کشور

ردیف	مؤلفه‌ها	فراوانی	میانگین	نوع اثر	میزان اثر	بار عاملی	رتبه
۱	ارتقای کیفیت و سبک زندگی	۱۲۰	۵/۴۱	مثبت	کم	۰/۸۸	۳
۲	معرفی و احیای خرده‌فرهنگ‌ها و احترام به آن‌ها	۱۲۰	۵/۲۳	مثبت	کم	۰/۸۷	۴
۳	افزایش فرهنگ مصرف‌گرایی	۱۲۰	۴/۱۵	مثبت	کم	۰/۲۵	۱۱
۴	گسترش آزادی‌خواهی در جامعه	۱۲۰	۵/۲۰	مثبت	کم	۰/۷۴	۸

۵	جهانی اندیشیدن و محلی عمل کردن	۱۲۰	۵/۲۳	مثبت	کم	۰/۸۶	۵
۶	گسترش همبستگی‌های دینی و توسعه ارزش‌های مذهبی	۱۲۰	۴/۹۹	مثبت	کم	۰/۶۳	۹
۷	گسترش استفاده از زبان واحد بین‌المللی	۱۲۰	۵/۵۵	مثبت	متوسط	۰/۹۱	۱
۸	حرکت به سمت فرهنگ واحد جهانی و همگنی فرهنگ‌ها	۱۲۰	۵/۱۷	مثبت	کم	۰/۷۷	۷
۹	ظهور نوگرایی و بدعت در جامعه	۱۲۰	۴/۷۸	مثبت	کم	۰/۶۱	۱۰
۱۰	ارتقای هویت ملی	۱۲۰	۵/۴۶	مثبت	کم	۰/۷۹	۶
۱۱	تهاجم فرهنگی	۱۲۰	۴/۰۶	مثبت	کم	۰/۲۱	۱۲
۱۲	گسترش تعامل فرهنگی (گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها)	۱۲۰	۵/۶۸	مثبت	متوسط	۰/۹۰	۲

بر اساس آزمون تحلیل عاملی مرتبه دوم و بار عاملی به دست آمده و همچنین با توجه به میانگین به‌دست‌آمده برای هر بعد مشخص شد که توسعه ورزش، بیشترین تأثیر را بر بعد اقتصادی با بار عاملی ۰/۹۹ و میانگین ۵/۴۱ بیشترین اهمیت و پس‌از آن به ترتیب بر بعد اجتماعی با بار عاملی ۰/۹۹ و میانگین ۵/۰۶، سپس بعد سیاسی با بار عاملی ۰/۹۶ و میانگین ۵/۱۵ و بعد فرهنگی با بار عاملی ۰/۹۵ و میانگین ۵/۰۷ از دیدگاه متخصصان و کارشناسان دانشگاهی داشته است (جدول ۶).

جدول ۶: اولویت بندی اثرات توسعه ورزش بر ابعاد چهارگانه فرآیندهای جهانی شدن کشور

اثرات توسعه ورزش بر ابعاد جهانی شدن	میانگین	فراوانی	t-value	بار عاملی	میزان اهمیت
بعد اقتصادی	۵/۴۱۹	۱۲۰	۸/۹۸	۰/۹۹	۱
بعد اجتماعی	۵/۰۶۸	۱۲۰	۱۴/۰۷	۰/۹۹	۲
بعد سیاسی	۵/۱۱۵	۱۲۰	۷/۵۹	۰/۹۶	۳
بعد فرهنگی	۵/۰۷۵	۱۲۰	۱۱/۷۸	۰/۹۵	۴

بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر، اثرات توسعه ورزش بر جهانی شدن ایران را از دیدگاه متخصصان مدیریت ورزشی کشور بر چهار کلان حوزه اقتصاد، اجتماع، سیاست و فرهنگ مورد بررسی قرار می دهد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که پاسخ‌دهندگان اعتقاد دارند که توسعه ورزش بر بعد اقتصادی جهانی شدن اثرات مثبتی دارد. بر این اساس «افزایش جذب سرمایه‌گذاری‌های (مستقیم و غیرمستقیم) خارجی»، «افزایش جریان سرمایه و

گسترش آزادی تجاری» و «توسعه و گسترش خصوصی سازی» به ترتیب جزو مهم ترین اثرات توسعه ورزش بر بعد اقتصادی جهانی شدن کشور می باشند. در دنیای کنونی، ورزش دیگر یک تفریح و سرگرمی نیست، بلکه یک صنعت پرسود است که توانایی بالایی در جذب سرمایه های خارجی پایدار دارد. ورزش، میدان رقابتی نسبتاً سالم برای تقابل ملت ها و ابزاری برای انتقال تفکرات فرهنگی است و این بخش اقتصادی ورزش است که این صنعت را پیش می برد. کلی و همکاران (۲۰۱۲)، در تحقیق خود نشان داده اند که بیشتر باشگاه های فوتبال در لیگ برتر انگلستان با جذب سرمایه گذاری های (مستقیم و غیرمستقیم) داخلی و خارجی، تحت مالکیت خصوصی و اشخاص حقیقی و حقوقی بومی و غیربومی قاره های مختلف درآمده اند. نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات امیرحسینی و همکاران (۱۳۸۶) و آذربون و کمبز^۱ (۲۰۰۹) همسو می باشد. همچنین بر اساس نتایج پژوهش حاضر، اثرات توسعه ورزش بر میزان GDP با میزان اهمیتی مثبت ولی کم و بار عاملی ۰/۷۲، در مقایسه با نتایج تحقیقات دیگر که اثرگذاری ورزش بر GDP را مهم دانسته اند، جزو عوامل با اهمیت قرار نگرفته است. دلیل این مسئله ممکن است عدم موفقیت در برگزاری رویدادهای بین المللی بزرگ، فقدان خصوصی سازی در ورزش و ناتوانی در جذب حامیان مالی و جذب سرمایه گذاری های خارجی در رشته های مختلف ورزشی، عدم ثبات اقتصادی، انزوای سیاسی و تأکید بیش از حد بر اقتصاد متکی به نفت ایران باشد. اصولاً یکی از مهم ترین جنبه های جهانی شدن، بعد اقتصادی آن و آزادسازی بازارهای مالی و تحرک سرمایه است؛ به طوری که فرآیند جهانی شدن با آزادی تجاری و از بین بردن موانع محدودکننده گمرکی در تجارت بین کشورها آغاز شده است. خصوصی سازی ورزش و جذب سرمایه گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی، از مهم ترین ویژگی های ورزش امروز در کشورهای توسعه یافته است که بار عظیمی از دوش دولت ها در حمایت از ورزش برداشته اند. لذا ضرورت دارد که زمینه استفاده از این منابع مالی و حمایتی در برنامه های بلندمدت کشور قرار گیرد. در این راستا پیشنهاد می شود که مسئولان کشور برای توسعه هرچه بیشتر ورزش و جهانی شدن کشور، زمینه لازم برای خصوصی سازی و آزادسازی تجاری را مهیا کنند و عوامل تشویقی و حمایتی در جذب سرمایه گذاری خارجی در کشور و به ویژه بخش های مربوط به زیرساخت های ورزش را فراهم و تقویت نمایند. بر اساس نتایج، پاسخ دهندگان نسبت به اثرات توسعه ورزش بر جنبه های بعد اجتماعی فرایند جهانی شدن دیدگاه موافق و مثبت دارند. «گسترش و توسعه صنعت گردشگری»، «گسترش درک بین المللی» و «توسعه ارتباطات اجتماعی و فناوری اطلاعات و ارتباطات»، به ترتیب مهم ترین اثرات توسعه ورزش بر بعد اجتماعی جهانی شدن ایران شناخته شده است. ورزش در اجتماعی شدن ملت ها نقش دارد. به عنوان مثال، برگزاری یک رویداد مهم ورزشی به عنوان تبلیغی برای شهر، فرهنگ و زندگی اجتماعی محل برگزاری رویدادها محسوب می شود. پورمند و الهیاری (۲۰۱۱)، در تحقیق خود بیان کرده اند که رویدادهای تیراندازی باکمان اثرات مستقیمی بر روی توسعه صنعت گردشگری از جنبه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و محیطی گردشگری دارد. همچنین، نتایج تحقیقات بسیاری از جمله تحقیقات مولا دوست (۱۳۹۲)، خدیوی جوان قلعه و همکاران (۱۳۹۲)، سوارت و باب^۲ (۲۰۰۷) و سولبرگ و پروس^۳ (۲۰۰۷) با نتایج پژوهش حاضر همسو می باشند که هرکدام به سهم خود اثرات مثبت ورزش را در توسعه صنعت گردشگری (به ویژه صنعت گردشگری ورزشی) بیان داشته اند. علاوه بر این، صنعت ورزش تحت تأثیر محرکی مانند رویدادهای بزرگ ورزشی، فرصتی را برای استفاده رسانه ها و تبلیغات از ورزش فراهم آورده است که می تواند تعاملی سازنده بین صنعت، اقتصاد و ورزش ایجاد نماید (عسگریان، ۲۰۰۴). در این زمینه، نتایج تحقیق حاضر

1. Osborne & Coombs

2. Swart & Bob

3. Solberg & Preuss

با نتایج تحقیقات قاسمی (۲۰۰۵)، استرلیز^۱ (۲۰۰۵)، گی یونگ (۲۰۰۴)، انهامو و ماگونه^۲ (۲۰۱۳)، حیدری و همکاران (۲۰۱۱)، بیگدلی و همکاران (۲۰۱۱)، زهرابی و همکاران (۲۰۱۲)، کیونگ (۲۰۰۵)، سیالت (۲۰۰۹)، اوهامان و ویلک (۲۰۰۶) همسو می باشد. برنامه ریزی اصولی می تواند تا چندین سال پس از برگزاری رویدادها، گردشگران را ترغیب به بازگشت به محل نماید. این گردشگران ورزشی می توانند باعث گسترش ارتباطات و درک و تفاهم متقابل بین المللی شوند و ارتباطات اجتماعی جوامع را توسعه دهند. به این ترتیب، بسیاری از وقایع در دنیا از طریق ورزش به دید جهانیان رسیده و مردم می توانند ایده های خود را از این طریق به اشتراک گذاشته و مورد قضاوت قرار دهند. دانلی^۳ (۲۰۱۱) بیان می کند که ورزش ابزاری مهم برای هدایت جوانان، کنترل اجتماعی و ابزاری برای افزایش مشارکت در جامعه است. کولتر (۲۰۰۵) بیان می کند که ورزش باعث بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه، ارتقای بهبود سلامتی، مواجهه با رفتار ضد اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس فردی و گسترش افق دید افراد اجتماع می شود. اوهامان و ویلک^۴ (۲۰۰۶) نیز نشان دادند که ورزش می تواند اثرات اجتماعی مبتنی به ویژه در زمینه نوسازی شهری، افزایش حس امنیت، رفتار مثبت طرفداران تیم ها و فضای کلی پیرامون بازی ها برای جوامع به همراه داشته باشد. بسیاری از دولت مردان معتقدند ورزش باعث به وجود آمدن دسته های اجتماعی می شود که این گروه ها و دسته های اجتماعی حاصل شده از فضای ورزشی نشاط و شادی خاصی را به جامعه منتقل می کنند که در طولانی مدت باعث توسعه اجتماعی خواهد شد (دوستی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۵). ضرورت دارد که مسئولان با توجه به جنبه های اجتماعی ورزش، شرایط را برای حضور مردم و گردشگران جهت شرکت در ورزش و رویدادهای ورزشی ملی و بین المللی فراهم آورند و از آثار مثبت آن برای توسعه اجتماعی کشور در راستای جهانی شدن و ارتقای وجهه اجتماعی ایران بهره گیری نمایند. بر اساس نتایج تحقیق، پاسخ دهندگان موافق اند که توسعه ورزش بر بعد سیاسی فرآیند جهانی شدن دارای اثرات مثبت است. بر این اساس «گسترش دیپلماسی و تعامل با سایر کشورهای جهان»، «افزایش عضویت در سازمان های بین المللی» و «گسترش و ارتقای صلح و وحدت ملی و بین المللی» مهم ترین اثرات توسعه ورزش بر بعد سیاسی جهانی شدن بوده است. ساهین^۵ و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که ورزش باعث تقویت هویت، وحدت و غرور ملی، ملی گرایی و ادغام اقلیت ها می شود و سیاستمداران برای تقویت وحدت ملی و ادغام اقلیت ها از ورزش استفاده می کنند. نتایج تحقیقات آناستاسوسکی و همکاران (۲۰۱۳)، پورمند و الهیاری (۲۰۱۱) در با اثرات توسعه ورزش بر گسترش صلح از طریق ورزش با نتایج تحقیق حاضر هم خوانی دارد. حوادث و وقایع دنیای حاضر نشان می دهند که امروزه ورزش به طور اجتناب ناپذیری با سیاست پیوند خورده است. ورزش از عرصه های بسیار مهمی است که حکومت ها، افراد و سازمان های بین المللی با آگاهی کامل از ابعاد سیاسی- اجتماعی آن، همواره تمایل داشته اند تا از آن برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود بهره ببرند. تمایل افکار عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی، از یک سو و انعکاس گسترده وقایع ورزشی از طریق رسانه های جمعی از سوی دیگر باعث شده است که قلمرو ورزش و سیاست روز به روز به هم نزدیک تر شوند؛ به طوری که دوری عرصه ورزش از دنیای سیاست و جدایی آن از بازی های سیاسی، دیگر امر ساده ای به نظر نمی رسد. امروزه، حضور سران سیاسی و حکومتی برای حمایت مالی از ورزش امری ضروری و حیاتی است؛ به گونه ای که بدون حمایت های دولت، امکان

1. Strelize
2. Nhamo & Magonde
3. Donnelly
4. Ohaman & Wilk
5. Şahin

تهیه تجهیزات و اماکن پرهزینه ورزش و برگزاری خیلی از رویدادهای ورزشی برای خود ورزش به تنهایی مشکل و غیرممکن می‌نماید. اگرچه که همواره سیاسی شدن ورزش نکوهش می‌شود، بااین‌حال در دنیای امروز ورزش و سیاست را نمی‌توان از هم جدا نمود. لذا باید ارتباط ورزش و سیاست و حضور افراد سیاسی در ورزش به گونه‌ای باشد که جوی سازنده و مفید برای ورزش و دور کردن ورزش از چهره بد سیاسی کاری (جنبه‌های منفی سیاست) و نزدیک کردن مردم و دولت‌ها از طریق سیاست‌های گفتگوی صلح طلبانه فراهم شود. بر اساس پژوهش حاضر، پاسخ‌دهندگان معتقدند که توسعه ورزش بر بعد فرهنگی فرآیند جهانی شدن اثرات مثبتی دارد. یافته‌های پژوهش همچنین حاکی از آن است که «گسترش استفاده از زبان واحد بین‌المللی»، «گسترش تعامل فرهنگی (گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها)» و «ارتقای کیفیت و سبک زندگی» مهم‌ترین اثرات توسعه ورزش بر بعد فرهنگی جهانی شدن کشور از دیدگاه متخصصان و کارشناسان هستند. ورزش خود یک نماد فرهنگی محسوب می‌شود و باعث شناخت، تعامل و انتقال فرهنگی از افراد با فرهنگ‌های متفاوت به یکدیگر می‌شود. ورزش و رویدادهای ورزشی، فرصتی برای تبادل فرهنگی و شناخت فرهنگ‌های مختلف جهان است. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات کیونگ (۲۰۰۵) و عباسی بختیاری (۱۳۹۰) در مورد گسترش تعامل فرهنگی از طریق ورزش همسو و مطابق می‌باشد. ورزش راهی برای بهبود کیفیت زندگی، سبک زندگی سالم و داشتن جامعه‌ای با افراد سالم و بهره‌وری بیشتر می‌باشد. از طرفی، ورزش به‌عنوان زبان مشترک جوامع بین‌المللی شناخته شده و عمل می‌نماید و افراد با فرهنگ، نژاد، قومیت، زبان و دیدگاه‌های متفاوت و حتی متضاد را گرد هم می‌آورد و در شرایطی کاملاً دوستانه و به دور از هرگونه اختلاف و تبعیض به رقابت وامی‌دارد. کیونگ (۲۰۰۵) در تحقیق خود بیان می‌کند که باز توانی ورزش سنتی و ملی کره (تکواندو) نقش فراوانی را در جهانی شدن کره و مبادلات بین جهانی شدن و محلی شدن در جامعه کره ایفا نموده، فرصت‌های مناسبی برای تبادلات و تعاملات فرهنگی فراهم آورده و به‌عنوان ورزش ملی باعث شده که مردم کره فرهنگ و هویت ملی خود را از طریق اشتراک‌گذاری ورزشی با جامعه بین‌المللی جشن بگیرند. باتوجه به ظرفیت بالای ورزش، نگاه‌ها به ورزش در جهان امروز علمی شده و ورزش به یکی از اثرگذارترین پدیده‌ها در اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع تبدیل شده است. اهمیت ورزش در دنیای امروز بر کسی پوشیده نیست. همگام شدن ورزش با مقولاتی چون: جهانی شدن، توسعه پایدار، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، صلح، محیط‌زیست، صنعت، فن‌آوری و رسانه‌ها آن را به یک پدیده قدرتمند و بانفوذ در جهان تبدیل کرده که اثرات ژرفی را بر وضعیت جوامع معاصر بر جای نهاده است. از طرفی، ایران و سایر کشورها در عصر جهانی شدن به سر می‌برند. به همین جهت تفکر و اندیشه آنان نیز باید جهانی باشد و فرهنگ، اقتصاد، سیاست و زندگی اجتماعی آنان نیز قابلیت جهانی پیدا کند. باید اثرات مثبت و منفی این فرآیند به‌خوبی شناخته شود تا از اثرات مثبت آن برای تسهیل توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره آن در جامعه استفاده گردد و اثرات منفی آن نیز کنترل و به فرصت تبدیل شود. پیشنهاد می‌شود که مدیران، مسئولان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور، جهانی شدن را به‌عنوان یک هدف اصلی در برنامه بلندمدت برای توسعه و پیشرفت کشور در نظر بگیرند. توجه به افزایش جذب سرمایه‌گذاری‌های (مستقیم و غیرمستقیم) خارجی و بین‌المللی، افزایش جریان سرمایه و گسترش آزادی تجاری، مشارکت در شکل‌گیری و گسترش شرکت‌های تجاری و اقتصادی چندملیتی و بین‌المللی، تلاش در جهت کسب میزبانی‌های ورزشی بین‌المللی و گسترش فعالیت و همکاری با سازمان‌های بشردوستانه و حقوق بشر در کشور از طریق ورزش از ضروریات است.

منابع

- آرخی، آیناز؛ معین فرد، محمدرضا و شوشی نسب، پروین. ۱۳۹۳ "بررسی اثرات جهانی شدن بر توسعه ابعاد ورزش ایران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار.
- احمدی علی آبادی، کاوه (۱۳۸۶) "جهانی شدن و دستاوردهای آن" روزنامه ایران، پنجشنبه ۱۶ مرداد.
- احمدی نصر، اعظم (۱۳۹۱) "بررسی فرهنگ سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی در تربیت بدنی آموزش و پرورش خراسان رضوی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد مشهد.
- اسپورت تروریسم (۱۳۸۹) "ورزش مدرن پروژه غربی سازی".
- امیر حسینی، سید احسان؛ سلطان حسینی، محمد و سلطانی، اصغر (۱۳۸۶) "راه کارهای جذب سرمایه خارجی در ورزش حرفه ای ایران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۹۰) "جهانی شدن مدیریت". دانشکده علامه طباطبائی، مطالعات راهبردی- جهانی شدن. ۱، ۱۳-۱.
- بلالی، مریم (۱۳۸۹) "بررسی پتانسیل های گردشگری ورزشی در استان خراسان رضوی". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ محمد زاده، آزاده و شفقتی، مهدی (۱۳۸۸). "فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر توسعه گردشگری". اولین همایش بین المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار. مرودشت.
- خادمی، بهبود و رحیمی، صادق (۲۰۱۱). "جهانی شدن، توسعه و نابرابری با تأکید بر ایران". اولین همایش بین المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار، مرودشت.
- خدیوی جوان قلعه، خدیجه؛ تارم، علی و نادرپور، مهدی (۱۳۹۲) "نقش جهانگردی ورزشی بر رشد اقتصادی". کنفرانس ملی اقتصاد و ورزش، مرکز همایش های بین المللی صداوسیما، ۳۸-۴۷، تهران.
- دوستی، مرتضی؛ گودرزی، محمود؛ اسدی، حسن و خیبری، محمد (۱۳۹۱) "سیاست و ورزش". ساری: موج قلم
- رجائی، محمدعلی (۱۳۸۵) "بررسی قابلیت ها و پتانسیل های توریسم ورزشی تبت ایران". اولین همایش ملی ورزش و شهر، تهران.
- ستوده، محمد (۱۳۸۱) "جهانی شدن و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران". نشریه علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع). ۲۰، ۲۸-۱۱.
- سلیمی، حسین (۱۳۹۲) "جهانی شدن نظریه های گوناگون درباره جهانی شدن". تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)
- سیف زاده، احمد (۱۳۸۰) "جهانی کردن فقر و فلاکت". تهران: آگاه.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۲) "جهانی شدن و دین (مجموعه مقالات)". قم: دبیرخانه دین پژوهان کشور
- عاشورزاده، اعظم و مقدسی، محدثه (۱۳۹۲) "اثر جهانی شدن و اقتصاد و تجارت آزاد بر رشد اقتصادی (مدل خود توضیحی برداری)". اولین همایش الکترونیکی ملی چشم انداز اقتصاد ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی، اصفهان.
- عباسی بختیاری، رضا (۱۳۹۰). "بررسی اثرات متقابل فرهنگ و ورزش". همایش صنایع فرهنگی و نقش آن در توسعه پایدار، اصفهان.
- عسگریان، فریا (۲۰۰۴) "بازبینی وضعیت اقتصادی صنعت ورزش ایران در سال های ۱۳۷۷-۱۳۸۰". رساله دکتری، دانشگاه تهران.

- غفوری، فرزاد و هنرور، افشار (۱۳۸۶) "نظر متخصصان تربیت بدنی درباره اثر جهانی سازی بر راهبردهای تربیت بدنی و ورزش". پژوهش در علوم ورزشی، ۱۷، ۵۱-۶۱.
- فرهادی محلی، علی (۱۳۹۰) "بررسی تحلیلی پدیده جهانی شدن با تمرکز بر حوزه فرهنگ". مرکز مطالعات راهبردی جهانی شدن. ۲(۵)، ۱-۲۱.
- قاسمی، حمید (۱۳۸۷) "بررسی نقش رسانه در توسعه ورزش کشور". رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- گرجی، ابراهیم؛ علیپوریان، اعظم و سرمدی، حسین (۱۳۸۹) "تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال ایران". دانش و توسعه. ۱۷(۳۲)، ۱۱۱-۱۲۷.
- مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲) "اندازه گیری شاخص های جهانی شدن". کتابخانه دانشگاه حکیم سبزواری.
- مشیری، سیدرحیم؛ رجبی، آریتا و رجایی، محمدعلی (۱۳۸۶) "بررسی و ارزیابی نقش توریسم ورزشی در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی شهرها". مجموعه مقالات همایش منطقه ای راهکارهای توسعه ازدیدگاه جغرافیا. دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا. آستارا.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۷) "ورزش و سیاست". مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۳۸(۲)، ۳۱۶-۳۰۱.
- مولا دوست، کیومرث (۱۳۹۲) "ورزش چوگان و اهمیت آن در گردشگری".
- میرزایی، حسین (۱۳۸۷) "دگرگونی شهرها در عصر جهانی شدن". جغرافیا و برنامه ریزی شهری.
- نکویی، زهرا؛ فخاری، ایمان و حق خواه، فاطمه (۱۳۹۰) "جهانی شدن اقتصاد و ارتباط آن با توسعه گردشگری". اولین همایش بین المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار. مرودشت.
- AL-Busafi, M & Banafa, A. M. A. (2013) "Global trend sand Local needs – The trouble whit sport globalization". European Scientific. 8(21), 185.
- Anastasovski, I. Stojanoska, T. & Qazimi, A. (2013) "Sport as a substitute for diplmatic activites". Professional Paper. 1(2), 79-82.
- Bigdely, M. Honari, H & Mollanorozi, K. (2011) "Effective digital technologies and new media on increasing the size of the sports audience". International Conference on Environmental, Biomedical and Biotechnology. Singapore.
- Coakley, JJ. (2009) "Sports in Society: Issues And Controversies In Sports In Society". London: McGraw-Hill: 439-70.
- Coalter, F. (2005) "The Social Benefits Of Sport An Overview to Inform the Community Planning Process". Caledonia House: Sport Scotland.
- Danaeefard, H. & Abbasi, T. (2007) "Globalization And Global Innovations, The Systemic Dimension of Globalization". Slavka: InTech.
- Donnelly, P. (2011) "From war without weapons to sport for development and peace: The janus-face of sport". Johns Hopkins Foreign Policy Institute, SAIS Review 31(1), 65-76.
- Gilianti, R & Robertson, R. (2010) "The globalization of football: a study in the globalization of the serious life". sociology: 55 (4), 545 - 568.
- Gi-Yong K. (2004) "Sport Sponsorship Match-up Effect On Consumer

Based Brand Equity: An Application Of The Schematic Information Process". Unpublished Doctoral Dissertation, Florida State University.

- Heidary, A. Honary, H. & Saiah, A. (2011) "**Application of information etchnology among physical education students at Payam Noor University Tehran-Iran**". Educational Research and Technology. 2(2), 47 - 49.
- Kelly, K. Rhidian, L. & Mortimer, T.R. (2012) "**In football we trust**". Business and Social Science. 3 (8), 243-254.
- Kyung, H.L. (2004) "**The globalization process of sports in Korean society: changing paradigms and perspectives beyond boundaries**". International Sports Studies, 1, 29-43.
- Maurer, S. (2011) "**Former British Colony: Mauritians in the face of globalization**". Cultural Anthropology. 7(2), 235-250.
- Nhamo, E. & Magonde, S. (2013) "**Information technology applications and challenges: an empirical study of national sports associations of Zimbabwe**". Engineering And Science (IJE), 7(2), 18-25.
- Ohaman, s. Janes, I. & Wilk, K. (2006) "**The perceived social impact of the 2006**". Sport Tourism, 11(2): 126-152.
- Osborne, A.C. & Danielle S. C. (2009) "**Enthusiasts, invaders, and custodians: media haracterizations of foreign owners in Barclays premier league**". Sport Communication. 2, 297-318.
- Pourmand, S.S. & Allahyari, S. (2011) "**The impact of archery events on tourism development: The case of Iran**". Unpublished Master's thesis, Lulea University, Lulea.
- Rogge, J. (2007) "**Sport for Peace: The Winning Difference**". International Olympic Committee.
- Şahin M.Y. Yenel, F. Çolakoglu, T. (2010) "**Sport and nationalism interaction: sports' place and importance creating national identity**". Human Sciences. 7: 1244-63.
- Solberg, H. & Preuss, H. (2007) "**Major sport events and long-term tourism impacts**". sport Management. 21, 213-234.
- Strelize". B. (2005) "**Relationship in sport sponsorship: a marketing perspective**". unpublished doctoral degree dissertation, University of Johannesburg.
- Swart, K & Bob, B. (2007) "**The eluding link: Toward developing a national sport tourism strategy in South Africa beyond 2010**". Politikon: South African Journal of Political Studies. 34 (3), 373-391.
- Yusof, A. & Mohamadshah, P. (2008) "**Globalization and the Malaysian sports industry**". International Studies- Issue. 8, 112-116.
- Zohrabi, F. SharifiMoghadam, M. Rooham, M & Shahsavari, A. (2012) "**The role of different media kinds in attracting financial support for Iran's athletic development**". International Research Applied and Basic Sciences. 3 (9), 1874-1879.

طراحی مدل موانع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال ایران

حسن قره خانی^۱
 جبار سیف پناهی^۲
 شهرام فولادی حیدرلو^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۳/۴

هدف این تحقیق، طراحی مدل موانع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور بود که با روش اکتشافی به صورت میدانی انجام شد. جامعه آماری شامل اعضای هیات مدیره باشگاه های لیگ برتر، مدیران ارشد فدراسیون فوتبال، سازمان لیگ و برخی از اعضای هیات علمی مدیریت ورزشی یا کارشناسان خبره حوزه فوتبال بود که همگی ($N=150$) به عنوان نمونه انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز، با پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری شد. روایی محتوی و صوری با استفاده از نظر متخصصان، فرم نمره گذاری و روایی سازه با استفاده از روش تحلیل عاملی تأیید شد. پایایی نیز از روش همبستگی درونی و روش آلفای کرونباخ ($0/87$) به دست آمد. تعداد ۱۲۹ پرسشنامه جمع آوری و در تجزیه و تحلیل آماری مورد استفاده قرار گرفت. از آمار توصیفی برای رسم جداول فراوانی و نمودار ها و شاخص های پراکندگی و از مدل سازی معادلات ساختاری (تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی) برای پاسخ گویی به سوالات تحقیق و طراحی مدل با کمک نرم افزار های AMOS SPSS, EXCEL استفاده شد. مهمترین موانع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال ایران به ترتیب شامل موانع اقتصادی و مالی ($0/79$)، موانع حقوقی و قانونی ($0/68$) و موانع ساختاری ($0/4$) می باشد. برخلاف پیش بینی محققان، مدل نهایی، موانع مدیریتی را تأیید نکرد. با توجه اهمیت و اولویت بالاتر موانع اقتصادی و مالی پیشنهاد می شود دولت و مدیران ورزش با زمینه سازی برای تجاری سازی باشگاه های فوتبال، شرایط لازم برای افزایش منابع درآمدی آنها را فراهم کنند. همچنین، برخی اصلاحات حقوقی و قانونی و ساختاری قبل از خصوصی سازی ضروری است- در غیر این صورت، همچون چند سال گذشته خصوصی سازی باشگاه های فوتبال، رویایی بیش نخواهد بود.

واژگان کلیدی: خصوصی سازی، باشگاه های فوتبال و موانع

E-mail: gharehkhani@znu.ac.ir

۱. استادیار، تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه زنجان (نویسنده مسئول)

۲. استادیار، تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه زنجان

۳. کارشناس تربیت بدنی و علوم ورزشی

مقدمه

از جمله معضلاتی که ورزش کشور ایران همچون دیگر عرصه ها با آن مواجه است، بزرگ بودن حجم دولت و گستردگی سطح دخالت و فعالیت آن در بسیاری از فعالیت های مرتبط با ورزش است. با توجه به گستردگی عرصه ورزش، تنوع آن، پراکندگی جغرافیایی کشور ایران، مخاطبان و علاقه مندان بسیار زیادی که ورزش و بویژه ورزش همگانی دارد و همچنین بررسی وضعیت ورزش کشور در ابعاد چهارگانه آن، حضور بخش های خصوصی و تعاونی جهت برون رفت از این بحران و رشد و توسعه روزافزون آن ضروری است (رضوی، ۱۳۸۳: ۴۵).

نقش و سهم باشگاه های ورزشی به عنوان بنگاه های اقتصادی در ایجاد مشاغل مختلف، کاهش امور تصدی گری دولت، جذب سرمایه گذاری ها و مشارکت های مردمی و در نتیجه درآمدزایی در سطوح ملی، استانی، شهری و حتی محله ای در جهان امروز بسیار مهم است و در کشورهای پیشرفته سهم بسزایی از درآمد ناخالص ملی را تشکیل می دهند (خلیلی، ۱۳۸۶: ۳۷).

امروزه فوتبال به یک پدیده فراگیر و جهانی مبدل شده؛ به گونه ای که برای آن هیچ حد و مرز قابل قبولی نمی توان قائل شد و کاملاً از حالت یک بازی ساده خارج شده و خود را در کنار صنایع بسیار بزرگ مطرح کرده است (خبیری، ۱۳۸۳).

زیر ساخت اصلی صنعت فوتبال شامل باشگاه هایی است که به مثابه کارخانه های تولیدی و بنگاه های اقتصادی این صنعت عمل می کنند؛ این باشگاه ها هستند که با بهره گیری از تجهیزات و امکانات، نیروی انسانی ماهر و متخصص و مدیریت اثر بخش فوتبال را به صنعتی پولساز مبدل ساخته اند (سن همیل^۱، ۲۰۰۱: ۸۸).

امروزه باشگاه های فوتبال در سراسر جهان به شرکت های تجاری حرفه ای معتبر تبدیل شده اند. به عنوان نمونه، تمامی باشگاه های حاضر در لیگ برتر انگلستان به صورت شرکت تجاری به ثبت رسیده اند و همگی مشمول قانون تجارت انگلستان می باشند. این ساختار باعث شده تا تعداد زیادی از آنها خود را به عنوان یک باشگاه کاملاً حرفه ای معرفی کنند تا جایی که ۹۲ باشگاه کاملاً حرفه ای در این کشور به ثبت رسیده است (سن همیل، ۲۰۰۱: ۹۱).

خصوصی سازی ورزش و باشگاه های ورزشی بویژه فوتبال در کشورهای غربی و توسعه یافته دارای اهمیت بسیار زیادی بوده و با جدیت به این مقوله پرداخته شده است. یکی از مهمترین دلایل آنها برای این امر اهمیت اقتصادی ورزش و تفریحات سالم است، زیرا ورزش دارای اثرات اقتصادی مستقیم و غیر مستقیم زیادی است که اثرات مستقیم آن شامل تولید کالا، تولید خدمات، صادرات ورزشی، اشتغال زایی ورزش و گردشگری ورزشی و اثرات غیر مستقیم آن شامل کاهش هزینه های درمان، ارتقای سطح سلامت جامعه، افزایش کارایی نیروی کار و غنی سازی اوقات فراغت افراد است (الهی، ۱۳۸۴: ۶۵).

مسلم است تعادل و پاسخ گویی به نیازمندی های ورزشی جامعه فقط با تکیه بر سرمایه گذاری دولتی در بودجه های سالانه میسر نبوده و راه حل منطقی و مفیدی که در بسیاری از کشورها تجربه شده، اجرای مکانیزم سرمایه گذاری بخش غیر دولتی و ترغیب و تشویق آنان در این زمینه بوده است که موجب شده بار مالی دستگاه ها کاهش یابد، از منابع و امکانات موجود بهره برداری کارآمدتری به عمل آید، کارایی فعالیت ها گسترش پیدا کند، تجهیز منابع مالی افزایش یابد، درآمد زایی دولت افزایش یافته و موجبات ارتقا و کارایی و رشد اقتصادی فراهم شود (رضوی، ۱۳۸۴: ۶۶).

با وجود این، بیشتر باشگاه های فوتبال کشور در اختیار سازمان ها و دستگاه های دولتی هستند که سرمایه گذاری دولتی همانند بسیاری از اموری که توسط دولت انجام می شود، پرهزینه است و رقابت چندانی نیز میان باشگاه ها وجود ندارد. همچنین، دولتی بودن باشگاه های فوتبال کشور، توان رقابت را از بخش خصوصی سلب نموده، موجب تضعیف باشگاه های خصوصی شده و در نتیجه باعث ایراد صدمه به فوتبال حرفه ای کشور گردیده است (رمضانی ۱۳۸۶: ۴۴).

بخش خصوصی در طی سال های اخیر تمایل زیادی به مشارکت در عرصه ورزش و باشگاه داری فوتبال نشان داده است، اما به دلیل وجود موانع مختلف موفقیت چندانی نداشته است. از جمله تجربیات تلخ این حوزه می توان به حضور باشگاه های شمشوک نوشهر، شیرین فراز کرمانشاه، ابومسلم خراسان، پیام مشهد و استیل آذین اشاره نمود که هر یک به خاطر وجود مشکلات زیاد و فراهم نبودن شرایط کنار رفته یا توفیقی به دست نیاوردند.

از جمله موانع مشارکت بخش خصوصی در فوتبال لیگ حرفه ای کشور می توان به محیط نامطمئن اقتصادی و ریسک بالای سرمایه گذاری اقتصادی در صنعت فوتبال، عدم امکان سرمایه گذاری مستقیم خارجی^۱ (FDI) در فوتبال ایران، فقدان اراده و عزم جدی در بین مدیران و دست اندرکاران برای خصوصی سازی (الهی، ۱۳۸۷) و فقدان وجود حداقل معیار های حرفه ای در باشگاه های فوتبال کشور (جلیلیان ۱۳۸۵، رمضانی ۱۳۸۶) اشاره کرد.

بحث خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور بیش از یک دهه پیش در سال ۸۲ مطرح شد و کارشناسان نسبت به قیمت گذاری باشگاه بزرگ پایتخت اقدام کردند، اما به دلایل مختلف این امر محقق نشد. در سال ۹۳ نیز بحث خصوصی سازی باشگاه های فوتبال بویژه استقلال و پرسپولیس دوباره مطرح شد و در پایان این سال، قیمت نهایی آنها نیز ۲۹۰ میلیارد تومان تعیین شد. با این حال طی چند مرحله فراخوان سازمان خصوصی سازی هیچ خریداری برای این دو باشگاه پیدا نشد و تا کنون نیز کسی برای خرید آنها اقدام نکرده است. شواهد حاکی از این است که بخش خصوصی بنا به دلایلی که از جمله آنها وجود مشکلات و موانع گوناگون در سر راه مشارکت بخش خصوصی در عرصه ورزش و بویژه فوتبال کشور است، تمایلی برای ورود ندارد. شاید برخی از این دلایل را بتوان در ساختار معیوب اقتصاد کشور و در نتیجه درآمدزایی باشگاه های ورزشی و یا ساختار معیوب ورزش کشور دانست، زیرا به اعتقاد متخصصان حوزه اقتصاد و خصوصی سازی، اصلی ترین انگیزه ورود بخش خصوصی به هر حوزه ای کسب سود و درآمد است در حالی که فعلا شرایط لازم فراهم نیست.

بر طبق نتایج تحقیقات انجام شده می توان گفت موانعی که منجر به عدم موفقیت بخش خصوصی در ورزش و بویژه فوتبال شده را می توان در دسته های مختلفی از جمله اقتصادی، حقوقی و قانونی و ساختاری قرار داد. در بخش اقتصادی، به مشکلات زیادی از جمله ریسک بالای سرمایه گذاری در عرصه ورزش، عدم دریافت حق پخش، نپرداختن تسهیلات یا نرخ سود بالای تسهیلات اعطایی به بخش های خدماتی از ورزش و درآمد پایین از محل حامیان مالی یا بلیط فروشی می توان اشاره کرد. بستر حقوقی و قانونی موجود نیز برای فعالیت بخش خصوصی مناسب نیست. وجود قوانین دست و پاگیر، مشکلات قانون کیی رایت در کشور مناسب نبودن قوانین مالیاتی و فقدان قوانین حمایتی از جمله مهمترین این مشکلات هستند. مشکل فعالیت بخش خصوصی به دو عرصه یاد شده ختم نمی شود. ساختار معیوب ورزش کشور و باشگاه های فوتبال نیز مزید بر علت است. تجاری نبودن باشگاه های فوتبال و عدم فعالیت و رقابت آنها در خارج از مستطیل سبز

یکی از این نشانه های ساختار معیوب فوتبال حرفه ای کشور است. امروزه در تمام دنیا باشگاه های لیگ های حرفه ای در حوزه بازرگانی و تجاری خارج از میدان مسابقه فعالیت گسترده ای دارند. عدم امکان سرمایه گذاری بخش خارجی در فوتبال ایران و دور بودن از معیار های حرفه ای از جمله مشکلات ساختاری هستند که در نهایت، منجر به عدم تمایل بخش خصوصی به فعالیت در این عرصه یا عدم موفقیت آنها خواهد شد. به همین دلیل انجام تحقیقی جامع در این زمینه جهت شناسایی دلایل عدم حضور بخش خصوصی در عرصه فوتبال کشور بسیار ضروری می نمود.

طبق نتایج تحقیقات پیشین، تراز مالی منفی باشگاه های فوتبال (خبری ۸۳، رمضان ۸۶) تاخیر و پیچیدگی بوروکراتیک (الهی، ۱۳۸۷، دنیا پاداش، ۱۳۸۸) تعدد مراکز تصمیم گیری و عدم تعامل لازم بین سازمان های مرتبط (احمدی، ۱۳۸۶، دنیا پاداش، ۱۳۸۸) ساختار انحصارگرایانه سازمان های ورزشی دولتی در ارایه تمامی خدمات ورزشی، بوروکراسی شدید و سیاسی شدن ورزش (بدیع الدوساری، ۲۰۰۴: ۱۲)، پرداخت سوبسیدهای غیر ضروری دولتی بسیار زیاد برای ساخت استادیوم ها (گرینبرگ، ۲۰۰۴: ۱۷۳) نیز از دیگر مواردی هستند که مانع مشارکت بخش خصوصی در باشگاه داری فوتبال شده اند.

نتایج جودیو و فیلیپ (۲۰۰۳) نیز نشان داد که فقدان قوانین اختصاصی برای حامیان مالی و مدیریت امور مالی از دیگر عوامل مهم ناکارآمدی باشگاه های اسپانیا می باشند. همچنین، میچی و اگتون (۲۰۰۵: ۳۹) نیز بیان کردند حامیان مالی بیشتر از تیم هایی حمایت می کنند که از شفافیت مالی بیشتری برخوردارند.

باروس (۲۰۰۶: ۹۸) نیز پیشنهاد کرد کمک های غیر مستقیم (غیر نقدی) دولت می تواند کمک بزرگی به باشگاه ها و آمادگی آنها برای واگذاری به بخش خصوصی نماید. امروزه مرسوم است تشکیلات دولتی در کنار باشگاه ها و بخش غیر دولتی به سرمایه گذاری در زمینه ساخت و تجهیز استادیوم ها و فضا های ورزشی مورد نیاز باشگاه ها اقدام می کنند؛ به طوری که دولت انگلستان در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ حدود ۶۰۰ میلیون یورو و در مجموع ده سال حدود ۷۵۰ میلیون یورو برای ایجاد، توسعه و بازسازی استادیوم های فوتبال اختصاص داده است.

بر طبق نتایج تحقیقی با عنوان "تعیین و اولویت بندی عوامل موثر در جذب سرمایه در ورزش توسط بخش خصوصی"، به ترتیب عوامل اقتصادی و قانونی و اجتماعی - فرهنگی و عوامل مدیریتی - اجرایی موثرترین عوامل جذب سرمایه توسط بخش خصوصی هستند (صبحانی ۲۰۱۲: ۶۳۲).

همچنین طبق یافته های رهامی، در بین عوامل موثر بر خصوصی سازی صنعت ورزش کشور، عوامل اقتصادی، حمایت دولت از سرمایه گذار در ورزش و تلاش برای حذف تحریم های اقتصادی از جمله عوامل مهمی هستند که بیشترین تاثیر را در جذب مستقیم سرمایه خارجی در صنعت ورزش ایران دارند (رهامی، ۲۰۱۲: ۱۴).

ناصح نیز در ارزیابی سیاست خصوصی سازی ورزش ایران نشان داد که مشکلات مدیریتی و دستورالعمل های آموزشی و مالی به اضافه نقض حقوق مشتریان، تحت تاثیر اجرای غیر موثر خصوصی سازی واقع شده است و نقاط قوت آن شامل کاهش هزینه های دولتی و بهبود بازدهی است (ناصح، ۲۰۱۳: ۸).

بنابراین، تحقیق حاضر با تمرکز بر موضوع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال و با هدف شناسایی مهمترین موانع، رتبه بندی آنها و در نهایت طراحی مدل موانع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور در پی پاسخگویی به سوال زیر می باشد: مدل موانع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور به چه شکلی است؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات از نوع اکتشافی بوده که به روش توصیفی - پیمایشی (توصیفی - تحلیلی) انجام شد. جامعه آماری این تحقیق شامل مدیران باشگاه های فوتبال، اعضای هیات رئیسه و روسای کمیته های مختلف فدراسیون فوتبال، مسئولان اتحادیه باشگاه های فوتبال کشور و برخی از کارشناسان خبره از جمله متخصصان مدیریت ورزشی و سایر کارشناسان آشنا با مسائل باشگاه های فوتبال بودند که با توجه به کم بودن تعداد، همه آنها به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته (پایایی ۰/۸۷) با ۲۴ سوال بسته که در طیف ۵ گزینه ای سبک لیکرت تنظیم شده بود صورت گرفت. روایی محتوی و صوری پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصان مدیریت ورزشی، اقتصاد، مدیریت و حقوق و فرم نمره گذاری و روایی سازه آن با استفاده از روش تحلیل عاملی تأیید شد. برای اندازه گیری پایایی نیز از روش همبستگی درونی و روش آلفای کرونباخ (۰/۸۷) استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل نتایج نیز با استفاده از روش های آمار توصیفی شامل شاخص های گرایش مرکزی (نما، میانه و میانگین) و شاخص های گرایش پراکندگی (دامنه تغییرات، واریانس و انحراف معیار) رسم نمودار جداول فراوانی و آمار استنباطی شامل تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم افزار AMOS, LISREL انجام شد.

یافته های پژوهش

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که مشارکت بخش خصوصی در لیگ حرفه ای فوتبال کشور با سه دسته مانع مواجه می باشد. با بررسی عوامل تشکیل دهنده هردسته، نامگذاری آنها انجام شد: موانع اقتصادی، موانع حقوقی و قانونی و موانع ساختاری.

جدول ۱، مهمترین پارامترها را برای موانع سه گانه یاد شده نشان می دهد. در این جدول ضرایب استاندارد و معمول، انحراف استاندارد و مقادیر T و همبستگی چندگانه موانع سه گانه خصوصی سازی باشگاه های فوتبال ایران نشان داده شده است. مقادیر T بزرگتر از ۲ نشان از معناداری این ضریب دارند.

جدول ۱: موانع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور به همراه شاخص های برازندگی هر عامل

پارامتر عامل گویه	ضرایب استاندارد	ضرایب	انحراف معیار	T	همبستگی چند گانه
اقتصادی-مالی	۰/۸۹	۱	سطح مرجع	سطح مرجع	۰/۷۹
حقوقی-قانونی	۰/۸۲	۰/۵۷	۰/۱۳	۴/۲۲	۰/۶۸
ساختاری	۰/۶۳	۰/۵۲	۰/۱۰	۵/۱۱	۰/۴

همچنان که در جدول بالا مشاهده می کنید، موانع اقتصادی و مالی (۰/۷۹)، موانع حقوقی و قانونی (۰/۶۸) و موانع ساختاری (۰/۴) به ترتیب در رتبه های اول تا سوم اولویت و اهمیت قرار دارند.

جهت مشخص شدن نقش و اهمیت هر یک از عوامل زیر مجموعه موانع سه گانه یاد شده، ضریب همبستگی چندگانه آن برای تعیین میزان برازندگی آن عامل با حیطه مورد نظر نیز محاسبه شد. هر چه این همبستگی بیشتر باشد، نشان دهنده نقش بیشتر آن سؤال در تبیین حیطه مورد بررسی می باشد. با توجه به اطلاعات این جدول، ضرایب برآورد شده از لحاظ آماری معنادار نشان داده شده است (جدول ۲).

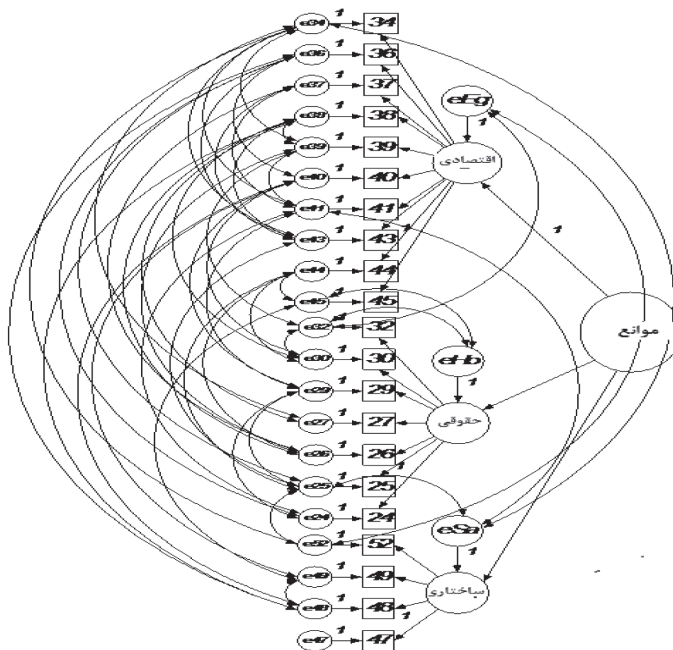
در ادامه کار برای بررسی درستی و تائید موانع سه گانه کشف شده از طریق تحلیل عاملی اکتشافی اقدام به انجام آزمون تحلیل عاملی تائیدی شد. نتایج آزمون تحلیل عاملی تائیدی نیز نتایج اکتشافی را تائید کرد که مدل طراحی شده نیز در دیاگرام شماره یک نشان داده شده است.

جدول ۲: شاخص های برازندگی هر سؤال با زیر عامل مربوط به آن

همبستگی چند گانه	T	انحراف معیار	ضرایب	ضرایب استاندارد	گویه پارامترعامل	
۰/۰۹	۲/۷۷	۰/۰۹	۰/۲۴	۰/۲۹	ناتوانی در تامین فضاهای ورزشی مورد نیاز	توانمندی
۰/۲۵	۴/۹۲	۰/۱۰	۰/۵۱	۰/۵۰	درآمد پایین از محل حامیان مالی	
۰/۴۵	۶/۶۸	۰/۱۰	۰/۶۸	۰/۶۷	پایین بودن درآمد بلیط فروشی	
۰/۵۹	۷/۶۹	۰/۱۲	۰/۹۳	۰/۷۷	عدم درآمد از محل حق عضویت	
۰/۶۳	۷/۷۴	۰/۱۱	۰/۸۳	۰/۷۹	درآمد پایین از محل تبلیغات و بازرگانی	
۰/۳۲	۵/۵۹	۰/۱۳	۰/۷۰	۰/۵۶	مشکلات حق پخش و تبلیغات دور زمین	
۰/۳۲	۵/۵۹	۰/۱	۰/۵۳	۰/۵۶	درآمد پایین از محل نقل و انتقال بازیکن	
۰/۴۵	۶/۵۹	۰/۱۶	۱/۰۳	۰/۶۷	پایین بودن درآمد از محل صحنه گذاری	
۰/۳۸	۶/۹۹	۰/۰۸	۰/۵۹	۰/۶۲	عدم تخصیص تسهیلات مالی	
۰/۵۸	سطح مرجع	سطح مرجع	۱	۰/۷۶	تراز منفی باشگاه های فوتبال	
۰/۲۷	سطح مرجع	سطح مرجع	۱	۰/۵۲	تاخیر در تهیه و ابلاغ دستورالعمل ها	توانمندی
۰/۲۹	۴/۸۵	۰/۲۳	۰/۹۸	۰/۵۴	نرخ سود بالای تسهیلات اعطایی	

دوره قانونی	عدم وضع قوانین اختصاصی	۰/۶۶	۱/۰۷	۰/۲۲	۴/۸۵	۰/۴۴
	عدم اصلاح قوانین موجود	۰/۸۸	۱/۶۵	۰/۳	۵/۵۱	۰/۸۷
	مناسب نبودن قوانین مالیاتی	۰/۶۲	۱/۲۸	۰/۳	۴/۲۲	۰/۳۸
	عدم وجود قوانین حمایتی مناسب	۰/۶۲	۰/۹۵	۰/۲۰	۴/۶۵	۰/۳۹
	روشن نبودن قوانین	۰/۴۷	۰/۷	۰/۲۶	۲/۶۷	۰/۱۴
ساختاری	تجاری نبودن باشگاه ها	۰/۹۱	۱	سطح مرجع	سطح مرجع	۰/۸۳
	فقدان معیارهای حرفه ای	۰/۴۵	۰/۶۱	۰/۱۳	۴/۶	۰/۲۰
	عدم امکان سرمایه گذاری خارجی	۰/۶۳	۰/۹۷	۰/۱۴	۷/۰۳	۰/۴۰
	عدم برخورداری از ورزشگاه اختصاصی	۰/۲۶	۰/۲۹	۰/۱۱	۲/۵۸	۰/۰۷

دیاگرام ۱: مدل برازش شده موانع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال در تحلیل عاملی تاییدی



با استفاده از آماره برازش مجذور خی میزان تفاوت ماتریس مشاهده شده و برآورد شده اندازه گیری شد. عدم معناداری این آماره، برازش مدل را با داده ها نشان می دهد. مقدار کمتر از ۰/۰۵ برای شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) و مقادیر بالاتر از ۰/۹ برای شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص تعدیل شده نیکویی برازش (AGFI) به عنوان ملاک های انطباق الگو با داده های مشاهده شده در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد شاخص های نیکویی برازش مدل همگی در حد قابل قبولی قرار دارند. بنابراین، تحلیل عاملی تاییدی نیز روا بودن مدل ارائه شده را نشان داد.

جدول ۳: شاخص های نیکویی برازش برای موانع

AGFI	GFI	RMSEA	P – value	Df	X
۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۰۵	۰/۰۱	۱۴۰	۲۶۳/۷۶

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق نشان داد که موانع اقتصادی و مالی (۰/۷۹)، موانع حقوقی و قانونی (۰/۶۸) و موانع ساختاری (۰/۴) به ترتیب در رتبه های اول تا سوم قرار دارند. همسو با این یافته، دنیا پاداش (۱۳۸۸، ۳۲) نیز بیان کرد عوامل اقتصادی رتبه اول را در بین عوامل موثر بر خصوصی سازی باشگاه های ورزشی دارند. شاید دلیل همسویی نتایج این باشد که بحث عوامل اقتصادی و تامین هزینه های باشگاه ها اساس سرپا ماندن آن بوده و ادامه حیات آنها بدون توجه به این امر امکان پذیر نیست. به بیان دیگر، درآمد ناچیز باشگاه های فوتبال (به علت محدودیت منابع درآمدی) و در نتیجه تراز مالی منفی آنها مهمترین مانع از سرمایه گذاری بخش خصوصی شده است.

این یافته با یافته های خلیلی (۱۳۹۱، ۴۴) - که در تحقیق خود با عنوان "بررسی و اولویت بندی عوامل موثر بر اجرای ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در اداره کل ورزش و جوانان استان البرز"، عوامل نهادی و سازمانی را در رتبه اول اهمیت معرفی کرد و عوامل اقتصادی را در رتبه سوم قرارداد- مغایرت دارد. به نظر می رسد علت مغایرت این باشد که اجرای این قانون بیش از آن که به عوامل اقتصادی و مالی وابسته باشد، بیشتر به بستر فرهنگی اجتماعی و ساختار مناسب نهادی و سازمانی نیازمند است، در حالی که مشارکت بخش خصوصی در تمام عرصه ها از جمله ورزش تابع شرایط اقتصادی و مالی است.

از دیگر یافته های تحقیق حاضر این بود که موانع حقوقی و قانونی از جمله موانع اصلی بر سر راه خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور می باشند. این یافته با نتایج تحقیقات بسیاری از جمله احمدی (۱۳۸۶) که مشکلات حقوقی را به عنوان یکی از موانع و مشکلات خصوصی سازی ورزش از دیدگاه صاحبان باشگاه های ورزشی شهرستان ارومیه معرفی کرد و نتایج طالب نیا و محمدزاده (۱۳۸۴) که فقدان بسترهای قانونی لازم را به عنوان عامل بازدارنده خصوصی سازی بیان کرده اند همسوست. جودیو و فیلیپ (۲۰۰۳: ۴۳) نیز دریافتند که فقدان قوانین اختصاصی برای حق پخش تلویزیونی، حامیان مالی و مدیریت امور مالی از مهمترین عوامل

1. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

2. Goodness of fit index (GFI)

3. Adjusted Goodness of fit Index (AGFI)

4. Guidio Philippe

ناکارآمدی باشگاه های اسپانیا هستند که با یافته های تحقیق حاضر همسوست.

همچنین، یافته حاضر با نتایج تحقیق دنیا پاداش (۱۳۹۰) که بیان کرد عوامل حقوقی - قانونی نسبت به عوامل اجتماعی، در اولویت قرار دارد و آنها را در رتبه دوم عوامل تاثیر گذار بر خصوصی سازی باشگاه های ورزشی یافت، یکسان است. شاید دلیل این امر، ضرورت وجود بستر حقوقی لازم برای تحقق خصوصی سازی بوده و رفع موانع و مشکلات موجود در این زمینه از اصلی ترین الزامات و مقدمات تحقق این سیاست باشد. در توجیه این یافته می توان گفت با توجه به ماهیت درآمدزا بودن ورزش حرفه ای (از جمله فوتبال و باشگاه های حرفه ای آن) قوانین و مقررات اختصاصی خصوصی سازی برای هر یک از رشته های ورزشی اهمیت فراوانی در فراهم سازی بستر و شرایط لازم برای مشارکت بخش خصوصی در آن حوزه دارد.

نتایج تحقیق حاکی از این بود که موانع ساختاری در رتبه سوم اهمیت قرار دارند. این یافته با یافته های خلیلی که عوامل نهادی و سازمانی را در رتبه اول اهمیت معرفی کرد و باروس (۲۰۰۶: ۹۸) که مالکیت غیرانتفاعی باشگاه های فوتبال پرتغال را از موانع توسعه اقتصادی آنها معرفی کرد و استفان مورو (۲۰۰۴: ۴۹) که ساختارهای مالکیت فوق العاده متمرکز باشگاه های فوتبال اسکاتلند را از مهمترین موانع توسعه فوتبال این کشور دانست همسوست، زیرا در تحقیق حاضر نیز ساختار غیر تجاری باشگاه های فوتبال به عنوان مهمترین عامل بازدارنده ساختاری مشارکت بخش خصوصی معرفی شد. بنابراین می توان گفت تجاری سازی باشگاه های فوتبال اقدامی ضروری قبل از خصوصی سازی آنهاست.

یکی از نتایج جالب تحقیق حاضر این بود که برخلاف پیش فرض ها و پیش بینی های محقق مبنی بر وجود یک دسته از موانع با عنوان "موانع مدیریتی" (از جمله فقدان عزم و اراده جدی مدیران، تعدد مراکز تصمیم گیری و پیچیدگی های فرایند بوروکراسی اداری) که بر طبق پیشینه تحقیق و براساس نتایج تحقیقات گذشته به عنوان یک دسته از موانع مهم شناسایی و در پرسشنامه گنجانده شده بود، در مدل تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت. این یافته در نمودار شماره یک به وضوح آمده است. این یافته با نتایج تحقیقات بسیاری از جمله الهی (۱۳۸۸)، دنیا پاداش (۱۳۸۸) که عوامل مدیریتی را مهم تلقی کردند، مغایرت دارد. همچنین، نتایج این تحقیق با یافته های آقاجانی (۱۳۹۱) که در تحقیق خود با عنوان "تبیین عوامل موثر بر فرایند کارآفرینی مستقل باشگاه های ورزشی خصوصی استان مازندران" نتیجه گرفت بیشترین اثرگذاری مستقیم مربوط به عوامل مدیریتی است و پس از آن حمایت های محیطی، روان شناختی و فرهنگی قرار دارند، مغایرت دارد. در توجیه این یافته می توان گفت همچنان که در روش شناسی تحقیق ذکر شد، بیشتر جامعه آماری و نمونه تحقیق حاضر را مدیران و دست اندرکاران باشگاه های فوتبال و فدراسیون تشکیل می دادند و موارد ذکر شده با عنوان "موانع مدیریتی" به طور مستقیم به عملکرد این افراد اشاره داشت. ممکن است جامعه آماری مورد بررسی، جهت پنهان کردن این دسته از موانع و پررنگ جلوه دادن سایر موانع، دسته مذکور را رد کردند. البته شاید با توجه به شرایط موجود و تاکید زیاد بر روی سیاست خصوصی سازی در تمامی عرصه ها این مشکل که در گذشته نه چندان دور یکی از اصلی ترین موانع و مشکلات اجرای این سیاست بود مرتفع گشته است. از بین عوامل تاثیر گذار بر خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور که در پرسشنامه تحقیق گنجانده شده بود، فقط تعداد ۲۱ عامل مورد تأیید قرار گرفت و بقیه موارد در مدل تحقیق رد شد. همان طوری که در مدل تحقیق آمده است، این عوامل در سه دسته موانع اقتصادی (۱۰ عامل) موانع حقوقی و قانونی (۷ عامل) و موانع ساختاری (۴ عامل) دسته بندی شدند. عدم معناداری برازش مجذور خی میزان تفاوت ماتریس مشاهده شده و برآورد شده، برازش مدل را با داده ها نشان داد. همچنین مقدار کمتر از ۰/۰۵ برای شاخص ریشه خطای میانگین مجزورات تقریب (RMSEA) و مقادیر بالاتر از ۰/۹ برای شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص تعدیل شده نیکویی برازش (AGFI) به عنوان ملاک های انطباق الگو با داده های مشاهده شده نتایج

نشان داد شاخص های نیکویی برازش مدل همگی در حد قابل قبولی قرار دارند. بنابراین تحلیل عاملی تاییدی نیز روا بودن مدل ارائه شده را نشان داد.

به طور کلی می توان چنین نتیجه گیری کرد که خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور با چند دسته از موانع روبروست که مهمترین آنها از جنس اقتصادی می باشد. چنین به نظر می رسد که بدون حذف این موانع، سیاست خصوصی سازی در عرصه ورزش فوتبال عملیاتی نخواهد شد و همچون چند سال گذشته خصوصی سازی باشگاه های فوتبال رویایی بیش نخواهد بود.

بنابراین با توجه به یافته های تحقیق مبنی بر وجود سه دسته مانع مشخص و اهمیت و اولویت بیشتر موانع اقتصادی و مالی پیشنهاد می شود دولت، مدیران ورزش و فدراسیون فوتبال نسبت به رفع این موانع و زمینه سازی برای تجاری سازی باشگاه های فوتبال برای افزایش منابع درآمدی آنها اقدام جدی به عمل آورند، زیرا بخش خصوصی در پی سود می باشد و باشگاه های زیان ده برای آنها جذابیتی ندارد. همچنین، فراهم نمودن زمینه حقوقی و قانونی لازم با همکاری دستگاه های ملی همچون مجلس، سازمان خصوصی سازی و هیات دولت ضروری است که از جمله آن می توان به تدوین لوایح و طرح های قانونی از سوی دولت، تدوین قوانین لازم از سوی مجلس و تهیه شرایط و دستورالعمل های لازم و طراحی فرایند از سوی سازمان خصوصی سازی اشاره کرد. با این حال، ایجاد تغییرات ساختاری در باشگاه ها و زمینه سازی برای فعالیت های اقتصادی در کنار فعالیت ورزشی ضروری است. به بیان دیگر، باشگاه های فوتبال باید همچنان که در داخل مستطیل سبز به رقابت می پردازند، به فکر انجام فعالیت های تجاری و بازرگانی در خارج از زمین مسابقه نیز باشند.

منابع

- احمدی، اژدر (۱۳۸۶) "موانع و مشکلات موجود خصوصی سازی حوزه ورزش از دیدگاه صاحبان باشگاه ها و مراکز خصوصی ورزشی شهرستان ارومیه". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.
- آقاجانی، حسنعلی (۱۳۹۱) "تبیین عوامل موثر بر فرایند کارآفرینی مستقل باشگاه های ورزشی خصوصی استان مازندران". پژوهش نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۸، (۱۶)، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- الهی، علیرضا (۱۳۸۷) "موانع و راهکارهای توسعه اقتصادی صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران". رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران.
- الهی، علیرضا (۱۳۸۳) "بررسی و مقایسه لیگ برتر فوتبال جمهوری اسلامی ایران با ژاپن". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران.
- پاداش، دنیا (۱۳۹۰) "ارزش گذاری عوامل اجتماعی و قانونی موثر بر خصوصی سازی باشگاه های ورزشی". مجله علمی و پژوهشی مدیریت ورزشی. زمستان ۹۰، ۱۱، صص ۳۳-۵۲.
- پاداش، دنیا (۱۳۹۰) "تعیین و اولویت بندی عوامل مدیریتی و اجرایی موثر بر خصوصی سازی باشگاه های ورزشی به روش AHP". مجله علمی و پژوهشی مطالعات مدیریت ورزشی. پاییز ۹۱، (۱۵)، صص ۶۲-۴۷.
- پاداش، دنیا (۱۳۸۸) "اولویت بندی عوامل تاثیر گذار بر خصوصی سازی باشگاه های ورزشی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه اصفهان.
- جلیلیان، غلامرضا (۱۳۸۴) "توصیف وضعیت باشگاه های لیگ برتر فوتبال ایران و مقایسه آن با باشگاه های لیگ های برتر کشورهای چین، مالزی و انگلستان". رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم.
- خیبری، محمد (۱۳۸۳) "مقایسه وضعیت باشگاه های لیگ حرفه ای فوتبال با معیار های یوفا و باشگاه های منتخب از کشورهای ژاپن، کره جنوبی، امارات و ترکیه". طرح پژوهشی، پژوهشکده تربیت بدنی.
- خلیلی، هادی (۱۳۹۱) "بررسی عوامل موثر بر اجرای ماده ۸۸ قانون تنظیم بخش از مقررات مالی دولت در اداره کل ورزش و جوانان استان البرز". پژوهش های کاربردی در مدیریت و علوم زیستی در ورزش. ۱، (۳)، صص ۳۳-۴۲.
- رضوی، محمد حسین (۱۳۸۳) "تحلیل سیاست خصوصی سازی در ورزش کشور با تاکید بر ورزش قهرمانی". رساله دوره دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران.
- رضوی، محمد حسین (۱۳۸۶) "خصوصی سازی و اصلاح ساختار ورزش قهرمانی در کشور". نشریه حرکت دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران. (۲۷) صص ۱۸-۵.
- رضوی، محمد حسین (۱۳۸۴) "افزایش کارایی با سیاست خصوصی سازی در ورزش". نشریه حرکت دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران. ۲۳ (۲۳) صص ۲۲-۵.
- رمضانی، رضا (۱۳۸۶) "پژوهش اقتصاد و سرمایه گذاری ورزش: مورد کاوی فوتبال". طرح پژوهشی سازمان تربیت بدنی، دفتر ملی مدیریت و توسعه ورزش کشور.
- قره خانی، حسن (۱۳۹۰) "بررسی موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه های فوتبال ایران". نشریه علمی و پژوهشی مطالعات مدیریت ورزشی. پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، بهار ۹۰، (۹) صص ۱۳۸-۱۲۵.

- عارفیان، یداله (۱۳۸۴) "بررسی سیاست خصوصی سازی و موانع و مشکلات آن در تربیت بدنی از دیدگاه مدیران استان مازندران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- Barros .C.P(2006). **"The Financial crisis in Portuguese Football"** Journal of Sport Economics. 7(1), 96-104.
- Isidoro Guzmán·Stephen Morrow(2007) **"Measuring efficiency and productivity in professional football teams: evidence from the English Premier League"** . Springer-Verlag
- Gameel, A., Abd-Elsalam, M., (2012) **"Professional Development of Specialists in Sports for All (Recent Graduates) in Light of the Labor Market Requirements"**.World Journal of Sport Sciences. 6 (3): 209-214.
- Guidio Ascari ,Philippe Gagnepain(2003) **"How Inefficient are Football Clubs ? An Evaluation of The Spanish Arms Race"**. Department of Economics.University of Madrid. January(2003).
- Michie J and Oughton C (2004). **"Competitive Balance in Football : Trends and effects"**. Univesity Of London , Football Governace Research Center ,Research Paper 2004, No, 2.
- Morrow , S (2004) **"The Financial Crisis in Scottish Football"** . Scottish Affaires, 47,48-57.
- Naseh mahtab (2013) **"Evaluation of privatization in sport with the approach of assessing the strength and weaknesses"**. European Journal of experimental biology. Number 3. Vil 1. Pp 631-636
- Renson, Roland, (2002) **"Inclusion or exclusion? Possibilities and limitations for interaction between sport for all and elite sport"**. paper presented in the 9th world sport for all congress – the Netherlands.
- Rostami, Mehdi (2012). **"Comparison of managers attitudes about the role of privatization in the development of sport"**. European journal of experimental biology.number 2.vol6. pp2403-2407.
- Sean Hamil,Mathew Helt(2003) **"The State of Game, The Corporate Governance of Football Clubs"**.Football Governance Research Center ,University of London.
- Yousefi bahram(2012) **"Enterprenuership in the private sport clubs: A case study in Ilam"**.Ausrtalian Journal of basic and applied sciences. No 6. Vol 9. Pp469-473.



بررسی تاثیر فعاليت های ورزشی بر میزان انحرافات اجتماعی جوانان

احمد بخارایی^۱

سید مهدی آقاپور^۲

امیر ستاری دولت آباد^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۹

این مقاله با هدف تبیین رابطه فعاليت های ورزشی بر میزان انحرافات اجتماعی جوانان و همچنین با در نظر گرفتن متغیرهای واسطه پیوند اجتماعی و پیوند افتراقی برای تبیین رابطه غیر مستقیم فعاليت های ورزشی صورت گرفته است. مهمترین سؤالاتی که در این پژوهش مورد پی گیری قرار می گیرد، به دو دسته تقسیم می شود: آیا فعاليت های ورزشی بر میزان انحرافات اجتماعی تاثیرگذار هستند؟ فعاليت های ورزشی به واسطه متغیرهای پیوند اجتماعی و پیوند افتراقی چه تأثیری بر میزان انحرافات اجتماعی دارند؟ روش تحقیق، پیمایشی و ابزار جمع آوری اطلاعات نیز پرسش نامه می باشد. برای برآورد اعتبار سؤال های پرسشنامه، علاوه بر اعتبار صوری، از تحلیل عاملی تأییدی و برای تعیین پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این پژوهش، نمونه ای به تعداد ۴۰۰ نفر از میان جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تبریز نخست به شیوه نمونه گیری خوشه ای و در مرحله دوم، به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده است. فعاليت های ورزشی (متغیر پیش بین) به انواع (منظم و نامنظم، سازمان یافته و غیرسازمان یافته، تیمی و انفرادی) و متغیر انحرافات اجتماعی (متغیر ملاک) نیز به ابعاد وندالیسم و اوباشگری، خشونت و پرخاشگری، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و کجروی های اخلاقی- فرهنگی تقسیم بندی شده بودند. یافته های آماری نشان می دهد

۱. استادیار، گروه جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور

۲. استادیار، گروه تربیت بدنی، دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

که بین نوع فعالیت های ورزشی (منظم و نامنظم) و میزان هر یک از آنها، نوع فعالیت های ورزشی تیمی و انفرادی، میزان پیوند اجتماعی و میزان دوستان منحرف با انحرافات اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد؛ اما بین نوع فعالیت های ورزشی (سازمان یافته و غیر سازمان یافته) با انحرافات اجتماعی و بین میزان فعالیت های ورزشی با پیوند اجتماعی و نیز بین میزان فعالیت های ورزشی نامنظم با میزان دوستان منحرف رابطه معنی داری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: فعالیت های ورزشی، انحرافات اجتماعی، پیوند اجتماعی و پیوند افتراقی

مقدمه

رشد فزاینده بزهکاری برابر است با هدر رفتن پتانسیل های خلاق و سازنده جامعه؛ آن هم در جامعه ای که یک سوم جمعیت آن را جوانان تشکیل می دهد. از این رو، تحقیقات فراوانی به منظور شناخت ریشه های بزهکاری و زمینه های کاهش آن انجام شده است. جامعه شناسان عموماً معتقدند بزهکاری با زمینه اجتماعی پیوند دارد. آنها تلاش دارند آن را با متغیرهای فرهنگی - اجتماعی تبیین کنند. برخی به رابطه میان سبک های زندگی با بزهکاری پرداخته اند؛ به این معنا که سبک زندگی هر فرد او را به انجام فعالیت ها و اشتغال به اموری تشویق می کند که احتمال بزهکاری را کاهش یا افزایش می دهد (هاودان^۱، ۱۹۹۹). بنابراین بسیاری از آسیب شناسان اجتماعی برآنند که برای مبارزه با کژرفتاری ها باید زمینه اجتماعی آنها را از میان برداشت (ستوده، ۱۳۸۹).

یکی از زمینه های اجتماعی که نقش محوری مهمی در زندگی اجتماعی جوانان ایفا می کند، اوقات فراغت است. نیاز به گذران اوقات فراغت به گونه ای اجتناب ناپذیر به منزله یک "ارزش" برای تمام قشرهای جامعه، بویژه جوانان مطرح است. فضاهای ورزشی از جمله محیط هایی هستند که در گذران اوقات فراغت جوانان و نوجوانان نقش عمده ای دارند. خاصه که نسل جوان به دلیل ویژگی های خاص خود، نظیر داشتن تحرک، تلاش و هیجان و مانند اینها توجه بیشتری به ورزش نشان می دهد (معدنکن، ۱۳۶۹). در بسیاری از تحقیقات، جوانان ورزش را به عنوان مناسب ترین نوع فعالیت فراغتی انتخاب نموده اند؛ به گونه ای که انواع ورزش ها از مناسب ترین و ضروری ترین گونه های گذران اوقات فراغت در عصر حاضر گشته اند.

ورزش به عنوان یکی از فعالیت های مهم اوقات فراغت از اشکال مهم کنترل اجتماعی به حساب می آید و اهداف تربیتی زیادی در پی دارد. اقبال گسترده همگان از ورزش در جوامع پیشرفته صنعتی سبب شده است که ورزش به مثابه تربیت عامه در سال های اخیر بسیار پرطرفدار باشد. برای نمونه، اتحادیه اروپایی بر چنین رویکردی تأکید ویژه دارد. در آمریکای شمالی نیز ورزش را «دین جامعه مدنی» معاصر قلمداد کرده اند. چنین پنداشتی، نشان از اهمیت جایگاه ورزش در جامعه معاصر دارد (موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران، ۱۳۸۴). براستی در جهان کنونی کمتر پدیده ای را می توان یافت که از چنین ویژگی و قابلیت برخوردار باشد، این پدیده جهانی امروزه، امیدهای تازه ای را در کنترل و پیشگیری از آسیب های اجتماعی در بین جوامع بویژه جوانان نوید می دهد. پایایی و قوام فضاها و فعالیت های ورزشی و همبستگی میان اعضای آن، شبکه ای از مبادلات را طرح ریزی می نماید که می تواند سوگیری رفتار، نگرش و کنش اجتماعی آتی جوانان را موافق با هنجارهای عام اجتماعی تنظیم کند. بی گمان هنجارهای اجتماعی منشاء متنفذ و قوی ارتباط و پیوستگی درون گروهی بوده و بر همین اساس گفته می شود که فعالیت های ورزشی می تواند به عنوان یکی از نمود های اصلی این ارتباط به شمار آیند.

تحقیقات بسیاری نشان داده است که اغلب بزهکاران نوجوان، از اوقات فراغت خود سوء استفاده می کنند. بر این اساس یک علت عمده بزهکاری این است که بزهکاران کار بهتری برای انجام دادن ندارند. امروزه، بسیاری از مراکز ویژه تخلفات نوجوانان از برنامه های تفریحی - ورزشی اوقات فراغت به منظور کنترل، پیشگیری و اصلاح بزهکاری استفاده می کنند (ساجن و یاناکیس^۲، ۱۹۸۲).

در حالی که بسیاری بزهکاری را به مثابه شکست جامعه در انتقال ارزش های مثبت به نسل جدید خود دانسته اند، ورزش های سازمان یافته می تواند سطح تعهد نوجوانان به ارزش ها و نهادهای عرفی را افزایش

1. Hawdon
2. Sugden and Yiannakis

دهد و در نتیجه موجب کاهش بزهکاری شود.

ورزش که می توان آن را به عنوان صورت ممتاز حرکات نمایشی عصر ما ملاحظه کرد، آزمایشگاهی است که در آن رفتارها، نگرش ها، ارزش ها و بازنمایی های معنادار فرهنگ قرن بیست و یکم شکل می گیرد و تجربه می شود (دوفرانس، ۱۳۸۵). به عقیده پاتریک در شهرهای صنعتی باید به بازی به عنوان عاملی ضروری و واجب برای بهبود وضع اجتماعی توجه شود. استفاده از انواع بازی های مفرح ورزشی به عنوان عامل موثر برای جلوگیری از انحراف، کجروی و رفتارهای ضد ارزشی دوران نوجوانی و جوانی پیشنهاد شده است (نادریان جهرمی، ۱۳۸۹).

افزون بر نمونه های تجربی، تئوری های بسیاری نیز به تاثیر ورزش بر سلامت اجتماعی و کاهش ناهنجاری ها و اختلالات اجتماعی تاکید کرده اند. فرضیه هایی که بر وجود رابطه ورزش با انحرافات تاکید داشته اند، از قرن گذشته شکل گرفته اند. در مدارس انگلستان در اواسط دهه ۸۰، برای اولین بار ورزش آشکارا به مثابه شکلی از کنترل اجتماعی به کار گرفته شد و فعاليت های ورزشی به عنوان جانشینی برای دزدی، قلدری، اوباشگری (وندالیسم) و مستی برای پسر بچه های مدرسه ای مطرح گردید که می توانست تمام اوقات فراغت آنها را پوشش دهد. متعاقباً، ورزش به بخش مهمی از برنامه های آموزشی (تحصیلی) مدارس و دیگر موسسات تربیتی نوجوانان و جوانان در بریتانیا تبدیل گشت. در سال ۱۹۶۵، انجمن ورزش های بریتانیا تاسیس شد. یکی از انگیزه های تعلیماتی این انجمن، آن بود که در صورت رشد و افزایش بزهکاری در نوجوانان و جوانان، ورزش می تواند کارکرد آشکاری در کنترل و کاهش انحرافات داشته باشد (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸).

نظریه کنترل^۲ به جای تاکید بر انگیزه های بزهکارانه، ثابت می کند که رفتار بزهکارانه نتیجه فشار پیوندهای عرفی می باشد. بر این اساس، نظریه های کنترل اجتماعی پیش بینی می کنند که مشارکت در ورزش ها پیوندهای جوانان را با جوامع عرفی افزایش می دهد و به تبع آن از رفتارهای ضد اجتماعی می کاهد (کریگر^۳، ۲۰۰۷). نظریه پیوند افتراقی اظهار می دارد که رفتار انحرافی در داخل گروه همسالان (دوستان) از طریق رابطه یا آشنایی با روش های ارتکاب اعمال جنایی، انگیزش ها، سائق ها و توجیح سازی ها، یاد گرفته می شود (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸). اسنایدر^۴ (۱۹۹۴)، اظهار داشت که اگر ورزشکاران بصورت عمده و در بدو امر، با دیگر ورزشکاران و مربیان وارد تعامل بشوند، این پیوند افتراقی می تواند احتمال درگیر شدن در رفتارهای بزهکارانه را کاهش دهد؛ به این معنا که تعامل نخستین با دوستان هم فکر، از لحاظ نظری به عنوان سپری در مقابل رفتارها و ارزش ها و هنجارهای خرده فرهنگ انحرافی عمل می نماید. پوردی و ریچارد^۵ (۱۹۸۳)، بیان نمودند در حالی که بزهکاران ارزش ها و رفتارهای بزهکارانه را از گروه همسالان یاد می گیرند، اما ورزشکاران بوسیله ارزش ها و رفتارهای مطابق با ارزش های عرفی و رفتارهای جامعه، جامعه پذیر می شوند. در یک بررسی اجمالی پیرامون تحقیقات انجام یافته و نظریات مطرح شده، مشاهده گردید که ورزش به طور عام با مقوله سلامت اجتماعی رابطه مستقیم و با انواع بزهکاری و انحرافات اجتماعی رابطه منفی و معکوس دارد. به این ترتیب، تحقیقات و تئوری های یاد شده نشان می دهد که فعاليت های ورزشی می تواند زمینه بروز ناهنجاری ها و انواع آسیب های اجتماعی را کاهش دهد، اوقات بیکاری و فراغت جوانان را به شکل بهتر و مطلوب تری سامان دهد، امکان بروز خشونت و اختلاف را در سطح اجتماع و مناسبات اجتماعی

1. Mason and Wilson
2. Control Theory
3. Kreager
4. Snyder
5. Purdy and Richard

پایین بیاورد، حس گذشت و جوانمردی را در روابط اجتماعی تقویت کند و به طور کلی، وضعیت روانی - اجتماعی جوانان را مطلوب و تحمل پذیر نماید. چنین تحقیقاتی به وضوح اهمیت فعالیت های ورزشی را نمایان می سازد و برخی از آثار کلی ورزش بر انحرافات اجتماعی را مشخص می نماید.

تحقیقات مزبور در نوع خود مفید و بجا به نظر می رسند، اما در کنار یافته های تجربی شان (به عنوان ابزار علمی شناخت)، به خوبی به تحلیل علمی نپرداخته اند. لذا نقصی که در این تحقیقات وجود دارد، فقدان و یا ضعف تحلیل علمی در زمینه تفکیک ابعاد فعالیت های ورزشی و در نظر گرفتن متغیرهای واسطه تاثیرگذار است. این سخن بدین معنی است که تنها با توسل به تحقیقات تجربی کلان نمی توان بستر اصلی پدیده های اجتماعی را کشف کرد، بلکه باید در کنار تحقیقات تجربی کلان که به عنوان ابزار فرعی مفید تلقی می شوند، از تحلیل علمی در سطح خرد نیز سود برد. بنابراین، در تحقیق حاضر سعی می شود در کنار سنجش برخی از متغیرهای واسطه (پیوند اجتماعی و پیوند افتراقی)، تاثیر میزان و انواع فعالیت های ورزشی (منظم (سازمان یافته و غیر سازمان یافته) و نامنظم، تیمی و انفرادی) را نیز در تحقیق مورد آزمون قرار داد.

بر همین مبنا، در تحقیق حاضر به دنبال بررسی تاثیر فعالیت های ورزشی بر انحرافات اجتماعی (با ابعاد آن) در سطح شهر تبریز بودیم و سعی شد که جوانب و ابعاد مسئله را به گونه ای درست، علمی و مستند سنجیده گردد.

۷۱

مبانی نظری پژوهش

در این تحقیق برای تبیین رابطه بین ورزش و انحرافات اجتماعی، از نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، پیوند افتراقی سادرلند، انرژی مازاد اسپنسر، نظریه فرایند متمدن شدن نوربرت الیاس (احساسات، حالات و خشونت) و تئوری رفتار محرک جویی استفاده شده است.

نظریه پیوند اجتماعی هیووشی

در دهه های اخیر نظریه کنترل اجتماعی هیرشی (۱۹۶۹)، یکی از رایجترین چارچوب های تئوریک در زمینه درک سیمای انحرافات اجتماعی و بویژه بزهکاری جوانان بوده است. برجستگی این نظریه از ارتباط و پیوستگی ادراکی بین افراد و نهادهای اجتماعی عرفی سرچشمه می گیرد (اوزبای^۱، ۲۰۰۶: ۷۱۱؛ بووس، فارل و وارنو^۲، ۲۰۰۸). هیرشی در سال ۱۹۶۹، نظریه پیوند اجتماعی را برای آزمون پیوستگی بین مشارکت در فعالیت های ورزشی و رفتار های ضد اجتماعی جوانان مورد استفاده قرار داد. نظریه کنترل به جای تاکید بر انگیزه های بزهکارانه، ثابت می کند که رفتار همونوا نتیجه فشار پیوندهای عرفی می باشد. بر این اساس، نظریه های کنترل اجتماعی پیش بینی می کنند که مشارکت در ورزش، پیوندهای جوانان را با جوامع عرفی افزایش می دهد و به تبع آن از رفتارهای ضد اجتماعی می کاهد (کریگر^۳، ۲۰۰۷). سگریو (۱۹۸۳) ادعا می کند که مولفه های ورزش و ورزشکارانه به عنوان پادزهری نسبت به بزهکاری توجه و تمرکز زیادی را بر روی نظریه کنترل در مقایسه با دیگر نظریات به خود جلب کرده است (ماسون و ویلسون^۴، ۱۹۸۸). هیرشی در تحقیقات خود عناصر چهارگانه پیوند اجتماعی (وابستگی یا دلبستگی^۵، تعهد^۶، درگیری یا مشغولیت^۷ و اعتقاد یا باور^۸) را

1. ozbay
2. Booth, Farrell and Varano
3. Attachment
4. Commitment
5. Involvement
6. Belief

برای مشارکت در فعالیت های ورزشی افراد به کار برد. او در بعد سوم یعنی درگیری و مشغولیت معتقد است که برای تمرین و موفقیت در ورزش ها افراد باید وقت بیشتری را به این کار اختصاص بدهند و این به معنای مشغولیت و درگیری بیشتر در فعالیت های عرفی جوانان محسوب می شود که به نوبه خود زمان در دسترس برای رفتار ضد اجتماعی را کاهش می دهد (میشل^۱؛ ۲۰۰۳؛ کریگر، ۲۰۰۷). افراد در طول زندگی، زمان و انرژی محدودی دارند. «درگیری» در امور زندگی روزمره، وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می شود. افراد بیکار، وقت بیشتری برای هنجارشکنی دارند. پس فراهم بودن تسهیلات ورزشی (ورزش کردن)، موجب کاهش کج رفتاری می شود (بخارایی، ۱۳۸۶). شرکت در فعالیت های ورزشی و تفریحی بر این اساس که ساعت ها و اوقات فراغت جوانان را پر می کند، مورد حمایت قرار می گیرد- با این فرضیه متعاقب که آنها وقت کمتری جهت درگیری در فعالیت های ضد اجتماعی دارند (پوردی و ریچارد^۲، ۱۹۸۳).
نظریه پیوند افتراقی سادرلند

ادوین سادرلند^۳ (۱۹۳۹) بر این باور بود که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار^۴ یا پیوند افتراقی یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند تبهکاران آموخته می شود. هر چه سطح تماس فرد با افراد یا گروه های منحرف بیشتر باشد، احتمال رفتار انحراف آمیز شخص نیز بیشتر می شود و برعکس (کوئن، ۱۳۷۹). نکته اصلی نظریه سادرلند این است که افراد به این علت کج رفتار می شوند که تعداد ارتباط های انحرافی آنان بیش از ارتباط های غیرانحرافی شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایده های کج رفتارانه دارند نسبت به افرادی که از ایده های همنوایانه برخوردارند (یعنی ارتباط بیشتر آنان با کج رفتاران یا ایده های کج رفتاری) علت اصلی کج رفتاری آنهاست (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷). بر همین مبنا، دور بودن و معاشرت نکردن با دوستان ناباب و منحرف و معاشرت کردن با افراد سالم و بهنجار باعث کنترل و کاهش رفتارهای انحرافی می شود.

نظریه انرژی مازاد^۵ اسپنسر

نظریه انرژی مازاد یا مضاعف به از سوی اسپنسر^۶ در اوایل قرن نوزدهم مطرح گردید. به عقیده او بازی و ورزش به عنوان کاهنده تنش عمل می نمایند. او همچنین بیان می دارد که انرژی از طریق کار از بین نمی رود، بلکه در شخص تا نقطه اوج بالا می رود. سپس این انرژی می تواند در تمامی فعالیت ها به شکل رفتار بزهکارانه صرف شود (اسپنسر، ۱۸۷۳ به نقل از ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸). اسپنسر بازی را اساساً ناشی از انرژی متراکم در توانای های به کار گرفته نشده می داند و بر این پایه، به بررسی این پدیده می پردازد. او در تئوری خود، میل به بازی را بر این اساس تفسیر می کند که موجود زنده به گونه ای آفریده شده است که بیش از نیازهای بدنی خود، انرژی در اختیار دارد و این انرژی انباشته برای آن که به مصرف برسد، برونشوی می طلبد و این همان عاملی است که انسان را به سمت بازی سوق می دهد (انوالخولی، ۱۳۸۳). همان طور که سگریو (۱۹۸۳) بیان نمود اغلب فعالیت های فیزیکی بر پایه و اساس اصولی حمایت می شوند که به کودکان اجازه می دهد به جای روش مخرب، به شکل مثبت از این جریان خارج شوند- یعنی، با انجام فعالیت های ورزشی، انرژی خودشان را تخلیه کنند (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸).

1. Michael
2. Purdy and Richared
3. E.Sutherland
4. Differantial association
5. Surplus Energy Theory
6. Spencer

تئوری رفتار محرک جویی ۱ سیلرز

تئوری محرک جویی پیشنهاد می کند که " افراد در جستجوی محرک به شکل فعال بدنبال محیط هایی هستند که سائق های اولیه شان در آنها ارضا می شوند یا قبلا ارضا شده است". بنابراین بر عکس نظریه مضاعف، سیلرز^۲ (۱۹۷۱) پیشنهاد می کند که بزهکاری، نتیجه نیاز شدید برای محرک است. در این مورد مدافعان ورزش استدلال می کنند که تمامی انواع فعالیت های فیزیکی محیط های با محرک بالا فراهم می کنند. به همین دلیل برای افرادی که در جستجوی حفظ سطح مطلوبی از هیجان می باشند، بازی ها و فعالیت های تفریحی، جانشینی مفیدی برای بزهکاری است (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸) ساجن و یاناکیس (۱۹۸۲)، دیدگاه مشابهی را با توجه به فرصت های چالش بر انگیز که بواسطه برنامه های پیوند بیرونی^۳ فراهم می آید، بسط دادند. بنابراین اگر رفتار بزهکارانه، راهی برای به دست آوردن شور و هیجان از طریق بعضی ماجراجویی ها یا شهامت انجام فعالیت های بزهکارانه باشد، می توان ادعا نمود که محیط ورزشی می تواند این تمایلات و نیاز ها را از طریق هیجانات ناشی از سرعت، جنب و جوش و موقعیت های تجربه مخاطره آمیز، ارضا کند؛ به عبارتی، جستجوی محرک از طریق ورزش، جایگزین جستجوی محرک از طریق انحرافات گردد (اسنایدر، ۱۹۹۴).

نظریه فرایند متمدن شدن نوربرت الیاس: احساسات، حالات و خشونت

نوربرت الیاس بر این باور است که در جوامع اولیه، آدمی احساساتش را خیلی راحت و حتی به شکل فیزیکی بروز می داده است که با کنترل شهرنشینی و مدنیت این احساسات را دورن خود انباشته و مخفی کرده است، ولی در صحنه فعالیت های ورزشی که پویایی و تحرک فیزیکی زیاد است، زندگی اولیه طبیعی تداعی می شود و ساختار جدید مدنیت برایش بی اثر می گردد که عقده گشایی می کند. از نظر سورکین، ورزش شکل مسالمت آمیزی است که با مدنیت کنونی جایگزین تجاوزات به هموعان در بشر اولیه شده است (جهانفر، ۱۳۸۱). او معتقد است ورزش در واقع به نوعی جبران آن خشونت فیزیکی است که در قدیم مجاز شمرده می شد و هم اکنون مجاز شمرده نمی شود. لذا ورزش به شکل روشمند و فعلی از اوایل قرن ۱۶ شروع شد، چرا که در همین زمان است که زندگی بیرونی و درونی آن قدر کنترل شده و به نظم درآمده که ضرورت داشت جاهای دیگری برای تخلیه خشونت به رسمیت شناخته شود. الیاس در یکی از مطالعاتش دریافت که وقتی جنگ در پارلمان بالا می گرفت، مشاجره در کلوپ های ورزشی پایین می آمد و برعکس (اباذری، ۱۳۸۱). ورزش اجازه می دهد که مردم هیجان کامل از تقلای بدون خطر و ریسک را تجربه کنند. با وجود این، ورزش بطور کامل کارکردی خالص و تصفیه شده ندارد. همین طور روزنه ای است برای احساساتی که نمی تواند از طریق دیگری در جنبه های عادی زندگی اجتماعی تصفیه شوند (مهرآیین، ۱۳۸۷). الیاس با تشریح تحول فرهنگ بدن از عهد عتیق تا دوران معاصر، فرایند منضبط ساختن بدن و کنترل کردن رفتارهای پر خاش گرایانه را نشان می دهد (ذکایی، ۱۳۸۷).

نظریه ملالت یا خستگی ۴

این فرضیه بر این مبنا قرار دارد که شاید در برخی موارد بزهکاری، نتیجه خستگی محض باشد. کلینارد^۵

1. Stimulus- Seeking Behaviour
2. Sales
3. Outward bound
4. Boredom Theory
5. Clinard

وید^۱ (۱۹۶۶) گزارش کردند که بیشتر اعمال خشونت بار و وندالیسم در جوانان نتیجه آن است که آنان کار و فعالیت مناسبی برای پر کردن اوقات فراغتشان ندارند. اسکافر^۲ (۱۹۶۹) بیان نمود که بطور آشکار در ورزشکاران احتمال خستگی کمتر بوده و از آنجایی که ورزش ها بیشتر بعد از مدرسه یا در تعطیلات آخر هفته انجام می گیرد، این قضیه صادق خواهد بود (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸).

پیشینه پژوهش

گلزاده (۱۳۸۲) پژوهشی با عنوان «تربیت بدنی و نقش آن در کاهش گرایش به انحرافات اجتماعی» در بین دانش آموزان پسر دبیرستان های اردبیل انجام داده است. تاکید اصلی این پژوهش، بر نقش تربیت بدنی و فعالیت های ورزشی در کاهش گرایش به انحرافات اجتماعی می باشد. نتایج حاصله از آزمون فرضیه های پژوهش بیانگر آن بود که تربیت بدنی رابطه معنی داری با کاهش گرایش به انحرافات اجتماعی دارد. همچنین، تربیت بدنی رابطه معنی داری با متغیرهای واسطه تحقیق (ارضای نیازها، شکوفایی شخصیت، گذران سالم اوقات فراغت، تربیت صحیح اخلاقی و رعایت هنجارها) دارد. این متغیر ها نیز رابطه معنی داری با کاهش گرایش به انحرافات اجتماعی دارند.

فتحی پور (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان «مقایسه نگرش به انحرافات اجتماعی نوجوانان پسر ورزشکار و غیر ورزشکار» انجام داده است. نتایج این تحقیق بیانگر آن بود که بین دو گروه ورزشکار و غیر ورزشکار، به لحاظ نگرش نسبت به مصرف مشروبات الکلی، استعمال موادمخدر و عدم رعایت هنجارهای اجتماعی تفاوت معنی دار وجود دارد و نوجوانان ورزشکار، نگرش منفی تری نسبت به سه شاخص مذکور در مقایسه با نوجوانان غیر ورزشکار داشتند. همچنین بر اساس نتایج تحقیق، بین دو گروه ورزشکار و غیر ورزشکار، به لحاظ نگرش نسبت به برقراری روابط نامشروع، تفاوت معنی دار وجود نداشت.

یعقوبی هریکنده (۱۳۸۷) تحقیقی با عنوان «بررسی تاثیر فعالیت های ورزشی نوجوانان بر نگرش نسبت به بزهکاری» انجام داده است. در این تحقیق از نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و عزت نفس برای تبیین تاثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته استفاده شده است. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داده است که متغیرهای پیوند اجتماعی (با عناصر چهارگانه اش) و عزت نفس رابطه معکوس و معنی داری با بزهکاری دارند. بطور مثال، با کاهش درگیرهای ورزشی، بزهکاری افزایش می یابد و با افزایش فعالیت های ورزشی، بزهکاری کاهش می یابد. همچنین، میان تعهد تحصیلی و بزهکاری رابطه معنی داری دیده نشد.

اسکافر^۳ (۱۹۶۹) در اواخر دهه ۱۹۶۰، از نخستین ارزیابی های تجربی که ارتباط ورزش و بزهکاری را مدنظر قرار داده بودند، حمایت کرد. جامعه آماری او ۵۸۵ نفر از دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان در یکی از مدارس بزرگ امریکا بود. ۲۸ درصد از پسر ها به عنوان ورزشکار طبقه بندی شده بودند؛ به طوری که آنان دوره کاملی از ورزش های داخل مدرسه را در طول سه سال دبیرستان به پایان رسانده بودند. بقیه دانش آموزان هم به عنوان غیر ورزشکار در نظر گرفته شدند. همچنان که اسکافر پیش بینی می کرد، نتایج به دست آمده رابطه منفی بین مشارکت ورزشی و بزهکاری را نشان داد. از موارد گزارش شده بزهکاری، ۷ درصد برای ورزشکاران در مقایسه با ۱۷ درصد برای غیر ورزشکاران بدست آمد. این یافته گویای این مطلب است که مشارکت در ورزش های درون مدرسه ای می تواند تأثیر بازدارنده بر بزهکاری داشته باشد (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸).

1. Wade
2. Schafer
3. Schafer

بوهرمن^۱ (۱۹۷۷) پژوهشی برای شناخت برخی جنبه های انحراف و رابطه آن با فعالیت ورزشی در میان دانش آموزان دختر دبیرستانی آیوا (Iowa) به عمل آورد. نتایج نشان داده است که مشارکت ورزشی رابطه معکوس (منفی) با استعمال دخانیات، مصرف مشروبات الکلی، تقلب در امتحانات و سروکار داشتن با پلیس دارد. نتایج تحقیق همچنین حاکی از آن است که درجه عملکرد ورزشی با رفتارها و خلق و خوی های پسندیده متداول رابطه مثبت دارد (انورالخولی، ۱۳۸۳).

لندرز و لندرز^۲ (۱۹۷۸) در تحقیقی نشان دادند که مسابقات ورزشی مدارس در کاهش میانگین بزهکاری نوجوانان تأثیرات مفیدی دارد. این نتایج آشکار ساخت که بالاترین میانگین بزهکاری در میان گروه دانشجویانی بوده که در برنامه های فعالیت داخل مدرسه ورزش نمی کنند و برعکس، کمترین میانگین بزهکاری در بین دانشجویانی بوده است که این دو پژوهشگر آنها را در ضمن گروه ورزشکاران و رهبران خدمات ورزشی مدرسه تقسیم بندی کرده بوند (انورالخولی، ۱۳۸۳).

سگریو و هاستید^۳ (۱۹۸۲) یکی از جامع ترین تحقیقات را در این حوزه انجام داده اند. آنها در این مطالعه تلاش کرده اند که تفاوت های رفتار بزهکارانه را در میان ورزشکاران و غیر ورزشکاران و بین گروه های متفاوت ورزشی تعیین نمایند. نتایج روشن ساخت که ورزشکاران دبیرستانی بطور معنی دار رفتار بزهکارانه کمتری نسبت به غیر ورزشکاران از خود به نمایش گذاشته اند. رابطه منفی بین ورزشکاری و رفتار بزهکارانه در میان تمامی نمونه ها و برای تمامی انواع بزه تعمیم داده شد. بویژه اینکه محققان مزبور دریافتند که ورزشکاران کمتر مرتکب دزدی های کوچک، وندالیسم و حمله فیزیکی می شوند. این رابطه در میان گروه های سنی جوانان، مردان و زنان، سفیدها و جوانان روستایی و شهری تفاوت معنی دار آماری داشته است. همچنین، مشارکت ورزشی به عنوان بازدارنده رفتار بزهکارانه می تواند عامل موثر قوی تری، در میان مردان نسبت به زنان باشد (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸).

اندرز و اندرز^۴ (۲۰۰۳) اصلاح جوانان از طریق ورزش را در یک واحد اقامتی تأمینی تحت نظارت مرکز جرم در انگلستان مورد مطالعه قرار داده اند. این مطالعه از نوع کیفی و یک مطالعه مشاهده ای شبه طولی محسوب می شود. تحلیل تجارب به دست آمده در این واحد نشان می دهد که استفاده از فعالیت های ورزشی مثل شنا و سایر فعالیت های سازمان یافته به عنوان برنامه های اصلاحی مناسب، بازخورد مثبتی دارد و نیاز های فردی را به خوبی ارضا و رفع می نماید. این مطالعه تأکید می کند که فعالیت های ورزشی باید انتخابی و سازمان یافته باشند، در غیر این صورت ممکن است نتایج سوء به بار بیاورند. در پایان این مطالعه پیشنهاد شده است که تحقیقات بعدی به این مسئله بپردازد که چگونه ورزش، کنترل اجتماعی عملی و زبانی را اعمال می کند (به نقل از یعقوبی هریکنده، ۱۳۸۷).

کریگر^۵ (۲۰۰۷) در مقاله ای با عنوان «خشونت غیر ضروری؟ ورزش های مدرسه ای، شبکه های دوستانه و خشونت مردان جوان» به بررسی نظریه کنترل اجتماعی، یادگیری اجتماعی و نیاز به ابراز مردانگی پرداخته است. این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که میزان مشارکت در فعالیت های درون مدرسه ای، چقدر در خشونت پسران سهم دارد؟ در مقابل انتظارات نظریه کنترل اجتماعی، تحلیل های این تحقیق نشان می دهد که درگیری در فعالیت های ورزشی و ورزشکار بودن، مانع از خشونت مردان نمی شود. به هر حال یک رابطه

1. Buhrman
2. Landers and Landers
3. Segrave and Hastad
4. Andrews and Andrews
5. Kreager

قوی بین ورزش های تماسی و خشونت وجود دارد.

ورملیون^۱(۲۰۰۷)، مقاله ای با عنوان «مشارکت ورزشی و انحرافات جوانان: تحلیلی استدلالی (منطقی)» ارائه کرده است. هدف این تحقیق، آزمایش رابطه بین مشارکت ورزشی و انحرافات تعریف شده در بین دانش آموزان می باشد. در تحلیل نتایج این رابطه از متغیرهای واسطه خانواده، مدرسه و دانش آموزان که از تحقیق آموزش ملی استخراج و اقتباس شده بود، استفاده گردیده است. نتایج روشن می کند که مشارکت ورزشی تاثیر ضعیفی بروی انحرافات جوانان دارد. در حالی که تحلیل ها، از وجود تفاوت معنی دار آماری بین ورزشکاران و غیر ورزشکاران در ارتباط با شخصیت های معین (که به واسطه ی نظریه پیوند اجتماعی حاصل می شود) دارد؛ به عبارتی، مشارکت ورزشی به واسطه نظریه پیوند اجتماعی بر میزان رفتار انحرافی تاثیر می گذارد. علاوه، رگرسیون منطقی نشان می دهد، در حالی که مشارکت ورزشی، انحرافات جوانان را تعدیل می کند، ویژگی های دیگر پیوند اجتماعی از قبیل ویژگی های خانوادگی تاثیر بیشتری بر رفتار انحرافی دارند. در تحقیقات انجام یافته در ایران، با اینکه برخی از جوانب مهم تاثیر فعالیت های ورزشی بر انحرافات اجتماعی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته، اما برخی کاستی ها و نواقص نیز به چشم می خورد. برای مثال، برخی از پژوهش هایی که در رابطه با انحرافات اجتماعی صورت گرفته در سنجش خود، گرایش به انحرافات را مدنظر قرار داده اند. با توجه به اینکه مطالعات انجام یافته، بیشتر در گروه سنی نوجوانان و جوانان بوده است، به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، گرایش به انحرافات اجتماعی به علل زیستی- روانی و اجتماعی در این گروه سنی بالا می باشد. بنابراین لزوماً گرایش داشتن به انحرافات، به منزله ارتکاب آن نمی تواند باشد. برای رفع این مشکل در تحقیق حاضر ارتکاب به انحرافات مدنظر قرار گرفته است. برای سنجش ارتکاب نیز از روش خود اعترافی که برای گروه سنی جوانان مناسب است، استفاده شده است. مزیت هایی که می توان برای این نوع سنجش در نظر گرفت این است: ۱) میزان دقت در اندازه گیری رفتار انحرافی بالاست ۲) قدرت تعمیم پذیری به جمعیت وسیع تری را دارد ۳) احتمال خطا در آن محدود است ۴) تخلفات جزئی و پیش پا افتاده را که به طور طبیعی مهم می باشند و در واقعیت وجود دارند، ولی در مراجع رسمی کمتر به آنها پرداخته می شود، مورد توجه قرار می دهد (احمدی، ۱۳۸۹).

عمدتترین کاستی تحقیقات خارجی نیز متناسب نبودن با ویژگی های فرهنگی و اجتماعی جامعه ما و لزوم توجه به ابعاد تاثیر گذار این مسئله می باشد؛ بطوری که نگرش به ورزش و فعالیت های ورزشی و ورزشکار بودن در جوامع غربی با جامعه ما تفاوت دارد. لذا لزوم توجه به تحقیقات داخلی مبنی بر رسیدن به تصویری واقعی از وضعیت موجود امری ضروری است.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحقیق پیمایشی برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است که به صورت مقطعی انجام گرفته است. با توجه به مسئله حاضر، واحد تحلیل در این پژوهش فرد می باشد و سطح تحلیل شهر است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه نوجوانان و جوانان واقع در گروه سنی ۱۵-۲۹ سال در سطح شهر تبریز بود. تعداد جمعیت واقع در این گروه سنی بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۴۹۵۰۹۶ نفر بوده است. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که بر آن اساس، تعداد حجم نمونه برای جامعه تحقیق مورد نظر ۴۰۰ نفر محاسبه شد. در این پژوهش به دلیل ساختار جامعه آماری، از

روش نمونه گیری خوشه ای و سپس از نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شده است.

ابزارهای پژوهش

برای سنجش متغیر انحرافات اجتماعی، ابتدا انحرافات اجتماعی به چهار بعد وندالیسم، خشونت و پرخاشگری، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، کج روی های اخلاقی - فرهنگی تقسیم شده است. سپس برای هر بعد، شاخص هایی در نظر گرفته شده و در نهایت با سؤال های مناسب مورد سنجش قرار گرفته است. برای بعد وندالیسم، شاخص هایی مانند آسیب رساندن به باجه های تلفن عمومی، نوشتن روی در و دیوار شهر و مکان های عمومی، پاره کردن صندلی اتوبوس های شهری، مترو و قطار و غیره... طراحی شده است (قاسمی، ذوالکثاف و علی وند، ۱۳۸۸). زور گفتن به دوستان، دعوا در خیابان، حمل چاقو، صدمه زدن به دیگران، هل دادن شدید و غیره... نیز به عنوان شاخص های خشونت و پرخاشگری انتخاب شده اند. برای بعد مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی نیز شاخص های سیگار کشیدن، استفاده از مواد مخدر مثل تریاک و هروئین و... استفاده از قرص های اکستازی (روانگردان) و... خوردن مشروبات الکلی استفاده شده است. شاخص های کج روی های اخلاقی - فرهنگی شامل این موارد می شوند: فرار از خانه، دروغ گفتن، داشتن روابط دوستی با جنس مخالف، رد و بدل کردن فیلم ها و عکس های ناشایست، تقلب در کسب و کار و دزدی و سرقت.

متغیر درگیری شامل دو بعد می باشد: ۱- درگیری در فعالیت های ورزشی ۲- درگیری در فعالیت های غیرورزشی. در این تحقیق فعالیت های ورزشی به دو گروه کلی ورزش های منظم و نامنظم تقسیم شده اند. همچنین، فعالیت های ورزشی منظم نیز به دو گروه کلی سازمان یافته (فعالیت های ورزشی منظمی که زیر نظر مربی انجام می شود) و غیر سازمان یافته (فعالیت های ورزشی منظمی که به بصورت تفریحی و سرگرمی انجام می پذیرد) تقسیم شده است. علاوه بر این تقسیم بندی ها، فعالیت های ورزشی به ۳ گروه کلی با توجه به نوع رشته های ورزشی تقسیم بندی شده است: ۱- فعالیت های ورزشی تیمی (مانند فوتبال، والیبال و...)، ۲- فعالیت های ورزشی انفرادی (مانند کشتی، ورزش های رزمی و...) و ۳- فعالیت های ورزشی برای کسانی که در هر دو نوع فعالیت های ورزشی تیمی و انفرادی مشارکت دارند. رشته های ورزشی نیز در ۱۴ طبقه، تقسیم بندی شده اند که عبارت اند از: ۱- والیبال، هندبال و بستیبال ۲- فوتبال ۳- بدمینتون و تنیس ۴- کوهنوردی ۵- شنا ۶- دومیدانی ۷- ژیمناستیک ۸- نرمش، آمادگی جسمانی، پیاده روی و ایروبیک ۹- دوچرخه سواری ۱۰- اسب سواری ۱۱- کشتی ۱۲- قایقرانی ۱۳- ورزش های رزمی ۱۴- بدن سازی. برای عملیاتی کردن پیوند افتراقی، میزان مشاهده رفتار انحرافی دوستان نزدیک و صمیمی جوانان در طول ماه های گذشته با ۱۹ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. متغیر پیوند اجتماعی نیز با چهار بعد: (۱) دلبستگی (۲) تعهد (۳) مشغولیت (۴) اعتقاد و در مجموع با ۳۱ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

در این پژوهش، برای برآورد اعتبار سؤال های پرسشنامه، علاوه بر اعتبار صوری برای آزمون روایی مقیاس های متغیر انحرافات اجتماعی و پیوند اجتماعی از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شده است. در این تحقیق متغیرها از طریق آماره K.M.O^۱ و آزمون بارتلت^۲ بصورت متعادل یا مستقل و از نوع چرخش واریماکس^۳ آزموده شدند. معناداری این آزمون نشان دهنده آن است که ماتریس همبستگی موجود، قابلیت تحلیل عاملی را دارد و ماتریس همبستگی بین متغیرها، ماتریس واحد نیست و ایده تحلیل عاملی برای سؤالات ایده مطلوبی است. برای تعیین پایایی مقیاس ها از ارزش آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار

1. Kaiser Meyer Olkin
2. Bartlett test of Sphericity
3. Varimax Rotation

آلفای کرونباخ برای متغیر پیوند اجتماعی ۰/۸۱ و پیوند افتراقی ۰/۸۲ و برای متغیر انحرافات اجتماعی ۰/۹۲ می باشد. بنابراین پایایی کلی گویه های پرسشنامه، با اجرای آزمون کرونباخ بر روی گویه ها در حد مطلوب است. همچنین با توجه به اینکه توزیع داده ها، توزیع نرمال نبوده از آزمون های ناپارامتریک استفاده شده است.

یافته های پژوهش پژوهش مشخصات جمعیت شناختی پاسخگویان

این مطالعه بر اساس اطلاعات ۴۰۰ نفر در شهر تبریز صورت گرفته است. از بین کل پاسخگویان ۳۰۰ نفر مرد (۷۵ درصد) و ۱۰۰ نفر زن (۲۵ درصد) بوده اند. دامنه تغییرات سن در جامعه آماری مورد بررسی بین ۱۵ تا ۲۹ سال بوده است که بیشترین توزیع فراوانی مربوط به گروه سنی ۱۹ تا ۲۴ سال (۵۷/۵ درصد) می باشد. بیشترین میزان اوقات فراغت جوانان در روزهای معمول هفته ۳ تا ۴ ساعت (۴۴/۸ درصد) بوده است. ۱۵۹ نفر (۳۹/۸ درصد) از جوانان به صورت منظم به فعالیت های ورزشی می پردازند و ۲۴۱ نفر (۶۰/۳ درصد) فعالیت های ورزشی نامنظم دارند.

نتایج تحلیل های آماری

فرضیه اول: بین میزان فعالیت های ورزشی و عناصر پیوند اجتماعی (وابستگی، تعهد، درگیری و باور) رابطه وجود دارد.

جدول ۱: همبستگی بین میزان فعالیت های ورزشی و پیوند اجتماعی

ابعاد ورزش	وابستگی	تعهد	درگیری	باور	پیوند اجتماعی
فعالیت های ورزشی نامنظم	۰/۰۳۹	۰/۱۶۴	۰/۰۴۹	۰/۱۹۶	-۰/۰۷۲
	۰/۵۵۲	۰/۰۵۶	۰/۴۵۲	۰/۰۰	۰/۲۶۸
فعالیت های ورزشی منظم	-۰/۱۵۳	۰/۱۷۴*	-۰/۰۹۲	-۰/۰۲۲	-۰/۰۵۷
	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۲۷۴	۰/۷۹۳	۰/۵۰۵

جدول ۱ نشان می دهد که رابطه معنی داری بین میزان فعالیت های ورزشی نامنظم و پیوند اجتماعی کل وجود ندارد، این در حالی است که از میان ابعاد پیوند اجتماعی تنها بعد باور با میزان فعالیت های ورزشی نامنظم رابطه معنی دار مثبت و ضعیفی دارد. همچنین، نتایج به دست آمده نشان می دهد که رابطه معنی داری بین میزان فعالیت های ورزشی منظم و ابعاد پیوند اجتماعی بجز بعد تعهد وجود ندارد. در مجموع، نیز بین میزان فعالیت های ورزشی منظم و پیوند اجتماعی کل رابطه معنی داری وجود ندارد.

فرضیه دوم: بین میزان پیوند اجتماعی و انحرافات اجتماعی جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۲: ضرایب همبستگی مابین ابعاد پیوند اجتماعی با ابعاد انحرافات اجتماعی پاسخگویان

ابعاد	وندالیسم	خشونت	مصرف مواد	کجرویهای اخلاقی	انحرافات اجتماعی
وابستگی	همبستگی	-۰/۱۰۵	-۰/۰۲	-۰/۵۹۱	-۰/۷۴۱
	سطح معناداری	۰/۰۳	۰/۶۷	۰/۰۰	۰/۰۰
تعهد	همبستگی اسپیرمن	-۰/۱۶۸	-۰/۱۲۵	-۰/۱۲۴	-۰/۱۰۵
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۳
درگیری	همبستگی اسپیرمن	۰/۰۵۴	۰/۰۱۲	-۰/۱۸۳	-۰/۱۰۴
	سطح معناداری	۰/۲۸۳	۰/۸۰۶	۰/۰۰	۰/۰۳
باور	همبستگی اسپیرمن	-۰/۲۰۹	-۰/۰۰۷	-۰/۱۵۰	-۰/۱۴۹
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۸۸۲	۰/۰۰	۰/۰۰
پیوند اجتماعی	همبستگی اسپیرمن	-۰/۱۸۱	-۰/۰۹۸	-۰/۲۲۷	-۰/۱۱۲
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۵۲	۰/۰۰	۰/۰۰

همانطور که ملاحظه می شود بین ابعاد پیوند اجتماعی و انحرافات اجتماعی کل رابطه منفی و معکوسی وجود دارد. شدت این رابطه نیز در حد ضعیف می باشد. همچنین، بین پیوند اجتماعی کل و انحرافات اجتماعی کل نیز رابطه منفی و معنی داری وجود دارد؛ به عبارتی، با افزایش میزان پیوند اجتماعی از میزان انحرافات اجتماعی کاسته می شود و برعکس.

فرضیه سوم: میزان دوستان ناباب و منحرف (پیوند افتراقی) به تفکیک نوع فعالیت های ورزشی جوانان تفاوت معنی داری دارد.

جدول ۳: میزان دوستان منحرف پاسخگویان بر اساس نوع فعالیت های ورزشی

نوع فعالیت ورزشی	تعداد	میانگین	Z کمیت	سطح معناداری
بصورت منظم	۱۵۹	۱۷۰/۰۱	۴/۴۱	۰/۰۰
بصورت نامنظم	۲۳۷	۲۱۷/۶۲		
سازمان یافته	۳۹	۷۵/۱۸	۰/۸۷۶	۰/۳۸۱
غیر سازمان یافته	۱۲۰	۸۱/۵۷		

بر اساس جدول ۳ آزمون یو من- وایت نی و با استناد به مقدار آزمون Z و سطح معناداری، تفاوت معنی داری بین فعالیت های ورزشی سازمان یافته و غیرسازمان یافته براساس میزان دوستان منحرف وجود ندارد. به عبارت دقیق تر، نوع فعالیت های ورزشی پاسخگویان (سازمان یافته و غیرسازمان یافته) بر روی میزان دوستان منحرف آنان اثر معنی داری نمی گذارد. اما با اطمینان ۰/۹۹ به لحاظ آماری تفاوت میزان دوستان منحرف در بین جوانان با فعالیت های ورزشی منظم و نامنظم معنی دار است؛ به طوری که میانگین میزان دوستان منحرف برای جوانانی که فعالیت ورزشی منظم دارند (۱۷۰/۰۱) و برای جوانانی که به صورت نامنظم فعالیت ورزشی می کنند (۲۱۷/۶۲) می باشد و این نشانگر آن است که میزان دوستان منحرف برای جوانانی که فعالیت ورزشی منظم دارند نسبت به جوانانی که فعالیت نامنظم ورزشی دارند کمتر است.

فرضیه چهارم: بین میزان پیوند افتراقی (دوستان منحرف) و انحرافات اجتماعی جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۴: ضرایب همبستگی ما بین میزان دوستان منحرف و انحرافات اجتماعی

دوستان منحرف	وندالیسم	خشونت و پرخاشگری	مصرف مواد	کجروی های اخلاقی	انحرافات اجتماعی
همبستگی اسپیرمن	۰/۰۹۸	۰/۵۳۰***	۰/۱۶۷***	۰/۶۲۷***	۰/۶۴۲***
سطح معناداری	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰

در جدول ۴، رابطه بین میزان دوستان منحرف و انحرافات اجتماعی جوانان آمده است. بالاترین همبستگی را در بین شاخص های انحرافات اجتماعی، بعد کجروی های اخلاقی- فرهنگی، خشونت و پرخاشگری و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی به ترتیب ۰/۶۲۷، ۰/۵۳۰، و ۰/۱۶۷ دارا می باشند. همچنین، میزان دوستان منحرف با بعد وندالیسم و اوباشگری رابطه معنی داری ندارد. با توجه به نتایج بدست آمده همبستگی کل برای متغیر «داشتن دوستان منحرف» و انحرافات اجتماعی ۰/۶۴۲ و با سطح معنی داری ۰/۰۰ می باشد. این بدان معنی است که میزان دوستان ناپهنگار و منحرف با میزان انحرافات اجتماعی جوانان رابطه قوی و مثبتی دارد.

فرضیه پنجم: میزان انحرافات اجتماعی به تفکیک نوع فعالیت های ورزشی (تیمی، انفرادی، هر دو) تفاوت معنی داری دارد.

جدول ۵: آزمون کروسکال- والیس انحرافات اجتماعی به تفکیک نوع فعالیت های ورزشی

Chi-Square	درجه آزادی	سطح معناداری	فعالیت های ورزشی منظم
۱۵/۹۵۳	۲	۰/۰۰	فعالیت های ورزشی منظم
۲/۲۵۹	۲	۰/۱۰۷	فعالیت های ورزشی نامنظم

برای سنجش این فرضیه از آزمون کروسکال-والیس^۱ که معادل ناپارامتری آزمون تحلیل واریانس یک طرفه^۲ (F) است، استفاده شده است. با توجه به جدول ۵، این که مقدار آزمون Chi-Square (۱۵/۹۵۳) در سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۱ می‌باشد، به لحاظ آماری میزان انحرافات اجتماعی در بین انواع فعالیت های ورزشی منظم (تیمی، انفرادی، هردو) متفاوت است. اما با توجه به مقدار آزمون Chi-Square (۲/۲۵۹) در سطح خطای بزرگتر از ۰/۰۵ به لحاظ آماری میزان انحرافات اجتماعی در بین انواع فعالیت های ورزشی نامنظم (تیمی، انفرادی، هردو) متفاوت نیست.

جدول ۶: آزمون کروسکال-والیس انحرافات اجتماعی به تفکیک نوع فعالیت های ورزشی

فعالیت های ورزشی منظم	تعداد نمونه	انحرافات اجتماعی
تیمی	۵۴	۸۴/۹۶
انفرادی	۷۷	۶۲/۶۷
هردو	۹	۵۰/۷۲

در جدول ۶، میانگین نمرات جوانان با فعالیت ورزشی منظم برای انحرافات اجتماعی به تفکیک آورده شده است. در این جدول می توان مشاهده کرد که فعالیت های ورزشی منظم تیمی بیشترین میانگین انحرافات اجتماعی را دارند. در کل متغیر وابسته تحقیق، یعنی انحرافات اجتماعی در بین فعالیت های ورزشی منظم تیمی و انفرادی و همچنین هردو متفاوت ظاهر شده و تفاوت آنها معنی دار گشته است. فرضیه ششم: بین میزان فعالیت های ورزشی و انحرافات اجتماعی جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۷: ضرایب همبستگی بین میزان فعالیت های ورزشی و ابعاد انحرافات اجتماعی

میزان فعالیت های ورزشی منظم	همبستگی اسپیرمن	وندالیسم	خشونت و پرخاشگری	مصرف مواد مخدر	کجروی های اخلاقی	انحرافات اجتماعی
میزان فعالیت های ورزشی منظم	همبستگی اسپیرمن	۰/۳۳۶ **	۰/۳۲۴ **	۰/۳۵۲ **	۰/۱۴۵	۰/۲۹۱ **
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۸۵	۰/۰۰
میزان فعالیت های ورزشی نامنظم	همبستگی اسپیرمن	۰/۳۷۳ **	۰/۱۰۰	۰/۲۰۸ **	۰/۰۲۳	۰/۲۵۷ **
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۱۲۱	۰/۰۰	۰/۷۲۷	۰/۰۰

جدول ۷ نشان می دهد که رابطه معنی دار منفی بین میزان فعالیت های ورزشی منظم و ابعاد انحرافات اجتماعی بجز بعد کجروی های اخلاقی- فرهنگی وجود دارد. در مجموع نیز میزان فعالیت های ورزشی

1. Kruskal- Wallis or K-W Test

2. ANOVA

منظم با ضریب $0/291$ - و سطح معنی داری $0/00$ با انحرافات اجتماعی کل رابطه منفی دارد. همچنین، میزان فعالیت های ورزشی نامنظم با ابعاد خشونت و پرخاشگری و کجروی های اخلاقی - فرهنگی رابطه معنی داری ندارد، ولی رابطه معنی دار منفی بین میزان فعالیت های ورزشی نامنظم و ابعاد وندالیسم و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی وجود دارد. در مجموع نیز میزان فعالیت های ورزشی نامنظم با ضریب $0/257$ - و سطح معنی داری $0/00$ با انحرافات اجتماعی کل رابطه منفی و معکوسی دارد.

فرضیه هفتم: میزان انحرافات اجتماعی به تفکیک نوع فعالیت های ورزشی تفاوت معنی داری دارد.

جدول ۸: میزان انحرافات اجتماعی بر اساس نوع فعالیت های ورزشی

نوع فعالیت ورزشی	تعداد	میانگین	Z کمیت	سطح معناداری
بصورت منظم	۱۵۶	۱۷۳/۸۷	۳/۸۶	۰/۰۰۰
بصورت نامنظم	۲۴۱	۲۱۵/۲۷		
سازمان یافته	۳۹	۷۲/۵۰	۰/۸۷۶	۰/۳۸۱
غیر سازمان یافته	۱۱۷	۸۰/۵۰		

بر اساس جدول ۸، آزمون یو-من-وایت نی و با استناد به مقدار آزمون Z و سطح معناداری، نوع فعالیت های ورزشی پاسخگویان (سازمان یافته و غیرسازمان یافته) بر روی میزان انحرافات اجتماعی آنان اثر معنی داری نمی گذارد، اما با اطمینان $0/99$ به لحاظ آماری تفاوت میزان انحرافات اجتماعی در بین جوانان با فعالیت های ورزشی منظم و نامنظم معنی دار است؛ به طوری که میانگین میزان انحرافات اجتماعی برای جوانانی که فعالیت ورزشی منظم دارند ($173/87$) و برای جوانانی که به صورت نامنظم فعالیت ورزشی می کنند ($215/27$) می باشد.

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق، متغیر فعالیت های ورزشی به عنوان متغیر مستقل مورد توجه بوده است. فعالیت های ورزشی در جهان حاضر یکی از موثرترین و نیرومندترین بسترهایی است که با توجه به اقبال گسترده همگان می تواند در زمینه های مختلف مورد بهره برداری قرار گیرد. بنابراین به عنوان یک پدیده اجتماعی، توجه عموم جامعه شناسان را به خود جلب کرده است. در این تحقیق به آرای برخی از آنان اشاره شده است؛ افرادی چون هیرشی، سادرلند، اسپنسر، سیلز و نوبرت الیاس که بر اهمیت و نقش فعالیت های ورزشی در نحوه رفتار و همنوایی با ارزش های جامعه انگشت تاکید گذاشته اند.

در رابطه با تاثیر مستقیم میزان فعالیت های ورزشی بر انحرافات اجتماعی، از تئوری های پیوند اجتماعی و نظریه ملامت و خستگی استفاده شده است. در این نظریه ها هر چه قدر اوقات فراغت افراد با فعالیت های ورزشی پر شود و افراد وقت بیشتری را به این کار اختصاص بدهند، زمان در دسترس برای رفتار ضد اجتماعی کاهش می یابد (کریگر، ۲۰۰۷). در این رویکرد شرکت در فعالیت های ورزشی بر این اساس که ساعت ها و اوقات فراغت جوانان را پر می کند و وقت کمتری جهت درگیری در فعالیت های ضد اجتماعی باقی می گذارد،

مورد تاکید می باشد. یافته های بدست آمده در جدول ۵ نیز نشان می دهد که با افزایش میزان فعالیت های ورزشی (منظم و نامنظم)، میزان انحرافات اجتماعی کل (و ابعاد وندالیسم، خشونت و پرخاشگری و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی) کاهش می یابد. این نتیجه با نتایج تحقیقات گلزاده (۱۳۸۲)؛ فتحی پور (۱۳۸۷)؛ یعقوبی هریکنده (۱۳۸۷)؛ لندرز و لندرز (۱۹۷۸)؛ اسکافر (۱۹۶۹)؛ بوهرمن (۱۹۷۷)؛ سگریو و هاستید (۱۹۸۲)؛ اندرز و اندرز (۲۰۰۳) و ورملیون (۲۰۰۷) هم خوانی دارد. جب (۲۰۰۹) نیز معتقد است که پیوندهای محکم اجتماعی مانع انحراف می شوند، در حالی که پیوندهای ضعیف انعطاف پذیری کمتری نسبت به انحراف دارند. هر چه انسجام و همبستگی بیشتر باشد، میزان انحرافات کمتر است. همچنین این نتایج با نظریه هیرشی نیز هم خوانی دارد. بر طبق این نظریه، افراد در طول زندگی، زمان و انرژی محدودی دارند. «درگیری» در امور زندگی روزمره (ورزش کردن) وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می شود. افراد بیکار، وقت بیشتری برای هنجارشکنی دارند. پس فراهم بودن تسهیلات ورزشی و ورزش بصورت منظم، موجب کاهش کج رفتاری می شود (بخارایی، ۱۳۸۶). نکته قابل توجه اینکه نتایج نشان می دهد بین میزان فعالیت های ورزشی (منظم و نامنظم) و بعد کجروی های اخلاقی و فرهنگی رابطه معنی داری وجود ندارد. این نتیجه با نتایج تحقیق فتحی پور (۱۳۸۷) هم خوانی دارد.

همچنین، نتایج کریگر (۲۰۰۷) بر عکس نتایج تحقیق ما نشان می دهد که درگیری در فعالیت های ورزشی، مانع از خشونت مردان نمی شود. در توجیه رابطه فوق باید عنوان کرد که نتایج جدول ۷ نشان می دهد که با وجود اینکه میزان فعالیت های ورزشی نامنظم با خشونت و پرخاشگری رابطه معنی داری ندارد، اما درگیری هر چه بیشتر در فعالیت های ورزشی منظم، از میزان خشونت و پرخاشگری می کاهد. بر طبق نظریه «فرایند متمدن شدن نوربرت الیاس: احساسات، حالات و خشونت» فعالیت های ورزشی منظم می توانند پویایی و تحرک فیزیکی زیاد تولید کنند و زمینه های عقده گشایی ورزشکاران را فراهم نمایند - این در حالی است که تخلیه خشونت در فعالیت های ورزشی نامنظم نمی تواند صورت بگیرد. بنابراین میان این دو نوع فعالیت های ورزشی باید تفکیک قائل شد.

در رابطه با تاثیر مستقیم نوع فعالیت های ورزشی بر میزان انحرافات اجتماعی، نتایج جدول ۸، نشان می دهد که میزان انحرافات اجتماعی در بین جوانانی که فعالیت های ورزشی منظم و نامنظم دارند، به لحاظ آماری متفاوت است و میانگین انحرافات اجتماعی برای جوانانی که فعالیت های ورزشی منظم دارند، کمتر از جوانانی است که فعالیت های ورزشی نامنظم دارند. این در حالی است که به لحاظ آماری تفاوت معنی داری بین فعالیت های ورزشی سازمان یافته و غیرسازمان یافته براساس میزان انحرافات اجتماعی وجود ندارد. با توجه به اینکه در هیچ از تحقیقات گذشته، فعالیت های ورزشی به انواع منظم و نامنظم تقسیم بندی نشده بود، نتایج یافته ها مبنی بر کمتر بودن میزان انحرافات اجتماعی در بین جوانانی که فعالیت های ورزشی منظم دارند با نتایج تحقیقات ورملیون (۲۰۰۷) و فتحی پور (۱۳۸۷) با تقسیم بندی ورزشکار و غیر ورزشکار هم خوانی دارد. همچنین نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات اندرز و اندرز (۲۰۰۳) هم خوانی ندارد. آنان دریافته اند که فعالیت های ورزشی مثل شنا و سایر فعالیت های سازمان یافته به عنوان برنامه های اصلاحی مناسب، بازخورد مثبتی دارد و نیاز های فردی را به خوبی ارضا و رفع می نماید. این مطالعه تاکید می کند که فعالیت های ورزشی باید انتخابی و سازمان یافته باشند، در غیر این صورت ممکن است نتایج سوء به بار بیاورند. در توجیه عدم هم خوانی رابطه فوق باید خاطر نشان کرد که این تحقیق در یک واحد اقامتی تأمینی تحت نظارت مرکز جرم در انگلستان صورت گرفته است و به نظر می رسد قدرت تعمیمی آن برای جامعه بزرگتر با مشکلاتی همراه است. همچنین، اجباری بودن و تحت نظارت در آوردن فعالیت های ورزشی در

محیط های شهری کار بسیار سخت و شاید غیر ممکن باشد. همچنین نتایج جدول ۶ نشان می دهد که فعالیت های ورزشی نامنظم براساس نوع فعالیت های ورزشی (تیمی و انفرادی) معنادار نیست. این درحالی است که میانگین انحرافات اجتماعی برای جوانانی که فعالیت های ورزشی منظم تیمی دارند بیشتر از جوانانی است که به فعالیت های ورزشی منظم انفرادی می پردازند. این اختلاف بین فعالیت های ورزشی منظم تیمی و انفرادی جای تأمل دارد و به گونه شناسی جزئی تر با در نظر گرفتن متغیر واسطه و تاثیرگذار نیازمند است. در رابطه با تاثیر غیر مستقیم فعالیت های ورزشی به واسطه پیوند اجتماعی بر روی انحرافات اجتماعی، به استناد نتایج جدول ۲و ۱ می توان گفت که فعالیت های ورزشی نامنظم با افزایش بعد باور و اعتقاد با انحرافات اجتماعی رابطه معکوس و منفی دارد. با توجه به اینکه در جامعه ما ورزشکاران با برچسب های جوانمردی، مردانگی و ... شناخته می شوند، جوانانی که در وادی امر به این صحنه قدم می گذارند، متاثر از این باورها هستند و به نوبه خود از انحرافات اجتماعی دوری می گزینند. این درحالی است که فعالیت های ورزشی منظم با بعد تعهد رابطه مستقیم و مثبتی دارد و به واسطه متغیر تعهد، جوانان را از انحرافات اجتماعی دور می کند. در توجیه این رابطه، می توان چنین استدلال کرد که بر طبق نظر هیرشی، سرمایه گذاری در هر کاری منجر به افزایش تعهد می شود. بنابراین جوانان که بصورت منظم فعالیت ورزشی دارند با صرف زمان و انرژی و احتمالاً کسب منزلت و مقام و رسیدن به برچسب ورزشکار، تعهد بالایی دارند و به راحتی با انجام رفتار انحرافی سرمایه گذاری خود را هدر نمی دهند. این نتایج با تحقیقات ورملیون (۲۰۰۷) هم خوانی دارد. نتایج تحقیقات او نشان می دهد که تفاوت معنی دار آماری بین ورزشکاران و غیرورزشکاران در ارتباط با شخصیت های معین به واسطه نظریه پیوند اجتماعی حاصل می شود؛ به عبارتی، مشارکت ورزشی به واسطه نظریه پیوند اجتماعی بر میزان رفتار انحرافی تاثیر منفی می گذارد. این درحالی است که در تحقیق حاضر در مجموع میزان فعالیت های ورزشی تاثیر معنی داری بر پیوند اجتماعی ندارد و فقط با ابعاد باور (فعالیت های ورزشی نامنظم) و تعهد (فعالیت های ورزشی منظم) رابطه مثبت و مستقیمی دارد و به واسطه این ابعاد بروی انحرافات اجتماعی تاثیر منفی و معکوسی می گذارد. دیسموند و دیگران^۱ (۲۰۱۱)، معتقدند که باور به اعتبار افزایش سخت گیری در قوانین موجب کاهش رفتارهای انحرافی می شود.

در مورد تاثیر غیر مستقیم فعالیت های ورزشی به واسطه پیوند افتراقی بر روی انحرافات اجتماعی، همانطور که پوردی^۲ و ریچارد^۳ (۱۹۸۳)، بیان نمودند، در حالی که بزهکاران ارزش ها و رفتارهای بزهکارانه را از گروه همسالان یاد می گیرند، اما ورزشکاران بوسیله ارزش ها و رفتارهای مطابق با ارزش های عرفی و رفتارهای جامعه، جامعه پذیر می شوند. نتایج جدول ۳، نشان می دهد که جوانانی که فعالیت های ورزشی منظم دارند نسبت به جوانانی که فعالیت ورزشی نامنظم دارند، کمتر دوستان منحرف دارند و بدین سان میزان انحرافات اجتماعی کمتری نیز دارند. همچنین، تفاوت معنی داری بین فعالیت های ورزشی سازمان یافته و غیرسازمان یافته براساس میزان دوستان منحرف وجود ندارد. به عبارت دقیق تر، فعالیت های ورزشی (سازمان یافته و غیرسازمان یافته) به واسطه میزان دوستان منحرف، تاثیر معناداری بر میزان انحرافات اجتماعی جوانان ندارد. از مزیت های این تحقیق، سنجش میزان انحرافات اجتماعی به روش خود اعرافی است تا شناخت کاملی از میزان انحرافات جوانان به دست آید. از مزایای دیگر تحقیق اینکه، جامعه آماری ما جوانان یکی از شهرهای بزرگ ایران یعنی تبریز می باشد که قدرت تعمیم پذیری نتایج را بیشتر می کند؛ چرا که تمامی تحقیقات صورت گرفته در این زمینه بر روی جوانان محصل و درحال تحصیل بوده است و بعلاوه، میزان و نوع

1. Desmond et al

2. Purdy

3. Richard

فعالیت های ورزشی این گروه سنی با توجه به محدودیت و اجباری بودن آن مطابق با قوانین آموزش و پرورش، صورت پذیرفته است. در ضمن با توجه به اینکه بیشترین زمانی که صرف فعالیت های ورزشی می شود در اوقات فراغت، تعطیلات آخر هفته و یا در فصول تابستان و خارج از مدرسه می باشد، در این تحقیق با انتخاب نمونه آماری از جامعه شهری این کاستی ها رفع گردیده است.

پیشنهادهای

با توجه به آنچه که گذشت و بر اساس تجربیات به دست آمده در این تحقیق و نیز با اعتقاد به اینکه بررسی های تئوریک و تحلیل های آماری، باید با پیشنهادهای همراه باشد تا شکل سازنده تری به خود گیرد، در ادامه به برخی، پیشنهادات اشاره می گردد:

- نتایج پژوهش نشان می دهد که فعالیت های ورزشی منظم نقش پر رنگ تری در کاهش انحرافات اجتماعی دارد. بنابراین اهمیت دادن به فعالیت های ورزشی منظم و بسط هر چه بیشتر آن در جامعه باید در اولویت قرار گیرد. این کار در وهله اول با تامین حداقل امکانات ورزشی لازم برای جوانان و در مرحله بعدی با ایجاد انگیزه در بین جوانان برای جذب و گرایش به فعالیت های ورزشی منظم می تواند عملیاتی شود.

- ضروری است از مقوله ای به نام "ورزش شهروندی" که در راستای ترویج فعالیت های ورزشی منظم در بین شهروندان می باشد و یکپارچه و مداوم نمودن برنامه های تربیت بدنی و شهرداری در امور ورزش حمایت گردد.

- با توجه به تأثیر مستقیم فعالیت های ورزشی به عنوان یکی از مولفه های پیوند اجتماعی و نقش غیرمستقیم آن در افزایش دیگر مولفه های پیوند اجتماعی (وابستگی، تعهد و باور)، دنبال کردن رویکرد محله - محوری در مدیریت فضاهای ورزشی و استقرار کردن سالن ها و زمین های رو باز ورزشی در هر محله می تواند موثر باشد. این کار از جهات مختلف می تواند کارکرد اجتماعی - فرهنگی داشته باشد: ۱) جوانان می توانند اوقات فراغت خود را در محلات با فعالیت های ورزشی پر نمایند؛ ۲) جوانان به محله و شهر خود احساس تعلق خاطر کنند؛ به طوری که بر مبنای نظریه پیوند اجتماعی، وابستگی آنها به خانواده و افراد ساکن در محله اشان افزایش می یابد و به دنبال برقراری ارتباط اجتماعی سالم و صمیمی، تعهد و باور آنها نیز فزونی می گیرد.

- در رسانه های جمعی در راستای تبیین مزایای ورزش و فعالیت های ورزشی و تشویق و ترغیب جوانان به فعالیت های ورزشی و شناساندن پهلوانان و قهرمانان اخلاق ورزشی به جوانان اقدامات لازم صورت پذیرد. ورزش به عنوان فعالیتی برای گذراندن اوقات فراغت در میان جوانان نهاده شده است.

منابع

- اباذری، یوسفعلی (۱۳۸۱) "توربرت الیاس و فرایند متمدن شدن". نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۹: ۱۹-۲۵.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۹) جامعه شناسی انحرافات. (چاپ چهارم). تهران: انتشارات سمت
- انورالخولی، امین (۱۳۸۳) ورزش و جامعه. حمید رضا شیخی. چاپ دوم. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)
- بخارایی، احمد (۱۳۸۶) جامعه شناسی انحرافات اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات پژواک جامعه
- جهانفر، محمد (۱۳۸۱) "خشونت در فوتبال قابل پیشگیری است". نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۹.
- دوفرانس، ژاک (۱۳۸۵) جامعه شناسی ورزش. عبدالحسین نیک گهر. تهران: توتیا
- ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۷) جامعه شناسی جوانان ایران. چاپ دوم. تهران: انتشارات آگاه
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۹) آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات). چاپ بیست و یکم. تهران: آوای نور
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۷) آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی). چاپ چهارم. تهران: انتشارات سمت
- فتحی پور، محمدصدیق (۱۳۸۷) "مقایسه نگرش به انحرافات اجتماعی نوجوانان پسر ورزشکار و غیر ورزشکار". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی. دانشگاه تهران.
- قاسمی، وحید، ذوالاکتاف، علی و نور علی وند (۱۳۸۸) جامعه شناسی ورزش (وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال). تهران: انتشارات جامعه شناسان
- کوئن، بروس. (۱۳۷۹). درآمدی به جامعه شناسی. (ترجمه محسن ثلاثی). (چاپ هشتم). تهران: نشر توتیا.
- گلزاده، مهریار (۱۳۸۲) "بررسی جایگاه تربیت بدنی و نقش آن در کاهش گرایش به انحرافات اجتماعی در دبیرستان های اردبیل". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- معدکن، ایراندخت (۱۳۶۹) نقش ورزش در جلوگیری از انحرافات اخلاقی جوانان. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران (۱۳۸۴) ورزش و تربیت بدنی در برنامه سوم توسعه کتاب دولت. تهران: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
- مهرآئین، محمدرضا (۱۳۸۷) نظریات جدید جامعه شناسی و ورزش. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- نادریان جهرمی، مسعود (۱۳۸۹) مبانی جامعه شناسی ورزش. تهران: بامداد کتاب
- یعقوبی هریکنده، امیر حسین (۱۳۸۷) "بررسی تاثیر فعاليت های ورزشی نوجوانان بر نگرش نسبت به بزهکاری". پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام نور مرکزی.
- Booth, Job A., Amy Farrell and Sean P. Varano (2008) "Social Control, Serious Delinquency, and Risky Behavior: A Gendered Analysis". Crime & Delinquency. Volume 54 Number 3: 423-456.
- Desmond, Scott A., B. Soper, E. Sarah, and R. Kraus (2011) "Religiosity, Peers and Delinquency: Does Religiosity Reduse the Effect of Peers on Delinquency". Sociological Spectrum. Vol. ۳۱.
- Hawdon, James E. (1999) «Daily Routines and Crime Using Routine Activities».

Youth & Society. Vol 30, and No.4: 395-415.

- Jeb, A & Amy, F. & Sean, p(2009) "Social control- serious delinquency and risky behavior". Journal of crime & delinquency. p. 423.
- Kreager, Derek A. (2007) "Unnecessary Roughness? School Sport, Peer Networks, and Male Adolescent Violence." American Sociological Review. Vol. 72. (October: 705-724).
- Mason, Gail and Paul Wilson (1988) **Sport, Recreation and Juvenile Crime: An Assessment of The Impact of Sport and Recreation Upon Aboriginal and Non- Aboriginal Youth Offenders**. First Published by the Australian Institute of Criminology. Canberra..
- Michael, A. C. (2003) "Religion and Social Control: An Application of a Modified Social Bond on Violence". Criminal Justice Review. Vol. ۲۸.
- Ozbay, O. and Y. Z. Ozcan (2006) «A Test Of Hirschi's Social Bonding: Theory Juvenile Delinquency in the High Schools of Ankara". Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology. Vol. 50.
- Purdy, D. A. and S. F. Richard (1983) "Sport and Juvenile Delinquency: An Examination and Assessment of Four Major Theories". Journal of Sport Behaviour. 6(4), pp. 179-83.
- Snyder, Eldon E. (1994) "Interpretations and Explanations of Deviance Among College Athletes: A Case Study". Sociology of Sport Journal. 11. 231-248.
- Sugden, J and Yiannakis, A. (1982) "Sport and Juvenile Delinquency: A Theoretical Base". Journal of Social and Behavioral Sciences. 22-30.
- Vermillon, Mark (2007) "Sport Participation and Adolescent Deviance: A Logistic Analysis". Social Thought & Research. Vol 28.



بررسی موانع اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران

مرتضی سلیمانی^۱

بهنام گیلانی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۶

با توجه به اینکه صورت های مالی باشگاه های فوتبال حرفه ای و مطرح بین المللی با استفاده از رویکرد حسابداری منابع انسانی تهیه می گردد، سعی شده با مطالعه پژوهش ها و صورت های مالی ارائه شده، این رویکرد و روش های متداول گزارشگری با استفاده از این رویکرد را معرفی نماییم. بدیهی است که از این طریق می توان تهیه کنندگان و استفاده کنندگان صورت های مالی باشگاه های فوتبال ایرانی را با محاسن این روش های تهیه گزارش مالی آشنا نمود. هدف دیگر این پژوهش، شناسایی و بررسی موانع اجرا و پیاده سازی روش های مذکور در تهیه صورت های مالی باشگاه های فوتبال ایران می باشد.

روش این تحقیق، توصیفی- تحلیلی و نوع تحقیق از نظر هدف، کاربردی می باشد. پس از مطالعه پیشینه تحقیق و نیز مصاحبه حضوری با متخصصان و اساتید حسابداری و نیز مدیران عامل و مدیران مالی باشگاه های فوتبال داخلی، با موارد عدم اجرا و پیاده سازی موثر در باشگاه های فوتبال ایران شناسایی گردید، سپس با استفاده از مدل های رایج در تحلیل عاملی اکتشافی، عوامل و معیارهای موثر، استخراج و به سه دسته کلی عوامل داخلی، بیرونی خرد و بیرونی کلان طبقه بندی شدند. در مرحله بعد، مدلی در قالب معادله ساختاری^۳ بر مبنای سه دسته کلی عوامل فوق و معیار های موثر بر هر یک، طراحی و سه فرضیه متصور شد. در ادامه، با استفاده از نرم افزار لیزریل^۴ به روش تحلیل عامل تأییدی، مدل طراحی شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات گیلان (نویسنده مسئول)

E-mail: Mosoleimani27@gmail.com

۲. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت

3. Structural Equation Modeling

4. Lisrel

و مورد تأیید واقع شد. در پایان، با استفاده از آزمون فریدمن، هر یک از عوامل و معیارهای تأثیرگذار بر آنها به ترتیب عوامل بیرونی کلان، بیرونی خرد و داخلی رتبه بندی گردیدند.

واژگان کلیدی: حسابداری منابع انسانی، صورت های مالی باشگاه های فوتبال، حسابداری بازیکنان فوتبال و دارایی نامشهود

مقدمه

امروزه ورزش در جوامع جهانی، از یک پدیده اجتماعی در جهت سلامت عمومی به یک صنعت با گردش اقتصادی بالا و توانمندی ها و جذابیت فراوان تبدیل گردیده است. سود مرکب ۲۰ باشگاه ۴ بیلیون پوند برای اولین بار در سال مالی ۲۰۰۹/۱۰ رسید و با جمع ۴/۳ بیلیون پوند ۸ درصد نسبت به سال گذشته رشد نمود (دلویت^۱، ۲۰۱۱). این صنعت علیرغم شباهت به صنایع دیگر، دارای مشخصات خاص خود می باشد. حسابداری یک روش برای نشان دادن پتانسیل تجارت، به ذینفعان، مانند بستانکاران، پشتیبان ها و هواداران و غیره است (مارو^۲، ۱۹۹۹: ۱۵۸). بنابراین، اگر صورت های مالی متناسب فعالیت های مالی باشگاه های ورزشی تهیه نگردد، عدم ارائه گزارش های مناسب و در نتیجه گمراهی استفاده کنندگان از صورت های مالی را موجب می گردد. امروزه، صورت های مالی در باشگاه های بین المللی با استفاده از استانداردها و معیارهای حسابداری منابع انسانی اعم از روش های طبقه بندی، ارزش گذاری و مستهلک کردن تهیه می گردد. حساب بازیکنان طبق استانداردهای گزارشگری مالی شماره ده^۳، سرمایه ای شده و طی مدت قرارداد مستهلک می گردند (صورت های مالی باشگاه اورتون: ۱۸، ۲۰۱۲). در این پژوهش سعی بر آن است تا با مطالعه روش های متداول حسابداری منابع انسانی و نیز با توجه به کاربردها و استفاده از این استانداردها و معیارها و روش ها در باشگاه های فوتبال بین المللی، به شناسایی عوامل عدم اجرای این روش ها و معیارها و مدل ها در باشگاه های داخلی دست یابیم. گزارشگری و تهیه صورت های مالی یکی از وظایف حسابداری در موسسات گوناگون می باشد که بر تصمیم گیری استفاده کنندگان تأثیر به سزایی دارد. شاید صورت های مالی از جهت شکل و فرم در موسسات گوناگون مشابه و حتی یکی باشند، ولی همواره طبقه بندی حساب ها و سرفصل حساب ها در موسسات گوناگون با توجه به نوع فعالیت و صنعت دچار تغییرات اساسی می گردد. در فضای اقتصاد کنونی جهان فعالیت و صنایع مختلفی وجود دارند؛ صناعی مانند خودروسازی، نساجی، مواد غذایی و غیره، ولی با تغییر در عرصه مختلف اجتماعی و اقتصادی کشورها صنایع جدیدی نیز شکل گرفته است. یکی از صنایع جدید که گردش اقتصادی قابل توجهی را به خود اختصاص داده، ورزش می باشد. صنعت ورزش که در رأس آن باشگاه های ورزشی قرار دارند، از طرف دولت ها و افراد جوامع مورد توجه فراوان قرار گرفته است. حسابداری به عنوان دانش مرتبط با اقتصاد باید در جهت گزارشگری متناسب با تغییرات صنایع مختلف فعال در فضای اقتصادی دچار تغییرات گردد. بررسی روش و سیستم های حسابداری متناسب با فعالیت های آنها بسیار پر اهمیت می باشد. همچنین، در باشگاه های ورزشی همواره هزینه های فراوانی صرف عقد و ثبت قرارداد بازیکنان می گردد. باشگاه ها همواره به دنبال کسب موفقیت در میادین ورزشی می باشند تا منابع اقتصادی هر چه بیشتری برای آنها فراهم گردد. بنابراین، پر اهمیت ترین دارایی باشگاه های ورزشی، نیروی انسانی می باشد و باید مبالغ پرداخت شده بابت جذب بازیکنان در باشگاه ها- که قسمت اعظمی از پرداخت های باشگاه های فوتبال را شامل می گردد- به عنوان یک دارایی شناسایی گردد. بنابراین، اگر صورت های مالی متناسب فعالیت های مالی باشگاه های ورزشی تهیه نگردد، عدم ارائه گزارش های مناسب و در نتیجه گمراهی استفاده کنندگان از صورت های مالی را در پی دارد. امروزه صورت های مالی در باشگاه های بین المللی با استفاده از استانداردها و معیارهای حسابداری منابع انسانی اعم از روش های طبقه بندی، ارزش گذاری و مستهلک کردن تهیه می گردد.

مطالعه حاضر به یکی از مقولات جدید کاربردهای حسابداری و با هدفی کاربردی می پردازد؛ بدان معنی که نتایج این پژوهش بتواند مورد استفاده هرچه بهتر مدیران عرصه ورزش در سطوح مختلف اعم از مدیران ارشد وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون و نیز مدیران عامل و مسئولان مالی باشگاه های فوتبال قرار گیرد. گزارشگری واحدهای اقتصادی برای استفاده کنندگان درون سازمانی و برون سازمانی به دلیل تاثیرگذاری بر تصمیم گیری آنها دارای اهمیت می باشد. اگر صورت های مالی مطابق اصول پذیرفته شده حسابداری و مطابق نوع فعالیت های مالی موسسات تهیه نگردد، در نهایت موجب گمراهی استفاده کنندگان از صورت های مالی خواهد شد. از جهت دیگر امید است تحقیق در این عرصه، آغازگر تحقیقات گسترده و همچنین تهیه استانداردهای حسابداری منابع انسانی در ایران گردد. به علاوه، تغییر در نوع نگرش مدیریتی به سازمان و بوجود آمدن موسساتی از نوع سازمان های انسانگرا (رنسیس لیکرت)^۱ که در آنها دیگر شاهد ماشین آلات و تجهیزات گرانبها نخواهیم بود، بلکه استفاده از توانمندی های تخصصی موجب ایجاد منافع آتی برای آنها می گردد، بر اهمیت پژوهش در عرصه حسابداری منابع انسانی می افزاید.

یکی از صناعی که در آن سازمان هایی با مشخصات فوق حضور فعال دارند، صنعت ورزشی می باشد؛ به عبارت دیگر، باشگاه های ورزشی را می توان در رأس هرم صنعت ورزش قرار داد که از محل جذب منابع انسانی یعنی بازیکنان به دنبال موفقیت در میداين ورزشی هستند و متعاقباً با جذب هواداران و پشتیبانی های مالی بیشتر، فروش بازیکنان جذب شده با قیمت های بالاتر و ارائه خدمات ورزشی به عموم جامعه، منابع مالی را کسب می نمایند. با توجه به تنوع فعالیت های یاد شده، یکی از مهمترین کاربردهای حسابداری منابع انسانی در باشگاه های ورزشی می باشد. در حال حاضر، سازمان هایی که نظارت بر فعالیت های باشگاه های فوتبال را در سطح جهان بر عهده دارند، اهمیت فراوانی برای گزارشگری مالی باشگاه ها در کنار عوامل غیر مالی قائل گردیده اند؛ به طوری که در اعطای سهمیه باشگاه های شرکت کننده به هر کشور در مسابقات لیگ باشگاه های آسیا امتیاز بالایی را به آن اختصاص داده اند. بنابراین، عدم تهیه صورت های مالی مطابق استانداردهای بین المللی و رایج جهانی همواره در سال های گذشته موجب کسر امتیاز از فدراسیون فوتبال کشورها گردیده که این کسر امتیاز و حتی سهمیه باشگاه های شرکت کننده، گریبان گیر فدراسیون فوتبال ایران نیز بوده است. این مطلب بر اهمیت نتایج این تحقیق می افزاید که به دلیل مطالعه یک مسئله مهم و رفع آن در باشگاه های فوتبال به عنوان تحقیقی کاربردی طبقه بندی می گردد.

از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۷ رنسیس لیکرت در دانشگاه میشیگان مطالعاتی با موضوعات حسابداری منابع انسانی و روانشناسی سازمان را آغاز نمود. در سال ۱۹۸۶ گروهی دیگر شامل برومِت^۲، پل^۳ و فلیم هولتز^۴ که دانشجوی دکتری بودند پروژه تحقیقاتی خود را بر طراحی و رشد متدهای حسابداری منابع انسانی متمرکز نمودند. در سال ۱۹۶۹ فلیم هولتز در دوره دکترای خود مطالعاتی را به حسابداری منابع انسانی اختصاص داد و درباره بهبود تئوری های خاص ارزش گذاری در سازمان و ارزیابی منابع انسانی تحقیق کرد. فلیم هولتز در مطالعات خود بر ابزارهای تحصیل، بهبود و شناسایی استفاده از منابع انسانی متمرکز شد. در این سال ها، مطالعه و بهبود روش ها فقط در مطالعات دانشگاهی متمرکز بود. که آثاری از ساکمن^۵، فلیم

1. R. likret
2. R. Lee Brummet
3. William C. Pyle
4. Eric Flamholtz
5. Sackmann

هولتز و بولن^۱ (۱۹۸۹)، فلیم هولتز، بولن و هوآ^۲ (۲۰۰۲) و فلیم هولتز، کانن - ناراسیمهان^۳ و بولن (۲۰۰۴) بجامانده است (بولن، ۲۰۰۹: ۳). مارو^۴ در سال (۱۹۹۶-۱۹۹۷) بازیکنان فوتبال در انگلستان را به عنوان دارایی قلمداد کرد و اهمیت اندازه گیری آنها به عنوان یک عامل مهم بررسی نمود. گوسانزو و تور^۵ (۲۰۰۶) در بررسی خود از نظر ۷۹ نفر از افرادی که با لیگ فوتبال استرالیا در ارتباط بودند و ۵۸ نفر از حسابداران و دانشگاهیان حسابداری برای ارزیابی اینکه آیا ارزش بازیکنان در ترازنامه یک ایده قابل قبول در نظر گرفته شود، بهره گرفتند (بولن، ۲۰۰۹: ۹).

روش های متداول گزارشگری در باشگاه های فوتبال بین المللی:

منظور از روش های متداول گزارشگری، تهیه صورت های مالی مطابق با استاندارد های حسابداری منابع انسانی می باشد که در باشگاه های بین المللی و مطرح دنیا مطابق آنها اقدام به تهیه صورت های مالی می گردد. بدیهی است که بازیکنان فوتبال به منظور کسب منافع اقتصادی در آینده توسط باشگاه های فوتبال جذب می شوند. منافعی که از قراردادهای منعقد شده با آنها حاصل می شوند، سهم نامشهودی از موفقیت باشگاه فوتبال را تشکیل می دهند. بازیکنانی که این قراردادها را منعقد می کنند، نمی توانند باشگاه را ترک کنند یا بدون اجازه باشگاه به بازی در باشگاه های دیگر بپردازند. بر این اساس، بازیکنان فوتبال معیارها و شرایط لازم را به منظور طبقه بندی شدن در سرفصل دارایی ها و انعکاس در صورت های مالی باشگاه ها فوتبال را دارند (میچه و ورما^۶، ۱۹۹۹: ۶). بنابراین مطابق استانداردهای گزارشگری شماره ده، هزینه های جذب بازیکنان سرمایه ای شده و طی زمان قرارداد مستهلک می شوند. در ادامه، به تعدادی از روش های رایج و کاربردی ارزش گذاری منابع انسانی و بازیکنان فوتبال در باشگاه های فوتبال بین المللی اشاره می گردد.

مدل فلیم هولتز^۷

این مدل به تغییر شکل کارکنان در داخل سازمان توجه دارد؛ یعنی، فرض شود که فرد طی زمان عهده دار مشاغل مختلف در یک سازمان است. این وظایف، مانع الجمع هستند و فرض می شود که موقعیت های خدمتی در طی یک دوره زمانی را با در نظر گرفتن احتمالات می توان تخمین زد. در این مدل فرض می شود که برای هر فرد می توان دوره ای را پیش بینی کرد که طی آن انتظار می رود وی در یک موقعیت خدمتی معین باقی بماند و در سازمان خدمت کند. این دوره، "دوره خدمت مورد انتظار" تعریف می شود. یک وضعیت خدمتی در موقعیتی فرض می شود که انتظار می رود فرد در آن مدت به سازمان خدمت ارائه کند. در این مدل که برای جذب بازیکنان جوان روش دوم جذب طراحی گردیده تمام هزینه های آموزش مرتبط به یک تیم جوانان کنترل و نگهداری می شود. به عنوان مثال، مدل سرمایه گذاری منابع انسانی مورد استفاده در باشگاه های فوتبال به شکل زیر می باشد: (فلیم هولتز، ۱۹۷۴: ۸۱)

1. Flamholtz & Bulle
2. Hua
3. Kannan-Narasimhan
4. S.morrow
5. Gusenzow and Tower
6. Michie & verma
7. Eric Flamholtz

جدول ۱: نحوه ارزش گذاری بازیکنان در تیم جوانان

هزینه ها (طی سال یک تیم جوانان)				
۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	
۶۰۰۰	۷۰۰۰	۶۰۰۰	۵۵۰۰	استخدام
۵۰۰۰	۵۵۰۰	۵۵۰۰	۴۰۰۰	داوری
۷۰۰۰	۷۵۰۰	۶۰۰۰	۵۵۰۰	مسافرت
۲۰۰۰	۲۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	خوراک
۲۵۰۰	۳۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	اقامت
۴۵۰۰	۵۰۰۰	۴۰۰۰	۴۰۰۰	آموزش
۳۵۰۰	۴۰۰۰	۳۵۰۰	۳۰۰۰	مواد
۳۰۵۰۰	۳۴۵۰۰	۲۸۵۰۰	۲۵۵۰۰	جمع
۲۱	۲۴	۲۱	۲۰	تعداد بازیکنان
۱۴۵۲	۱۴۳۷	۱۳۵۷	۱۲۷۵	میانگین هزینه / بازیکنان

جمع هزینه آموزش یک بازیکن در تیم جوانان طی سال های ۱۹۹۹-۲۰۰۲ به عنوان مبلغ قرارداد بازیکن حرفه ای در پایان سال ۲۰۰۲ برابر است با:

$$۱۲۷۵+۱۳۷۵+۱۴۳۷+۱۴۵۲=۵۵۲۱$$

در این پژوهش سه سوال به شرح زیر مطرح گردیده است:

- آیا عوامل داخلی بر اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال داخلی تاثیرگذار می باشد؟
 - آیا عوامل بیرونی خرد بر اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال داخلی تاثیرگذار می باشد؟
 - آیا عوامل بیرونی کلان بر اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال داخلی تاثیرگذار می باشد؟
- بر مبنای سوالات فوق، فرضیه های زیر در نظر گرفته شده است:
- فرضیه اول) عوامل داخلی بر اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران تاثیرگذار می باشد.
 - فرضیه دوم) عوامل بیرونی خرد بر اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران اثرگذار می باشد.
 - فرضیه سوم) عوامل بیرونی کلان بر اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران اثرگذار می باشد.
- عوامل و متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق که بر موانع اجرا و پیاده سازی حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران تاثیرگذارند، به سه دسته کلی طبقه بندی شده اند:

الف) عوامل داخلی: به مجموعه عواملی اطلاق می گردد که تنها به شرایط و محیط داخلی باشگاه های فوتبال ایران مربوط می شود.

ب) عوامل بیرونی خرد: به مجموعه از قوانین و مقررات و استاندارد های تدوین و تهیه گزارشگری حسابداری منابع انسانی در جامعه حرفه حسابداری در ایران منحصر می باشد.

ج) عوامل بیرونی کلان: به آن دسته از عوامل اطلاق می گردد که به فضای اقتصادی کلان جامعه مربوط اند و در حوزه قوانین و مقررات کشور و ضوابط اجرایی این قوانین کلان قرار می گیرند.

بدیهی است که هر یک از عوامل فوق، تحت تاثیر متغیرهایی قرار دارند که با توجه به پیشینه تحقیقات موجود، متغیرهایی شناسایی شده اند. این متغیر ها در مرحله اول تحقیق با مصاحبه اولیه از صاحب نظران و افراد برجسته در جامعه آماری مورد مطالعه، تعیین شده اند. بدین ترتیب، متغیرهای شناخته شده موثر بر سه عامل فوق به شرح زیر می باشد:

الف) متغیرهای مؤثر بر عوامل داخلی

عدم سودهی باشگاه های فوتبال

با توجه به اینکه عموماً باشگاه های فوتبال در ایران زیانده و همواره به بودجه دولت وابسته می باشد، سرمایه گزاران و بخش خصوصی کمتر برای ورود به این عرصه نشان می دهند. بنابراین مالکیت دولتی و شرکت های دولتی اقدام به تهیه صورت های مالی مطابق استاندارد های بین المللی نمی نمایند و این عامل را می توان یکی از موانع اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری در باشگاه های فوتبال ایران دانست.

عدم اعتقاد مدیران به تغییر در رویه های گزارشگری مالی در باشگاه های فوتبال ایران

همواره مدیران در تهیه صورت های مالی هر سازمانی دخیل می باشند. تهیه صورت های مالی و مسئولیت تهیه آنها همواره به عهده مدیران آن سازمان می باشد. حال اگر مدیران یک سازمان اعتقادی به اعمال روش ها و روندهای تهیه صورت های مالی متناسب با نوع فعالیت سازمان خود نداشته باشند، اعمال روش مناسب که با استانداردهای حسابداری مطابقت نماید غیر ممکن می باشد. این متغیر نیز به عنوان یک عامل موثر در تحقیق شناسایی و ارزیابی گردید.

عقد قراردادهای کوتاه مدت

مطابق استانداردهای گزارشگری شماره ۱۰، سرمایه ای کردن هزینه جذب بازیکنان و طبقه بندی آنها در دارایی و ترازنامه و به دنبال آن مستهلک کردن این دارایی در مدت زمان قرارداد توصیه می شود. از جهتی دیگر، مطابق همین روش، نگرش مدیران باشگاه های بین المللی بر این است که با ایجاد مشوق هایی همانند پاداش ها و بالا رفتن مبلغ قرارداد در صورت داشتن پیشنهاد باشگاهی دیگر با قیمتی بیشتر از ارزش قرارداد کنونی، می توان موجبات رشد فنی بازیکنان تیم را فراهم آورد. با اجرایی شدن این روش که با اصول حسابداری استوار است، می توان موجبات موفقیت تیم را در رقابت ها فراهم آورد. هم اکنون به نظر می رسد بیشتر قراردادهای بازیکنان فوتبال در باشگاه های داخلی در سطح لیگ حرفه ای یکساله و حتی کمتر از یک فصل می باشد. این متغیر نیز بر عوامل داخلی موثر شناسایی گردید.

عدم آگاهی مدیران مالی و تهیه کنندگان صورت های مالی در باشگاه های فوتبال

مطابق پیشینه ذکر شده، یکی از معیارهای شناخته شده در موانع استفاده استانداردهای حسابداری منابع انسانی در جامعه حسابداری ایران، عدم آگاهی از استانداردها، روش ها و معیارهای حسابداری منابع انسانی می باشد.

بی توجهی به تیم های رده های سنی و پایه

طبق روش ارزش گذاری ارائه شده توسط فلیم هولتس که پیشتر ارائه گردید، نداشتن تیم هایی در رده های

سنی پایین و جوانان هم موجب عدم استفاده کاربردی این روش می شود و هم در چرخش و ساختن بازیکنانی با قابلیت فنی مناسب شاغل در باشگاه های فوتبال خلل ایجاد می نماید که به نوبه خود کاستن از ارزش دارایی های باشگاه ها و جذابیت دیدارهای فوتبال و به دنبال آن کاهش سودآوری باشگاه ها را در پی دارد.

عدم انتصاب مدیران دارای صلاحیت

بی تردید، مدیریت هر سازمانی، قابلیت های فنی خاص موضوع فعالیت های آن سازمان را می طلبد، حال آنکه همواره انتصاب مدیران در باشگاه های فوتبال در ایران و جهان دارای حواشی فراوان است. به نظر می رسد انتصاب مدیران فاقد صلاحیت در باشگاه های فوتبال موجب عدم موفقیت باشگاه های فوتبال در عرصه های ورزشی و متعاقب آن در عرصه اقتصادی و تامین منابع مالی می گردد. این متغیر در حوزه عوامل داخلی موثر شناخته شد و مورد ارزیابی قرار گرفت.

ب) متغیرهای مؤثر بر عوامل بیرونی خرد

عدم تدوین استانداردهای حسابداری منابع انسانی از سوی سازمان حسابرسی

سازمان حسابرسی با درک اینکه حسابداری منابع انسانی، کاربردهایی در جامعه اقتصادی به خصوص در سازمان های انسان گرا دارد، می تواند اقدام به تدوین استانداردهای خاص حسابداری منابع انسانی نماید تا از این طریق موجبات اجرای حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال را فراهم آورد.

عدم تدوین قوانین و مقررات الزام آور از سوی مدیران فدراسیون فوتبال و یا وزارت ورزش و جوانان

برای تدوین استانداردهای حسابداری منابع انسانی در سازمان حسابرسی، تدوین قوانین الزام آوری از سوی مدیران وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ در اجرایی شدن آن استانداردها مؤثر می باشد. مضاعف بر اینکه باید قوانینی وضع گردد که روش های گزارشگری و تهیه صورت های مالی باشگاه های داخلی را با روش های متداول گزارشگری در باشگاه های بین المللی همانند سازی نمایند و زمینه رعایت این الزامات و استانداردهای پاسخگویی مناسب به بازرسان بین المللی را فراهم آورند. ارزیابی بازرسان سازمان های بین المللی مانند کنفدراسیون فوتبال آسیا از باشگاه های داخلی از بعد مالی یکی از معیارهای پر اهمیت جهت اختصاص سهمیه به باشگاه های کشورهای آسیایی در رقابت های جام باشگاه های آسیا می باشد.

عدم آموزش و تحقیقات در عرصه حسابداری منابع انسانی در دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی

در نتایج تحقیقات صورت گرفته، عدم آموزش به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر موانع اجرای حسابداری منابع انسانی شناخته شده است؛ چنان که یکی از علل اصلی ناآگاهی مدیران مالی و تهیه کنندگان صورت های مالی باشگاه های فوتبال را می توان در عدم آموزش حسابداری منابع انسانی در دانشگاه ها دانست (عبدال... قادری ۸۷-۱۳۸۶).

کمبود افراد متخصص در اجرای حسابداری منابع انسانی

همواره در اجرای هر روش و روند جدید در سازمان نیاز به افرادی متخصص و دارای دانش لازم می باشد. با توجه به اینکه روش های تهیه صورت های مالی با استفاده از استانداردهای حسابداری منابع انسانی رایج نمی باشد، لازمه اجرایی شدن این استاندارد ها وجود کارکنان متخصص در سازمان های مربوطه است.

ج) متغیرهای مؤثر بر عوامل بیرونی کلان

این نوع عوامل بیشتر بر مشخصات اقتصادی و قوانین کلان جامعه ایران تأکید دارد که بر عملکرد باشگاه های داخلی مؤثر می باشند. این متغیرها که موجب تمایز باشگاه های داخلی و بین المللی می شوند، ریشه در قوانین و ضمانت اجرای آنها و شرایط اقتصاد کلان جامعه ایران دارند. متغیرهای مؤثر بر عوامل داخلی شناسایی شده به شرح زیر می باشند:

مالکیت دولتی و اتکا به بودجه دولت در باشگاه های ایران

در باشگاه های داخلی عموماً مالکیت و تأمین مالی توسط دولت صورت می گیرد، حال آنکه در باشگاه های بین المللی، مالکیت متعلق به افرادی خاص یا طرفداران می باشد. این اتکا به بودجه دولتی، بازدارنده باشگاه های داخلی از تلاش برای یافتن منابع مالی جدید و فعالیت های متنوع اقتصادی می باشد. تا زمانی که باشگاه های ایرانی به صورت دولتی مدیریت می شوند، تغییر در شیوه های گزارشگری به روش های متداول و مطابق استانداردهای بین المللی در باشگاه های فوتبال ایران ممکن به نظر نمی رسد.

نقص یا فقدان ضمانت اجرایی قوانین موجود

پیرو مصاحبه اولیه با مدیران عامل بعضی از باشگاه های فوتبال، یکی از عوامل مؤثر در سودده نبودن و وجوه افتراق با باشگاه های بین المللی را باید در نقص یا فقدان ضمانت اجرایی قوانین اقتصادی دانست. یکی از این قوانین که به آن بیش از همه پرداخته شده، قانون حق کپی رایت و پرداخت نشدن حق پخش تلویزیونی می باشد. وجود این متغیر موجب عدم دستیابی منابع عظیم مالی برای باشگاه های داخلی دانسته می شود که می تواند مانع بزرگی در جهت خصوصی شدن مالکیت و کاهش اتکا به بودجه دولت باشد.

در این پژوهش سعی بر آن است تا روش های متداول حسابداری منابع انسانی و نیز کاربردها و استفاده از این استانداردها، معیارها و روش ها در باشگاه های بین المللی به تهیه کنندگان و استفاده کنندگان صورت های مالی معرفی شود و عوامل عدم اجرای این روش ها، معیارها و مدل ها در باشگاه های داخلی شناسایی گردد.

روش شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی - تحلیلی و نوع تحقیق از نظر هدف، کاربردی است. ابزارهای جمع آوری اطلاعات از جامعه آماری، پرسشنامه می باشد. در این پژوهش، ابتدا ادبیات موضوع بر اساس مساله بیان شده بررسی شد. سپس متغیرهای اصلی تحقیق شناسایی و با شرایط موجود باشگاه های فوتبال ایران تطبیق داده شد. داده های مورد نیاز برای سنجش و اندازه گیری متغیرهای تحقیق به وسیله پرسشنامه و به صورت میدانی جمع آوری گردید. سپس این داده ها، تبدیل به امتیازات مربوط شد و برای تجزیه و تحلیل با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی، عوامل اساسی مؤثر بر اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران از کل سئوالات مطرح شده، کشف و استخراج گردید. سپس عوامل کشف شده با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی به اثبات رسیدند و با استفاده از نرم افزار SPSS و LISREL ۸/۵۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تحلیل عاملی تکنیکی است که کاهش تعداد زیادی از متغیرهای وابسته به هم را به صورت تعداد کوچکتري از ابعاد پنهان یا مکنون امکان پذیر می سازد (هومن، ۱۳۸۰: ۳۶۷).

جامعه آماری این تحقیق شامل همه مدیران عامل، مدیران مالی، حسابداران و حسابرسان کلیه باشگاه های شاغل در لیگ برتر فوتبال ایران و همچنین صاحب نظران علمی (استاد دانشگاه)، مدیران مرتبط با صنعت فوتبال و حسابداران فدراسیون فوتبال، کارشناسان مالی وزارت ورزش و جوانان مرتبط با مسائل مالی باشگاه های شاغل در فوتبال لیگ برتر می باشد. روش نمونه گیری در این تحقیق تصادفی می باشد. تعداد جامعه آماری ۷۳ نفر می باشد که با توجه به محدود بودن جامعه آماری، پرسشنامه در میان به تمام افراد جامعه در دسترس توزیع گردید و پس از جمع آوری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در پژوهش حاضر به منظور جمع آوری نقطه نظرات نمونه آماری از یک پرسشنامه محقق ساخته با استفاده از ابعاد هر یک از متغیرهای تحقیق، به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است. برای گردآوری داده های مورد نیاز در

این تحقیق، از ابزار محقق ساخته به شرح زیر استفاده شده است: این پرسشنامه از ۲۵ سؤال در طیف ۵ درجه ای لیکرت شامل خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵) تشکیل شده است. روایی^۱ ابزار بر اساس اظهار نظر صاحب نظران است که پیش از اجرای پرسشنامه روایی صوری آن مورد بررسی قرار گرفت. به منظور سنجش روایی پرسشنامه، از روش روایی محتوا به طریق دلفی استفاده شده است. برای این منظور در ابتدا پرسشنامه به منظور بررسی موانع اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران، طراحی شده و سپس با استفاده از یک نمونه هادی و بر اساس میانگین نظرات آنها تعدیل شده و به شکل پرسشنامه حاضر در آمده است. در پژوهش حاضر به منظور تعیین پایایی^۲ پرسشنامه با تاکید بر همسانی درونی سوالات از طریق ضریب آلفای کرونباخ^۳ عمل شده که با استفاده از نرم افزار SPSS۱۹ برای مجموعه سوالات مربوط به هر متغیر اقدام گردید. به منظور محاسبه پایایی پرسشنامه ها، قبل از توزیع نهایی آن ۳۰ عدد از پرسشنامه ها بین صاحب نظران و کارشناسان صنعت مذکور توزیع گردید که در نهایت به کمک نرم افزار SPSS۱۹ مقدار آلفای کرونباخ برای عوامل داخلی ۰/۸۹۸ و عوامل بیرونی خرد ۰/۸۶۴ و عوامل بیرونی کلان ۰/۸۸۰ به دست آمد. بنابراین می توان گفت که پرسشنامه فوق از اعتبار کافی برخوردار می باشند. سپس کلیه تجزیه و تحلیل ها به وسیله نرم افزارهای SPSS۱۹ و LISREL ۸/۵۴ انجام گردید.

یافته های پژوهش

همان طور که گفته شد، عوامل موثر بر عدم اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران به سه دسته عوامل داخلی، بیرونی خرد و بیرونی کلان تقسیم گردید. سپس معیارهای موثر بر هر یک از عوامل فوق شناسایی شدند که در جدول زیر آمده است:

جدول ۲: عوامل و معیارهای شناسایی شده موثر بر موانع اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی

عوامل	معیارهای تأثیرگذار بر عوامل
عوامل بیرونی خرد	عدم سود دهی باشگاه های فوتبال
	عدم اعتقاد مدیران و تهیه کنندگان صورت های مالی به تغییر رویه های گزارشگری
	عقد قراردادهای کوتاه مدت با بازیکنان فوتبال
	عدم آگاهی مدیران
	بی توجهی به تیم های پایه
	عدم انتصاب مدیران دارای صلاحیت لازم جهت مدیریت باشگاه های فوتبال
عوامل بیرونی خرد	عدم تدوین استاندارد ها توسط سازمان حسابرسی
	عدم تدوین قوانین الزام آور توسط فدراسیون فوتبال
	عدم آموزش و تحقیقات علمی و کاربردی
	کمبود افراد متخصص

1. Validity
2. Reliability
3. Cronbachs Coefficient Alpha (α)

مالکیت دولتی و اتکا به بودجه دولت	عوامل بیرونی کلان
نقایص قانون یا فقدان ضمانت اجرایی قوانین موجود	

سپس با استفاده از تحلیل عامل تأییدی، ارتباط هریک از معیارهای طبقه بندی شده در یک گروه با یکدیگر و همچنین میزان تأثیر بر عوامل مربوط به خود سنجیده شد. علاوه بر این، میزان تأثیر هریک از عوامل بر عدم اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران نیز در قالب یک مدل معادلات ساختاری^۱ طراحی و محاسبه گردید.

نمودار ۱: مدل اندازه گیری متغیر موانع سه گانه اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در حالت اعداد استاندارد



Chi-Square=58.08, df=51, P-value=0.23069, RMSEA=0.054

نمودار ۲: مدل اندازه گیری متغیر موانع سه گانه اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در حالت اعداد معنی داری



Chi-Square=58.08, df=51, P-value=0.23069, RMSEA=0.054

نتایج خروجی حاصل از پردازش داده ها توسط نرم افزار در جهت مدل های فوق پیرامون ارتباط هر یک از سازه ها یا معیارهای در قالب جدول زیر ارائه می گردد.

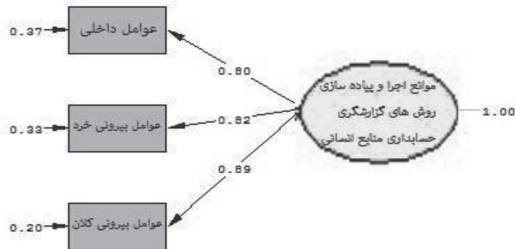
1. Structural Equation Modeling

جدول ۳: نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای عوامل موثر بر موانع اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی

نتیجه	آماره تی	میزان همبستگی با متغیر مکنون (بارعاملی)	سوال یا سازه	
تائید	۵/۷۴	۰/۷۲	عدم سود دهی باشگاه های فوتبال	عوامل داخلی
تائید	۴/۱۵	۰/۵۶	عدم اعتقاد مدیران و تهیه کنندگان صورت های مالی به تغییر رویه های گزارشگری	
تائید	۵/۸۶	۰/۷۳	عقد قراردادهای کوتاه مدت با بازیکنان فوتبال	
تائید	۶/۱۷	۰/۷۶	عدم آگاهی مدیران	
تائید	۶/۹۶	۰/۸۲	بی توجهی به تیم های پایه	
تائید	۷/۴۰	۰/۸۶	عدم انتصاب مدیران دارای صلاحیت لازم جهت مدیریت باشگاه های فوتبال	
تائید	۷/۷۷	۰/۸۸	عدم تدوین استاندارد ها توسط سازمان حسابرسی	عوامل بیرونی خرد
تائید	۷/۸۸	۰/۸۹	عدم تدوین قوانین الزام آور توسط فدراسیون فوتبال	
تائید	۸/۸۸	۰/۹۵	عدم آموزش و تحقیقات علمی و کاربردی	
تائید	۷/۴۱	۰/۸۶	کمبود افراد متخصص	
تائید	۸/۳۹	۰/۹۳	مالکیت دولتی و اتکا به بودجه دولت	عوامل بیرونی کلان
تائید	۸/۷۸	۰/۹۵	نقایص قانون یا فقدان ضمانت اجرایی قوانین موجود	

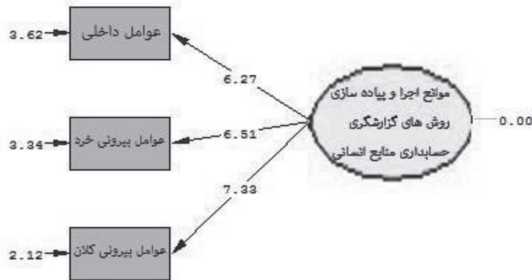
با توجه به نمودارها، مشاهده می شود که کلیه سوالات مربوط به متغیرها دارای ضرایب همبستگی معنی داری با متغیرهای مکنون هستند، چرا که میزان آماره تی بالاتر از ۱/۹۶ می باشد. در ادامه به بررسی رابطه ابعاد سه گانه عوامل موثر بر موانع اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی پرداخته می شود.

نمودار ۳: مدل اندازه گیری ابعاد متغیر عوامل موثر بر موانع اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در حالت اعداد استاندارد



Chi-Square=0.00, df=0, P-value=1.00000, RMSEA=0.000

نمودار ۴: مدل اندازه گیری ابعاد متغیر عوامل موثر بر موانع اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در حالت اعداد معنی داری



Chi-Square=0.00, df=0, P-value=1.00000, RMSEA=0.000

نتایج خروجی حاصل از پردازش داده ها توسط نرم افزار در جهت مدل های فوق در خصوص ارتباط هر یک از عوامل داخلی، بیرونی خرد و بیرونی کلان در قالب جدول زیر ارائه می گردد:

جدول ۴: نتایج تحلیل عاملی تائیدی برای ابعاد متغیر عوامل موثر بر موانع اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی

بعد	میزان همبستگی بعد با متغیر توانمندسازی (بارعاملی)	آماره تی	نتیجه
عوامل داخلی	۰/۸۰	۶/۲۷	تائید
عوامل بیرونی خرد	۰/۸۲	۶/۵۱	تائید
عوامل بیرونی کلان	۰/۸۹	۷/۳۳	تائید

با توجه به جدول ۴ مشاهده می شود که کلیه ابعاد مربوط به عوامل موثر بر موانع اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی دارای ضرایب همبستگی معنی داری با متغیر توانمندسازی هستند، چرا که میزان آماره تی بالاتر از ۱/۹۶ می باشد. در ادامه، رتبه بندی عوامل سه گانه و معیارهای موثر بر آنها به وسیله آزمون فریدمن ارائه می گردد:

جدول ۵: آزمون فریدمن برای رتبه بندی سه عامل کلی

میانگین رتبه	کای دو	درجه آزادی	سطح معنی داری
عوامل داخلی	۱/۷۰	۲	۰/۰۰۰
عوامل بیرونی خرد	۱/۸۴		
عوامل بیرونی کلان	۲/۴۷		

با توجه به جدول ۵ مشاهده می شود که مقدار سطح معنی داری بدست آمده برای سه عامل کلی برابر ۰/۰۰۰ می باشد که کوچکتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه، بین میانگین رتبه های سه عامل کلی تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه ها، بالاترین رتبه را به ترتیب عوامل بیرونی کلان، عوامل بیرونی خرد و عوامل داخلی دارا اولویت می باشند.

جدول ۶: آزمون فریدمن برای رتبه بندی معیارهای موثر بر عوامل داخلی، بیرونی خرد، بیرونی کلان

سوال یا سازه		میانگین رتبه	کای دو	درجه آزادی	سطح معنی داری
عوامل داخلی	عدم سود دهی باشگاه های فوتبال	۳/۵۲	۵۳/۸۷۱	۵	۰/۰۰۰
	عدم اعتقاد مدیران و تهیه کنندگان صورت های مالی به تغییر رویه های گزارشگری	۳/۶۹			
	عقد قراردادهای کوتاه مدت با بازیکنان فوتبال	۳/۶۲			
	عدم آگاهی مدیران	۲/۱۹			
	بی توجهی به تیم های پایه	۴/۲۳			
	عدم انتصاب مدیران دارای صلاحیت لازم جهت مدیریت باشگاه های فوتبال	۳/۷۴			

عوامل بیرونی خرد	عدم تدوین استاندارد ها توسط سازمان حسابرسی	۱/۸۴	۳۶/۳۷۴	۳	۰/۰۰۰
	عدم تدوین قوانین الزام آور توسط فدراسیون فوتبال	۲/۹۰			
	عدم آموزش و تحقیقات علمی و کاربردی	۲/۴۱			
	کمبود افراد متخصص	۲/۸۵			
عوامل بیرونی کلان	مالکیت دولتی و اتکا به بودجه دولت	۱/۵۲	۰/۲۰۰	۱	۰/۶۵۵
	نقایص قانون یا فقدان ضمانت اجرایی قوانین موجود	۱/۴۸			

با توجه به جدول ۵ مشاهده می شود که مقدار سطح معنی داری به دست آمده معیارهای موثر بر عوامل داخلی برابر ۰/۰۰۰ می باشد که کوچکتر از پنج صدم است. در نتیجه، بین میانگین رتبه های معیارهای موثر بر عوامل داخلی تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه ها، می توان دریافت به ترتیب معیار بی توجهی به تیم های پایه، عدم انتصاب مدیران دارای صلاحیت لازم جهت مدیریت باشگاه های فوتبال و عدم اعتقاد مدیران و تهیه کنندگان صورت های مالی به تغییر رویه های گزارشگری، عقد قرار داد های کوتاه مدت با بازیکنان فوتبال، عدم سوددهی باشگاه های فوتبال و عدم آگاهی مدیران دارای اولویت می باشند.

همچنین مشاهده می شود که مقدار سطح معنی داری به دست آمده معیارهای موثر بر عوامل بیرونی خرد برابر ۰/۰۰۰ می باشد که کوچکتر از پنج صدم است. در نتیجه، بین میانگین رتبه های معیارهای موثر بر عوامل بیرونی خرد تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه ها، به ترتیب معیار عدم تدوین قوانین الزام آور توسط فدراسیون فوتبال، کمبود افراد متخصص، عدم آموزش و تحقیقات علمی و کاربردی و عدم تدوین استانداردها توسط سازمان حسابرسی دارای اولویت می باشند.

همچنین مقدار سطح معنی داری به دست آمده از معیارهای موثر بر عوامل بیرونی کلان برابر ۰/۶۵۵ می باشد که بزرگتر از پنج صدم است. در نتیجه، بین میانگین رتبه های معیارهای موثر بر عوامل بیرونی کلان تفاوت معنی داری وجود ندارد. با توجه به میانگین به دست آمده، به ترتیب مالکیت دولتی و اتکا به بودجه دولت و نقایص قانون یا فقدان ضمانت اجرایی قوانین موجود رتبه بندی می گردند.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتیجه تجزیه و تحلیل داده ها، فرضیه اول مبنی بر آنکه عوامل داخلی بر اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران تأثیرگذار می باشد، مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای - سطح معنی داری بدست آمده برای متغیر عوامل داخلی کوچکتر از پنج صدم می باشد - بدست آمده بنابراین تفاوت معنی داری بین دو میانگین عوامل داخلی و میانگین مورد انتظار وجود دارد و نیز میانگین این متغیر ۳/۸۲۹۳۴ می باشد که از میانگین ۳ عدد

بزرگتری است.

همچنین با توجه به سطح معنی داری به دست آمده برای متغیر عوامل بیرونی خرد- که کوچکتر از پنج صدم می باشد- تفاوت معنی داری بین میانگین عوامل بیرونی خرد و میانگین مورد انتظار وجود دارد. با توجه به میانگین این متغیر که به میزان ۰/۹۶۴۶ بیشتر از میانگین مورد انتظار بوده و برابر ۳/۹۶۴۶ می باشد، می توان گفت فرضیه دوم مبنی بر این که عوامل بیرونی خرد بر اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران اثرگذار می باشد، تأیید گردیده است.

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده برای متغیر عوامل بیرونی کلان که کوچکتر از پنج صدم می باشد. تفاوت معنی داری بین میانگین عوامل بیرونی کلان و میانگین مورد انتظار وجود دارد. با توجه به میانگین این متغیر که به میزان ۱/۲۹۴۵ بیشتر از میانگین مورد انتظار بوده و برابر ۴/۲۹۴۵ می باشد، می توان گفت فرضیه سوم مبنی بر عوامل بیرونی کلان بر اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران اثرگذار می باشد، مورد تأیید قرار گرفته است.

با توجه به تأیید سه فرضیه مطروحه در پژوهش، پیشنهادهایی نیز ارائه می گردد. یکی از معیارهای موثر در فرضیه اول، عدم سوددهی در باشگاه های فوتبال ایران شناسایی گردید. همواره عدم سوددهی در تحقیقات علمی در خصوص اقتصاد و مدیریت مالی باشگاه ها مورد توجه قرار گرفته و از درجه اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. در پژوهشی با عنوان "بررسی مهم ترین موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه های فوتبال ایران" (قره خانی و دیگران، ۱۳۹۰)، عدم کسب سود کافی از بابت درآمدهای بلیت فروشی و حق پخش تلویزیونی به عنوان مهمترین عوامل شناسایی شده است. حال آنکه در این تحقیق عدم سوددهی یکی از موانع تأثیرگذار بر عدم اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال شناسایی و ارزیابی گردید.

همچنین، باتوجه به اهمیت آموزش در تیم های رده های سنی مختلف، تأمین بازیکنان دارای سطح فنی بالاتر و نیز کسب درآمد از محل فروش این بازیکنان بابت حق آموزش آنها، باید میزان مبالغ صرف شده جهت آموزش این دسته از بازیکنان به طور جداگانه ثبت و نگهداری شود. تا از این طریق بتوان به وسیله مدل ارزش گذاری منابع انسانی (مدل فلیم هولتز) ارزش هر بازیکن جوان راه یافته به تیم بزرگسالان یا اصلی را بدست آورد بدیهی است که این اطلاعات به مدیر باشگاه کمک می نماید تا با توجه به میزان مبلغ صرف شده برای آموزش هر بازیکن جوان، مبلغ دریافتی بابت حق آموزش (آیین نامه نقل و انتقالات سازمان لیگ، ۱۳۹۳: ۱۱) را تعیین نماید. عامل دیگر، عدم انتصاب مدیران دارای صلاحیت لازم جهت مدیریت باشگاه های فوتبال می باشد که می توان با تفکیک مدیریت از مالکیت باشگاه های فوتبال و متعاقب آن دریافت تأیید صلاحیت مدیران عامل باشگاه فوتبال در زمان انتصاب توسط سازمان لیگ برتر تا حد زیادی اثرات ناشی از این متغیر را کاهش داد.

معیارهای عدم اعتقاد مدیران و تهیه کنندگان صورت های مالی باشگاه های فوتبال ایران و عدم آگاهی مدیران و تهیه کنندگان صورت های مالی می توان از طریق برگزاری دوره های آموزشی و معرفی مزایای حاصل از اجرای استانداردهای منابع انسانی در باشگاه های فوتبال مرتفع نمود. معیار مهم دیگر که یکی از موانع موثر بر عدم اجرا و پیاده سازی این روش گزارشگری شناسایی گردیده است، عقد قراردادهای کوتاه مدت با بازیکنان فوتبال می باشد. با توجه به اینکه رویکرد استانداردهای حسابداری منابع انسانی و استاندارد گزارشگری شماره ده به سرمایه ای کردن هزینه جذب بازیکنان و طبقه بندی آنها در دارایی و ترازنامه می باشد و نیز متعاقب آن مستهلک کردن این دارایی را در مدت زمان قرارداد توصیه می نماید، قراردادهای کوتاه مدت

را می توان یکی از موانع مهم در اجرای این استاندارد معرفی نمود. پیشنهاد می گردد تا سازمان لیگ فوتبال ایران در قالب دستورالعمل نقل و انتقال بازیکنان، باشگاه های فوتبال ایران را مجاب به عقد قراردادهای بلند مدت نماید.

در فرضیه دوم، تأثیر عدم تدوین قوانین الزام آور از سوی فدراسیون فوتبال- همانند تحقیق صورت گرفته توسط صمدی و نصیری (۱۳۸۹)- عدم وجود استاندارد حسابداری منابع انسانی و عدم کاربرد آن، مورد تأیید قرار گرفت. از این رو، پیشنهاد می گردد فدراسیون فوتبال با توجه به ابلاغ تهیه صورت های مالی مطابق استانداردهای حسابداری منابع انسانی از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا در سال ۲۰۱۰، الزامات تهیه صورت های مالی باشگاه ها مطابق با این استانداردها را در داخل کشور توسط سازمان لیگ، مهیا نماید. این الزامات می تواند از طریق تهیه استانداردهای حسابداری مطابق استانداردهای ابلاغ شده توسط سازمان لیگ به باشگاه های فوتبال ارائه گردد. بدیهی است که اجرای این موارد، یکی از اقدامات بسیار مهم در راستای مرتفع نمودن مشکل عدم تطابق صورت های مالی باشگاه های فوتبال ایران با باشگاه های فوتبال مطرح جهان و استانداردهای بین المللی می گردد. دیگر معیار موثر شناسایی شده بر عوامل بیرونی خرد، کمبود افراد متخصص در زمینه پیاده سازی این استانداردها برای تهیه صورت های مالی مطابق با استاندارد حسابداری منابع انسانی می باشد که این خلاء را می توان از طریق جذب نیروهای متخصص و عقد قراردادهای مشاوره حسابداری با افراد مطلع و آموزش دیده جبران نمود.

متغیر عدم آموزش و تحقیقات علمی کاربردی در دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی نیز از دیگر معیارهای موثر بر عوامل بیرونی خرد و بر عدم اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران شناسایی و تأیید گردید. پیشنهاد می گردد با ارائه دروس مرتبط با حسابداری منابع انسانی در مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد و نیز با تدوین و ارائه مقالات پژوهشی، پایان نامه ها و رساله ها در دانشگاه ها موجبات آشنایی بیشتر جامعه نسبت به حسابداری منابع انسانی را فراهم آورد.

عدم تدوین استانداردهای حسابداری منابع انسانی از سوی سازمان حسابرسی نیز از دیگر معیارهای موثر بر عوامل بیرونی خرد شناسایی گردید. پیشنهاد می گردد سازمان حسابرسی به عنوان متولی تدوین استانداردهای حسابداری در ایران با توجه به نیاز جامعه اقدام به تدوین این استانداردها نماید. هر سه متغیر عدم تدوین استانداردها و قوانین الزام آور، عدم آموزش و تحقیقات علمی کاربردی و کمبود افراد متخصص در تحقیقی با عنوان "بررسی و شناسایی عوامل بازدارنده حسابداری منابع انسانی در ایران" (عبدا... قادری، ۱۳۸۷) مورد شناسایی و تأیید قرار گرفته است.

در فرضیه سوم که تأثیر عوامل بیرونی کلان نیز بر عدم اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران مورد تأیید قرار گرفت، معیارهای مالکیت دولتی و اتکا به بودجه دولت، نقایص قانون و فقدان ضمانت اجرای قوانین موجود که دارای همبستگی معنی دار با یکدیگرند، بر عامل بیرونی کلان نیز موثر می باشند. قره خانی و دیگران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی مهم ترین موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه های فوتبال ایران"، معیارهایی نظیر درآمد کم از محل صحه گذاری (تأیید محصولات) و تخصیص نیافتن تسهیلات مالی کم بهره یا کمک بلاعوض به باشگاه های فوتبال ایرانی را که از نوع عوامل بیرونی کلان در تحقیق حاضر می توان طبقه بندی نمود، از موارد تأثیرگذار شناسایی کردند. الهی و دیگران (۱۳۸۶) در تحقیق خود، مهمترین عامل در موانع پیش روی توسعه درآمد کشور را عوامل اقتصادی کشور دانسته اند و آن را خارج از محیط صنعت فوتبال قلمداد نموده اند. عوامل خارجی در

این تحقیق، در آزمون فریدمن از مهمترین و رتبه اول را در بین عوامل تأثیر گذار به خود اختصاص داده است. از این رو، این نتیجه با نتایج تحقیقات الهی و دیگران (۱۳۸۶) و قره خانی و دیگران (۱۳۹۰) همسو می باشد. به نظر می رسد جهت رفع این موانع در اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران، باید برخی از قوانین مانند حق کپی رایت، راهکارها و اعتبارات مورد نیاز جهت واگذاری ورزشگاه های بزرگ به باشگاه های فوتبال به تصویب هیأت دولت یا مجلس شورای اسلامی برسد.

به طور کلی، رفع هریک از موانع عنوان شده فوق نه تنها راهکارهایی جهت رفع موانع اجرا و پیاده سازی روش های متداول گزارشگری حسابداری منابع انسانی در باشگاه های فوتبال ایران می باشد، بلکه می تواند بخش عمده ای از ضوابط و معیارهای صنعت فوتبال را در ایران نهادینه نماید. همچنین با اجرایی نمودن پیشنهادات و رفع موانع فوق می توان موجبات پیشرفت ورزش فوتبال و افزایش گردش مالی و اقتصادی در صنعت فوتبال را فراهم آورد، و متعاقب آن، از اتکای ورزش حرفه ای به بودجه دولت کاست.

منابع

- الهی، علیرضا و دیگران (۱۳۸۸) «موانع موجود در توسعه جذب درآمد حاصل از حمایت مالی در صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران». نشریه مدیریت ورزشی. سال ۱۳۸۸. شماره ۱. ص ۱۹۶
- پارکر، لی. دی و دیگران (۱۳۷۳) **حسابداری منابع انسانی**. ناصر میرسپاسی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی
- رهنمای رودپشتی، فریدون (۱۳۸۷) **حسابداری مدیریت راهبردی مبتنی بر مدیریت هزینه ارزش آفرین**. تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات
- صمدی، عباس و نصیری، حبیب الله (۱۳۸۹) «بررسی موانع توسعه حسابداری منابع انسانی در شرکت های پذیرفته شده در بورس». **حسابدار رسمی**. ص ۵۳
- فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران، سازمان لیگ فوتبال ایران (۱۳۹۳) «قوانین نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان».
- قادری، عبدالله (۱۳۸۷) «بررسی و شناسایی عوامل بازدارنده حسابداری منابع انسانی در ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. ص ۱۱۶
- قره خانی، حسن و دیگران (۱۳۹۰) «بررسی مهم ترین موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه های فوتبال ایران». **مجله مطالعات مدیریت ورزشی**. سال هشتم، بهار ۱۳۹۰، شماره ۹، ص ۱۳
- هومن، حیدر علی (۱۳۸۰) **تحلیل داده های چند متغیری در پژوهش رفتاری**. تهران: نشر پارسا
- Accounting Standard Board (1997) **Financial Reporting Standard 10: Goodwill And Intangible Assets**. Accounting Standard Board. London. p 8.
- Bullen,m & Eyler,k. (2010) «**Human resource accounting and international developments: implications for measurement of human capital**». Journal of International Business and Cultural Studies.no3,Vol. 13.
- Deloitte & Touche (2011) **The untouchables football money league**. Manchester.
- Everton Football Club Company Limited (2012) **Annual Report and Accounting 2012**.
- Flamholtz,E (1974) **Human Resource accounting**. California, Dickenson Publishing Company,Inc.
- Morrow, S.(1996) «**Football Players As Human Assets. Measurement As The Critical Factor In Recognition: A Case Study**». Journal Of Human Resource Costing And Accounting. No1,vol1.
- Morrow,s (1999) **The new business of football**. London, Macmillan press Ltd. p158
- Michie,J & verma (1999) **Corporate governance and accounting issues for football clubs**. Birkbeck college. P6



بحران‌های سیاسی، شبکه‌های اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان

ذبیح‌اله صدفی^۱

سکینه بابایی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۴/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۸/۱۳

در این مقاله، به تبیین جامعه‌شناختی تأثیر اقناع رسانه‌ای بر فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی جوانان پرداخته می‌شود. از این رو، براساس تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان، بر مبنای نظریه ویلبر شرام در قالب مدل‌های پنج‌گانه مدل اقناع سیاسی رسانه‌ای، مدل آگاهی سیاسی پیام، مدل ارزش سیاسی پیام، مدل گرایش سیاسی پیام، مدل گزینش سیاسی پیام‌های مهم، مسیر فرضیه‌های پژوهش مدنظر قرار می‌گیرد. بنابراین برای بر نظرسنجی و مراجعه به مخاطبان پیام‌های سیاسی رسانه‌ای جوانان، ۳۶۸ نفر از دانشجویان جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان با استعانت از قواعد تعیین حجم نمونه به عنوان نمونه آماری و براساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و سهمیه‌ای، به‌طور تصادفی از بین دانشکده‌های این دانشگاه انتخاب گردیدند. سپس با استفاده از پرسشنامه هدایت شده، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری و به کمک مجموعه آماری برای علوم اجتماعی (SPSS) پردازش شده است. یافته‌های تحقیق طبق ضریب همبستگی پیرسون (r) نشان می‌دهد که طی فرآیند بحران‌های سیاسی در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی، دانشجویان پسر (نسبت به دانشجویان دختر) هم از آگاهی سیاسی بالاتری در پیروی از پیام‌های سیاسی برخوردارند و هم اینکه گرایش سیاسی بالاتری به پیام‌های سیاسی دارند. در عین حال، میان دانشجویان پسر و دختر از نظر جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، اقناع سیاسی رسانه‌ای پیام‌های سیاسی، ارزش سیاسی پیام‌های سیاسی و گزینش سیاسی پیام‌های مهم سیاسی، تفاوت معناداری وجود ندارند. در صورتی که براساس تحلیل رگرسیون چندگانه (R) و تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جهت نیکویی برازش مدل نظری، برحسب ارزش بتا (β) در مجموع ۶۴ درصد تغییرات جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای پیام‌های

۱. دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان (نویسنده مسئول) E-mail: zsadafi@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، کارشناس علوم اجتماعی پژوهش سرای دانش آموزی دکتر حسینی شهرقدس

سیاسی (R²)، به افزایش اقناع سیاسی رسانه‌ای پیام‌های سیاسی (+۰/۵۴)، افزایش آگاهی سیاسی در پیروی از پیام‌های سیاسی (+۰/۲۶)، کاهش ارزش سیاسی پیام‌های سیاسی (-۰/۱۷)، افزایش گزینش سیاسی پیام‌های مهم سیاسی (+۰/۱۷) و افزایش گرایش سیاسی به پیام‌های سیاسی (+۰/۱۰)، در بین دانشجویان دختر (-۰/۱۶) ساکن در مسکن غیرشخصی (-۰/۱۲) با حجم بالای بُعد خانوار (+۰/۱۲)، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان بستگی دارد.

واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، بحران‌های سیاسی و شبکه‌های اجتماعی

طرح و بیان مسئله تحقیق

با توجه به اینکه جامعه‌شناسی در مطالعه چگونگی شکل‌گیری رفتار اجتماعی جوانان از طریق فرآیند جامعه‌پذیری سعی در کسب معرفت پیرامون جامعه دارد، لذا در فرآیند جامعه‌پذیری شخصیت جوانان تکوین یافته و طی انتقال فرهنگ و الگوهای فرهنگی، نقش‌های اجتماعی برحسب مقتضیات مختلف در نظام اجتماعی ایفا می‌گردد (کمالی، ۱۳۷۴: ۳۸). از این‌رو، فرآیند جامعه‌پذیری وسیله نیل به توافق جمعی در بین جوانان است که از طریق آن شیوه‌ها، ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی فراگرفته شده و جوانان دارای هویتی اساسی می‌گردند (شعاری نژاد، ۱۳۶۴: ۴۱۵). درواقع، جامعه‌پذیری در مفهوم عام آن دلالت بر فرآیندی دارد که به انتقال و کسب ارزش‌ها، نقش‌ها و رفتارهای اجتماعی منجر می‌گردد (فرجاد، ۱۳۶۸: ۶۵). انطباق جامعه‌پذیری با آرمان‌ها، اهداف و هنجارهای اجتماعی می‌تواند بیانگر هماهنگی نهادهای اجتماعی و کنترل اجتماعی مورد نظر نظام اجتماعی باشد. درواقع جامعه‌پذیری، فرآیندی است که به وسیله آن جوانان چارچوب اعتقادی، ارزشی و گرایش‌های موجود در جامعه را کسب می‌نمایند (کریستنس و مک ویلیامز، ۱۳۶۵: ۱۲۳). اما مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی، مربوط به بخشی از مظاهر جامعه‌پذیری گردیده و از این روف با تأکید بر بخش سیاسی مفهومی مشخص‌تر و محدودتر یافته است (روبرت، ۱۹۸۰: ۱۰۹). به عقیده لوسین پای (۱۹۶۲)، فرآیند جامعه‌پذیری سه مرحله دارد: ۱. فرآیند جامعه‌پذیری پایه که در آن جوانان با فرهنگ جامعه آشنا می‌شوند و هویت اجتماعی خود را پیدا می‌کنند. ۲. جامعه‌پذیری سیاسی که به واسطه آن جوانان نسبت به جهان سیاسی و اجتماعی آگاهی یافته، نحوه فهم حوادث سیاسی و اجتماعی و نحوه قضاوت در مورد آن‌ها را کسب می‌کنند، و فرهنگ سیاسی جامعه را در خود درونی می‌نمایند. ۳. فرآیند گمارش سیاسی، یعنی زمانی که جوانان در ورای نقش منفعلانه شهروندی و مشاهده‌گر، تبدیل به یک شهروند مشارکت‌کننده فعال می‌شوند (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۲۹۱-۲۹۰). بنابراین یکی از راه‌هایی که نظام سیاسی و اجتماعی به حمایت از خود و حفظ خود می‌پردازد، از طریق جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشد. لذا هر نظام سیاسی و اجتماعی که به دنبال بقای خود باشد، باید در میان جوانان انتظارات حمایتی را رشد دهد. از این‌رو، فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی اساساً تعیین‌کننده ثبات فرهنگ سیاسی و ساختار جامعه در گذر زمان می‌باشد (روسکین، ۱۹۸۸: ۱۴۱). جامعه‌پذیری سیاسی هرگز واقعاً پایان نمی‌پذیرد و در سراسر زندگی جوانان ادامه می‌یابد. لذا مدل‌های چهارگانه جامعه‌پذیری سیاسی یعنی مدل انباشت، مدل همانندی، مدل انتقال نقش و مدل شناختی-رشدی، بیانگر فرآیندهایی است که در شرایط خانواده، محیط آموزشی و به طور کلی جامعه بر اکتساب دانش سیاسی و نگرش مدنی جوانان تأثیر می‌گذارند. بنابراین جامعه‌پذیری سیاسی، فرآیندی است که در زندگی روزانه جوانان در جریان بوده و فرآیند مستمر آن نظم اجتماعی است که کسب رفتارهای سیاسی معینی برای جوانان را برعهده دارد تا همگام با نظام سیاسی و اجتماعی به تفکر و اندیشه بپردازند. بدین ترتیب، در مطالعه پیرامون انتظام اجتماعی و یا کاهش بحران‌ها و تشنجات سیاسی که مدنظر کلیه سیستم‌های سیاسی در نظام‌های اجتماعی می‌باشد، تفحص پیرامون جامعه‌پذیری سیاسی ضرورت تام می‌یابد. پس جامعه‌پذیری سیاسی، فرآیند مستمر یادگیری است که به موجب آن جوانان ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی و اجتماعی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، حقوق و نقش‌ها، مخصوص وظایف سیاسی در جامعه پی می‌برند. در این فرآیند ارزش‌ها، ایستارها، نهادها، اعتقادات و آداب و رسوم، از جمله مسائل سیاسی و اجتماعی، از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و امکان دارد در جریان این انتقال، تغییرات و یا تعدیل‌هایی نیز صورت پذیرد (قوام، ۱۳۶۹: ۲۲۹). جامعه‌پذیری سیاسی، تحصیل و اکتساب تدریجی هنجارها، گرایش‌ها و رفتار مورد پذیرش و معمول نظام سیاسی توسط جوانان است. در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی، از یک‌سو (در سطح خرد) هنجارها و عقاید و ارزش‌های جامعه

توسط جوانانی که در آن عضوند یاد گرفته می‌شوند و از سوی دیگر (در سطح کلان) نتایج و کارکردهای آن یعنی نحوه انتقال ارزش‌های سیاسی و اجتماعی که جهت‌گیری جوانان در مقابل نظام سیاسی و اجتماعی را باعث می‌شود، تحقق می‌یابد (راش، ۱۳۷۷: ۱۰۲). کارکرد جامعه‌پذیری سیاسی، تربیت جوانان در بستر ارزش‌های سیاسی و اجتماعی رایج است که باعث می‌شود جوانان این ارزش‌ها را فراگیرند. لذا ارزش‌های رایج در جامعه به تدریج به جوانان القا می‌شود و آنان را قادر می‌سازد با نظام سیاسی و اجتماعی رابطه برقرار کنند. در ادامه، جامعه‌پذیری سیاسی با ایجاد شرایط مناسب و آموزش جوانان، آنان را به اطاعت از قوانین و ایفای نقش کامل خود وامی‌دارد و با این کار، به استمرار و بقای نظام سیاسی و اجتماعی کمک می‌کند. در نهایت، جامعه‌پذیری سیاسی کمک می‌کند که تغییر و بحران‌های سیاسی و اجتماعی به آرامی صورت گیرد.

اهمیت، ضرورت و اهداف تحقیق

در جامعه‌پذیری سیاسی آشکار، ارزش‌ها و احساسات معینی از نظام سیاسی و اجتماعی، به طور مستقیم و واضح در ذهن جوانان قرار داده می‌شود؛ یعنی، با انتقال ارزش‌ها از طریق اقناع رسانه‌ای، ارتباط آشکاری بین جوانان و ساختار سیاسی و اجتماعی به وجود می‌آید. اما در جامعه‌پذیری پنهان، از طریق اقناع رسانه‌ای، انتقال گرایش‌های غیرسیاسی بر نقش‌ها و حقایق مشابه سیاسی و اجتماعی جوانان انجام می‌شود (آلموند، ۱۹۶۳: ۲۲۳؛ اخترشهر، ۱۳۸۶: ۸۰-۷۲). یکی از کارگزاران بااهمیت جامعه‌پذیری سیاسی، رسانه‌ها هستند که بر فرآیند جامعه‌پذیری و هدایت بینش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، الگوها و رفتارهای جوانان نقش مؤثری دارند. لذا رسانه‌ها هم وسایلی در جهت معرفی دگرگونی‌های اجتماعی‌اند و هم خود موجب تسریع و ترویج آن‌ها هستند. بنابراین فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی با هدف انتقال فرهنگ سیاسی، فعلیت بخشی به توانایی‌های فردی در حوزه سیاسی، همسو ساختن جوانان با اقتضائات نهاد سیاست و آماده سازی آن‌ها برای ایفای نقش‌های محول و تأمین انتظارات شهروندی، از ابتدایی‌ترین مقطع تا واپسین لحظات عمر، به موازات سایر انواع جامعه‌پذیری، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، توسط عوامل و کارگزاران مختلف ایجاد می‌شود (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۳۱-۱۳۰). در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، رسانه‌ها هم وسایلی در جهت معرفی بحران‌های سیاسی‌اند و هم موجب تسریع و ترویج آن‌ها هستند. درواقع، رسانه‌ها از طریق بیان اخبار، انعکاس وقایع، ارائه اطلاعات عمومی، طرح دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، معرفی ارزش‌ها و الگوها، گشودن افق‌های جدید بر روی جوانان و برقراری ارتباطات میان فرهنگی و نظایر آن، پیام‌هایی را به جوانان منتقل و متقاعد می‌سازند که معمولاً از سایر طرق، امکان دستیابی بدان وجود ندارد. در هر حال تأثیر پُرگستره، عمیق و ماندگار رسانه‌ها به‌عنوان برجسته‌ترین نموده‌های اقناع رسانه‌ای در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، واقعیت مسلم و انکارناپذیری است که همواره مورد تصدیق و تأیید حوزه جامعه‌شناسی سیاسی بوده است (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۳۱). در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، گروه‌هایی به‌عنوان گروه‌های مرجع یا دیگران مهم از طریق پیام‌های رسانه‌ای در شکل‌گیری و متقاعدسازی رفتار سیاسی جوانان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. درواقع، اصل بنیادین این گروه‌های مرجع، امکان کنش متقابل با دیگران مهم است که در نظر جوانان از کنش متقابل با جوانان عادی مؤثرتر می‌باشد. علاوه بر این، جوانان سبکی از ایفای نقش و نمایاندن خود را به گونه‌ای که بتوانند با دیگران زندگی کنند، فرامی‌گیرند و انرژی‌های انگیزه‌دار خود را در جهاتی هدایت می‌کنند که آنان را برای برآوردن توقعات دیگران قادر سازند (کمالی، ۱۳۷۴: ۱۵۴). در فرآیند بحران‌های سیاسی، رسانه‌ها به‌عنوان ابزاری مستقل برای آموزش مفاهیم شهروندی و رفتارهای مدنی جوانان، سبب گسترش اثربخشی رفتار سیاسی آنان در سرنوشت جامعه می‌گردد. لذا طبق نظر پورتو (۲۰۰۰)، رسانه‌ها با فراهم آوردن چارچوب‌های

مفهومی برای تفسیر و پردازش اطلاعات به نگرش‌های جوانان در خصوص مسائل مدنی، موضوعات سیاسی و امور عمومی جامعه، جهت داده و به شکل‌گیری مفاهیم و رفتارهای خاص کمک می‌کند. از این رو، شهروند آگاه به دلیل عدم توجه به شیوه پردازش اطلاعات مورد انتقاد قرار گرفته و نظریه شهروند پردازشگر، الگوی بهتری برای آموزش مهارت‌های شهروندی یا رفتارهای مدنی و فهم نقش رسانه‌ها در این گستره تلقی می‌گردد (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۳۵). البته نقش شبکه‌های اجتماعی به هنگام بروز بحران‌های سیاسی، می‌تواند تأثیر بسزایی در تصمیم‌گیری و رفتار سیاسی جوانان داشته باشد و چون آگاهی سیاسی جوانان از صحت و سقم پیام‌های رسانه‌ای کم و تاحدودی سخت می‌باشد، آن‌ها ترجیح می‌دهند به همان پیام‌های رسانه‌ای داخلی اکتفا کنند و در صورت گسترش نارضایتی به پیام‌های رسانه‌ای خارجی متوسل می‌شوند (گیوریان و ربیعی، ۱۳۸۴: ۱۱۶). بدین ترتیب، با توجه به این‌که در جوامع امروزی به دلیل گستره بحران‌های سیاسی و ضرورت مشارکت جدی اتحاد جوانان در سرنوشت سیاسی و اجتماعی، اهتمام به فرایند اقناع رسانه‌ای و هدایت برنامه‌ریزی شده آن به وسیله عوامل مربوط به بهره‌گیری جوانان از آن برای تأمین اهداف مورد نظر، ضرورت فرایند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای را اجتناب‌ناپذیر ساخته، لذا اهداف تحقیق عبارت است از:

- سنجش میزان جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان (به عنوان متغیر وابسته)؛
- سنجش عوامل مؤثر بر میزان جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان (به عنوان متغیرهای مستقل)؛
- برآورد سهم میزان جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان ناشی از عوامل مؤثر بر آن (آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه)؛
- تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر میزان جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان (نیکوئی برازش مدل نظری تحقیق).

مروری بر پیشینه نظری تحقیقات انجام شده

به عقیده روسکین، جامعه‌پذیری سیاسی راهی است که یک جامعه، فرهنگ سیاسی خود را دایمی می‌سازد (روسکین، ۱۹۸۸: ۱۴۱). به عقیده مایکل راش، جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که به وسیله آن جوانان در جامعه‌ای معین با نظام سیاسی آشنا می‌شوند و به میزان زیادی تعیین کننده ادراک آنان از بحران‌های سیاسی و واکنش‌هایشان به پدیده‌های سیاسی است (راش، ۱۳۷۷: ۱۰۲). به عقیده آلموند پاول، جامعه‌پذیری سیاسی روندی است که به وسیله آن فرهنگ‌های سیاسی شکل می‌گیرند، باقی می‌مانند و تغییر می‌کنند (پاول، ۱۹۷۸: ۷۹). لذا از این دیدگاه جامعه‌پذیری سیاسی، فرایندی مستمر در امر یادگیری است که به موجب آن جوانان ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از راه کسب اطلاعات و تجربیات، با وظایف، حقوق و نقش‌های خویش، آشنا می‌شوند و بخصوص وظایف سیاسی را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند و امکان دارد در جریان این انتقال تغییرات و تعدیل‌هایی نیز صورت پذیرد (قوام، ۱۳۶۹: ۲۲۹). بدین ترتیب در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی، از دو طریق جوانان خصوصیات سیاسی خود را کسب می‌کنند (طلوعی و زراعتگر، ۱۳۹۰: ۵۸): ۱. فرایند جامعه‌پذیری سیاسی مستقیم که محتوای گرایش‌های منتقل شده به جوانان، طبیعت سیاسی دارد. در این شیوه، جوانان به طور صریح و مستقیم، مسائل سیاسی مانند ساخت دولت، هدف از تشکیل احزاب سیاسی، جنبه‌های مفید و غیرمفید آن‌ها، جنبه‌های ضعیف آن‌ها و خلاصه اهداف سیاسی را می‌آموزند و در عین حال گرایش‌های عمومی جوانان، واسطه قرار نمی‌گیرد (راش، ۱۳۷۷: ۱۱۴). ۲. فرایند جامعه‌پذیری سیاسی غیرمستقیم که جوانان مسائلی را که در زمینه‌های سیاسی می‌آموزند در اصل سیاسی نیستند، ولی گرایش‌هایی را از جنبه‌های روانی در جوانان به وجود می‌آورند که بر توسعه خویش سیاسی آنان اثرات قابل ملاحظه‌ای

می‌گذارد؛ به‌طوری که این اثرات در سال‌های اولیه منجر به پیشرفت گرایش‌هایی می‌شود که بعدها و در طول زندگی جوانان در جهت اهداف سیاسی به‌کار گرفته می‌شود و در عین حال بر گرایش‌هایی که جوانان بعدها کسب می‌کنند، اثرات قاطعی می‌نهد و آنان را شکل می‌دهد (آلموند، ۱۹۶۳: ۳۲۳). بدین ترتیب، جامعه‌پذیری سیاسی فرآیندی است مستمر و پویا که براساس آن، نهادهای اولیه و ثانویه در مراحل مختلف زندگی بر گرایش‌ها و دیدگاه‌های سیاسی جوانان اثر می‌گذارند و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به حوزه سیاست، عامل تعیین‌کننده‌ای به‌شمار می‌روند. البته بستر اصلی و مناسب مطالعه جامعه‌پذیری سیاسی، فرهنگ سیاسی آن جامعه است؛ لذا جهت‌گیری جوانان به سیاست می‌تواند ناشی از شخصیت آنان و فرهنگی که در حاکمیت سیاسی سلطه دارد، باشد. بنابراین جامعه‌پذیری سیاسی روندی است که جوانان با وظایف، حقوق و نقش‌های سیاسی خود در جامعه آشنا می‌شوند. اینکه جوانان کدامیک از این سه حالت را در مقابل نظام حکومتی اعمال می‌کنند، به میزان جامعه‌پذیری سیاسی آنان بستگی دارد (طلوعی و زراعتگر، ۱۳۹۰: ۵۵). بنابراین با تأکید بر نظریه مارشال مک لوهان که پیام همچون ماساژ است، رسانه‌ها در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی به‌مثابه پیامی مهم در فرآیند فرهنگ‌سازی، باورپذیری، تثبیت اقتدار سیاسی حاکمیت و بحران‌های سیاسی تلقی می‌شوند (ایمانی، ۱۳۶۹: ۹۲). از این‌رو، بر مبنای مطالعات و تحقیقات انجام شده، در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی با دیدگاه‌های گوناگونی جوانان را مورد خطاب قرار دهند (طلوعی و زراعتگر، ۱۳۹۰: ۶۰). این دیدگاه‌ها عبارت‌اند از:

دیدگاه تفاوت و تمایز: به عقیده پیر بورديو (۱۹۸۴) در اثرش تمایز، شبکه‌های اجتماعی در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، با تأکید بر رویکرد تفاوت و تمایز سعی می‌کنند به عنوان اساسی‌ترین شیوه تولید یک متن تبلیغاتی، حائزین "ما مصرف‌کننده واقعی پیام خاص رسانه‌ها هستیم" را در مقابل فاقدین "آنها که از این پیام خاص رسانه‌ها استفاده نمی‌کنند" قرار دهند. لذا از خلال فرآیند ما سازی، تفاوت و تمایز میان حائزین "ما" و فاقدین "آنها" بر ساخت می‌شود. درواقع طبق این نظریه، مصرف و مصرف‌گرایی پیام‌های تزریق شده در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، علاوه بر ایجاد اختلاف در ویژگی‌های کمی و کیفی پیام‌های رسانه‌ای، مهم‌ترین عامل بازتولید تفاوت و تمایز در سبک زندگی جوانان تلقی می‌گردد. بدین ترتیب، شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر رویکرد مصرف‌گرایی پیام‌های رسانه‌ای، سعی می‌کنند بیشتر از آنکه پیام خوب را به عنوان ابزاری برای تمایز پیام خوب از بد در پیام‌های رسانه‌ای نشان دهند، درصدد به تصویر کشاندن متن‌ها و گفتمان‌های پیام‌های رسانه‌ای باشند. لذا شبکه‌های اجتماعی در پیام‌های رسانه‌ای تلاش می‌کنند به جوانان تلقین کنند که به صورت مصرف‌کنندگان ایده‌آل، نه مصرف‌کنندگان فعال و کارآ، به شکل رؤیایی و نشانه‌ای از تداوم مصرف، در حال مصرف پیام‌های رسانه‌ای هستند. بنابراین شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر رویکرد تمایز و تفاوت سبک زندگی جوانان، تلاش می‌کنند شیوه زندگی مرتبط با طبقات بالای جامعه را به وفور در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، به تصویر بکشاند (بورديو، ۱۳۸۴: ۳۲ و ۴۷ و ۷۴). حلقه ارتباطی میان این مؤلفه‌ها نیز مفهوم ارزش است که در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، با میانجی‌گری نهاد خانواده، گروه دوستان و نظام آموزشی ساخته می‌شوند. درواقع، شبکه‌های اجتماعی در پیام‌های رسانه‌ای نه به طور مستقیم جوانان را به صرفه‌جویی در مصرف پیام‌های رسانه‌ای بعنوان ارزش مثبت دعوت می‌کنند و نه به طور مستقیم آنان را به اسراف و تبذیر به عنوان ارزش منفی در حال مصرف پیام‌های رسانه‌ای در بستر سبک‌های مختلف زندگی (به عنوان نشانه تمایز بین: عالی / معمولی / پیش پا افتاده) سوق می‌دهند (جنکینز، ۱۳۸۵: ۳۲)، اما متن‌ها و گفتمان‌های موجود در پیام‌های رسانه‌ای به شکلی ضمنی، جوانان را در جایگاه و موقعیتی قرار می‌دهند که متضمن مصرف بیشتر پیام‌های رسانه‌ای باشند (میردامادی، ۱۳۸۰: ۳۳۹). از این‌رو،

به عقیده ژان بودریلارد (۲۰۰۲) در اثرش در باب تحقق میل در ارزش مبادله، شبکه‌های اجتماعی در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، تلاش ندارند به معرفی پیامی واقعی یا یک بُعد مرجع پذیر بپردازند، بلکه سعی می‌کنند جوانان را از مصرف‌کننده‌ای به مصرف‌کننده دیگر هدایت کنند. این ایده را در پیام‌های رسانه‌ای می‌توان دید که در آن‌ها نخست خود پیام تبلیغ می‌شود، ولی پس از مدتی صرفاً یک نشانه به جوانان ارائه می‌گردد؛ نشانه‌ای که در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، جایگزین واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی شده و زنجیره‌ای از دلالت‌ها را شکل می‌دهد (بودریلارد، ۱۳۸۰: ۴۷-۴۶).

دیدگاه کاشت یا اشاعه: به عقیده جرج گربرن (۱۹۶۹)، این رویکرد به دنبال این سؤال است که در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، آیا از نظر جوانان دنیایی که در آن زندگی می‌کنند شبیه همان دنیایی است که از رسانه‌ها (بویژه تلویزیون) نشان داده می‌شود یا خیر؟ طبق این نظریه تأثیرات رسانه‌ها (بویژه تلویزیون) بر جوانان، اندک، تدریجی و غیرمستقیم است، ولی به عنوان ویژگی کشت دهنده رسانه‌ها، به صورت انباشتی و در درازمدت رخ می‌دهد. این نظریه در میان نظریه‌هایی که به آثار درازمدت رسانه‌ها پرداخته‌اند، حق تقدم دارد، زیرا جوانان را در درازمدت تأثیرپذیر قلمداد می‌کند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۳۹۲-۳۸۹). درواقع، این نظریه برای معرفی الگویی تحلیلی طراحی شده تا نشان‌دهنده تأثیر بلندمدت رسانه‌هایی باشد که اساساً در سطح برداشت اجتماعی عمل می‌کنند (بی، ۱۳۸۶: ۳۱۰). طبق این نظریه تلویزیون در میان رسانه‌های مدرن جایگاهی محوری در زندگی روزمره جوانان پیدا کرده تا آنجا که بر محیط نمادین غلبه یافته و پیام‌هایش در مورد واقعیت، جای تجربه شخصی و سایر وسایل شناخت جهان را گرفته است (مک کوپل، ۱۳۸۵: ۳۹۹). این نظریه بعنوان یکی از اشکال اثر رسانه‌ها در سطح شناختی، به این موضوع می‌پردازد که فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، تا چه حد می‌تواند به باورها و تلقی جوانان از واقعیت‌های خارجی شکل دهد؟ از این دیدگاه، رسانه‌ها (بویژه تلویزیون) به لحاظ عمق و نفوذ قابل ملاحظه و نیروی فرهنگی قدرتمند، ابزاری در دست نظم‌تبیست شده فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی قرار دارند که (به جای تغییر، تهدید یا تضعیف نظام سنتی باورها، ارزش‌ها و رفتارها) در خدمت حفظ، تثبیت یا تقویت نظام سنتی باورها، ارزش‌ها و رفتارها هستند. بنابراین به نظر می‌رسد اثر اصلی رسانه‌ها در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، اشاعه ثبات و پذیرش وضع موجود باشد؛ البته رسانه‌ها تغییرات را به تنهایی به حداقل نمی‌رسانند، بلکه این امر با هماهنگی دیگر نهادهای عمده فرهنگی محقق می‌شود (بی، ۱۳۸۶: ۳۱۰). طبق این نظریه، رسانه‌ها (بویژه تلویزیون) در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، عملاً دیگر منابع اطلاعات، افکار و آگاهی‌ها را به انحصار درمی‌آورند و یک کاسه می‌کنند، لذا اثر این مواجهه با پیام‌های مشابه، تولید چیزی است که همان کاشت یا آموزش جهان بینی رایج، نقش‌های رایج و ارزش‌های رایج می‌باشد (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۳۹۱-۳۹۰). بنابراین پیام رسانه‌ها از چندین جنبه اساسی با واقعیات فاصله دارند؛ اما به دلیل تکرار دائمی، در نهایت به عنوان دیدگاه مورد وفاق جامعه، پذیرفته می‌شود و تماس ممتد با جهان رسانه‌ها (بویژه تلویزیون)، می‌تواند به جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای که همواره واقعیت را به درستی منعکس نمی‌کند درباره جهان واقعی منجر شود (مک کوپل، ۱۳۸۵: ۳۱۰).

دیدگاه قدرت و رسانه‌ها: با ظهور و مانور پیام‌های رسانه‌ای در زندگی جوانان، رویکردهایی با هدف جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای درخصوص قدرت رسانه‌ها مطرح شده است. ۱. رویکرد رسانه ابزاری: از این دیدگاه، رسانه‌ها به ابزاری در دست سیاستمداران و صاحبان شرکت‌های بزرگ اقتصادی تقلیل یافتند. در این رویکرد، رسانه‌ها به دلیل پرهزینه بودن اداره آن‌ها گریزی جز تن سپردن به منافع و مصالح اصحاب و ارباب قدرت ندارند- هرچند سعی می‌کنند پیام‌های خود را مستقل نشان دهند. از این نظر، هر رسانه‌ای

ارگان نهاد و دستگاهی است و به جایی منسوب می‌باشد. ۲. رویکرد رسانه‌ای‌برازی: از این دیدگاه، رسانه‌ها صاحب قدرت و اراده‌ی کامل برای تولید، انتقال و القای پیام‌های رسانه‌ای هستند. طبق این نظریه، گاهی چنان به قدرت رسانه‌ها باور دارند که گویی همه‌ی عالم خلق شده تا این رسانه‌ها باشند و به اظهار نظر و موضع‌گیری درقبال پیام‌های جوانان بپردازند. گویی تنها این رسانه‌ها هستند که می‌توانند مشکل‌یابی و گره‌گشایی کنند و به عبارتی رسانه‌ها حلقه‌ی مفقوده‌ی زندگی جوانان تلقی می‌شوند. ۳. رویکرد رسانه‌ی تعاملی: از این دیدگاه، رسانه‌ها چون تولیدکننده و رساننده‌ی پیام‌های رسانه‌ای هستند، در خلاء به تولید و پردازش پیام نمی‌پردازند، بلکه ضمن داشتن اهداف و تعهد به رسالت خود که هم مادی و هم ارزشی است، از ارباب قدرت و مصالح و منافع آن‌ها تأثیر می‌پذیرند. رسانه‌ها ضمن اینکه مزدور و سرسپرده‌ی ارباب قدرت نیستند، سر جنگ و ستیز با چارچوب‌های موجود را نیز ندارند و البته به میزان تصمیم‌گیری آگاهانه و مستقل و نقشی که در تصمیم‌گیری دارند، قدرتمندند. امروزه این نظریه‌ی تعاملی قدرت و رسانه‌ها که در پی مطرح شدن دو نظریه‌ی فوق و برای منطقی جلوه‌دادن نقاط ضعف آن‌ها مطرح شده و در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، بر رابطه‌ی تعاملی و دو جانبه‌ی قدرت (اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی) و رسانه‌ها تأکید می‌کند، تقریباً فراگیر شده و جامعیت یافته است (دبیری مهر، ۱۳۸۷: ۳-۲). این رویکرد مدعی است که رسانه‌ها عامل اصلی تغییرات هستند و جوانان در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، تنها از آن تأثیر می‌پذیرند. براساس این رویکرد امروزه رسانه‌ها به جوانان به عنوان یک واقعیت جهت ساز نگاه می‌کنند، یعنی، نه تنها به علائق و سلاطین جوانان اهمیت می‌دهند، بلکه برنامه‌ریزی‌های خود را بر این اساس ساماندهی می‌کنند. لذا رسانه‌ها حتی اگر قصد ایجاد تغییرات در جوانان را دارند از مجرای نیاز جوانان عبور می‌کنند. البته شدت وحدت تعاملی بودن در رسانه‌های جهان متفاوت است؛ به عبارت دیگر، رسانه‌هایی که کاملاً مطیع خواسته‌ها و تمایلات جوانان هستند (نظیر شبکه‌های پورنوگراف ماهواره‌ای و اینترنتی)، در طول زمان به ورطه‌ی لودگی، سطح‌نگری و حتی ابتذال می‌افتند. بنابراین در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، درک نکردن درست رابطه‌ی تعاملی جوانان و رسانه‌ها موجب انحرافات بزرگی در سطوح تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان رسانه‌ای می‌شود (دبیری مهر، ۱۳۸۷: ۴).

دیدگاه انتقادی: براساس مکتب فرانکفورت و یکی از طرفداران این مکتب یعنی تئودور آدورنو، در این رویکرد اصل بحث بر سر توزیع قدرت است و در همین نظریه نحوه‌ی توزیع قدرت است که ابزارهای تأثیرگذار بر جوانان در جهت حفظ و گسترش قدرت مورد توجه قرار می‌گیرد. طبق این رویکرد در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، رسانه‌ها تحت نفوذ انگاره‌ها و نمادهای سلطه‌گر در بستر اقناع رسانه‌ای قرار دارند. براساس این رویکرد، به طور کلی صنایع فرهنگی رسانه‌ها به دنبال تخدیر جوانان در برای حفظ منافع اقلیت ثروتمند هستند. در این رویکرد جوانان در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، موجودی تسلیم و تأثیرپذیر قلمداد می‌شوند (شکرخواه، ۱۳۸۰: ۷۶). در تأیید این رویکرد، به عقیده‌ی الیزابت نوئل نیومن، طبق رویکرد مارپیچ سکوت، رسانه‌ها به تبلیغ عقاید و هنجارهای حاکم بر جامعه می‌پردازند و جوانانی که عقاید و هنجارهای مشابهی با رسانه‌ها دارند، نظرات و خواسته‌های خود را مطرح می‌کنند. ولی آن دسته از جوانانی که نظراتشان شبیه نظرات حاکم و مطرح در رسانه‌ها نیست، به ناچار یا درواقع از ترس منزوی شدن، سکوت اختیار می‌کنند. بنابراین در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، همان‌طور که پیداست طبق این رویکرد، جوانان در بستر اقناع رسانه‌ای به مصرف و دنباله‌روی پیام‌های خاص رسانه‌ای سوق داده می‌شوند (شکرخواه، ۱۳۸۰: ۷۷).

مبانی نظری و مسیر فرضیه اصلی تحقیق

به‌طورکلی جامعه‌پذیری سیاسی، فرآیندی است که براساس آن گرایش‌ها، نگرش‌ها، دانش‌ها، ارزش‌ها

و معیارهای سیاسی جوانان از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد. درواقع جامعه‌پذیری سیاسی در حکم باز کردن درب جهان سیاست به روی جوانان است؛ جهانی مملو از بحران‌های سیاسی، میثاق‌ها و پیمان‌ها، مقررات، آیین‌ها، بازیگران و شخصیت‌های سیاسی و دربرگیرنده سیاست‌ها، نمادها و رفتارهای ویژه و مشخص که همه این عوامل و آگاهی‌ها و آشنایی‌ها، در پیشرفت و تکامل و شکل‌گیری خود سیاسی جوانان، نقش اساسی دارند (مهرداد، ۱۳۷۶: ۱۷ و ۲۷؛ شرف‌الدین، ۱۳۸۹: ۱۸۱). به عقیده جیمز کلمن، جامعه‌پذیری سیاسی ناظر به فرآیندی است که جوانان از طریق آن، نگرش‌ها و احساساتی در قبال بحران‌های سیاسی و نقشی که در آن دارند، کسب می‌کنند. این فراگرفته‌ها شامل شناخت‌ها (دانسته‌ها یا باورهای جوانان در مورد نظام، موجودیت و روش کار آن) احساسات (نحوه احساس وفاداری و تکلیف مدنی جوانان در قبال نظام) و شایستگی سیاسی (نقش بالفعل یا بالقوه جوانان در جامعه و نظام سیاسی) می‌باشد (کلمن، ۱۹۶۵: ۱۸). بنابراین جامعه‌پذیری سیاسی همان آموخته‌های جوانان (شامل آگاهی‌ها، گرایش‌ها و باورهای فراگرفته شده درباره سیاست و هنجارهای سیاسی) است که از طریق فعالیت سیاسی (همچون وابستگی حزبی، ایدئولوژی، رأی‌دادن و نظایران) بازتولید می‌شود (چیلکوت، ۱۳۷۸: ۳۵۹). بدین ترتیب، جامعه‌پذیری سیاسی دارای کارکردها و پیامدهای زیر می‌باشد (علاقه‌بند، ۱۳۷۲: ۷):

- بوجود آمدن و فرمیابی تدریجی خویشتن سیاسی یا فرآیند انتقال فرهنگ سیاسی شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها، نمادها، ایدئولوژی‌ها، احساسات و عواطف همچون حس وفاداری به نظام و ارکان آن، روح میهن دوستی و الگوهای رفتاری.

- قدرت‌یابی بر تحلیل مسائل و رویدادهای سیاسی، کسب اخلاق مدنی، منش دموکراتیک، علاقمندی به فعالیت‌های سیاسی، کسب آمادگی لازم برای نقش‌پذیری، مشارکت فعال و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی.

- آشنایی با وظایف، حقوق و نقش‌های شهروندی سیاسی، کسب آمادگی برای تحرک سیاسی و ایجاد تغییرات مناسب، حمایت داوطلبانه جوانان از نظام سیاسی و در نتیجه ثبات سیاسی، انطباق با وضعیت‌ها و شرایط متغیر.

- توانایی پیش بینی انتظارات دیگران و واکنش عملی متناسب با آن‌ها، جهت‌دهی و کنترل احساسات و عواطف سیاسی، آشنایی با قهرمانان و اسطوره‌های تاریخی، ایدئولوژی‌های سیاسی و قوانین و مقررات رسمی و غیررسمی در بازی‌های سیاسی.

- نظم عمومی، ثبات سیاسی، افزایش وجدان جمعی، تقویت روح تعهدمندی و مسئولیت‌پذیری، مشارکت جمعی، همسویی با نهادها و سازمان‌های اجتماعی، کاهش هزینه نظارت و کنترل اجتماعی و تقویت روح تعاون و همکاری.

- رویارویی واقع‌بینانه با وقایع و مسائل سیاسی اجتماعی، کاهش تمایل به رفتارهای انحرافی و کجروانه، آگاهی از حقوق و فرمانبری از مقررات و دستورات و تمایل به ابراز وفاداری نسبت به نظام و نمادهای سیاسی و افتخارات ملی.

- بهره‌گیری قانونمند از آزادی‌های سیاسی، حمایت از توده‌های محروم، حفظ روحیات انقلابی، مبارزه قهرآمیز با استکبار جهانی و تقویت روحیه شجاعت، فداکاری، ایثار و شهادت طلبی در جهت اعتلای کلمه توحید.

- ایجاد آمادگی و افزایش توان رزمی برای حفظ مرزها، دفاع از کیان و تمامیت ارضی، به نمایش گذاردن قدرت ارباب دشمنان، پرورش روح تشکیلاتی و فعالیت سازمانی و تقویت انگیزه برای مشارکت در امور بین المللی مشترک براساس مصالح و منافع متقابل.

به عقیده لوسین پای (۱۹۶۲) در جامعه پویا بین مراحل جامعه‌پذیری، درجه بالایی از پیوستگی و تداوم

وجود دارد و هر یک دیگری را تقویت می‌کند. لذا به هم پیوستگی میان این سه فرآیند، سبب برقراری نظم در جامعه می‌شود (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۲۹۱-۲۹۰):

فرآیند جامعه‌پذیری پایه (شامل یادگیری نگرش‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها، الگوهای رفتاری و تجربیات ناخودآگاه در پویایی ساختار شخصیت اساسی) که جوانان در این مرحله به عنوان عضوی از جامعه، هویت می‌یابند، با فرهنگ جامعه آشنا می‌شوند، در فرهنگ عمومی خویش، اجتماعی می‌شوند، می‌آموزند که چگونه می‌توانند عضو جامعه شوند و به عنوان دوران تشخص هویت خود، هویت فرهنگی آنان تحقق می‌یابد.

فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی که طی آن جوانان نسبت به بحران‌های سیاسی، آگاهی می‌یابند، نحوه فهم حوادث سیاسی و نحوه قضاوت در مورد آن‌ها را کسب می‌کنند و از این رهگذر جوانان فرهنگ سیاسی جامعه را در خود درونی می‌سازند و مفهوم هویت سیاسی تحقق می‌یابد.

فرآیند گمارش سیاسی که طی آن جوانان به ورای نقش منفعلانه شهروندی و مشاهده‌گر صرف حرکت می‌کنند و به یک شهروند مشارکت‌کننده فعال تبدیل می‌شوند. در این مرحله، جوانان بینش عمیق‌تری نسبت به بحران‌های سیاسی پیدا می‌کنند و به هویتی نهادینه شده و روشن دست می‌یابند.

درواقع، در بستر بحران‌های سیاسی، رسانه‌ها بعنوان رکن چهارم دموکراسی (در کنار مردم، احزاب سیاسی و نظام‌های سیاسی) در قالب جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای دارای سه مسئولیت مهم می‌باشند (رهبری، ۱۳۸۴: ۸۷، مختاری، ۱۳۸۸: ۷۲ و ۷۳):

نظارت بر افکار جوانان: یکی از وظایف رسانه‌ها در جوامع دموکراسی نظارت بر عملکرد نظام‌های سیاسی می‌باشد. با این اوصاف در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، نظام‌های سیاسی مراقب عملکرد خویش خواهند بود.

تجمیع خواسته‌های جوانان: از طریق رسانه‌ها، احزاب و گروه‌های ذینفوذ، جوانان خواسته‌های خود را به اطلاع سیاسیون و نخبگان نظام سیاسی می‌رسانند. اگر این سه گروه مستقل عمل کنند و از جایی خاص خط‌دهی نشوند، سیاست عمومی انعکاس خواست جوانان خواهد بود. لذا رسانه‌های مستقل و کارآمد می‌توانند با بیان و تجمیع خواسته‌ها در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، پیگیری آن را از سوی نظام سیاسی مطالبه کنند.

هدایت افکار جوانان: آموزش رسانه‌ای، فرآیند مستمر یادگیری است که جوانان ضمن کسب پیام‌های رسانه‌ای به وظایف و حقوق و نقش خویش در جامعه پی می‌برند. لذا رسانه‌ها در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، از طریق آموزش در افزایش آگاهی جوانان مؤثرند و از این طریق می‌توانند نظام سیاسی را به ارائه مناسب خدمات و پاسخگویی سوق دهند. بنابراین در این فرآیند جوانان می‌آموزند با مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها در سرنوشت خود مشارکت کنند.

به قول ویلبر شرام در اثرش ارتباطات جمعی، در فرآیند جامعه‌پذیری رسانه‌ای، ابتدا شبکه‌های اجتماعی بعنوان رهبران افکار عمومی، پیام‌های مورد نظر خود را به شکل رمز یا کد در می‌آورند تا اطلاعاتی را که می‌خواهند به جوانان انعکاس دهند را به صورت قابل ارسال درآورند. اما پس از رمزگذاری وقتی پیام‌ها به صورت رمز درآمد و از طریق کانال‌های ارتباطی (اینترنت و ماهواره) ارسال شد، باید پیام‌ها مورد رمزخوانی و رمزگشایی واقع شود. لذا شبکه‌های اجتماعی باید بیندیشند که در مسیر بازخورد، آیا جوانان در درک پیام‌ها با آنان هماهنگ و هم‌نوا شده‌اند؟ آیا جوانان پیام‌ها را بدون تحریف و سروصدا درک خواهند کرد؟ آیا تصویر ذهنی جوانان با آنچه در بستر بحران‌های سیاسی بروز می‌کند، تشابهی خواهد داشت؟ از این‌رو، به قول ویلبر شرام در اثرش فرایندها و اثرات ارتباطات جمعی، بطورکلی فرآیند جامعه‌پذیری رسانه‌ای در

تمام سطوح اعم از روابط درون فردی تا گروه و جامعه و روابط بین الملل، نقش مهمی در جامعه ایفا می کند. بنابراین ایجاد ارتباط، زمانی امکان پذیر است که شبکه های اجتماعی و جوانان به یک نقطه مشترک رسیده و به یک مفهوم مساوی دست پیدا کنند؛ یعنی، به یک همانندی و هم فهمی و درک متقابل برسند. اما در برخی موارد شبکه های اجتماعی پیامی را در بستر بحران های سیاسی اجتماعی به جوانان ارسال می کنند و جوانان هم متوجه منظور شبکه های اجتماعی می شوند، اما با آن به یک نقطه مشترک نمی رسند و یا اساساً حرف و نظر شبکه های اجتماعی را نمی پذیرند. در اینجا نمی توان گفت جامعه پذیری سیاسی رسانه ای، انجام نشده، بلکه ارتباط برقرار شده اما جوانان، شبکه های اجتماعی را یا پس زده یا نمی پذیرند. به قول ویلبر شرام در اثرش توسعه ارتباطات و فرایندهای توسعه، چشم اندازی کلی از سه نسل نظریات مربوط به فرآیند جامعه پذیری رسانه ای به چشم می خورد:

نظریات خوش بینانه نسل اول که توسعه و نوسازی جوامع در حال توسعه را کاملاً متأثر از فرآیند جامعه پذیری سیاسی رسانه ای می دانند و برای نقش آگاه سازی رسانه ها در بین جوانان، نقش مثبتی قائل اند. نظریات انتقادی و بدبینانه نسل دوم که معتقدند جوامع در حال توسعه تحت تأثیر فرآیند جامعه پذیری سیاسی رسانه ای، دچار مصرف گرایی و تأثیر پذیری انفعالی نسبت به فرهنگ های مسلط می شوند، زیرا رسانه ها از نقش آگاه سازی خود دور شده یا حتی در سطوح جدیدتر با انبوه اطلاعات، باعث می شوند که جوانان دچار سردرگمی در گزینش پیام ها و کانال ها شوند.

نظریات واقع گرایی نسل سوم که مبتنی بر نقش فرامرزی فرآیند جامعه پذیری سیاسی رسانه ای، جهان را همچون جامعه اطلاعاتی، جامعه شبکه ای و فضای مجازی وب سایت های اینترنتی می دانند که با شتاب و سرعتی که در قالب عصر ماهواره ها دارند، خود به خود تحولات عظیم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را نیز رقم زده اند.

به قول ویلبر شرام و همکارانش در اثرشان تلویزیون در زندگی کودکان ما، و نیز دیوید برلو در اثرش فرایندهای ارتباطات، با اقتباس از مدل کلود شانون و وارن ویور در اثرشان نظریه ریاضی ارتباطات، فرآیند جامعه پذیری رسانه ای بر مبنای مدل ارتباطات یعنی منبع، پیام، کانال و گیرنده^۱ حامل ایده هایی اند که بر پایه نحوه کاربرد رسانه ها و تکنولوژی های نوین ارتباطات و اطلاعات باعث توسعه و نوسازی در جوامع در حال گذار می شوند (شرام و همکاران، ۱۳۷۷: ۵-۱). این مدل تصدیق می کند که جوانان به عنوان هدف در فرآیند جامعه پذیری سیاسی رسانه ای، نقش مهمی دارند و در فرآیند ارتباطی به عنوان منبع گزینش پیام ها به منصه ظهور می رسند. در فرآیند جامعه پذیری سیاسی رسانه ای، این پیام ها با تکیه بر حواس پنج گانه جوانان در امتداد کانال های ارتباطی منتقل شده و سپس بر مبنای مهارت های ارتباطی جوانان تفسیر و ترجمه می شوند. لذا پیام ها به عنوان عنصر مرکزی مدل ارتباطات توسط شبکه های اجتماعی باز تولید می شوند، اما در فرآیند جامعه پذیری سیاسی رسانه ای، بر انتقال ایده ها تأکید می گردد. زیرا ایده منبع به اندازه کافی انعطاف پذیری در پیام های شفاهی، کتبی، الکترونیکی، نمادین، موبد و نیز آگهی های تبلیغاتی را دارد. بنابراین در این فرآیند، مفاهیم رمز گذاری و رمز گشایی تأکید بر مدل هایی دارند که همه جوانان در ترجمه افکار خود نسبت به کلمات، نمادها، پیام ها و آگهی های تبلیغاتی شبکه های اجتماعی نسبت به موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود می توانند آن را درک کنند:

مدل اقتناع سیاسی رسانه ای: در این مدل، رمز ارسالی بین شبکه های اجتماعی رمز گذار و جوانان رمز خوان، زبان آن ها است. در واقع یکی از مهم ترین مهارت ها در برقراری ارتباط آن است که چگونه و تا چه حد می توان

از ظرفیت یک کانال ارتباطی استفاده کرد. لذا این امر تا حد زیادی به ماهیت زبان مورد استفاده بستگی دارد. بدین ترتیب، مهم‌ترین مسئله در جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، مبتنی بر مدل ریاضی ارتباطات کلود شانون و وارن ویور در اثرشان نظریه ریاضی ارتباطات، به‌عنوان یکی از مدل‌های خطی اولیه این است که بر مبنای عناصر شش‌گانه ارتباطات یعنی منبع، رمزگذار، پیام، کانال، رمزگشای و گیرنده^۱، در راستای اصول متقاعدسازی یا اقناع روانی، تا چه حد ارتباطات دو طرفه دایره‌وار بین شبکه‌های اجتماعی و جوانان در رمزخوانی و رمزگذاری و نیز در مسیر بازخورد، هم‌نویایی و هماهنگی به‌وجود می‌آورد. درواقع این مدل ارتباطی مشتمل بر شکستن سیستم اطلاعات به درون زیر سیستم‌ها است تا از این طریق اثربخشی کدها و کانال‌های گوناگون ارتباطات با توجه به عوامل مزاحم و یا نفوذی در انتقال پیام‌ها ارزیابی گردند (شرام، ۱۹۵۴: ۵-۳).

مدل ارزش سیاسی پیام: در این مدل، وقتی شبکه‌های اجتماعی و جوانان در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، با هم تماس می‌گیرند، امواج صوتی صدای جوانان اولین پیام است؛ اما پیام‌های دیگری نیز اعم از پیام‌های اولیه یا داده‌ها، پیام‌های ثانویه یا ستانده‌ها، ارزش سیاسی پیام‌های اولیه و پیام‌های ثانویه و نظایر آن، وجود دارند که اطلاعات را در سطح وسیعی منتقل می‌کنند. درواقع پیام‌ها در بستر کانال‌های ارتباطی مثلاً آگهی‌های تبلیغاتی شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای، نه به صورت یک مدار تلگرافی ساده که در آن جریان گاهی حرکت می‌کند و گاهی حرکت نمی‌کند، بلکه بیشتر به صورت کابلی که در آن بسیاری از علائم و نشانه‌ها از سوی شبکه‌های اجتماعی به طرف جوانان به طور موازی جریان می‌یابد تصور می‌گردد. اگرچه رابطه موازی پیچیده است، اما معمولاً ارتباط گران روی نقطه‌ای از پیام‌های باارزش که ارزشمندترند، تأکید می‌کند (شرام، ۱۹۵۴: ۱۰-۳).

مدل آگاهی سیاسی پیام: در این مدل، در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، زمینه تجربه جوانان به صورت دو حلقه است که یکدیگر را قطع کرده‌اند، چرا که برای برقراری ارتباط لازم است تصاویر ذهنی شبکه‌های اجتماعی به رمز درآیند. لذا این رمز باید به وسیله جوانان رمزخوانی شود و رمزخوانی وقتی انجام می‌شود که جوانان قبلاً رمز را آموخته باشند. علاوه بر این باید شبکه‌های اجتماعی و جوانان دارای تجربیات مشترک و یکسان باشند. بنابراین در این مدل، میزان تجربیات شبکه‌های اجتماعی و جوانان به صورت دو حلقه منقطع با عنوان "میدان تجربه" شامل اعتقادات و ارزش‌های آنان تصور می‌گردد که تنها براساس تجربه‌ای که هرکدام دارند، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند کدگذاری کنند و جوانان می‌توانند کد را بازخوانی کنند. اگر تجربیات شبکه‌های اجتماعی و جوانان به‌طور قابل ملاحظه‌ای نامتشابه باشد به‌ویژه در ارتباط فرهنگی، ایجاد یک ارتباط معنادار از یک طرف به طرف دیگر بسیار مشکل است (شرام، ۱۹۵۴: ۷-۵).

مدل گزینش سیاسی پیام‌های مهم: در این مدل، با توجه به نقش رمزگذار، مفسر و رمزخوان، وقتی یک علامت به جوانان می‌رسد، اگر جوانان این علامت را یاد گرفته باشند پس کنش مشخص به آن با عنوان "کنش‌های میانجی" را نیز یاد گرفته‌اند؛ زیرا آن‌ها برای آنچه از سوی پیام در سیستم عصبی جوانان اتفاق می‌افتد میانجی‌اند. این کنش‌های میانجی معناهای علائم برای جوانان‌اند و مشخص می‌کنند جوانان درباره علائم چه بکنند، زیرا جوانان واکنش‌های مرتبط با کنش‌های میانجی را یاد گرفته‌اند. درواقع یک علامت که به مفهوم یک چیز معین برای جوانان است، شروع فرآیندهای معین دیگری را در ابعاد عینی و ذهنی جوانان مثلاً ماهیچه‌ها و اعصاب باعث خواهند شد. بنابراین معنایی که منتج از بازخوانی یک علامت است، باعث خواهد شد که جوانان شروع به کدگذاری کنند. درواقع آنچه جوانان کدگذاری می‌کنند، به گزینش سیاسی پیام‌های مهم در موقعیت و شرایط مشخص و معنایی که در ارتباط با آن هستند بستگی دارد (شرام، ۱۹۵۴: ۹-۷).

مدل گرایش سیاسی پیام: در این مدل، پیام در مرکز یک جعبه تقسیم برق مابین دو طیف شامل رمزگذار، مفسر و رمزخوان، قرار دارد که جریان بزرگ بی انتهای از ارتباطات را به گردش درمی آورد. درواقع، ارتباطات همچون جریانی است که براساس متغیرهای جوانان ازجمله تعابیر، تفاسیر، عادات، توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و نظایر آن، تغییر می‌کند و از این طریق داده‌ها در ستانده‌ها منعکس می‌شوند. از این‌رو، جوانان نیاز دارند عنصر دیگری به فرآیند ارتباط اضافه کنند. درواقع با تصور اینکه در یک ارتباط دو نفره چه اتفاقی می‌افتد، شبکه‌های اجتماعی مرتباً ارتباط می‌گیرند و پیام‌ها را به جوانان می‌فرستند. لذا در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، بازخورد اطلاعات و داده‌ها از سوی جوانان به سمت شبکه‌های اجتماعی، نقش بسیار مهمی در گرایش جوانان به پیام بازی می‌کند (شرام، ۱۹۵۴: ۱۲-۹).

از آنجا که به قول جان هاوارد و جان شیت، باید براساس داده‌ها و ستاده‌ها به تبیین مسئله پرداخت (نبی‌زاده، ۱۳۷۳: ۲۸۰-۲۷۵)، لذا بر مبنای نظریه ویلبر شرام (مدل‌های پنج‌گانه)، مسیر فرضیه اصلی تحقیق در قالب هدف اصلی آن یعنی تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان (برپایه نیکوئی برازش مدل نظری تحقیق) عبارت است از:

فرضیه اصلی تحقیق: به نظر می‌رسد جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان (در یک رابطه چندمتغیره) از کلیه عوامل موجود در مدل نظری تحقیق (اقناع سیاسی رسانه‌ای، آگاهی سیاسی پیام، ارزش سیاسی پیام، گرایش سیاسی پیام، گزینش سیاسی پیام‌های مهم، در فضای متغیرهای زمینه‌ای)، تأثیر می‌پذیرد.

روش شناسی پژوهش

نوع روش تحقیق: برای مطالعه و بررسی میزان تغییرات یک عامل (متغیر وابسته: جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان) که در اثر تغییرات چند عامل دیگر (متغیرهای مستقل: اقناع سیاسی رسانه‌ای، آگاهی سیاسی پیام، ارزش سیاسی پیام، گرایش سیاسی پیام، گزینش سیاسی پیام‌های مهم و متغیرهای زمینه‌ای) به وجود آمده، به قول دیوید دواس^۱ از روش همبستگی یا همخوانی مبتنی بر روش تحقیق پیمایشی به دلیل کارآمدی و قدرت توصیف مناسب ویژگی‌های واحدهای تحلیل و مقایسه دقیق خصوصیات آن‌ها به کمک استنباطات علی استفاده می‌شود (دواس، ۱۳۷۶، ص ۱۴-۱۳).

نوع تکنیک تحقیق: به دلیل نوع روش مطالعه و تنوع و تعدد متغیرهای پژوهش و نیز به عنوان مهم‌ترین تکنیک در گردآوری داده‌ها، از تکنیک مصاحبه کتبی یا پرسشنامه براساس طیف رنسیس لیکرت^۲ در قالب روش میدانی یعنی مشاهده مستقیم پنهانگر استفاده شده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۱-۱۶۰).

نوع پردازش تحقیق: با استفاده از پرسشنامه هدایت شده، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری و به کمک پکیج اس.پی.اس.اس^۳ به دو منظور: ۱. برای محاسبات آماری و نیکوئی سنجش متغیرهای تحقیق (اعتبار و پایایی) در حوزه آمار توصیفی؛ ۲. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق و نیکوئی برازش مدل نظری تحقیق (تحلیل مسیر) در حوزه آمار استنباطی؛ پردازش شده است (کرلینجر و پدهازور، ۱۳۶۶، ص ۳۳-۲۱).

جامعه آماری تحقیق: برای بر نظر سنجی و مراجعه به مخاطبان پیام‌های سیاسی رسانه‌ای جوانان، ۳۶۸ نفر از دانشجویان جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان با استعانت از قواعد تعیین حجم نمونه^۴ به عنوان نمونه آماری و براساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای (از دانشکده‌ها) و سهمیه‌ای (از رشته‌ها)، به‌طور

1. DeVaus, D.

2. Likert, R.

3. Statistical Package for Social Sciences=SPSS

4. Cochran, W. G.

تصادفی (از دانشجویان) انتخاب گردیدند (سرائی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۳-۱۳۲).

دانشجویان دانشکده‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

دانشکده‌ها	علوم انسانی و اجتماعی	علوم تربیتی	علوم پایه و پزشکی	فنی و مهندسی	برق و کامپیوتر	جمع
جامعه آماری	۴۲۰۰	۲۱۰۰	۱۷۰۰	۴۰۰۰	۲۷۰۰	۱۴۷۰۰
جمعیت نمونه	۱۰۵	۵۲	۴۳	۱۰۰	۶۸	۳۶۸

مأخذ: روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیر جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای: طی آن جوانان از بحران‌های سیاسی آگاهی می‌یابند، نحوه فهم حوادث سیاسی و نحوه قضاوت در مورد آن‌ها را کسب می‌کنند و از این رهگذر، فرهنگ سیاسی جامعه را در خود درونی می‌سازند و مفهوم هویت سیاسی تحقق می‌یابد. شبکه‌های اجتماعی در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، با تأکید بر رویکرد تفاوت و تمایز سعی می‌کنند در این فرآیند به عنوان اساسی‌ترین شیوه تولید یک متن تبلیغاتی، حائزین "ما مصرف‌کننده واقعی پیام خاص رسانه‌ها هستیم" را در مقابل فاقدین "آن‌ها که از این پیام خاص رسانه‌ها استفاده نمی‌کنند" قرار دهند (۲۴ گویه) (بورديو، ۱۳۸۴: ۳۲ و ۴۷ و ۷۴).

متغیر اقناع سیاسی رسانه‌ای: طی آن فرآیند رمزگشایی و رمزگذاری، به عنوان فعالیت‌های حفظ شده به طور همزمان توسط شبکه‌های اجتماعی و جوانان تصور می‌شود. لذا مفاد و شرائط آن برای یک تبادل دوطرفه پیام ساخته شده است. در عین حال باید توجه نمود که در این رابطه، یک مترجم یا مفسر نیز به عنوان بازنمایی انتزاعی از مسئله معنا به حساب می‌آید. البته در این مدل، حوزه تجربه یا قاب روانی مرجع نیز اشاره به نوعی جهت‌یابی یا گرایش دارد که در ارتباط متقابل با هم نسبت به یکدیگر حفظ می‌شوند^۱ (۲۱ گویه) (شرام، ۱۹۵۴: ۵-۳).

متغیر ارزش سیاسی پیام: طی آن شبکه‌های اجتماعی در فرآیند انتقال پیام‌های رسانه‌ای سعی می‌کنند مثلاً روی یک کلمه تأکید کنند، درست قبل از آن مکث کنند، با وقار و متانت آن را بیان کنند، به هنگام صحبت کردن حرکت کنند و جدی به جوانان نگاه کنند. می‌توانند خیلی موقر و سنگین صحبت کنند و یا گاهی چشمک بزنند. می‌توانند طوری بر روی یک کلمه تأکید کنند که معنای دیگری بدهد و بدین وسیله معنای ثانوی طعنه یا شک یا شوخی را نیز منتقل می‌کنند. از این رو، کانال‌های ثانوی و وسایل شنیداری دیداری به طور خاصی در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، غنی هستند (۲۳ گویه) (شرام، ۱۹۵۴: ۱۰-۳).

متغیر آگاهی سیاسی پیام: طی آن شبکه‌های اجتماعی برای تداعی و تفهیم ساده‌تر جوانان سعی می‌کنند پیام را به کمک علائم و نشانه‌ها چنان کدگذاری و تنظیم کنند که با بخش‌هایی از تجربیاتشان که به شبکه‌های اجتماعی نزدیک است ربط پیدا کند تا بتوانند این مشکل را حل کنند. لیکن تفاوت بین علامت و موضوع این است که علامت همیشه نشان‌دهنده موضوع در یک سطح کاهش یافته راهنماهاست؛ یعنی، علائم فراخوانده نمی‌شوند، اما سیستم علائم تنها یک نوع تندنویسی است که در آن باید کدگذار قادر به تندنویسی و نیز بازخوانی رمز باشد. بنابراین جوانان بواسطه انگیزش پیروی از پیام، هم کدگذاری می‌کنند، هم بازخوانی می‌کنند، هم دریافت می‌کنند، هم انتقال می‌دهند و هم به شرح و تفسیر پیام‌ها و کانال‌های ارتباطی می‌پردازند (۲۳ گویه) (شرام، ۱۹۵۴: ۷-۵).

متغیر گزینش سیاسی پیام‌های مهم: طی آن کدگذاری جوانان مُنتج از ارتباطات آشکار و تعمدی است. لذا ممکن است جوانان فکر کنند که بهتر است در این مورد سکوت کنند و اگر کنشی رُخ دهد، طبیعت کنش نیز به راه‌هایی برای گزینش پیام‌های مهم و موانع سر راه جوانان بستگی دارد. از این‌رو، یک علامت ممکن است باعث شود جوانان از دریافت آن علامت چنان به خشم بیایند که شبکه‌های اجتماعی را مورد شمات قرار دهند. البته ممکن است شبکه‌های اجتماعی قوی باشند و یا اینکه جوانان در موقعیت بد اجتماعی باشند. از این‌رو، این امکان وجود دارد که جوانان شبکه‌های اجتماعی را نادیده بگیرند و یا اینکه به صورت یک ناهنجار به شبکه‌های اجتماعی نگاه کنند، اما نتیجه هرچه باشد این فرآیندی است که جوانان پیوسته با آن درگیرند. بنابراین جوانان مرتباً علائم را از محیط خود بازخوانی، آن‌ها را تفسیر و چیزی را به‌عنوان نتیجه، کدگذاری می‌کنند. درواقع این تصور غلطی است که فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، در جایی شروع و در جایی دیگر خاتمه می‌یابد؛ این فرآیند واقعاً بی انتها است (۱۶ گویه) (شرام، ۱۹۵۴: ۹-۷).

متغیر گرایش سیاسی پیام: طی آن شبکه‌های اجتماعی به جوانان می‌گویند که چگونه می‌توانند انبوه پیام‌های موجود در کانال‌های ارتباطی مثلاً پیام‌های رسانه‌ای شبکه‌های اجتماعی را مورد تفسیر قرار دهند. لذا شبکه‌های اجتماعی نگرانند که طی این فرآیند آیا جوانان در واکنش نسبت به پیام‌ها ترغیب و اقناع می‌شوند؟ بدین ترتیب، یک مفسر و ارتباط‌گر کارآزموده به بازخورد توجه می‌کند و همواره پیام‌های کانال‌های ارتباطی را برحسب آنچه در بین جوانان مشاهده می‌کند یا می‌شنود، تغییر می‌دهد و یا در صورت نیاز اصلاح می‌کند تا جوانان به پیام‌های ارسالی، گرایش یابند^۱ (۱۰ گویه) (شرام، ۱۹۵۴: ۱۲-۹).

نیکوئی سنجش متغیرهای تحقیق (اعتبار و پایایی)

ضریب پایایی و آزمون تحلیل گویه‌ها بر مبنای دیدگاه لی.جی. کرونیخ^۲ (دواس، ۱۳۷۶، ص ۲۶۲-۲۵۳) نشانگر این است که همه گویه‌ها در قالب متغیرهای اصلی از پایایی قابل قبولی^۳ برخوردارند. تحلیل عاملی نیز بر مبنای دیدگاه ماریجا نوروسیس^۴ (دواس، ۱۳۷۶، ص ۲۵۶-۲۵۴) جهت تحلیل عاملی اکتشافی (تکنیک تقلیل داده‌ها) و تحلیل عاملی تأییدی (تکنیک تلخیص داده‌ها) طبق جدول نشان می‌دهد:

آزمون کفایت نمونه برداری کیزر-میر-الکین^۵ (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۲۲۲-۲۱۰): بر مبنای تحلیل عاملی تأییدی مقدار کی.ام.او در بین کلیه متغیرهای اصلی بیش از ۷۰ درصد برآورد شده است. لذا روابط موجود در بین گویه‌ها برای تحلیل عاملی مورد نظر بسیار مناسب‌اند و برای سنجش متغیرهای مربوطه در تحقیق از برازندگی کافی و اعتبار وافی برخوردارند. پس مقادیر مأخوذه کی.ام.او علاوه بر اینکه نشانگر کفایت نمونه برداری محتوایی عالی مقیاس می‌باشند، نشان می‌دهند که کلیه متغیرهای اصلی از نظر کفایت نمونه برداری نیز مشکلی برای انجام تحلیل عاملی ندارند.

آزمون تقریبی کزویت بارتلت^۶ (سرمد و حجازی، ۱۳۸۲: ۲۷۴-۲۶۸): آزمون بی.تی.اس نیز با مقدار مجذور کای^۷ در سطح معناداری قابل قبول نشان دهنده معناداری ماتریس داده‌ها و وجود حداقل شرط لازم انجام تحلیل عاملی در مورد ماتریس داده‌های مربوط به کلیه متغیرهای اصلی می‌باشد. لذا بدین وسیله کفایت

1. WWW.hamshahrtraining.ir

2. Cronbach, L. G.

3. Alpha $\geq$ 0.70

4. Norusis, M. J.

5. KMO

6. BTS

7. χ^2

ماتریس همبستگی گویه‌های مربوط به متغیرهای اصلی و احراز اعتبار سازه‌ای پرسشنامه در جامعه آماری تحقیق اعلام می‌گردد.

جدول ۱: دستاوردهای ناشی از روش‌های نیکوئی سنجش متغیرهای اصلی تحقیق - آزمون تحلیل گویه‌ها و آزمون تحلیل عاملی

Significance Level	Degree Freedom (df)	Bartlett's Test of Sphericity Approx. Chi-Square (BTS)	Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy (KMO)	آلفا کرونباخ Alpha	Indexes (Indices)
۰/۰۰۰	۱۲۰	۱۶۷۳/۰۶۷	۰/۷۶۶	۰/۸۲	جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای
۰/۰۰۰	۲۱۰	۲۲۸۹/۵۳۶	۰/۷۵۲	۰/۸۴	گرایش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای
۰/۰۰۰	۱۲۰	۲۳۵۳/۰۳۱	۰/۸۳۳	۰/۸۷	اقتناع سیاسی پیام‌های رسانه‌ای
۰/۰۰۰	۲۱۰	۳۴۲۲/۴۰۴	۰/۸۳۶	۰/۸۹	آگاهی سیاسی پیام‌های رسانه‌ای
۰/۰۰۰	۱۳۶	۲۸۳۸/۶۷۸	۰/۸۸۰	۰/۸۹	ارزش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای
۰/۰۰۰	۱۲۰	۱۳۲۷/۵۱۰	۷۱۹/	۰/۷۵	گزینش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای مهم

نیکوئی برازش مدل نظری تحقیق (تحلیل مسیر)

بر مبنای آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه^۱ و کاربرد ضرایب بتای استاندارد^۲ و آماره مجذور آر^۳ (جهت تبیین واریانس متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته^۴)، هرچه مقدار آماره مجذور آر بالاتر باشد، مدل قوی‌تر است. لذا از طریق میزان خطا^۵ (میزانی از واریانس متغیر وابسته که متغیرهای متقدم آن را تبیین نکرده‌اند) و مجذور میزان خطا^۶ (واریانس تبیین نشده متغیرهای باقیمانده) (محسنی تبریزی و شیرعلی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱-۱۶۰)، نیز می‌توان مناسب بودن مدل را تشخیص داد (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸، ص ۵۳۴-۵۱۶). لذا طبق جدول ۲ می‌توان گفت:

1. R
2. β_i
3. R²
4. Method=Enter
5. e=1-R²
6. e²

جدول ۲: دستاوردهای ناشی از روش نیکوئی برازش مدل نظری تحقیق-تحلیل رگرسیون چند گانه (Method=Stepwise)

Change Statistics			Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	e2	e =1-R2	R2	R	Model Summary Indexes/ Indices
Sig. F Change	F Change	R Square Change							
۰/۰۰۰	۳۸/۳۴۶	۰/۶۴	۰/۳۰۹۶۲۸	۰/۶۳	۰/۱۳	۰/۳۶	۰/۶۴	۰/۸۰	جامعه پذیری سیاسی رسانه‌ای
۰/۰۰۰	۱۲/۷۲۸	۰/۳۶	۰/۵۰۴۱۹۲	۰/۳۳	۰/۴۱	۰/۶۴	۰/۳۶	۰/۶۰	اقتناع سیاسی پیام‌های رسانه‌ای
۰/۰۰۰	۳۰/۶۳۹	۰/۵۷	۰/۴۲۳۳۵۸	۰/۵۵	۰/۱۸	۰/۴۳	۰/۵۷	۰/۷۶	ارزش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای
۰/۰۰۰	۳۳/۳۰۸	۰/۵۹	۰/۳۷۹۶۷۰	۰/۵۸	۰/۱۷	۰/۴۱	۰/۵۹	۰/۷۷	آگاهی سیاسی پیام‌های رسانه‌ای
۰/۰۰۰	۳۳/۷۳۷	۰/۶۰	۰/۳۰۰۴۳۴	۰/۵۸	۰/۱۶	۰/۴۰	۰/۶۰	۰/۷۷	گزینش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای مهم
۰/۰۰۰	۳۶/۷۵۳	۰/۶۲	۰/۳۰۸۶۴۴	۰/۶۰	۰/۱۴	۰/۳۸	۰/۶۲	۰/۷۹	گرایش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای

- ۶۴ درصد تغییرات جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان (R^2) به افزایش اقتناع سیاسی پیام‌های رسانه‌ای ($+0/54$)، افزایش آگاهی سیاسی پیام‌های رسانه‌ای ($+0/26$)، کاهش ارزش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای ($+0/17$)، افزایش گزینش سیاسی پیام‌های مهم رسانه‌ای ($+0/17$) و افزایش گرایش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای ($+0/10$) در بین دختران ($-0/16$) با حجم بالای بُعد خانوار ($+0/12$) و فاقد مسکن شخصی ($-0/12$)، بستگی دارد.
- ۳۶ درصد تغییرات اقتناع سیاسی پیام‌های رسانه‌ای جوانان (R^2) به افزایش آگاهی سیاسی پیام‌های رسانه‌ای ($+0/24$)، افزایش گزینش سیاسی پیام‌های مهم رسانه‌ای ($+0/18$) و کاهش گرایش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای ($-0/12$) در بین پسران ($+0/10$) بستگی دارد.
- ۵۷ درصد تغییرات ارزش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای جوانان (R^2)، به کاهش آگاهی سیاسی پیام‌های رسانه‌ای ($-0/07$) و کاهش گزینش سیاسی پیام‌های مهم رسانه‌ای ($-0/05$)، در بین پسران و دختران با حجم بالای بُعد خانوار ($+0/01$) و فاقد مسکن شخصی ($-0/02$) بستگی دارد.
- ۵۹ درصد تغییرات آگاهی سیاسی پیام‌های رسانه‌ای جوانان (R^2) به افزایش ارزش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای ($+0/10$)، افزایش گرایش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای ($+0/08$)، افزایش اقتناع سیاسی پیام‌های

رسانه‌ای (+۰/۰۷) و کاهش گزینش سیاسی پیام‌های مهم رسانه‌ای (-۰/۰۳) در بین پسران (+۰/۰۳)، بدون مسکن شخصی (-۰/۰۲)، بستگی دارد.

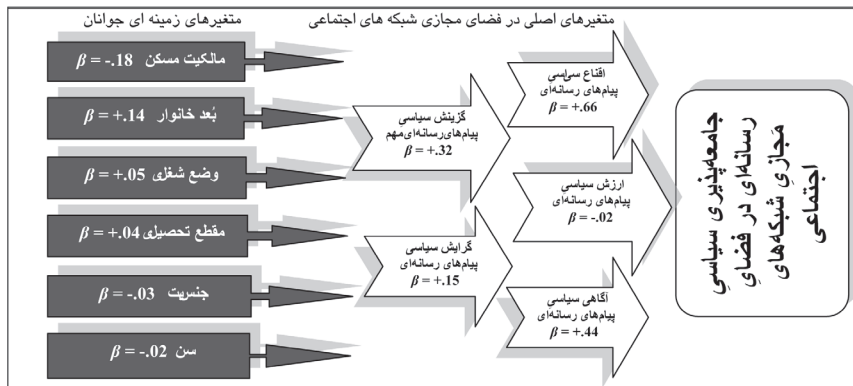
- ۶۰ درصد تغییرات گزینش سیاسی پیام‌های مهم رسانه‌ای جوانان (R²) به افزایش گرایش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای (+۰/۰۹)، افزایش ارزش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای (+۰/۰۵)، افزایش اقناع سیاسی پیام‌های رسانه‌ای (+۰/۰۴) و کاهش آگاهی سیاسی پیام‌های رسانه‌ای (-۰/۰۲) در بین دختران (۰/۰۱) با حجم بالای بُعد خانوار (+۰/۰۳) و فاقد مسکن شخصی (-۰/۰۳) بستگی دارد.
- ۶۲ درصد تغییرات گرایش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای جوانان (R²) به افزایش گزینش سیاسی پیام‌های مهم رسانه‌ای (+۰/۰۵)، افزایش آگاهی سیاسی پیام‌های رسانه‌ای (+۰/۰۳) و کاهش اقناع سیاسی پیام‌های رسانه‌ای (-۰/۰۱) در بین پسران (+۰/۰۱) با حجم پایین بُعد خانوار (-۰/۰۲) و با مسکن شخصی (+۰/۰۱) بستگی دارد.

طبق جدول ۳ سعی شده در قالب تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی، به ترسیم نیکوئی برازش مدل نظری پرداخته شود. لذا بر مبنای مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای آشکار، در بیشترین و قوی‌ترین تأثیر جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان می‌توان به اقناع سیاسی (+۰/۶۶)، آگاهی سیاسی (+۰/۴۴)، گزینش سیاسی (+۰/۳۲)، گرایش سیاسی (+۰/۱۵) و ارزش سیاسی (-۰/۰۲) پیام‌های رسانه‌ای در بین دختران (-۰/۰۳) با حجم بالای بُعد خانوار (+۰/۱۴) و فاقد مسکن شخصی (-۰/۱۸) اشاره نمود. در صورتی که بر مبنای مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پنهان در بین جوانان شاغل (+۰/۰۵)، مقطع تحصیلی بالا (+۰/۰۴) و سن پائین (-۰/۰۲)، کمترین و ضعیف‌ترین مقدار جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای شکل می‌گیرد. با توجه به مقدار واریانس متغیر وابسته و برآورد کمیت خطا ($e = ۰/۳۶$) و ($e^2 = ۰/۱۳$) برای محاسبه واریانس تبیین نشده متغیرهای باقیمانده یا بیرونی یا خارج از مدل که تأثیر معناداری را در این مدل تجربی نشان نمی‌دهد، گویای این واقعیت است که در بین جوانان پردرآمد یا کم‌درآمد (۰/۰۰) در هریک از مناطق مسکونی (۰/۰۰)، فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان یکسان است.

۱۲۷

طبقه مدل ۱، در قالب تحلیل مسیر و نیکوئی برازش مدل نظری بر مبنای مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای آشکار و پنهان در این مدل، در بین دختران (۰/۳-) در خانواده‌های با حجم بالای بُعد خانوار (۰/۱۴+)، فاقد مسکن شخصی (۰/۱۸-)، شاغل (۰/۰۵+)، مقطع تحصیلی بالا (۰/۰۴+) و سن پائین (۰/۰۲-)، اقناع سیاسی (۰/۶۶+)، آگاهی سیاسی (۰/۴۴+)، گزینش سیاسی (۰/۳۲+)، گرایش سیاسی (۰/۱۵+) و ارزش سیاسی (۰/۰۲-) پیام‌های رسانه‌ای، تبیین‌کننده مدل علی عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان (دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان) در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی می‌باشند.

مُدل ۱: مُدل علیّ عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی



بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که در فرآیند اقتناع رسانه‌ای (رابرت باکاک)، مصرف رسانه‌ای به جزئی گریزناپذیر از سبک زندگی مصرف‌کنندگان بدل شده، لذا مصرف رسانه‌ای قرین واژه‌هایی چون: مرام ایدئولوژی و فرهنگ قرار گرفته است. از این‌رو، مصرف رسانه‌ای نزدیک به برداشت سبک زندگی و فرهنگ تلقی می‌گردد (باکاک، ۱۳۸۱: ۳۸). بنابراین مصرف رسانه‌ای (گابریل و لانگ) نوعی سبک زندگی است که در حد وسیعی با مصرف رسانه‌ای عجین شده است (گابریل و لانگ، ۱۹۹۵: ۳). پس مصرف و ایدئولوژی همبسته آن یعنی مصرف رسانه‌ای (استرین مایلز)، دین جوامع قرن حاضر محسوب می‌شود و کانون خانواده، معبد و پرستشگاه مجسم دین مذکور به حساب می‌آید. البته مصرف محدود به سطح رفتار یا کنش می‌باشد و مصرف رسانه‌ای، امری وسیع‌تر و بیشتر به منزله بستری فرهنگی و ایدئولوژیک می‌باشد. لذا در حالی که در فرآیند اقتناع رسانه‌ای، مصرف یک عمل است، مصرف رسانه‌ای، نوعی سبک زندگی است. درواقع، مصرف رسانه‌ای وجوه فرهنگی عمل شایع مصرف پیام‌های رسانه‌ای است، و مصرف رسانه‌ای به مفهوم فرهنگ مصرفی، بیانگر نگرانی از رفتارهای مصرفی مصرف‌کنندگان می‌باشد. بدین ترتیب، مصرف رسانه‌ای پیوند دهنده مصرف‌کنندگان و ساختار مصرف‌گرایی در جامعه است. به بیان دیگر مصرف، ریشه در کنش (سطح خرد) دارد و مصرف رسانه‌ای در ساختار (سطح کلان) تنیده شده است. بنابراین در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، مصرف رسانه‌ای نمود روانی اجتماعی تعامل بین مصرف‌کنندگان و ساختار بحران‌های سیاسی در قلمروی شبکه‌های اجتماعی است (مایلز، ۱۹۹۸: ۵-۳). اگرچه مصرف رسانه‌ای در دوران پیشین نیز وجود داشته (استرین مایلز و همکارانش) ولی در دوران معاصر، مصرف رسانه‌ای تنها محدود به رفع نیازها برای حفظ بقا نیست و با مقاصد و نیت‌های دیگری نیز همراه است. از این‌رو در دوران معاصر، مصرف رسانه‌ای بخش اعظم تجارب روزمره زندگی جوانان را شکل می‌دهد و چیستی سبک زندگی آنان را رقم می‌زند (مایلز و همکاران، ۲۰۰۲: ۳). درواقع، مصرف رسانه‌ای (رنه وان باول) سطحی از مصرف پیام‌های رسانه‌ای است که به فراتر از استطاعت بلافصل مصرف‌کنندگان گسترش می‌یابد و به اتکای بی‌اختیار به کارت اعتباری می‌انجامد (باول، ۲۰۰۳: ۳۴۴). لذا مصرف رسانه‌ای (پُل استیرنز) در توصیف جامعه‌ای به‌کار می‌رود که بسیاری از جوانان در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، اهدافشان را در سبک زندگی نخبگان سیاسی برحسب مصرف پیام‌های

رسانه‌ای مُدرن ترسیم می‌کند که به وضوح برای بقا و سبک زندگی سنتی ضرورتی ندارد (استیرنز، ۲۰۰۱: ۵). بنابراین از این دیدگاه، مصرف رسانه‌ای به منزله شیوه تفکر، انگیزه‌های رفتاری و کنش فردی به علاوه نهادهای اقتصادی، سیاسی و ویژگی بارز جامعه در سبک زندگی جوانان نمود یافته است (ترنتمن، ۲۰۰۴: ۳). از این رو، ابعاد هویتی و کلیت سبک زندگی روزمره جوانان برحسب روابط آنان با مصرف سیاسی رسانه‌ای تعیین می‌شود. درواقع، در فرآیند اقتناع رسانه‌ای، به بهانه بحران‌های سیاسی، مصرف پیام‌های رسانه‌ای در قالب مارک‌ها و برجسب‌های مختلف اعم از برندهای ورزشی، آرایشی، موسیقی، خوراک، پوشاک، فضاها و مکان‌های متنوع، هریک به سهم خود بر کیفیت و جهت‌گیری هویت جوانان تأثیر می‌نهند و حتی می‌توان مدعی بود که امروزه مصرف سیاسی رسانه‌ای، فلسفه مصرف‌کنندگان را از سبک زندگی سیاسی‌شان شکل می‌دهد. بدین ترتیب، اهمیت انکارناشدنی مصرف رسانه‌ای در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، در حیات سیاسی، اجتماعی و پیامدهای برخاسته از آن در سطوح خُرد (بر ابعاد هویتی، رفتارها و نگرش‌ها)، سطوح میانه (بر رسانه‌ها، گروه‌ها، نهادها، مراکز تجاری و جنبش‌های اجتماعی) و سطوح کلان (بر ساختارهای اجتماعی و سیاسی) قابل توجه است (علیخواه، ۱۳۸۶: ۲۳۵-۲۳۲). بنابراین به نظر می‌رسد مصرف رسانه‌ای در بستر بحران‌های سیاسی اجتماعی به رشد انتظارات مصرفی و رفاهی و سیاسی جوانان می‌انجامد. درواقع، از آنجا که مصرف سیاسی رسانه‌ای به برخورداری از پیام‌های رسانه‌ای در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، معطوف می‌گردد ممکن است جوانان توانایی دستیابی به پیام‌ها را نداشته باشند و چنین تمایلی در فرهنگی رشد می‌کند که در آن داشتن انواع پیام‌های رسانه‌ای و سبک معینی از زندگی، موجب برتری منزلت و کسب وجهه اجتماعی جوانان شود. بنابراین در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، زمانی که جوانان به سبب ناتوانی در برآوردن این انتظارات، احساس ناکامی و محرومیت سیاسی نمایند، بیشتر نظام‌های سیاسی را با توجه به ذهنیت تاریخی و ساختار سیاسی و فرهنگی جوامع، سبب ناتوانی خود در برآوردن انتظارات رفاهی می‌دانند و در نتیجه نگرش خاصی نسبت به بحران‌های سیاسی اجتماعی اتخاذ می‌کنند. از این رو در فرآیند اقتناع رسانه‌ای (رابرت باکاک)، مصرف پیام‌های سیاسی رسانه‌ای به این سبب جذابیت و مشروعیت می‌یابد که آنچه را که جوانان تقاضا می‌کنند، شبکه‌های اجتماعی به صورت واقعی و یا احساسی، ارائه می‌نمایند. درواقع، از این دیدگاه، احساس محرومیت سیاسی ناشی از ناتوانی در برآوردن انتظارات مصرف رسانه‌ای، بر میزان حمایت و پشتیبانی جوانان از شبکه‌های اجتماعی تأثیر فزاینده‌ای خواهد داشت (باکاک، ۱۳۸۱: ۲). پس تفسیر شبکه‌های اجتماعی از بحران‌های سیاسی اجتماعی (دیوید ایستون) به پیوند جوانان با نظام‌های سیاسی از طریق سطح بالایی از اقتناع و حمایت سیاسی بستگی دارد (ایستون، ۱۹۷۶: ۴۳۵)، زیرا از این دیدگاه، حمایت سیاسی اعم از حمایت سیاسی خاص و محدود (معطوف به مقامات حاکم و دولت) و حمایت سیاسی گسترش یافته جوانان (معطوف به سایر اجزای نظام سیاسی) در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، در جهت‌گیری جوانان (بویژه دانشجویان) و تفسیر آنان نسبت به بحران‌های سیاسی اجتماعی نمود می‌یابد (کاناچ و کولیشک، ۱۹۹۸: ۶). بدین ترتیب، تمایز بین میزان‌های متفاوت حمایت سیاسی مهم است (آر. جی. دالتون)، به ویژه تمایز بین حمایت سیاسی خاص و محدود و حمایت سیاسی گسترش یافته، در فهم اهمیت نگرش شبکه‌های اجتماعی در بستر فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان، واجد اهمیت است. درواقع، اگر نظام‌های دموکراتیک خواهان حیات و ماندگاری باشند، باید در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، قصد اقتناع و حمایت سیاسی گسترش یافته جوانان را داشته باشند. از آنجا که همه دولت‌ها گهگاهی از برآوردن انتظارات و خواسته‌های سیاسی جوانان باز می‌مانند، لذا قصور کوتاه مدت شبکه‌های اجتماعی مستقماً موجب تزلزل حمایت سیاسی گسترش یافته جوانان نخواهد شد؛ زیرا نظام دموکراتیک نیازمند مخزنی از اقتناع و

حمایت سیاسی گسترش یافته جوانان (مستقل از عملکرد دولت و مقامات حاکم بعنوان حمایت خاص) است. البته تمایز بین سطوح نیز مهم است، چرا که در فرآیند اقناع رسانه‌ای، نارضایتی از مصرف پیام‌های رسانه‌ای، از جانب مقامات دولتی پیامدهای اندکی به دنبال دارد؛ چنان که جوانان اغلب از مصرف پیام‌های رسانه‌ای که از جانب مقامات دولتی وعده و وعید داده می‌شود، ناراضی می‌شوند و به شبکه‌های اجتماعی روی می‌آورند. در عین حال نارضایتی از مصرف پیام‌های رسانه‌ای که از جانب مقامات دولتی وعده و وعید داده می‌شوند، نشانه تمایل جوانان به بحران‌های سیاسی اجتماعی نیست. بنابراین از این دیدگاه، اگر نارضایتی جوانان از مصرف پیام‌های سیاسی رسانه‌ای بسط یابد- و در عین حال عملکرد شبکه‌های اجتماعی یا تعلق به اجتماع سیاسی را نیز دربرگیرد- فلسفه جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، سنگین‌تر می‌شود، زیرا تا گرایش جوانان به تغییرات بنیادی نظیر بحران‌های سیاسی اجتماعی پیش می‌رود (دالتون، ۱۹۹۹: ۲۳۲؛ علیخواه، ۱۳۸۶: ۲۳۶-۲۳۵). بدین ترتیب، اگر شبکه‌های اجتماعی (فرد دیوید) بر مبنای مدل سوات (SWOT) به تحلیل نظام‌مند شرایط استراتژیک و شناسایی عوامل مؤثر بر فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان (بوژیه دانشجویان) بپردازند (با عنایت به تحلیل مسیر و نیکوئی برازش مدل تجربی تحقیق بر مبنای افزایش قابل توجه اقناع سیاسی پیام‌های رسانه‌ای، آگاهی سیاسی پیام‌های رسانه‌ای، گزینش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای، گرایش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای و ارزش سیاسی پیام‌های رسانه‌ای)؛ از این طریق نه تنها می‌توانند عوامل مثبت و منفی مصرف پیام‌های رسانه‌ای را شناسایی کنند، بلکه به توسعه و تطبیق استراتژی‌های خود به منظور بهینه سازی این عوامل نیز بپردازند (دیوید، ۱۳۸۸: ۳۸). درواقع، این مدل می‌تواند مرحله اولیه یک تحلیل با هدف نهایی ارائه و اتخاذ سیاست‌های لازم برای تناسب میان عوامل داخلی و خارجی باشد. لذا وقتی این تحلیل کاملاً به کار رود می‌تواند پایه مناسب برای فرمول‌بندی بحران‌های سیاسی اجتماعی و خط‌مشی شبکه‌های اجتماعی ارائه دهد (مافی و سقایی، ۱۳۸۸: ۵۰-۲۷). برای حصول به این منظور، شبکه‌های اجتماعی نیاز به بررسی محیط یعنی نظارت، ارزیابی و نشر اطلاعات مربوط به عوامل داخلی و خارجی طی فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان بوژیه دانشجویان دارند (نوحه‌گر و حسین‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۷۲-۱۵۱):

(الف) عوامل درونی (IF) که درون خود فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای وجود دارد و معمولاً در حیطه کنترل مستمر و بلندمدت شبکه‌های اجتماعی قرار دارد، این محیط بافتی را تشکیل می‌دهد که در آن طی فرآیند اقناع رسانه‌ای، مصرف پیام‌های رسانه‌ای انجام می‌شود. متغیرهای عوامل درونی فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان عبارت‌اند از: ۱. نقاط قوت (S)، یعنی وجود یک منبع مهارت و یا مزیت نسبت به رقبا در مصرف پیام‌های رسانه‌ای که شبکه‌های اجتماعی ضمن فعالیت در آن، پیش بینی می‌کنند که در آینده چگونه فعالیت کنند. ۲. نقاط ضعف (W)، یعنی محدودیت‌ها یا عدم کارایی در استفاده از منابع، مهارت‌ها و توانایی‌ها که به عنوان نقطه ضعف، موانعی جدی برای عملکرد موفقیت آمیز شبکه‌های اجتماعی در بازار رقابت مصرف پیام‌های رسانه‌ای ایجاد می‌کنند.

(ب) عوامل بیرونی (EF) که خارج از فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای قرار دارند و از حیطه کنترل پیوسته شبکه‌های اجتماعی خارج است، این محیط بافتی را بوجود می‌آورد که در آن طی فرآیند اقناع رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی در متقاعدسازی جوانان نسبت به مصرف پیام‌های رسانه‌ای، بیشتر فعالیت می‌کنند. متغیرهای عوامل بیرونی فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان عبارت‌اند از: ۱. نقاط فرصت (O)، یعنی موقعیت‌های مهم و مطلوب در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان که فرصت‌های مناسب را برای مصرف پیام‌های رسانه‌ای به منصفه ظهور می‌رساند. ۲. نقاط تهدید (T)، یعنی موقعیت‌های نامطلوب، اما مهم در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان که موانعی اساسی برای موفقیت جاری یا

آینده مورد نظر شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌کنند.

بدین ترتیب، شبکه‌های اجتماعی در قالب این مدل، با غلبه بر نقاط ضعف درونی (IW) و اشراف بر تهدیدات بیرونی (ET)، با استفاده از نقاط قوت درونی (IS) می‌کوشند از فرصت‌های بیرونی (EO) بهره‌برداری کنند و در فرآیند اقتناع سیاسی و مصرف پیام‌های رسانه‌ای، فرصت‌های لازم برای جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای را به حداکثر برسانند. بنابراین براساس تلاقی این متغیرهای چهارگانه در فرآیند اقتناع سیاسی و مصرف پیام‌های رسانه‌ای، می‌توان به راهبردهای ششگانه جدول زیر در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای اشاره نمود: ۱. راهبردهای رقابتی تهاجمی (SO)، ۲. راهبردهای تدافعی (WT)، ۳. راهبردهای محافظه‌کاری (SW)، ۴. راهبردهای یکپارچه‌سازی (OT)، ۵. راهبردهای بازنگری (WO)، ۶. راهبردهای تنوع (ST)، (گلکار، ۱۳۸۵: ۲۱-۱). معمولاً شبکه‌های اجتماعی برای رسیدن به چنین موقعیتی از راهبردهای بازنگری (WO)، راهبردهای تنوع (ST) و راهبردهای تدافعی (WT) استفاده می‌کنند تا بدانجا برسند که با غلبه بر راهبردهای محافظه‌کاری (WT) بتوانند بر مبنای راهبردهای رقابتی تهاجمی (SO) به کمک راهبردهای یکپارچه‌سازی (SO) در بستر بحران‌های سیاسی اجتماعی جهت متقاعدسازی جوانان نسبت به مصرف پیام‌های رسانه‌ای، استفاده نمایند (صائمیان و ارغنده، ۱۳۸۶: ۲۲). بدین ترتیب، با توجه به تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان (دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان)، طبق مدل ۲، راهبردهای زیر در بازنگری اقتناع سیاسی و مصرف پیام‌های رسانه‌ای جوانان پیشنهاد می‌گردد:

مُدل ۲: استراتژی‌های اقناع سیاسی و مصرف پیام‌های رسانه‌ای در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای جوانان

	مُضر (Harmful) برای نیل به هدف استراتژی‌های تدافعی (WT) (Defensive) تأکید شبکه‌های اجتماعی بر نقاط ضعف درونی و تهدیدهای بیرونی در رفع آسیب‌پذیری از فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، با بهره‌جستن از فرصت‌های بیرونی برای از بین بردن نقاط ضعف درونی.	مفید (Helpful) برای نیل به هدف استراتژی‌های رقابتی تهاجمی (SO) (Competitive-Aggressive) تمرکز شبکه‌های اجتماعی بر نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای، با بهره‌جستن از نقاط قوت درونی در صدد بهره‌برداری از فرصت‌های بیرونی.
ماتریس تحلیل فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای Media's Political Socialization	نقاط ضعف (Weakness) ویژگی‌های درونی فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای که برای شبکه‌های اجتماعی جهت دستیابی به هدف خود یعنی فرآیند اقناع سیاسی و مصرف رسانه‌ای، مضرند. پیش‌بینی‌های استراتژیک: * لیست جوانان مورد آزمایش قرار نگرفته پیام‌های رسانه‌ای * وجود شکاف در محدوده بخش‌های خاص پیام‌های رسانه‌ای * نگاه به مصرف‌کنندگان پیام‌های رسانه‌ای بعنوان بازیگران کوچک * وجود مُبلغین بدون تجربه بازاریابی مستقیم در پیام‌های رسانه‌ای * عدم توانایی عرضه پیام‌های رسانه‌ای به جوانان خارج از کشور * نیاز بیش از حد مصرف‌کنندگان در مصرف پیام‌های رسانه‌ای * وجود بودجه محدود مُبلغین در ارائه پیام‌های رسانه‌ای * فقدان رهبری و آزمون پیام‌های رسانه‌ای موجود * عدم رتبه‌دهی دقیق برنامه‌ریزی ارائه پیام‌های رسانه‌ای * فقدان آموزش جوانان در نیاز به مصرف پیام‌های رسانه‌ای * فقدان آموزش خدمات پیام‌های رسانه‌ای به جوانان مورد نیاز * ضعف فرآیند اقناع رسانه‌ای و سیستم مصرف پیام‌های رسانه‌ای * ضعف پوشش مدیریت کافی مُبلغین در ارائه پیام‌های رسانه‌ای	نقاط قوت (Strength) ویژگی‌های درونی فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای که به شبکه‌های اجتماعی برای دستیابی به هدف خود یعنی فرآیند اقناع سیاسی و مصرف رسانه‌ای، کمک می‌کنند. پیش‌بینی‌های استراتژیک: * کنترل و جهت‌دهی در مصرف پیام‌های رسانه‌ای جوانان * کیفیت و قابلیت اطمینان در پیام‌های رسانه‌ای مناسب * عملکرد پیام‌های رسانه‌ای برتر در مقابل شبکه‌های رقیب * زنده بودن و استمرار پیام‌های رسانه‌ای بهتر * ظرفیت و استعداد تولید پیام‌های رسانه‌ای جایگزین * استفاده از مُبلغین دارای تجربه در ارائه پیام‌های رسانه‌ای * برخورداری از لیست مصرف‌کنندگان پیام‌های رسانه‌ای * قابلیت انتقال و انعکاس مستقیم پیام‌های رسانه‌ای * نوآوری در ارائه پیام‌های رسانه‌ای در حال ارسال * توانایی سایت‌های موجود در ارائه پیام‌های رسانه‌ای * ارسال پیام‌های رسانه‌ای با اعتبارنامه‌های مورد نیاز * مقابله کردن با فرآیندهای تکنولوژی اطلاعات * مدیریت با اعتماد به نفس و تعهدآمیز مُبلغین
استراتژی‌های محافظه کاری (SW) (Conservative) پرهیز محافظه کارانه از نقاط ضعف درونی جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای برای حفظ نقاط قوت درونی در فرآیند اقناع سیاسی و مصرف پیام‌های رسانه‌ای، با کاهش دادن نقاط ضعف درونی و ارتقاء دادن نقاط قوت درونی.		عوامل درونی یا داخلی ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی Internal Factors

عوامل بیرونی یا خارجی ویژگی اقناع پیام‌های رسانه‌ای External Factors	نقاط فرصت (Opportunity) عوامل بیرونی فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای که به شبکه‌های اجتماعی برای دستیابی به هدف خود یعنی فرآیند اقناع سیاسی و مصرف رسانه‌ای، کمک می‌کنند. پیش‌بینی‌های استراتژیک: * توانایی توسعه پیام‌های رسانه‌ای جدید * تقویت پیام‌های رسانه‌ای ضعیف در شبکه‌های محلی رقیب * تقویت پیام‌های رسانه‌ای حاشیه‌ای سودمند * واکنش جوانان به ایده‌های جدید در پیام‌های رسانه‌ای * توانایی گسترش پیام‌های رسانه‌ای به خارج از کشور * تقویت برنامه‌های کاربردی مبلغین جدید * توانایی غیرمترقبه شبکه‌های رقیب * هسته پشتیبانی اقتصادی در ارائه پیام‌های رسانه‌ای * توانایی پیگیری تعامل و عرضه پیام‌های رسانه‌ای بهتر	نقاط تهدید (Threat) عوامل بیرونی فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای که برای شبکه‌های اجتماعی جهت دستیابی به هدف خود یعنی فرآیند اقناع سیاسی و مصرف رسانه‌ای، مضرند. پیش‌بینی‌های استراتژیک: * توانایی تاثیر وضع قانون در ارائه پیام‌های رسانه‌ای * امکان تاثیر فرآیند اقناع رسانه‌ای به نفع شبکه‌های رقیب بزرگتر * خطر توزیع پیام‌های رسانه‌ای بعنوان کسب و کار اصلی موجود * تقاضای بسیار فصلی مصرف‌کنندگان در مصرف پیام‌های رسانه‌ای * مسئله حفظ مبلغین در ارائه پیام‌های رسانه‌ای کلیدی مهم * انحراف از پیام‌های رسانه‌ای اصلی در قالب تبلیغات منفی احتمالی * آسیب پذیری مبلغین بواسطه حمله واکنش‌های رقبا اصلی	استراتژی‌های یکپارچه سازی (OT) (Integration) تمرکز بر یکپارچگی جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای به کمک فرصت‌های بیرونی جهت غلبه بر تهدیدات بیرونی در اقناع سیاسی و مصرف پیام‌های رسانه‌ای، با احتراز از تهدیدات بیرونی و استفاده از فرصت‌های بیرونی.
	بهره‌گیری از فرصت‌های بیرونی جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای برای رفع نقاط ضعف درونی در فرآیند اقناع سیاسی و مصرف پیام‌های رسانه‌ای، با کاهش دادن نقاط ضعف درونی و استفاده از فرصت‌های بیرونی توسط شبکه‌های اجتماعی. (Inspection) استراتژی‌های بازنگری (WO)	تمرکز بر تنوع فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی رسانه‌ای نسبت به نقاط قوت درونی و تهدیدهای بیرونی در فرآیند اقناع سیاسی و مصرف پیام‌های رسانه‌ای، با بهره جستن شبکه‌های اجتماعی از نقاط قوت درونی برای احتراز از تهدیدات بیرونی. (Variation) استراتژی‌های تنوع (ST)	استراتژی‌های اقناع سیاسی و مصرف پیام‌های رسانه‌ای
(http://en.wikipedia.org/wiki/SWOT_Analysis)(www.bptrends.com)			

منابع

- اختر شهر، علی (۱۳۸۶) مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ایمانی، محمدتقی (۱۳۶۹) جامعه‌پذیری سیاسی. مجله پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه اصفهان. شماره ۱ و ۲.
- باکاک، رابرت (۱۳۸۱) مصرف. خسرو صبری. تهران: شیرازه.
- بی، ارل (۱۳۸۶) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. رضا فاضل. تهران: دانشگاه تهران.
- بودریلارد، ژان (۱۳۸۰) درباب تحقق میل در ارزش مبادله. مراد فرهادپور. فصلنامه ارغنون، ش ۱۹.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۴) شکل‌های سرمایه. کیان تاجبخش، افشین خاکباز، حسن پویان. تهران: شیرازه
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵) پیر بوردیو. لیلا جوهر افشانی و حسن چاوشیان. تهران: نی
- چیلکوت، رونالد (۱۳۷۸) نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای. وحید بزرگی و علیرضا طیب. تهران: رسا.
- حبیب پور، کریم و صفری، رضا (۱۳۸۸) راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی. تهران: لویه / متفکران.
- دبیری مهر، اکرم (۱۳۸۷) "تأثیر رسانه‌ها بر روابط بین الملل".
- دواس، دیوید (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ نائی. تهران: نشرنی
- دواس، دیوید (۱۳۷۶) روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی. مریم رفعت جاه و رخساره کاظم. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- دیوید، فرد (۱۳۸۸) مدیریت استراتژیک. علی پارسایان و سید محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- رابرتسون، یان (۱۳۷۴) درآمدی بر جامعه. حسین بهروان. مشهد: آستان قدس رضوی
- راش، مایکل (۱۳۷۷) جامعه و سیاست (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی). منوچهر صبوری. تهران: سمت
- رضایی‌بایندر، محمدرضا (۱۳۸۲) "نقش رسانه‌ها در آموزش مهارت شهروندی و رفتارهای مدنی". فصلنامه پژوهش و سنجش صداوسیما. شماره ۳۳.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۴) "رسانه‌ها و پاسخگویی نهادهای حکومتی". فصلنامه پژوهش و سنجش صدا و سیما. شماره ۴۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۶۷) جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: اطلاعات
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۶) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد ۳ روش‌های کمی / آمار پیشرفته). تهران: دیدار
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۷) جوانان و رسانه‌های جمعی. تهران: اداره کل پژوهش و آموزش صدا و سیما.
- سرائی، حسن (۱۳۷۲) مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق. تهران: سمت
- سرمد، زهره؛ حجازی، الهه و بازرگان، عباس (۱۳۸۲) روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه
- سروی زرگر، محمد (۱۳۸۹) "مصرف در آگاهی‌های تجاری: یک تحلیل نشانه‌شناختی". فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۱.
- سورین، ورنر و تانکار، جیمز (۱۳۸۱) نظریه‌های ارتباطات جمعی. علیرضا دهقان. تهران: دانشگاه تهران

- شارع پور، محمود (۱۳۸۶) جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: سمت
- شرام، ویلبور (۱۳۷۷) تلویزیون در زندگی کودکان ما. محمود حقیقت کاشانی. تهران: صدا و سیما
- شرف الدین، حسین (۱۳۸۹) جامعه‌پذیری سیاسی و تربیت سیاسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۴) فرهنگ علوم رفتاری. تهران: امیرکبیر
- شکرخواه، یعقوب (۱۳۸۰) "تپاز جوانان به سواد رسانه‌ای". فصلنامه پژوهش و سنجش. شماره ۲۶
- صائمیان، صدیقه و ارغنده، رضا (۱۳۸۶) "بررسی جهانی شدن با نگرش بازیابی به روش SWOT". فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی. شماره ۲۲
- صدفی، ذبیح اله و بابائی، سکینه (۱۳۸۲) تکنیک های خاص تحقیق (با تکیه بر برنامه آماری SPSS). تهران: ورجاوند
- طلوعی، علی و زراعتگر، علی اکبر (۱۳۹۰) "بررسی نقش تلویزیون بر جامعه پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه فردوسی". فصلنامه پژوهش اجتماعی، شماره ۱۲
- علاقه بند، علی (۱۳۷۲) جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: بعثت
- علیخواه، فردین (۱۳۸۶) "پیامدهای سیاسی مصرف رسانه‌ای". فصلنامه تحقیقات فرهنگی. شماره ۱
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۶۸) مقدمه ای بر جامعه شناسی و مسیر تحول و تکامل جامعه. تهران: آرا.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۶۹) "درآمدی بر جامعه‌پذیری سیاسی". مجله نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران. شماره ۱
- کریستنس، ریو و مک ویلیامز، رابرت (۱۳۶۵) صدای مردم. محمود عنایت. تهران: کتابسرا
- کمالی، علی اکبر (۱۳۷۴) بررسی مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی
- گلکار، کورش (۱۳۸۵) "مناسب سازی تکنیک تحلیلی SWOT برای کاربرد در طراحی شهری". مجله صفا. شماره ۴۱.
- گیوریان، حسن و ربیعی مندجین، محمدرضا (۱۳۸۴) تصمیم گیری و تعیین خط مشی دولتی. تهران: یکان
- لیپست، مارتین / دوز، رابرت (۱۳۷۳) جامعه شناسی سیاسی. محمد حسین فرجاد. تهران: توس.
- مافی، عزت اله و سقایی، مهدی (۱۳۸۸) "کاربرد مدل MS-SWOT در تحلیل مدیریت گردشگری شهر مشهد". مجله جغرافیا و توسعه. شماره ۱۴.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱) "اسیب شناسی بیگانگی اجتماعی فرهنگی". فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. شماره ۲۶.
- محسنی تبریزی، علیرضا و شیرعلی، اسماعیل (۱۳۸۸) "عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی". فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. شماره ۵۲.
- مختاری، محمدعلی (۱۳۸۸) "رسانه و جهت گیری افکار عمومی در تصمیم گیری عمومی". کتاب ماه علوم اجتماعی. شماره ۲۴.
- مک کوئیل، دنیس (۱۳۸۵) درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی. پرویز اجالالی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها
- مک کوئیل، دنیس (۱۳۸۵) مخاطب شناسی. مهدی منتظر قائم. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها
- مک کوئیل، دنیس و ویندال، س. (۱۳۸۸) مدل های ارتباطات جمعی. گودرز میرانی. تهران: دفتر

پژوهش‌های رادیو.

- مهرداد، هرمز (۱۳۷۶) **جامعه‌پذیری سیاسی**. تهران: پازنگ
- میردامادی، مهرداد (۱۳۸۰) **“فضای سایبرنتیک بمثابة فضای شهری در تهران”**. رساله کارشناسی ارشد، مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- نبی‌زاده، محمود (۱۳۷۳) **“مدل‌های رفتار مصرف‌کننده”**. نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران. شماره ۷.
- نوحه‌گر، احمد و حسین‌زاده، محمدمهدی (۱۳۸۸) **“ارزیابی قابلیت طبیعت‌گردی جزیره قشم با مدل SWOT”**. مجله جغرافیا و توسعه. شماره ۱۵.
- Almondo, G. (1963) **The Civic Culture**. Princeton, Princeton University Press
- Bavel, R.V. (2003) **“Understandings of Consumerism in Chile”**. Journal of Consumer Culture. Vol.3 (3). Sage.
- Bell, David & Kennedy, Barbara (2000) **“The Cyber Cultures”**. Reader, London, Routledge
- Blumler, J.G. (1979) **“The Role of Theory in Uses & Gratifications Studies.”** in Communications Research. Vol.6.
- Canache, D. & Kulishech, M. (1998) **“Preserving Democracy: Political Support & Attitudes Toward Protest in Venezuela”**.
- Coleman, James (1965) **“Education & Political Development”** Princeton, Princeton University Press.
- Dalton, R.J. (1999) **Political Support in Advanced Industrial Democracies**. Oxford University Press.
- Easton, D. (1976) **A Re-Assessment of the Concept of Political Support**. British Journal of
- Kizza, Joseph Migga (1998) **Ethical & Social Issues in the Information Age**. New York, Speinger – Verlag .
- Miles, Steren & et. al. (2002) **The Changing Consumer: Markets & Meanings** London. Rotledge.
- Miles, Steren (1998) **Consumerism as a Way of Life** . London. Sage. political Science. No.5.
- Robert, G. (1980) **Meadow Politice as Communication**. New Jersey Ablex Publishing Corporation.
- Roskin, Michel (1988) **Politieal Science. An Introduction**. New Jersey Prentice Hall.
- Schramm, W. (1954) **The Process & Effects of Communication**. Urbana : University of Illinois Press .
- Stearns, P.N. (2001) **Consumerism in Word History** . London. Rotledge.
- Trentman, F. (2004) **“Beyond Consumerism: New Historical Perspective on Consumption”**. Journal of Contemporary History. Vol.39 (3). Sage.
- Whittle, David (1997) **Cyberspace : The Human Dimension**. New York, W.H. Freeman & Company .



بررسی رابطه گذران اوقات فراغت و میزان شادی جوانان (مطالعه جوانان ۱۵ - ۲۹ ساله شهر مرند)

فیروز راد^۱

حمیده محمدزاده^۲

فاطمه محمدزاده^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۲۷

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه نحوه گذران اوقات فراغت و میزان شادی در بین جوانان شهر مرند است. این پژوهش با روش پیمایش و با نمونه ای به حجم ۳۸۱ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای و با استفاده از ابزار پرسشنامه در بین جوانان ۱۵ - ۲۹ ساله شهر مرند انجام گردید. بنابر نتایج تحقیق، میزان شادی جوانان در حد متوسط است. نتایج حاصل از آزمون فرضیات نشان می دهند که رابطه معنی دار و مثبتی بین اوقات فراغت کل، اوقات فراغت فعال و غیرفعال با میزان شادی جوانان وجود دارد. از بین متغیرهای زمینه ای، بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی با میزان شادی جوانان تفاوت معنی داری وجود دارد، اما این رابطه با جنسیت و وضعیت تأهل معنی دار نمی باشد. همچنین، بین سن و میزان شادی جوانان رابطه معنی داری مشاهده نشد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می دهد که متغیر اوقات فراغت فعال بیشترین سهم را در تبیین پراکنش میزان شادی جوانان داشته است. براساس نتایج حاصل از این تحقیق می توان گفت که گذران اوقات فراغت از عوامل تأثیرگذار بر شادی جوانان می باشد.

واژگان کلیدی: شادی، اوقات فراغت، اوقات فراغت فعال و غیرفعال و جوانان

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور

۲. دانش آموخته جامعه شناسی، مدرس دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

E-mail: mohammadzadehhamideh@yahoo.com

۳. دانش آموخته جامعه شناسی، مدرس دانشگاه پیام نور

مقدمه

شادی^۱ چگونگی داوری فرد درباره نحوه گذران زندگی و احساس مثبتی است که ویژگی مشترک تمامی انسان ها می باشد و تأثیرات عمده ای بر سالم سازی و بهسازی جامعه دارد، زیرا به عنوان نتیجه و پیامد شرایط مطلوب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، فعالیت های مفید انسانی را برمی انگیزد، خلاقیت را تقویت می کند، روابط اجتماعی را تسهیل نماید، مشارکت سیاسی - اجتماعی را رونق می بخشد و موجبات حفظ سلامتی عاطفی، روانی، جسمی و امیدواری را فراهم می آورد (هزارجریبی، ۱۳۸۸: ۱۲۱، آل یاسین، ۱۳۸۰: ۸). علاوه بر این، شادی احساس نزدیکی به دیگران (علاقه مندی)، دوست داشتن و اعتماد را برمی انگیزد و موجب افزایش تعامل با دیگران می شود (آرگایل^۲، ۱۳۸۳: ۳۲۸). همچنین، زندگی را خوشایند می سازد و اشتیاق برای پرداختن به فعالیت های اجتماعی را آسان می کند و در واقع، انگیزه اصلی انسان ها در همه زمان ها، چگونگی دستیابی و حفظ و ارتقای آن است (خوشفر، ۱۳۹۲: ۲۸۴). نقش شادی در زندگی افراد جامعه به حدی است که متفکر اجتماعی، راسکین^۳ معتقد است ثروتمندترین کشورها کشوری است که بیشترین افراد شاداب را زیر بال خود داشته باشد (مظفر، ۱۳۷۹: ۱۳). مازلو^۴ نیز مؤلفه و شاخصه اصلی انسان هایی را که در راستای خودشکوفایی، کمال و توانمندی های خویش تلاش می کنند، احساس شادی آنان می داند؛ به طوری که کمبود و فقدان آن افسردگی، بدبینی و ارزیابی منفی از رویدادها، بی علاقه گی به اجتماع و کار، کمرنگ شدن وجدان کاری، ناهنجاری های اجتماعی، رواج خشونت در روابط اجتماعی و ... را به بار می آورد (اقلیما، ۱۳۹۰: ۷).

شادی به عنوان یکی از مهم ترین پدیده های اجتماعی از همه عوامل اجتماعی و طبیعی تأثیر می پذیرد و بر آن ها تأثیر می گذارد. یکی از مهم ترین عوامل فرهنگی که می توانند منبع مناسبی برای ایجاد شادی در انسان ها باشند، نحوه گذران اوقات فراغت است. این عامل، یکی از نیازهای اساسی انسان ها می باشد که مانند هر نیاز دیگری بسته به وضعیت شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی افراد، حالات و ویژگی های مختلفی به خود می گیرد. جامعه شناسان فراغت را واقعیتی کاملاً تازه تصور می کنند که در نتیجه انقلاب صنعتی، توسعه اجتماعی و اقتصادی جهان امروز پدید آمده است (ساروخانی، ۱۳۹۰: ۲) و به موضوعی مهم در حوزه جامعه شناسی بدل شده و امروزه به عنوان یک خواست گروهی و یک ارزش اجتماعی در جامعه مطرح است. اوقات فراغت^۵ عرصه خاصی از تجربه انسانی است که امتیاز آن برای افراد، داشتن حق انتخاب، خلاقیت، رضایت مندی و لذتی است که خود، لذت و شادی بیشتر را به دنبال دارد (همان، ۲) و فعالیتی است که اعضای جامعه فارغ از اجبارهای محیط کار و الزامات زندگی، از طریق آن استعدادهای خود را توسعه بخشیده، شخصیت خود را گسترش می دهند (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۷۱). اوقات فراغت به عنوان یک الگوی منظم رفتاری، خود را به افراد جامعه تحمیل می کند و در مقیاس یک نهاد اجتماعی، کارکرد متفاوتی دارد. براین اساس به عنوان یک نهاد اجتماعی، نیازهای اجتماعی افراد جامعه را تأمین می کند (تندنویس، ۱۳۷۸: ۱۵۱).

بنابراین چگونگی گذران اوقات فراغت، انعکاسی از شرایط اجتماعی، اقتصادی و به ویژه فرهنگی هر جامعه است که استفاده مطلوب از آن می تواند تأثیر درخور توجهی در بهبود کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی و میزان شادی افراد جامعه داشته باشد، چرا که پویایی و تحرک جامعه تا حد زیادی به افزایش

1. Happiness
2. Argyle
3. Ruskin
4. Maslow
5. Leisure Time

فراوانی عناصر شادی آفرین و نشاط آور و کاهش اضطراب، افسردگی و ... در جامعه بستگی دارد. فعالیت های فراغتی می تواند با رفع خستگی، صدمات جسمی و روانی ناشی از هیجانات مداوم کار و انجام وظایف اجتماعی را جبران نماید. افراد می توانند با تفریح از کسالت ناشی از یکنواختی کار روزمره رهایی یابند و فرصتی برای پرورش استعداد های ذهنی و روانی، جسمی و عاطفی خود فراهم سازند (آبکار، ۱۳۸۸: ۱۰). بنابراین لزوم پرداختن به مقوله شادی و نشاط و عوامل فرهنگی ایجاد کننده آن از آن جا ناشی می شود که به نظر می رسد امروزه پیشرفت هر جامعه در گرو استفاده بهینه از نیروی انسانی آن جامعه است و یکی از مهمترین اصول در حوزه مدیریت منابع انسانی، توجه به مقوله شادی و نشاط انسان هاست، زیرا انسان با نشاط، انسانی کارآ، مبتکر، مولد و سازنده خواهد بود و همین اعمال مثبت به سلامت فیزیکی، روانی و اجتماعی او نیز کمک شایانی خواهد کرد (ربانی، ۱۳۸۶: ۴۳). با توجه به جوان بودن جامعه ما و این که جوانان نویدبخش تحول جامعه آتی و نیروی محرکه کشور برای دفاع و پیشرفت در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... هستند، توجه به مسأله شادی و راهکارهای فراهم کردن زمینه های آن در جامعه به ویژه برای قشر جوان بسیار ضروری به شمار می آید. بنابراین، با توجه به اهمیت پژوهشی موضوع مورد مطالعه، مقاله حاضر درصدد بررسی و تحلیل پدیده شادی و بررسی رابطه شادی و نحوه گذران اوقات فراغت بر میزان شادی در بین جوانان شهر مرند است و به دنبال یافتن پاسخ برای سؤالات زیر خواهد بود:

وضعیت شادی جوانان شهر مرند چگونه است؟

رابطه نحوه گذران اوقات فراغت (اوقات فراغت فعال و غیرفعال) و میزان شادی جوانان به چه صورت است؟

پیشینه پژوهش

کوپر و همکاران^۱ (۱۹۹۲) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که فعالیت های اجتماعی (فعالیت های گروهی) با میزان نشاط افراد رابطه مستقیم دارد و هر چه تعداد فعالیت ها بیشتر باشد، بر شادی افراد افزوده می شود. لو و آرگایل^۲ (۱۹۹۴) در پژوهش خود دریافتند که فعالیت های فراغتی و ابعاد اجتماعی آن با شادی رابطه معنی داری دارند. وینهوون و همکاران (۱۹۹۴) پس از بررسی و مرور تحقیقات انجام شده در زمینه فعالیت های اوقات فراغت، همبستگی بین این فعالیت ها و شادی را ۴۰ درصد برآورد کردند، اما پس از کنترل اثرات متغیرهای دموگرافیک از قبیل استخدام و طبقه اجتماعی، این میزان تا ۲۰ درصد نزول پیدا کرد. البته در مورد برخی اشکال اوقات فراغت از قبیل ورزش، اثرات قوی تری به دست آمده است؛ به عنوان مثال، انجام ورزش های هوازی به مدت ۸ تا ۱۰ دقیقه و به میزان ۲ تا ۴ بار در هفته، افزایش شادی و کاهش افسردگی و اضطراب بالینی را در بر دارد (به نقل از مرادی، ۱۳۸۳: ۷۳). لو و هاسین هو^۳ (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین شخصیت، فعالیت فراغت، رضایت از اوقات فراغت و شادی در بین دانشجویان دانشگاه چین پرداختند. نتایج نشان گر آن بود که برون گرایی به طور معنی داری با تمام انواع فعالیت های فراغت همبستگی دارد، اما روان رنجورخویی هیچ رابطه ای با فعالیت های اوقات فراغت ندارد. برون گرایی، رابطه معنی دار مثبتی با رضایت از اوقات فراغت دارد، در حالی که بین روان جورخویی و رضایت از اوقات فراغت رابطه منفی برقرار است. همچنین، در حالی که برون گرایی و روان رنجورخویی پیش بینی کننده های معنی دار شادی بودند، رضایت

1. Cooper & etal
2. Lu & Argyle
3. Lu Hu & HSIN HU

از اوقات فراغت بر آن هایی که ویژگی های شخصیتی شان و دیگر حوزه های رضایت را کنترل کردند، اثرات افزایشی دارد. ماهون^۱ و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «شادی از منظر ارتباط با جنسیت و سلامت اوایل رشد» به این نتیجه رسیدند که بین دختران و پسران از نظر شادی تفاوتی وجود ندارد. وانگ و ونگ^۲ (۲۰۱۴) در مقاله «شادی و اوقات فراغت در سراسر کشور: شواهدی از بررسی داده ها بین المللی» به بررسی شادی و اوقات فراغت پرداخته اند. یافته های تحقیق نشان می دهد که فعالیت های اوقات فراغت خاص، نقش اوقات فراغت در خود شکوفایی و تعامل اجتماعی، رابطه اوقات فراغت با کار و دیگر حوزه های زندگی به طور معنی داری با شادی افراد در ارتباط است و برخی از فعالیت های اوقات فراغت، ارتباط منفی با شادی دارند.

در تحقیقی دیگر، میرشاه جعفری و همکاران (۱۳۸۱) شخصیت، عزت نفس، اعتقادات مذهبی، سرمایه اجتماعی و فعالیت های اوقات فراغت را از جمله عواملی یافته اند، که تأثیر به سزایی بر شادی دارند. نتایج پژوهش ربانی و همکاران (۱۳۸۶) نشان می دهد که میزان سرمایه فرهنگی، سبک های فراغتی فرهنگی و دینداری با احساس شادی سرپرستان خانوار رابطه ای معنی دار و مستقیم دارد. نتایج به دست آمده از پایان نامه زمانی (۱۳۸۷) بیانگر این است که زنان، شادتر از مردان و افراد طبقه بالای اجتماع، با نشاط تر از طبقات پایین هستند. به علاوه، در حالی که وضعیت تأهل با نشاط رابطه ای ندارد، سن دارای رابطه منفی با آن است. همچنین بین الگوهای گذران اوقات فراغت و نشاط اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. علوی (۱۳۸۹)، نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که بین جنسیت و شادی رابطه معنی داری وجود ندارد. نتایج پژوهش قمری (۱۳۸۹) حاکی از این است که میزان شادی دانشجویان برحسب جنسیت و وضعیت تأهل معنی دار نمی باشد. نتایج پژوهش فضل الهی و همکاران (۱۳۸۹) نشان می دهد که میزان شادی دانشجویان پردیس قم دانشگاه تهران در سطح مطلوب می باشد. همچنین، بین میزان شادی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی داری وجود ندارد. نتایج به دست آمده از پایان نامه اکبرزاده (۱۳۹۰) گویای این است که میزان شادی پاسخگویان به طور کلی در حد متوسط است و هیچ کدام از متغیرهای زمینه ای و جمعیت شناختی با شادی رابطه ندارند، اما متغیرهای سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی از تبیین کننده های شادی بودند. ربانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که میانگین احساس شادی در بین سرپرستان خانوارها ۵۶/۲۳ درصد و از بین متغیرهای زمینه ای، احساس شادی سرپرستان خانوار برحسب جنسیت، وضعیت تأهل و شغل متفاوت است. همچنین، متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، رضایت از امکانات منطقه ای، میزان برخورداری از حقوق شهروندان، میزان منزلت نقشی و درآمد با احساس شادی سرپرستان همبستگی مستقیم دارد. نتایج پژوهش پناهی و دهقانی (۱۳۹۱) نشان می دهد که میزان شادی دانشجویان ۳۷/۲ درصد و در حد متوسط می باشد. بین متغیرهای مشارکت اجتماعی و مشارکت غیررسمی، اعتماد به دیگران، ارضای نیازهای مادی، تحصیلات، دانشگاه محل تحصیل و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با شادی رابطه معنی داری وجود دارد، اما بین جنسیت و مشارکت رسمی با شادی رابطه معنی داری برقرار نیست. نتایج به دست آمده از پایان نامه کرده کار (۱۳۹۰) نیز نشان داد که بین اوقات فراغت ورزشی و شادکامی معلمان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

بررسی و جمع بندی تحقیقات پیشین نشان می دهد که پژوهش های انجام گرفته در خارج از کشور پیرامون رابطه فعالیت های فراغتی با شادی، در فضای اجتماعی و فرهنگی متفاوتی با ایران شکل گرفته و از نتایج

1. Mahon

2. Wang & Wong

این تحقیقات نمی توان به طور کامل در کشور استفاده کرد، اما می تواند به فهم ما درباره کمیت و کیفیت و اهمیت چنین رابطه ای کمک کند. در داخل کشور هم پژوهشی که به طور مستقیم به بررسی رابطه بین این دو متغیر پرداخته باشد، یافت نشد؛ اما در برخی تحقیقات انجام شده، بر اهمیت و تأثیر گذران اوقات فراغت و فعالیت های فراغتی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر شادی تأکید گردیده است.

مبانی نظری پژوهش شادی

واژه «شادی» در فرهنگ معین به معنای «شادمانی، سرور، وجد، سرخوشی، مسرت و خوشحالی» است (معین، ۱۳۷۶: ۱۹۹۵). در زبان انگلیسی نیز واژه Happy (شاد و خوشحال) به عنوان صفت به معنای خوشبخت و خوش شانس، خوش یمن، خوشایند، رضایت، خشنودی، خوش و باصفا تعبیر می شود (لو، ۲۰۰۱: ۴۰۷).

وینهن^۱ (۱۹۹۸) معتقد است: «شادی به درجه یا میزانی اطلاق می گردد که شخص درباره مطلوبیت کل زندگی خود قضاوت می کند». به عبارت دیگر، فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد (وینهن، ۱۹۹۸: ۱). از نظر آرگایل (۲۰۰۱)، احساس شادکامی با عواطف و احساسات مثبت فرد و آسایش خاطر او از زندگی ارتباط دارد (آرگایل، ۲۰۰۱: ۸). در نظر سینگلن^۲ (۲۰۰۲)، شادکامی، چگونگی داوری فرد درباره نحوه گذران زندگی است. او مفهوم شادکامی را در سه مؤلفه هیجان های مثبت (زندگی با نشاط)، تعهد (زندگی درگیرانه یا زندگی خوب) و معنی داری جای داده است (سینگلن، ۲۰۰۲: ۸۰؛ به نقل از هزارجریبی، ۱۳۸۸: ۱۲۵، سینگلن، ۲۰۰۶؛ به نقل از علی محمدی، ۱۳۸۸: ۸). از نظر رجاس^۳ (۲۰۰۷)، نیز شادکامی مجموعه ای از عواطف، ارزیابی شناختی زندگی و درجه ای از زندگی افراد است که به طور کلی مثبت ارزیابی گردد. بنابراین می توان گفت: شادی هدف مشترک تمامی افراد و ارزیابی مثبت آنان از کلیت زندگی و بخش های متعدد آن است که برای دست یابی بدان تلاش می کنند. شادی، عامل اصلی بروز صفات و عواطف خوشایند روانی - همچون: خوشحالی، امیدواری، دلگرمی، لذت، ارزشمندی، راحتی و آرامش ذهنی، خوش بینی و ... و ظهور علایق و علایم مثبت اجتماعی در جامعه است.

اوقات فراغت

افراد مختلف، تعابیر و درک متفاوتی از اوقات فراغت دارند: عده ای آن را وقت آزادی می دانند برای استراحت کردن و به آن به صورت منفعل نگاه می کنند؛ برخی نیز فراغت را معادل تفریح در نظر می گیرند؛ این بین افرادی هم هستند که به اوقات فراغت به صورت فعالانه نگاه می کنند و آن را زمانی برای شکوفایی استعدادشان به شمار می آورند، ژوفر دومازیه^۴ فراغت را مجموعه ای از مشغولیت ها می داند که فرد بعد از آزاد شدن از ضرورت های شغلی، خانوادگی و اجتماعی، برای رضایت خاطر خود برمی گزیند و شامل استراحت، تفریح و یا توسعه دانش و توانایی های فرد می شود (رفعت جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۲). به اعتقاد دومازیه، فراغت دارای سه کارکرد اصلی است: تفریح و سرگرمی، توسعه آزادی فردی و تجدید قوا. فعالیت های اوقات فراغت این امکان را در اختیار افراد قرار می دهد که وضعیت اجتماعی دلخواه خود را انتخاب کنند. این فعالیت ها، افزون بر جبران ناشی از ناراحتی ها، جنبه های ملال آور زندگی را برطرف می کنند و فرد

1. Veenhoven

2. Cingelman

3. Rojas

4. Joffer Dumazedier

را از خستگی ناشی از آن خارج می سازند (همان: ۱۵۸). از نظر پارکر^۱ (۱۹۷۶) اوقات فراغت، زمانی است که فرد مازاد بر زمان کار یا وظایف دیگرش در اختیار دارد و از این زمان برای استراحت، تفریح، موفقیت و پیشرفت اجتماعی یا فردی استفاده می نماید یا به دانش و اطلاعات خود می افزاید، مهارت های خود را ارتقا می بخشد و یا میزان مشارکت داوطلبانه خود را در زندگی و در عرصه ای حرفه ای، خانوادگی و اجتماعی افزایش می دهد (پارکر، ۱۹۷۶: ۳۹) تورکلیدسن^۲ (۱۹۹۷) فراغت را مجموعه ای از مشغولیت ها می داند که افراد آن را پس از انجام وظایف کاری، خانوادگی و اجتماعی به اختیار خود برای استراحت، تفریح، افزودن به دانش و یا مهارت های خود به کار می برند و متضمن رضایت و خشنودی است (تورکلیدسن، ۱۳۸۲: ۱۱۰). گیدنز^۳ فراغت را حوزه ای از زندگی می داند که در کار، سفر برای کار یا خواب اشغال نشده است (گیدنز، ۱۹۹۱). بوردیو^۴ نیز اوقات فراغت را در قالب دو مفهوم دارایی (کالاهای تجملی یا فرهنگی هم چون قایق های تفریحی و کتاب) و فعالیت هایی که فرد با انجام آن خود را متمایز نشان دهد هم چون: ورزش ها، بازی ها و تفریحات جزو مؤلفه های سبک زندگی می داند (مهدوی کنی، ۱۳۸۶).

بنابراین براساس مجموعه تعاریف اندیشمندان، اوقات فراغت، وقت (زمان) آزادی است که فرد مشغول مجموعه ای از فعالیت های غیرکاری از قبیل تفریح و سرگرمی، مسافرت و گردش، توسعه دانش و ... است. به عبارت دیگر، اوقات فراغت، مجموعه فعالیت هایی است که در آن فرد حق انتخاب دارد و با انجام دادن آن ها احساس شادی و نشاط می کند.

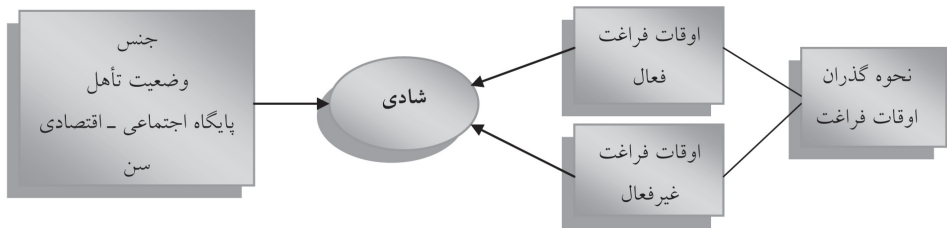
فعالیت های اوقات فراغت می توانند منبع مناسبی برای ایجاد شادی باشند و شادی آفرینی این فعالیت ها با استفاده از تئوری گزینش عقلانی یا تئوری انتخاب گر بودن انسان^۵ و تئوری انگیزش اجتماعی^۶ قابل تبیین است. بنابر نظریه گزینش عقلانی، جامعه مجموعه ای از افراد است که کنش عقلانی دارند. این افراد آگاه، مختار و هدف مند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۳۵). بر مبنای این نظریه، انسان ها موجوداتی حسابگر هستند که هزینه ها و منافع خود را در اشکال مادی و غیرمادی محاسبه می نمایند و سپس دست به اقدام و کنش می زنند (غفاری، ۱۳۸۹: ۴۱) - و کنشی را انتخاب می کنند که بیشترین فایده را نصیب آنها می سازد. براساس این نظریه، فعالیت های اوقات فراغت، فعالیت هایی هستند که فرد با توجه به علاقه و خواست خود آن ها را انتخاب و با آزادی عمل در مورد چگونگی گذران اوقات فراغت خود تصمیم می گیرد. این گونه فعالیت ها حتی زمانی که فرد را از نظر جسمی خسته می کند نیز موجب شادی او می شوند (ربانی، ۱۳۸۶: ۶۲-۶۱).

همچنین، براساس تئوری انگیزش اجتماعی، فعالیت های اوقات فراغت با وجود تنوع و تفاوت هایی که با هم دارند، به نحوی نیازهای اجتماعی را برآورده می سازند. بندورا^۷ (۱۹۷۷) علاوه بر حمایت اجتماعی، شادی بخش بودن فعالیت های اوقات فراغت را این گونه تفسیر می کند که وقتی افراد به این گونه فعالیت ها می پردازند در حال انجام کاری هستند که می توانند آن را به خوبی انجام دهند یا لاقط تصور می کنند که توانایی انجام آن را دارند. بنابراین سعی می کنند هر چه بیشتر به این فعالیت ها بپردازند و در نهایت، این امر موجب شادی بیشتر آن ها می گردد (ربانی، ۱۳۸۶: ۶۲-۶۱).

1. Parker
2. Torkildsen
3. Giddens
4. Bordieu
5. Rational choice theory & theory of selection of human being
6. Theory of social motivation
7. Bendora

زاکرمین^۱ (۱۹۷۹) معتقد است فعالیت های اوقات فراغت در شادی افراد نقش به سزایی دارند. او این گونه فعالیت ها را به دو دسته تقسیم می کند: ۱- فعالیت هایی که در عین آرامش و بدون تحرک جسمانی انجام می گیرند و سطح برانگیختگی و نشاط انگیزی آن ها کمتر است. ۲- فعالیت هایی که ضمن فعال سازی جسم، با افزایش شور و هیجان همراه هستند و سطح برانگیختگی و نشاط آفرینی آن ها بیشتر است (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱: ۵۴). بنابراین، اوقات فراغت برای تلطیف عواطف و تخلیه هیجانات کاربردی مؤثر دارد و انتخاب الگوی مناسب در گذران اوقات فراغت، این امکان را فراهم می سازد که فرد متعادل و متوازن شود و بتواند هیجانات خود را تنظیم کند و بدون آن که از نظر هیجانی خسته شود، با موقعیت های گوناگون سروکار داشته باشد (میرشاه جعفری، ۱۳۸۳: ۴۳). بنابراین، می توان گفت نحوه گذران اوقات فراغت و افزایش توجه بدان، باعث ایجاد و افزایش شادی و نشاط افراد می شود.

مدل تحلیلی تحقیق



فرضیه های پژوهش

- بین نحوه گذران اوقات فراغت جوانان (فعال و غیرفعال) با میزان شادی رابطه معنی داری وجود دارد.
- میزان شادی جوانان برحسب جنسیت آنان متفاوت است.
- میزان شادی جوانان برحسب وضعیت تأهل آنان متفاوت است.
- میزان شادی جوانان برحسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنان متفاوت است.
- بین سن پاسخگویان با میزان شادی رابطه معنی داری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، روش مورد استفاده در تحقیق حاضر پیمایشی و نوع پژوهش نیز کاربردی می باشد. واحد تحلیل تحقیق نیز فرد (جوانان) است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دختران و پسران (۱۵-۲۹ سال) شهر مرنند تشکیل می دهند که بر اساس آمار سال ۱۳۹۰، تعداد آنان برابر با ۴۳۴۵۷ نفر گزارش گردیده است. در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۱ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. شیوه نمونه گیری خوشه ای و پاسخگویان به صورت تصادفی از میان کل جامعه آماری انتخاب شده اند. ابزار مورد استفاده جهت گردآوری داده ها، پرسشنامه می باشد که برای پژوهش حاضر از دو پرسشنامه استفاده شد: پرسشنامه شادی آکسفورد و دیگری پرسشنامه محقق ساخته درباره اوقات فراغت. برای تعیین اعتبار

پرسشنامه، از روش صوری که نوعی اعتبار محتوایی است، استفاده گردید. برای تعیین پایایی گویه های متغیر اصلی تحقیق نیز از ضریب آلفای کرونباخ^۱ استفاده گردیده؛ به طوری که در مرحله پیش آزمون، پرسشنامه مذکور بین ۳۰ نفر از جوانان شهر مرنده توزیع شد. سپس با بررسی ضریب آلفای گویه های مربوط به هر یک از متغیرها و محاسبه ضریب آلفای نسبتاً بالای آن ها انسجام درونی گویه ها تأیید گردید. جدول زیر مقادیر ضریب آلفای کرونباخ را برای متغیرهای اصلی تحقیق نشان می دهد.

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرها و مفاهیم اصلی	تعداد گویه ها	ضریب آلفا
شادی	۲۹	۰/۸۹
اوقات فراغت	۱۶	۰/۷۸
	۱۵	۰/۷۵

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

شادی

شادی را می توان رضایت مندی اجتماعی، روانی و جسمانی و یا رضایت مندی از جریان های زندگی تعریف کرد (لو، ۲۰۰۱؛ به نقل از ربانی، ۱۳۸۶: ۵۲). در پژوهش حاضر به منظور سنجش شادی از پرسشنامه شادی آکسفورد استفاده گردید که شامل ۲۹ گویه است. از جمع زدن نمرات مربوط به هر گویه، نمره کلی شادی به دست آمده است. مقدار حداقل و حداکثر نمرات این مقیاس ۲۹ (مخالفت کامل با تمامی گویه ها) و ۱۴۵ (موافقت کامل با تمامی گویه ها) است.

اوقات فراغت

فراغت، مجموعه ای از اشتغالاتی است که فرد کاملاً به رضایت خود برای استراحت، تفریح، توسعه و آموزش غیرانتفاعی و یا مشارکت اجتماعی دواطلبانه، بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن می پردازد (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۶).

در پژوهش حاضر، اوقات فراغت شامل دو بعد اوقات فراغت فعال و غیرفعال است. اوقات فراغت فعال: اوقات فراغت فعال شامل فعالیت هایی هستند که صرف انرژی فیزیکی و ذهنی می شوند (نیولنجر، ۱۹۸۱). فعالیت های فیزیکی با مصرف انرژی کم شامل پیاده روی و ... می باشد که رقابت و تماس کمی وجود دارد. فعالیت های فیزیکی با مصرف انرژی زیاد مثل فوتبال می باشد که رقابتی هستند. بعضی از فعالیت های فعال اوقات فراغت شامل فعالیت های می شوند که هیچ فعالیت فیزیکی در آن صورت نمی گیرد، اما به تلاش ذهنی اساسی نیاز دارد، مثل نقاشی کردن (همان).

اوقات فراغت غیرفعال: اوقات فراغت غیرفعال شامل فعالیت هایی هستند که فرد هیچ انرژی ذهنی یا فیزیکی اعمال نمی کند (همان) مانند رفتن به سینما (همان). تدوین شاخص های متغیر اوقات فراغت و عملیاتی کردن این متغیر در دو بعد فعال و غیرفعال، بر مبنای مشاهدات محقق و پژوهش های بوردیو (۱۹۸۴)، فکوهی (۱۳۸۲) و ابراهیمی (۱۳۹۰) بوده است.

در این پژوهش، از ۳۱ گویه برای سنجش اوقات فراغت استفاده شده که ۱۶ گویه آن بعد اوقات فراغت فعال و ۱۵ گویه بعد اوقات فراغت غیرفعال را می‌سنجد. از جمع زدن نمرات خام دو بعد اوقات فراغت فعال و غیرفعال، نمره کلی اوقات فراغت به دست آمده است.

تجزیه و تحلیل داده های پژوهش

الف) یافته های توصیفی

آماره های توصیفی این پژوهش نشان می‌دهد که ۵۳/۳ درصد پاسخگویان پسر و ۴۶/۷ درصد دختر بوده‌اند. همچنین، از بین پاسخگویان ۷۴/۵ درصد پاسخگویان مجرد و ۲۵/۵ درصد متأهل بوده‌اند. پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۶۸ درصد پاسخگویان در حد متوسط، ۱۱/۳ درصد در سطح پایین و ۲۰/۷ درصد در سطح بالاست. دامنه سنی پاسخگویان نیز از ۱۵ تا ۲۹ سال در نوسان بوده و میانگین سنی آنان برابر با ۲۲ سال می‌باشد.

متغیرهای اوقات فراغت و شادی

بنابر یافته های حاصل از تحقیق، میانگین اوقات فراغت جوانان مورد مطالعه برابر با ۸۸/۵۸ است که با در نظر گرفتن بیشترین (۱۴۵) و کمترین (۳۶) مقدار، میانگین اوقات فراغت جوانان در سطح بالاست. همچنین، بررسی میانگین ها نشان می‌دهد که متغیر اوقات فراغت فعال (۴۶/۹۷) دارای بیشترین میانگین نسبت به متغیر اوقات فراغت غیرفعال (۴۱/۶۰) می‌باشد (جدول ۲).

بررسی آماره های توصیفی مربوط به متغیر شادی نشان داد که میزان شادی ۳۱/۵ درصد جوانان در سطح پایین، ۳۶/۵ درصد متوسط و میزان شادی ۳۲/۳ درصد پاسخگویان نیز در سطح بالا بوده‌است. همچنین، میانگین شادی جوانان مورد مطالعه ۷۲/۲۶ است که با در نظر گرفتن بیشترین (۱۰۵) و کمترین (۳۶) مقدار، می‌توان گفت: میانگین شادی جوانان مورد مطالعه در سطح متوسط است (جدول ۲).

جدول ۲: آماره های توصیفی متغیرهای شادی و اوقات فراغت

متغیرها	پایین		متوسط		بالا		میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد				
شادی	۱۱۹	۳۱/۲	۱۳۹	۳۶/۵	۱۲۳	۳۲/۳	۷۲/۲۶	۱۳/۴۸	۳۶	۱۰۵
اوقات فراغت فعال	۱۲۷	۳۳/۳	۱۳۶	۳۵/۷	۱۱۸	۳۱	۴۶/۹۷	۹/۹۶	۲۰	۷۵
اوقات فراغت غیرفعال	۱۳۴	۳۵/۲	۱۲۷	۳۳/۳	۱۲۰	۳۱/۵	۴۱/۶۰	۹/۴۶	۱۶	۷۰
اوقات فراغت کل	۱۲۸	۳۳/۶	۱۱۸	۳۱	۱۳۵	۳۵/۴	۸۸/۵۸	۱۷/۴۶	۳۶	۱۴۵

ب) یافته های تحلیلی

فرضیه اول: بین نحوه گذران اوقات فراغت جوانان با میزان شادی رابطه معنی داری وجود دارد. مطابق اطلاعات به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون برای دو متغیر اوقات فراغت و انواع آن با شادی

می توان گفت که با اطمینان ۰/۹۹ درصد و در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ بین متغیرهای مذکور رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد؛ یعنی، با افزایش میزان مشارکت جوانان در فعالیت های فراغتی بر میزان شادی آنان افزوده می شود و در نتیجه بین نحوه گذران اوقات فراغت کل با میزان شادی جوانان رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. مقایسه ضریب همبستگی نشان می دهد که قوی ترین رابطه بین فراغت فعال با میزان شادی برقرار است که مقدار آن برابر با ۰/۲۲۹ می باشد.

جدول ۳: بررسی نحوه گذران اوقات فراغت جوانان با میزان شادی

متغیر	شادی
اوقات فراغت فعال	ضریب همبستگی ۰/۲۲۹
	سطح معنی داری ۰/۰۰۰
	فراوانی ۳۸۱
اوقات فراغت غیرفعال	ضریب همبستگی ۰/۱۴۵
	سطح معنی داری ۰/۰۰۰
	فراوانی ۳۸۱
اوقات فراغت کل	ضریب همبستگی ۰/۲۰۹
	سطح معنی داری ۰/۰۰۰
	فراوانی ۳۸۱

فرضیه دوم: میانگین شادی جوانان برحسب جنسیت آنان متفاوت است.

اطلاعات موجود در جدول ۴ نشان می دهد که میانگین شادی برای پسران ۷۱/۲۲ است که به میزان ۲/۲۲- از میانگین شادی دختران (۷۳/۴۴) کمتر می باشد. بررسی سطوح معنی داری حاصل از آزمون تی مستقل برای بررسی و مقایسه میانگین شادی دختران و پسران، با توجه به این که سطح معنی داری به دست آمده (۰/۱۰۸) بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد، از نظر آماری تفاوت معنی داری نیست. به عبارتی، می توان گفت میانگین شادی جوانان برحسب جنسیت پاسخگویان متفاوت نیست.

جدول ۴: جنسیت و شادی

متغیر وابسته	جنسیت	تعداد	میانگین	اختلاف میانگین	مقدار	سطح معنی داری
شادی	پسر	۲۰۳	۷۱/۲۲	-۲/۲۲	۱/۶۱۳	۰/۱۰۸
	دختر	۱۷۸	۷۳/۴۴			

فرضیه سوم: میانگین شادی جوانان برحسب وضعیت تأهل آنان متفاوت است.

میانگین شادی برای مجردان ۷۱/۹۴ است که از میانگین شادی متأهلین (۷۳/۱۹) به میزان ۱/۲۵- کمتر می

باشد. نتایج حاصل از آزمون یومن ویتنی^۱ برای بررسی و مقایسه میانگین شادی جوانان مجرد و متأهل نشان می دهد که با توجه به این که سطح معنی داری به دست آمده $۰/۴۰۳$ بزرگتر از $۰/۰۵$ می باشد، لذا به لحاظ آماری معنی دار نیست. در نتیجه، میانگین شادی جوانان مجرد و متأهل در یک سطح می باشد و فرضیه رد می شود.

جدول ۵: وضعیت تأهل و شادی

متغیر وابسته	وضعیت تأهل	تعداد	میانگین رتبه ها	مقدار یو من ویتنی	اختلاف میانگین	سطح معنی داری
شادی	مجرد	۲۸۴	۷۱/۹۴	۱۲۹۹۱	-۱/۲۵	۰/۴۰۳
	متأهل	۹۷	۷۳/۱۹			

۱۴۷

فرضیه چهارم: میانگین شادی جوانان برحسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنان متفاوت است. با توجه به جدول ۶، بین میانگین شادی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی تفاوت وجود دارد؛ بدین صورت که میانگین شادی افرادی که دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتری (۲۲۷/۵) هستند از میانگین شادی افرادی که دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین (۱۱۹/۸۵) و متوسط (۱۹۰/۹۵) هستند، بیشتر است. بدین معنی که افراد با پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتر، از میزان شادی بیشتری نسبت به افراد با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین تر برخوردارند.

طبق اطلاعات به دست آمده از خروجی آزمون کروسکال والیس برای دو متغیر مورد بحث پایگاه اجتماعی - اقتصادی و شادی، با توجه به سطح معنی داری آزمون ($۰/۰۰۰$) که کوچکتر از $۰/۰۱$ می باشد، میانگین شادی افراد برحسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی دارای تفاوت معنی داری می باشد. بنابراین فرضیه مورد بحث تأیید می شود و فرض خلاف رد می گردد.

جدول ۶: پایگاه اجتماعی - اقتصادی و اوقات فراغت

پایگاه اقتصادی - اجتماعی	تعداد	میانگین رتبه ها	مقدار آزمون chi-square	درجه آزادی	سطح معنی داری
بالا	۴۳	۱۱۹/۸۵	۲۶/۷۷۵	۲	۰/۰۰۰
متوسط	۲۵۸	۱۹۰/۹۵			
پایین	۷۹	۲۲۷/۵			

فرضیه پنجم: بین سن پاسخگویان با میزان شادی رابطه معنی داری وجود دارد.

۱. با توجه به این که یکی از شرایط استفاده از آزمون های پارامتری همچون تی مستقل و تحلیل واریانس، نزدیک بودن توزیع پاسخگویان در مقولات مختلف متغیر به لحاظ تعداد است (کلانتری، ۱۳۸۵: ۱۴۱، ۱۱۷) در پژوهش حاضر برای متغیرهای وضعیت تأهل (مجرد ۲۸۴، متأهل ۹۷) و پایگاه اجتماعی - اقتصادی (پایین ۷۹، متوسط ۲۵۸، بالا ۴۳) این شرط حاصل نشد و از آزمون های ناپارامتری یو من ویتنی و کروسکال والیس استفاده گردیده است.

اطلاعات ضریب همبستگی به دست آمده در جدول ۷ نشان می دهد که بین دو متغیر سن و میزان شادی جوانان همبستگی وجود دارد، اما این همبستگی به لحاظ آماری در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی دار نمی باشد.

جدول ۷: بررسی رابطه بین سن جوانان با میزان شادی

متغیر	شادی
ضریب همبستگی	-۰/۰۴۷
سطح معنی داری	۰/۳۶۴

رگرسیون چند متغیره

هدف از تحلیل رگرسیون چندمتغیره، مشخص کردن سهم و تأثیر متغیرهای تحقیق در تبیین و پیش بینی متغیر وابسته است. برای انجام دادن تحلیل رگرسیون، پیش فرض های آن بررسی شده است. با توجه به برآورده شدن پیش فرض های فوق، تحلیل رگرسیونی برای سنجش اندازه اثر هر کدام از ابعاد متغیر اوقات فراغت (اوقات فراغت فعال و غیرفعال) و همچنین متغیرهای زمینه ای بر میزان شادی جوانان، از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون بیانگر این است که از میان متغیرهایی که وارد معادله رگرسیونی شده اند، دو متغیر اوقات فراغت فعال و پایگاه اجتماعی - اقتصادی در مدل نهایی باقی مانده اند که این دو متغیر در کل، ۹/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (میزان شادی) را تبیین می کنند. همان گونه که در جدول ۸ آمده است، ضریب همبستگی چندگانه برای این مدل رگرسیونی برابر ۰/۳۱۴ می باشد که نشان می دهد بین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل و متغیر وابسته شادی همبستگی متوسطی وجود دارد. متغیر اوقات فراغت فعال با ضریب بتای (۰/۲۲۳) بیشترین تأثیر را در تبیین میزان شادی جوانان داشته است.

جدول ۸: مدل رگرسیونی گام به گام متغیرهای مستقل برای تبیین میزان شادی

متغیرها	(R)	(R Square)	(Adjusted R Square)	F	F(Sig)	B	Beta	T	sig
مقدار کل						۴۸/۵۰۸	-	۱۲/۷۵	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۰/۳۱۴	۰/۰۹۹	۰/۰۹۴	۲۰/۶۰۵	۰/۰۰۰	۵/۱۳۰	۰/۲۱۳	۴/۳۱۰	۰/۰۰۰
اوقات فراغت فعال						۰/۲۷۸	۰/۲۲۳	۴/۱۴۳	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه گیری

شادی به عنوان یکی از هیجانات اولیه و اساسی انسان و به دلیل شرایط اجتماعی - فرهنگی خاص جوامع نوین و انسان های معاصر، از یک سو و تأثیرات مثبت و خوشایند این هیجان در زندگی اجتماعی از سوی دیگر، مورد توجه محافل علمی جهانی قرار گرفته است. چگونگی گذران اوقات فراغت به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان، از عوامل تأثیرگذار بر شادی انسان هاست. در این میان، نسل جوان از حساسیت ویژه ای

برخورد دارند، زیرا میزان فراغت این گروه و نیز سهم آنان در فعالیت های فراغتی، بیشتر از سایر اقشار است. مقاله حاضر به بررسی تأثیر اوقات فراغت بر میزان شادی در بین جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر مرند پرداخته است. بنابر یافته های حاصل از تحقیق، میانگین اوقات فراغت جوانان مورد مطالعه برابر با ۸۸/۵۸ است. همچنین، بررسی میانگین ها نشان می دهد که متغیر اوقات فراغت فعال، دارای میانگین بیشتری نسبت به متغیر اوقات فراغت غیرفعال می باشد.

به علاوه، نتایج تحقیق مؤید آن است که میانگین شادی در بین جوانان (۱۵-۲۹ ساله) شهر مرند در حد متوسط (۷۲/۲۶) است.

با بررسی رابطه بین جنسیت و شادی مشخص شد بین متغیر میزان شادی و جنسیت جوانان تفاوت معنی داری وجود ندارد که این امر با نتیجه تحقیق علوی (۱۳۸۹)، قمری (۱۳۸۹)، فضل الهی و همکاران (۱۳۸۹)، اکبرزاده (۱۳۹۰) و پناهی و دهقانی (۱۳۹۱) همسو و با یافته تحقیق ربّانی (۱۳۹۰) غیرهمسو می باشد.

یافته های تحقیق نشان می دهد که بین دو متغیر وضعیت تأهل و میزان شادی جوانان تفاوت معنی داری وجود ندارد که این یافته همسو با تحقیق قمری (۱۳۸۹)، اکبرزاده (۱۳۹۰) و پناهی و دهقانی (۱۳۹۱) و برخلاف تحقیق ربّانی (۱۳۹۰) و داینر و لوکاس (۱۹۹۹) می باشد که معتقدند افراد متأهل نسبت به کسانی که هرگز ازدواج نکرده اند یا جدا شده اند، بیشتر احساس شادی و نشاط می کنند.

بین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد با میزان شادی افراد نیز تفاوت معنی داری وجود دارد؛ یعنی؛ هر چه پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان افزایش می یابد، میزان شادی آنان نیز بیشتر می شود. این یافته با نتایج تحقیق اکبرزاده (۱۳۹۰) و پناهی و دهقانی (۱۳۹۱) انطباق دارد.

همچنین، با توجه به نتایج تحقیق بین سن و میزان شادی جوانان رابطه معنی داری وجود ندارد که این یافته همسو با نتایج تحقیق اکبرزاده (۱۳۹۰) می باشد.

بنابر نتایج آزمون های تحلیلی فرضیه های اصلی تحقیق، میان دو متغیر فعالیت های اوقات فراغت و ابعاد آن با میزان شادی رابطه معنی داری وجود دارد و جهت این رابطه مثبت و مستقیم است، یعنی، با افزایش میزان مشارکت جوانان در فعالیت های فراغتی، بر میزان شادی آنان افزوده می شود. این یافته با نتایج تحقیقات میرشاه جعفری و همکاران (۱۳۸۱)، ربّانی و همکاران (۱۳۸۶)، کوپر و همکاران (۱۹۹۲)، لو و آرگایل (۱۹۹۴)، وینهوون و همکاران (۱۹۹۴)، لو و هاسین هو (۲۰۰۵)، وانگ و ونگ (۲۰۱۴) همسو می باشد. در مورد رابطه ابعاد اوقات فراغت با شادی نیز نتیجه حاصل حاکی از آن است که بعد اوقات فراغت فعال دارای رابطه ای قوی تر نسبت به بعد اوقات فراغت غیرفعال است. این یافته نیز با نظریه ذاکرمن مطابقت دارد که معتقد است فعالیت های اوقات فراغت دو دسته اند: دسته اول، فعالیت های فراغتی که در عین آرامش و بدون تحرک جسمانی انجام می گیرند، از سطح برانگیختگی و نشاط انگیزی کمتری برخوردارند؛ دسته دوم، فعالیت هایی که ضمن فعال سازی جسم، با افزایش شور و هیجان همراه هستند و سطح برانگیختگی و نشاط آفرینی آن ها بیشتر است (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱: ۵۴).

همچنین، نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داد ۹/۴ درصد از تغییرات پراکنش متغیر میزان شادی را دو متغیر اوقات فراغت فعال و پایگاه اجتماعی - اقتصادی تبیین کرده اند. متغیر اوقات فراغت فعال بیشترین سهم را در تبیین پراکنش میزان شادی جوانان داشته است.

در مجموع نتایج پژوهش مؤید این مطلب است که عوامل گوناگون فردی، اجتماعی، محیطی و موقعیتی به تنهایی یا به همراه دیگر عوامل و یا به طور گروهی بر اوقات فراغت و چگونگی گذران آن تأثیر می گذارند. از سویی دیگر، نحوه گذران اوقات فراغت، بازتابی از شرایط فرهنگی، اجتماعی و ... هر جامعه است که استفاده بهینه از آن می تواند باعث افزایش نشاط و شادی در بین افراد جامعه گردد.

منابع

- آبکار، علی رضا (۱۳۸۸) "جایگاه فعالیت های جسمانی در اوقات فراغت دانشجویان". فصلنامه علوم رفتاری. شماره ۱: ۹-۲۸.
- آرگایل، مایکل (۱۳۸۳) روانشناسی شادی. فاطمه بهرامی، حسن پالاهنگ، مسعود گوهری و حمید طاهر نشاط دوست. اصفهان: جهاد دانشگاهی اصفهان
- آل باسین، میترا (۱۳۸۰) "شادی و نشاط در محیط مدرسه". تربیت. شماره ۱: ۱۴-۱.
- ابراهیمی، قربانعلی؛ رازقی، نادر و مسلمی، رقیه (۱۳۹۰) "اوقات فراغت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن: (مطالعه موردی افراد ۱۵-۶۴ ساله ی شهرستان جویبار)". جامعه شناسی کاربردی. سال بیست و دوم. شماره پیاپی (۴۴). شماره چهارم: ۷۱-۹۸.
- اقلیما، مصطفی و ابراهیم نجف آبادی، اعظم (۱۳۹۰) "بررسی تأثیر میزان سرمایه ی فرهنگی در میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) در شهر اصفهان". جامعه پژوهی فرهنگی. سال دوم. شماره اول: ۱-۲۴.
- اکبرزاده، فاطمه (۱۳۹۰) "بررسی عوامل جامعه شناختی مؤثر بر میزان شادی جوانان (مطالعه موردی شهر بابلسر)". پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی - اجتماعی دانشگاه مازندران.
- پناهی، محمد حسن و دهقان، حمید (۱۳۹۱) "بررسی عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان با تأکید بر مشارکت اجتماعی". جامعه شناسی کاربردی. سال ۲۰. شماره ۳: ۱۸-۱.
- تندنویس، فریدون (۱۳۷۸) "جایگاه ورزش در اوقات فراغت کشور". حرکت. شماره ۲.
- تورکیلدسن، جورج (۱۳۸۲) اوقات فراغت و نیازهای مردم. عباس اردکانیان و عباس حسینی. تهران: نوربخش
- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷) "رویکرد جامعه شناسانه ی نظریه انتخاب عقلانی مقدمه ای بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی برنامه ریزی شده". راهبرد فرهنگ. شماره سوم: ۳۳-۶۴.
- خوشفر، غلامرضا؛ جانعلی زاده، حیدر؛ اکبرزاده، فاطمه و دهقانی، حمید (۱۳۹۲) "تأثیر سرمایه اجتماعی بر شادی جوانان شهر بابلسر". فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ۱۳. شماره ۵۱: ۲۸۳-۳۱۴.
- ربّانی، رسول؛ ربّانی، علی؛ عابدی، محمدرضا و گنجی، محمد (۱۳۸۶) "فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان شهر اصفهان". فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات. شماره ۸: ۷۸-۴۱.
- ربّانی، علی؛ ربّانی، رسول؛ گنجی، محمد (۱۳۹۰) "رویکردی جامعه شناختی به احساس شادمانی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان". مسائل اجتماعی ایران. سال دوم. شماره ۱: ۳۹-۷۳.
- رفعت جاه، مریم (۱۳۹۰) "فراغت و ارزش های فرهنگی". فصلنامه تحقیقات فرهنگی. دوره چهارم. شماره ۱۳: ۱۵۱-۱.
- زمانی، مهدی (۱۳۸۷) "بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی جوانان ۱۵-۱۹ سال شهر همدان". پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر و میرزایی ملکیان، محمد (۱۳۹۰) "رابطه بین نحوه گذران اوقات فراغت و هویت ملی جوانان شهر تهران". فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران. سال اول. شماره ۲: ۲۸-۱.

- ساعی، منصور؛ حیدری، حسین و ساعی، احمد (۱۳۹۲) "بررسی اثر مصرف فرهنگی فراغتی جوانان بر سبک زندگی و ارزش های اجتماعی آنان". کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی: شیراز مرداد ۱۳۹۲: ۹۷-۱۲۰
- سعیدی رضوانی، نوید و سینی چی، پیروز (۱۳۸۶) "مشهد و اوقات فراغت". فصلنامه جستارهای شهرسازی. شماره، ۲۳-۲۲: ۶-۱.
- علوی، سید حمیدرضا (۱۳۸۹) "عامل های مرتبط با شادی در دانشجویان دانشگاه". مجله علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز. دوره ۵. سال ۱۶-۲. شماره ۴: ۴۰-۱۹.
- علی محمدی، کاظم و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸) "بررسی رابطه بین شادکامی اسلامی و شادکامی روان شناختی در دانشجویان دانشگاه قم در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸". روانشناسی دین. شماره ۷: ۲۸-۷.
- غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۸۹) جامعه شناسی تغییرات اجتماعی. چاپ هفتم. تهران: آگرا، لویه.
- فضل الهی، سیف الله؛ جهانگیر اصفهانی، نرگس و حق گویان، زلفا (۱۳۸۹) "سنجش میزان و عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان پردیس قم دانشگاه تهران". روانشناسی دین. سال ۳. شماره ۴: ۱۰۸-۸۹.
- فکوهی، ناصر و انصاری مهابادی، فرشته (۱۳۸۲) "اوقات فراغت و شکل گیری شخصیت فرهنگی نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران". نامه ی انسان شناسی. دوره اول. شماره ۴: ۶۸۹.
- فیضی، ایرج (۱۳۸۶) "اوقات فراغت و سبک های فراغتی". نشریه پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات. ۱۸-۲۴.
- قمری، محمد (۱۳۸۹) "بررسی رابطه ی دینداری و میزان شادمانی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل". روانشناسی دین. شماره ۳: ۷۵-۹۱.
- کرده کار، سمیرا (۱۳۹۰) "رابطه بین اوقات فراغت ورزشی با شادکامی معلمان مقطع متوسطه آموزش و پرورش شهرستان شاهرود". پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه مازندران.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۵) پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS. چاپ دوم. انتشارات مهندسین مشاور طرح و منظر.
- گنجی، محمد (۱۳۸۷) "تحلیل عوامل جامعه شناختی مؤثر بر میزان احساس شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان". پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- مرادی، مریم (۱۳۸۳) "بررسی جایگاه اهمیت و تأثیرات شادمانی در تعلیم و تربیت". پایان نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.
- مظفر، حسین (۱۳۷۹) "اثر نشاط روحی بر شکوفایی خرد". تربیت. شماره ۷.
- معین، محمد (۱۳۷۶) فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر
- مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۶) "مفهوم «سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی». فصلنامه تحقیقات فرهنگ. ۱.
- میرشاه جعفری، ابراهیم؛ عابدی، محمدرضا؛ دریکوندی، هدایت ... (۱۳۸۱) "شادمانی و عوامل مؤثر بر آن". تازه های علوم شناختی. سال ۴. شماره ۳: ۵۰-۵۶.
- میرشاه جعفری، ابراهیم؛ عابدی، محمدرضا و لیاقت دار، محمدجواد (۱۳۸۳) "بررسی میزان شادمانی و عوامل همبسته آن در میان دانشجویان دانشگاه های شهر اصفهان". گزارش نهایی طرح پژوهشی،

معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان. شماره طرح: ۸۲۰۱۰۱.

- هزار جریبی، جعفر؛ آستین فشان، پروانه (۱۳۸۸) "بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)". جامعه شناسی کاربردی. شماره ۱: ۱۱۹-۱۴۶.
- Cooper, H. Okamura, L. Gurka, V (1992) "**Social Activity and Subjective Well-being**". Personality and Individual Differences. 13,(5): 573-583.
- Diener, E. Suh, E. M. (1997) "**Measuring quality of life: Economic, social and subjective indicators**". Social Indicators Research. 40:189-216.
- Diener, E. & R.E. Lucas (1999) "**Subjective Well-being Three Decades of Well-being**". Psychological Bulletin. 125(2), P.276-302.
- Giddens, A. (1991) **Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age**. Cambridge: Polity Press
- Lu. L. (2001) "**Understanding happiness: A look into the Chinese folk psychology**". Journal of Happiness Studies. 2: 407-432.
- Luo, L. Argyle, M. (1994) "**Leisure satisfaction and happiness as a function of leisure activity**". Kaohsiung Journal of Medical Sciences. 10: 89-96.
- Luo. L, Chia-Hsin Hu. (2005) "**Personality, Leisure Experiences and Happiness**". Journal of Happiness Studies. 6, (3): 325-342.
- Mahon, N. E. Yarcheski, A. and Yarcheski, T. J. (2010) "**Happiness as Related To Gender and Health in Early Adolescents**". Clin Nurs Res By Sage publications. Vol. 14 No.2: 175-190.
- Mayers, D. G. (2000) "**The Friends and Faith of Happy People**". American Psychologist. 55: 56-57.
- Miao Wang, M. C. Sunny Wong. (2014) "**Happiness and Leisure Across Countries: Evidence from International Survey Data**". Journal of Happiness Studies. 15, (1): 85-118.
- Neulinger, J. (1981) **The Psychology of Leisure**. 2 nd. Ed. cc. Thomas. ISBN
- Parker, Stanley. (1976) **The Sociology of Leisure**. London. George Allen Uwind Ltd.
- Rojas, M. (2007) "**Heterogeneity in the relationship between in com and happiness: a conceptual- referent- therapy explanation**". Journal of economic psychology. 28: 1-14.
- Veenhoven, R.(1988) "**The utility of happiness**". Social Indicators research. 20: 333-254.

جامعه پذیری علمی و مدیریت بدن در دانشگاه (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران)

محمد امین قانعی راد^۱
آذر رشتیانی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۳/۳۰

افراد تحت تاثیر نوع جامعه پذیری که در آنها شکل گرفته اند، کنش ها و رفتارهای متفاوتی از خود نشان می دهند و نوع جامعه پذیری آنها بر سبک زندگی و ابعاد متفاوت زندگی آنها تاثیر می گذارد. از جمله بنیادی ترین جنبه سبک زندگی نوع مدیریت بدن است که دانشجو پس از این که در روند و فرآیند جامعه پذیری علمی قرار گرفت به طور آگاهانه یا ناآگاهانه تغییراتی را در این جنبه از زندگی خود لحاظ می کند. پژوهش حاضر که به روش توصیفی از نوع پیمایشی صورت گرفته است، به بررسی تاثیر جامعه پذیری علمی بر مدیریت بدن می پردازد. در بخش مبانی نظری، نظریه های مرتبط ارائه و پس از چارچوب نظری، مدل تحلیلی طراحی گردیده است. جامعه و نمونه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران در چهار گروه آموزشی علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و علوم پزشکی تشکیل داده اند که ۳۵۶ نفر بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران به عنوان نمونه آماری تعیین شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته بوده که پس از تأیید سوالات پرسشنامه توسط متخصصان و با استفاده از آزمون کرونباخ که بالای ۰/۷ به دست آمد، پرسشنامه در بین پاسخگویان توزیع گردید. بعد از تکمیل، پرسشنامه ها با استفاده از نرم افزار SPSS۱۷ و ضرایب آماری متناسب با نوع متغیرها محاسبه و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج آزمون فرضیه ها بیانگر این است که جامعه پذیری علمی بر توجه به رژیم غذایی، توجه به سلامتی، سبک پوشش و توجه به خودآرایی اثر معنادار و مستقیمی دارد، ولی بر گرایش به ورزش و همچنین انجام جراحی زیبایی دانشجویان اثر معناداری نداشته است.

واژگان کلیدی: جامعه پذیری علمی، مدیریت بدن، تعاملات و ارتباطات و سلامتی

۱. دانشیار، گروه جامعه شناسی، مرکز تحقیقات سیاست های علمی کشور

۲. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

مقدمه و بیان مساله

دانشگاه به عنوان یکی از متولیان جامعه پذیری علمی، رسالت تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر و توسعه علم و پژوهش را بر عهده دارد. بنابراین، جامعه پذیری و انتقال ارزش ها و هنجارهای علمی را می توان از جمله مهم ترین کارکردهای دانشگاه به شمار آورد. افرادی که وارد دانشگاه می شوند، مجموعه ای از ارزش های متناسب با ویژگی های فردی و خانواده خود و نیز فرهنگ عمومی را به همراه دارند. از سوی دیگر، دانشجو در دانشگاه در درون خرده فرهنگ خاص علمی قرار می گیرد که از بدو ورود تا اتمام دوره زندگی دانشجویی خود در این نهاد به یادگیری و فراگیری ارزش ها و هنجارها می پردازد. بنابراین اگر این نهاد بتواند ارزش ها و هنجارهای خود را به طور موفقیت آمیز درونی کند، فرد قادر خواهد شد که آموخته خود را در نوع مهارت و به کارگیری آن عملی سازد. در محیط دانشگاه، جامعه پذیری به دو صورت حضور در کلاس و غیر رسمی که توسط نهادهای مسئول و نیز ارتباطات و تعاملات دانشجو با دانشجویان دیگر و دانشجو با استادان صورت می گیرد.

نتایج پاره ای از تحقیقات نشان می دهد که در جامعه دانشگاهی جامعه پذیری علمی به طور صحیح صورت نگرفته است و این امر بر اولویت ها و سبک زندگی دانشجویان تاثیر زیادی داشته است. بر پایه پژوهش های مرتبط، حدود ۸۲ درصد از دانشجویان دکتری مورد مطالعه، میزان عینیت مسائل و چالش های ۲۶ گانه مورد مطالعه در محیط علمی و آموزشی خود را در حد متوسط به بالا ارزیابی کرده اند. این موضوع نشان دهنده آن است که به رغم بسیاری از توفیق ها و موفقیت ها، نظام آموزش عالی ایران با مسائل و چالش های اساسی روبه روست و این مسائل، تأثیر زیادی بر عملکرد و اثر بخشی مجموعه دانشگاه و دانشگاهیان دارد- ضعف محیط علمی در درونی کردن هنجارهای دانشگاهی در دانشجویان، دارای هفتمین رتبه در بین مسائل ۲۶ گانه است. یافته های تحقیقات قاضی طباطبایی و مرجانی و داده‌یر و فاضلی نشان می دهند که در مورد کارایی فضای دانشگاهی ایران در ایجاد و پرورش هنجار دانشگاهی، ضعف آن و تبلور عینیت ضعیف آن در رفتار و گفتار دانشگاهیان وجود دارد (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۸۹). قانعی راد در پژوهشی تاثیر ساختار اجتماعی آموزش بر عملکرد دانشجویان را بررسی کرده آن نشان داده است که میزان تعامل دانشجویان با میزان یادگیری تعاملی و احساس خوداثر بخشی آنها ارتباط دارد (قانعی راد، ۱۳۸۹). ناتوانی دانشگاه ها و مراکز آموزشی و پژوهشی علمی کشور در اجتماعی کردن و انتقال ارزش ها و هنجارهای خویش به دانشجویان و اساتید و پژوهشگران را می توان ناشی از فقر فضای ارتباطی در این محیط های علمی دانست. (قانعی راد و قاضی پور، ۱۳۸۱).

فرآیند جامعه پذیری دانشجویانی که در این فضا پرورش می یابند، تحت تاثیر چنین محیط علمی قرار می گیرد و آنها بر این اساس، بدن خود را مدیریت می کنند. می توان ادعا کرد که این تاثیر گذاری در زمان ها و محیط های مختلف متفاوت بوده است. « بدن ها از طریق ساختارهای اجتماعی و در طی فرآیند جامعه پذیری شکل می گیرند؛ به عبارت دیگر، جامعه پذیری فرآیندی اساسی است که به کودکان یاد می دهد چگونه فردی پذیرفتنی برای اجتماع خود باشند و همان طور که والدین چگونگی استفاده از قاشق و چنگال را به کودکان یاد می دهند، ساختارهای اجتماعی نیز در قالب نهادهایی چون: خانواده، آموزش و پرورش، محل کار و رسانه های جمعی به شیوه های خاصی، بدن را در زمان ها و مکان های مختلف تولید می کنند» (Elliot, 2010: 105). مطالعه کارن و جری (۲۰۰۸) نشان می دهد زنانی که ظاهر خود را بیشتر مورد ارزیابی قرار می دهند، عزت نفس کمتری دارند و بیشتر تحت تاثیر فشارهای لاغری هستند. نتایج پژوهش آنها گویای این بود که زنان با سرمایه گذاری بالا بر تصویر بدن، به تصاویر لاغر شده از رسانه ها بیشتر توجه دارند و به آنها پاسخ می دهند.

همچنین مطالعه تیلکا^۱ (۲۰۱۱) حاکی از آن است که نارضایتی عضلانی و نارضایتی از وزن بدن، دو مولفه ای هستند که مردان را به رفتارهای مدیریت بدن ترغیب می کنند.

در عصر کنونی، زندگی روزمره به موضوع انتخاب شخصی تبدیل شده است؛ بدین معنا که مردم می توانند کاری را انجام دهند که می خواهند و می توانند چیزی بشوند که خود خواستار آن هستند- رویه ای که حاکی از فردی شدن است. امروزه، مردم به طور فزاینده ای بر مبنای علایق و منافع فردی دست به کنش می زنند (گیبیز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۱۰) و بدن نیز در این جریان فردی شدن، اختصاصی تر می شود و هرکس سعی می کند بدن خویش را مدیریت کند. جذابیت جسمانی از جمله موضوعاتی است که در دوران مدرن، استانداردهای جدیدی پیدا کرده و از عوامل شکل دهنده روابط افراد محسوب می شود؛ به طوری که «مدیریت بدن در دوران مدرن اهمیت بیشتری پیدا کرده است و رفتارهای گوناگون بهداشتی نظیر بدن سازی، رژیم های غذایی، تجهیزات ورزشی و آرایشی مختلف برای مراقبت از بدن پدیدار شده است». (فاضلی ۱۳۸۲: ۱۴۹ و ۱۵۰) به نظر می رسد همراه با تحولات جهانی شدن، بیش از حد به مسئله بدن توجه شده است که پاره ای از عوامل آن به قرار زیرند: سیاسی کردن بدن توسط فمینیست ها، عوامل جمعیت شناختی، رشد فرهنگ مصرفی، پیدایش تکنولوژی های جدید و حرکت به سوی مدرنیته (اباذری و حمیدی ۱۳۸۷: ۱۳۱ و ۱۳۲).

در چند دهه اخیر، در ایران نیز تناسب اندام به عنوان معیار زیبایی اندام مورد توجه قرار گرفته است و اقدام برای رعایت رژیم غذایی لاغری جهت دستیابی به تناسب اندام به دغدغه افراد زیادی تبدیل شده است. دختران و پسران جوان در طلب رسیدن به وزن ایده آل، خود را در معرض رژیم های سخت غذایی قرار می دهند و در واقع خود را در حساس ترین شرایط رشد بدنی از شرایط تغذیه سالم و متعادل محروم می سازند (احمدنیا، ۱۳۸۵: ۲۵). هرچند که به عنوان مثال، توجه به زیبایی به عنوان یکی از شاخص های مدیریت بدن باتوجه به آمار جهانی قابل ملاحظه است:

تحلیل گران موسسه «گلدمن ساچس»^۲ برآورد کرده اند که صنعت زیبایی در جهان، سالانه هفت درصد رشد داشته است، یعنی بیش از دو برابر نرخ تولید ناخالص داخلی^۳ کشورهای توسعه یافته. در میان این صنایع، محصولات و خدمات ویژه مراقبت از مو، ۳۸ میلیارد دلار؛ محصولات و خدمات ویژه پوست، ۲۴ میلیارد دلار؛ لوازم آرایش، ۱۸ میلیارد دلار و عطر، ۱۵ میلیارد دلار را در سال ۲۰۰۳ به خود اختصاص داده است. این رشد، ناشی از افزایش درآمد شهروندان غربی و رشد طبقات متوسط در کشورهای در حال توسعه است (شهابی، ۱۳۸۹). در ایران نیز از سال ۱۳۸۴ تاکنون علیرغم اجرای طرح هایی همچون طرح ارتقای امنیت اجتماعی بویژه در خصوص مبارزه با بدحجابی و بدپوششی در شهرهای بزرگ کشور، تغییری ایجاد نشده است. براساس آمار موجود، بازار محصولات و خدمات ظاهرآرایی نیز از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ روند رو به رشدی را نشان می دهد. (شهابی: ۱۳۸۹، ۶۹).

طبق آمار و ارقام، هرساله هزاران نفر وارد دانشگاه های مختلف کشور می شوند و مدیریت جامعه در طی سالیان دانشجویی، سرمایه گذاری زیادی برای آنها می کند تا به اهداف خود در انتقال ارزش ها و هنجارها دست یابد که البته بسیاری از ارزش ها و هنجارها نیز ناخواسته به دانشجوی منتقل می شوند که کارکرد پنهان دانشگاه می باشد. پژوهش های دیگر نشان داده اند که نظام در عمل برای جامعه پذیر کردن اعضای خود نتوانسته موفق باشد، زیرا اثرات آن بر جنبه های مختلف سبک زندگی - و مدیریت بدن به عنوان یکی از شاخص های سبک زندگی - دانشجویان این ضعف را نشان می دهد؛ به طوری که دانشجویان بعد از ورود به

1. tylka

2. Goldman Sachs

3. GDP

دانشگاه، تحت تاثیر محیط قرار می گیرند و به گونه ای متفاوت، هنجارها و ضد هنجارها را برای خود درونی می کنند و با انتخاب الگوی خاصی برای رژیم غذایی، نحوه پوشش، ورزش، آرایش و انجام جراحی های زیبایی تاثیر پذیری خود را اعلام می دارند. این جا این سوال مطرح می شود که آیا ارزش ها و هنجارهای علمی به دانشجویان انتقال یافته است؟ و در صورت انتقال آیا دانشجویان توانسته اند الگوی صحیحی از مدیریت بدن را برای خود انتخاب کنند؟ این انتقال در مدیریت بدن دانشجویان چگونه نمود پیدا می کند؟ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر جامعه پذیری علمی بر مدیریت بدن دانشجویان صورت گرفته است.

مبانی و چارچوب نظری تحقیق

هر یک از تئوری های مطرح شده درباره جامعه پذیری علمی و مدیریت بدن، به تنهایی نمی توانند پاسخگوی سوالات پژوهش حاضر باشند و تنها یک بعد قضیه را می سنجند. بنابراین، در ابتدا خلاصه ای از نظریه های مرتبط مطرح و سپس چارچوب نظری ارائه می شود.

الف) نظریه های حوزه جامعه پذیری علمی

فرآیندهای جامعه پذیری، باورها، ارزش ها و هنجارهای فرهنگی را به تازه واردان منتقل می کنند. جامعه پذیری علمی فرآیندی است که طی آن افراد دانش ها، بینش ها، باورها، ارزش ها، الگوها و معیارهای فرهنگی خاص محیط علمی را طی کنش و واکنش هایی با نهادهای رسمی و غیر رسمی کسب جزو شخصیت خود می کنند. در نتیجه می توانند کما بیش به عنوان افرادی موثر در جامعه خویش ایفای نقش کنند (ویدمن، ۲۰۰۸). در رابطه دانشجو با محتوا از طریق تعامل با کارگزاران جامعه پذیری، افرادی پرورش می یابند که نسبت به ارزش ها، نظریات و فنون ویژه علم مقید است. بدین ترتیب در دنیای دانش، جامعه و فرهنگ یا اجتماع علمی و الگوهای شناختی از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. فرآیندهای جامعه پذیری پیوستگی بین تعاملات اجتماعی و تکوین یا انتقال محتوای شناختی را برقرار می کنند. (قانع راد و حسین ابراهیم آبادی، ۱۳۸۹)

رزنیک برای معیارها و اصول اخلاقی علم، دوازده اصل را توضیح می دهد که در صورت رعایت آنان از سوی فرد دانش پذیر می توان ادعا کرد که وی در جریان فرآیند جامعه پذیری علمی تا حد زیادی موفق به کسب هنجارها و ارزش هایی علمی شده است: درستکاری، دقت، آزادی، بلندنظری، اعتبار، تعلیم، مسئولیت پذیری اجتماعی، قانون مداری، فرصت، احترام متقابل، کارایی، احترام و رعایت حقوق آزمودنی ها Resnik (1998) (DB). به نقل از و دادیهیر، ۱۳۸۷). از نظر بورویو، ارزش علم و اهمیت کنش علمی از طریق فرآیند جامعه پذیری به فرد انتقال می یابد و به گونه ای، فعالیت علمی را «کنش متقابل» خوانده است. هاگستروم معتقد است جامعه پذیری در علم نقش زیادی دارد و به پرورش افراد متعهد به ارزش های اساسی علم می انجامد. دانشمندان بدون ارتباط با همکاران خود، یعنی بدون کنترل اجتماعی، ممکن است در مقابل اهداف و معیارهای غیر دانشمندان تسلیم شوند. آموزش علمی، دانشمندان متعهد را پرورش می دهد و آنها را به فنون و نظریات خاصی مقید می کند. جامعه پذیری دانشمندان با عمل مبادله ای آنان تقویت و تکمیل می گردد. در این فرایند، دانشمندان اطلاعات را به صورت مقالات و ایده های خود به اجتماع علمی عرضه می کنند و در عوض مورد شناسایی قرار می گیرند. (قانع راد، ۱۳۸۵: ۲۶).

ب) نظریه هایی در حوزه جامعه شناسی بدن به ویژه مدیریت بدن

هر نوع نظارت و دستکاری مستمر در ویژگی های ظاهری و آشکار بدن که در قالب رویه های آرایشی و اعمال جراحی انجام می پذیرد، مدیریت بدن گفته می شود (حسن چاوشیان، ۱۳۸۷). بدن یک عنصر از فرهنگی است که جنبه درونی و خودمانی پیدا کرده است. در اندیشه انسانی در رویکرد دینی در غالب ادیان

و دستورات وحی الهی بدن به عنوان یک جسم کالبدی و مادی در نظر گرفته شده است. در رویکرد فلسفی، بدن را باید در تقابل دوئالیسم دکارتی بنام ذهن و بدن مورد تأمل قرار داد. در رویکرد روانشناختی باید به معیارهای عقلی و ذهن فردی در بدن توجه کرد. در رویکرد فمینیستی به تقابل میان بدن مردانه و زنانه توجه شده است. فمینیست های نسل اول در قالب مباحث پدر سالاری به بدن زن اشاره می کنند. نسل دوم این دیدگاه، رویکرد جدیدی نسبت به بدن زن نداشته اند. نسل سوم فمینیست ها که از دیدگاه پست مدرن بدن زن را به عنوان امری ثابت غیر تاریخی تحت جنبه زیستی دو جنس بررسی کرده اند (Fedtherston:1991,172). در واقع امروزه، خرید کالا مصرفی نشانگر هویت فردی و اجتماعی است افراد برای اثبات اینکه به طبقه ای خاص تعلق دارند تحت عنوان مد از پوشش، آرایش، شکل دادن و آرایش، بدن خود را تنظیم می کنند. امروزه در رسانه های جمعی از زنان و مردانی استفاده می شود که بدن های خاص دارند، مردان بلند تر، ورزشکارتر و عضلانی تر هستند؛ جوانانی که زیبایی و نشاط خود را مدیون مصرف کالاهای بهداشتی و پزشکی معرفی می کنند. زنانی که کالاهای تجاری را تبلیغ می کنند، اغلب لاغر اندام، ظریف با پوست های شاداب هستند که به عنوان افرادی شاد و موفق شناسانده می شوند. در واقع، تبلیغات در جامعه مصرفی از طریق ارائه ابزار های گوناگون چون وسایل آرایش جراحی های زیبایی، کلاس های ورزشی و زیبایی اندام، وسایل لاغری و... بیانگر خدماتی هستند که در اختیار کسانی قرار می گیرند که بخواهند بدنی زیبا داشته باشند.

ترنر بیان می کند که اولاً، بدن مجموعه ای از اعمال اجتماعی است؛ ثانیاً، بدن به عنوان نظامی از نشانه ها مفهوم پردازی شده است که به عنوان حامل معانی و نمادهای اجتماعی تلقی می شود (Turner,1996:26). از نظر بوردیو، بدن به عنوان شکل جامعی از سرمایه فیزیکی، در بردارنده منزلت اجتماعی و اشکال نمادین متمایز است. تبدیل سرمایه فیزیکی در واقع به معنای ترجمه و تفسیر حضور بدنی بر حسب اشکال گوناگون سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در میدان کار، فراغت و... می باشد (Shilling,1993:127) بوردیو، با استفاده از مفهوم «سرمایه فیزیکی» ارتباط ویژگی های جسمانی را با دیگر صورت های سرمایه تشریح می کند. تولید «سرمایه فیزیکی» در گرو توسعه بدن است که طی آن، بدن حامل ارزش در زمینه های اجتماعی می شود (Shilling,2007, 128). بدن یک «ماهیت ناتمام» حامل «ارزش های نمادین» است و گسترش آن برای نگهداشت نابرابری های اجتماعی ضروری می باشد. (ibid. 127) بوردیو با در نظر گرفتن بدن به عنوان یک سرمایه فیزیکی، هویت های افراد را با ارزش های اجتماعی منطبق با اندازه، شکل و ظاهر بدنی مرتبط می سازد (Ibid: 14). بوردیو هدف مدیریت بدن را اکتساب منزلت تمایز و پایگاه و بدن را حامل نمادین هنجارهای اجتماعی می داند. گیدنز معتقد است که کاهش وابستگی جامعه به مذهب و افزایش وابستگی آن به علم، سبب دستکاری فیزیولوژی بدن شده است. هم زمان با سست شدن مبانی دینی و هویت اجتماعی، بدن، جایگاه و اهمیت بیشتری در هویت سازی افراد پیدا می کند (گیدنز، ۱۳۸۵).

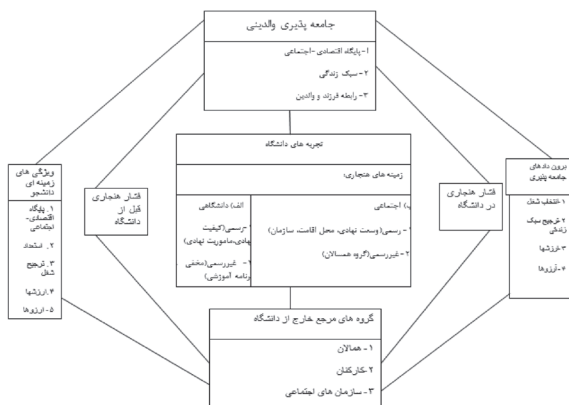
رویکرد پساساختارگرایانه، بدن را به عنوان زبان و یک عامل اساسی تلقی می کند. از منظر جامعه شناسانه قدر مسلم آن است که نوع کنترل و نظارتی که بر بدن اعمال می شود، نظمی را دنبال می کند که جامعه در پی آن است. در اندیشه فوکو، بدن به ذات خود می تواند دارای تاریخ باشد. وی بر این عقیده است که بدن را به مثابه محصولی اجتماعی و تاریخی باید دانست. فوکو در بحث تبار شناسی خود تحت تأثیر اندیشه نیچه قرار داشته و در این نظام، بدن و نیروهای آن و نیز فایده مندی و مطیع بودن آن را هدف اصلی دانسته است (اسمارت ۱۳۸۶: ۶۵). از جنبه دیگر، بیشتر آثار فوکو جنبه تحلیلی و تاریخی دارد. فوکو پذیرفته که انسان به صورت یک زندان به کنترل بدن خود می پردازد. در اندیشه داگلاس، بدن یک روایت اجتماعی به خود می گیرد. وی بر این عقیده است که بدن و تصور اجتماعی با تأثیر از دیگران شکل می گیرد. از سوی دیگر، بدن به مثابه پدیده های اجتماعی و فرهنگی، در جامعه ای که فرد در آن رشد می کند از همان دوران کودکی

شکل می گیرد. اجتماعی شدن در جامعه، یادگیری فرهنگ یک جامعه را به ما می آموزد که طی آن اعضای مختلف بدن دارای ارزش های یکسان و مساوی نمی باشد، در واقع از بُعد اندیشه دورکیمی باید بدن را یک واقعیت اجتماعی در زندگی روزمره تلقی نمود. پوشاک و وسایل زینتی برای بدن انسان، ابزاری برای تعامل و ارتباط متقابل و انتقال اطلاعات به دیگران تلقی می گردد. در واقع در عصر حاضر، تغییرات بدنی ناشی از گسترش فرهنگ زیبایی است که تحت تأثیر دنیای مدرنیته قرار گرفته است.

به اعتقاد گیدنز، امروزه بدن و خود، در قلمرو بازتولید به یکدیگر پیوند خورده اند و باز تولید هم برای تداوم اجتماعی و هم برای زیست شناسی گونه ها به کار می رود؛ به طوری که امکانات تصمیم گیری در زمینه تکنولوژی های باروری و تولید مثل یا گزینه هایی که احتمالاً به زودی پدید خواهد آمد، نمونه شاخصی از امکانات و مسائل مرتبط با سیاست زندگی به دست می دهد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۰۸). اروینگ گافمن، خود اجتماعی یا همان هویت اجتماعی در زندگی روزمره و در مفهوم مدیریت تأثیرگذاری بر اجرای نقش و نظارت بر بدن اشاره می کند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۹۶). برایان ترنر، با توجه به ویژگی های جامعه مدرن و روبه توسعه به سمت حوزه جامعه شناسی بدن گرایش پیدا کرده و معتقد است که چنین تفاوتی در بینش و رفتار انسانی در جهت دادن به اندیشه های اندیشمندان علوم اجتماعی باعث شده که بدن را به مثابه امری اجتماعی و فرهنگی در زندگی روزمره در نظر باید گرفت (Turner, 1996: 26). تبیین تئوریک هر پدیده اجتماعی نیازمند دستیابی به یک چارچوب نظری مناسب است. بنابراین برای تهیه چارچوب نظری پژوهش، باید به دنبال نظریه ای جامع ترگشت که ابعاد دوحوزه جامعه پذیری علمی و مدیریت بدن را تبیین نماید. با توجه به مطالعات و بررسی های صورت گرفته، تنها ویدمن - برطبق آثار و مدل نظری وی - به رابطه جامعه پذیری علمی و سبک زندگی که یکی از شاخص های آن مدیریت بدن می باشد، پرداخته است.

طبق دیدگاه ویدمن، جامعه پذیری فرآیندی ناآگاهانه در نظر گرفته می شود که به وسیله آن اشخاص استانداردها و هنجارهای رفتاری را درونی می کنند و به احساس هویت و تعهد برای رشته حرفه ای شکل می دهند. بنابراین با تلفیق این نظریات به ویژه مدل ویدمن می توان گفت که آنچه از فرآیند جامعه پذیری علمی حاصل می شود در زندگی دانشجویان تأثیرگذار است و نقش مهمی در نهادینه شدن رفتارها و ارزش های دانشگاه به عنوان عالی ترین سمبل علمی هر کشور ایفا می کند. سبک زندگی - و مدیریت بدن به عنوان یکی از شاخص های آن - دانشجویان پس از ورود به دانشگاه معمولاً با تغییراتی همراه است که با توجه به مباحث یاد شده و مدل نظری ویدمن الگو قرار گرفته است:

مدل مفهوم سازی جامعه پذیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی. (Weidman, J. c, Twale, D. J, Stein. E. L, 2001)



در شکل ویدمن، کانون تمرکز بر روی یکی از متغیرهای برون داد است. متغیر سبک زندگی (سمت راست شکل) خود دارای مولفه هایی است که از جمله مهمترین آن می توان به مدیریت بدن اشاره کرد. بنابراین، این عامل نیز محصول جامعه پذیری است و درون گروه آموزشی (مربع مرکزی در مدل ویدمن) و فرآیند جامعه پذیری در تجربه های دانشگاهی به دو صورت در دانشگاه و در اجتماع شکل گیرد- که در هر دوی آنها به صورت رسمی و غیر رسمی است.

در این مدل، ویژگی زمینه ای دانشجو شامل پایگاه اقتصادی- اجتماعی، استعداد، ترجیح شغلی، آرزوها و ارزش ها می باشد. علاوه بر عوامل زمینه ای، عواملی که در شکل گیری جامعه پذیری موثرند در گروه های مختلفی طبقه بندی شده اند؛ از جمله: جامعه پذیری والدینی که از طریق سه شاخص ۱- پایگاه اقتصادی- اجتماعی ۲- سبک زندگی ۳- رابطه فرزند و والدین صورت می پذیرد. گروه های مرجع خارج از دانشگاه که شامل ۱- همسالان ۲- همکاران ۳- سازمان های اجتماعی می شود. دانشجو با داشتن ویژگی هایی اکتسابی یا انتسابی که به طور آگاهانه یا ناآگاهانه از این عوامل کسب کرده، در محیط علمی قرار می گیرد و در این محیط نیز با توجه به مهمترین ویژگی آن یعنی یادگیری، متأثر می شود. تجربه های دانشگاهی فرد در قالب زمینه های هنجاری به دو بخش تقسیم شده است:

الف) دانشگاهی ۱- رسمی (کیفیت نهادی، ماموریت نهادی) ۲- غیررسمی (مخفی، برنامه آموزشی)

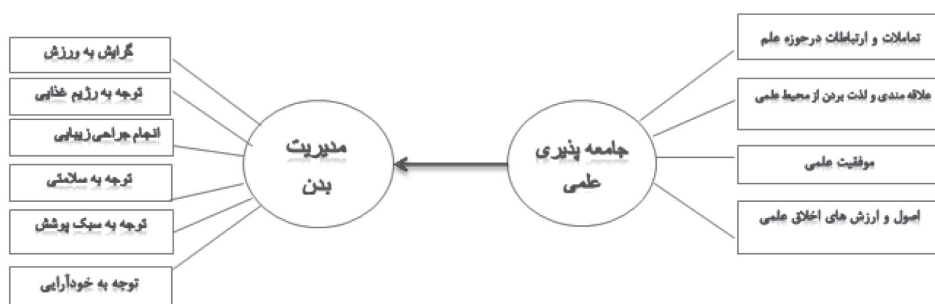
ب) اجتماعی ۱- رسمی (وسعت نهادی، محل اقامت، سازمان) ۲- غیررسمی (گروه همسالان).

از زمان ورود به دانشگاه طی فرآیندی موسوم به جامعه پذیری علمی، تغییراتی در فرد دانشجو ایجاد می شود که منتج به یک خروجی می شود و بر طبق مدل ویدمن می توان آن را در قالب برون داد های جامعه پذیری در چهار گروه قرار داد: ۱- انتخاب شغل ۲- اولویت سبک زندگی ۳- آرزوها ۴- ارزش ها. همان طور که در این مدل نشان داده شد، یکی از برون دادهای جامعه پذیری علمی سبک زندگی است که جامعه پذیری علمی بر سبک زندگی تاثیر می گذارد و از جمله مولفه های مهم سبک زندگی می توان به مدیریت بدن اشاره کرد. بنابراین فردی که وارد این فرآیند می شود، خودآگاه یا ناخودآگاه تاثیراتی از این فضای علمی می گیرد که از جمله تاثیر اولیه آن توجه به مدیریت بدن است؛ به طوری که دانشجو برای فردیت خود ارزش خاصی قایل می شود و برای آن هزینه می کند، چرا که طی فرآیند جامعه پذیری در دانشگاه افراد به طور مستقیم و غیر مستقیم یاد می گیرند که به ارزش بدن به عنوان عنصر پایه ای برای رشد بیشتر، به طور آگاهانه توجه ویژه ای نشان دهند. آنها سعی می کنند با توجه و صرف هزینه های بیشتر برای رژیم غذایی، ورزش، نوع پوشش و سلامتی خود، بدنشان را به عنوان یکی از شاخص های سبک زندگی در چارچوب رضایت از زیبایی و سلامت، مدیریت کنند.

مدل تحلیلی پژوهش

بر مبنای چارچوب نظری که ارائه شد، مدل تحلیلی مقاله حاضر چنین ترسیم شده است.

همانطور که در مدل زیر نمایان است، دو متغیر اصلی جامعه پذیری علمی و مدیریت بدن با شاخص هایی تعریف شده اند. همچنین و متغیر جامعه پذیری علمی به عنوان متغیر مستقل و مدیریت بدن به عنوان متغیر وابسته مورد سنجش قرار گرفته است.



بدین ترتیب، مهمترین فرضیه های پژوهش به شرح زیر می باشند:

۱. جامعه پذیری علمی دانشجویان بر توجه به سبک پوشش آنها اثر معناداری دارد.
۲. جامعه پذیری علمی دانشجویان بر گرایش به ورزش آنها اثر معناداری دارد.
۳. جامعه پذیری علمی دانشجویان بر توجه به رژیم غذایی آنها اثر معناداری دارد.
۴. جامعه پذیری علمی دانشجویان بر توجه به سلامتی آنها اثر معناداری دارد.
۵. جامعه پذیری علمی دانشجویان بر توجه به خودآرایی آنها اثر معناداری دارد.
۶. جامعه پذیری علمی دانشجویان بر گرایش به انجام جراحی زیبایی آنها اثر منفی معنادار دارد.
۷. جامعه پذیری علمی دانشجویان بر مدیریت بدن آنها اثر معنادار دارد.

روش شناسی پژوهش

مهمترین مفاهیم مطرح در این پژوهش، دو مفهوم جامعه پذیری علمی و مدیریت بدن است که به تعریف عملیاتی این دو مفهوم می پردازیم:

جامعه پذیری علمی

در این پژوهش به منظور رسیدن به تحلیل جامعی از جامعه پذیری علمی، از ۴ متغیر استفاده شده که به یک شاخص تجمعی تبدیل گردیده است:

- ۱- تعاملات و ارتباطات در حوزه علم که در سه سطح با الف: با دانشجویان، ب: با اساتید و ج: با دانشکده سنجیده می شود.
- ۲- موفقیت علمی که با سه متغیر نوآوری و تولید علمی، خود اثربخشی و پویایی علمی سنجیده می شود.
- ۳- ارزش های و اصول اخلاق علمی (۱۲ اصل رزنیک).
- ۴- علاقه مندی و لذت بردن از محیط علمی.

مدیریت بدن

در این پژوهش به منظور رسیدن به تحلیل جامعی از مدیریت بدن، از ۶ متغیر استفاده شده که به یک شاخص تجمعی تبدیل گردیده است: ۱- توجه به سلامتی؛ ۲- توجه به رژیم غذایی؛ ۳- گرایش به ورزش؛ ۴- مراقبت بهداشتی و آرایشی؛ ۵- سبک پوشش؛ ۶- انجام جراحی زیبایی.

با توجه به موضوع پژوهش و ویژگی ها و پیچیدگی مربوط به آن، جامعه پذیری امری است پویا و متأثر از شرایط و عناصر گوناگون اجتماعی که به همراه تغییر و تحولات در رویکرد و نگرش فردی حاصل می گردد و در زمان و مکان های متفاوت، متغیر است. انتخاب دانشجویان تحصیلات تکمیلی در این پژوهش به این دلیل است که جامعه پذیری علمی اگر چه فرآیندی است که با ورود به دانشگاه آغاز می شود و دوره کاردانی

و کارشناسی از مراحل اولیه آن است، اما دوره تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) را می توان مراحل کامل تری از جامعه پذیری علمی دانست که از بالندگی بیشتری برخوردار است. توضیح بیشتر آن که با تحصیل در دوره تحصیلات تکمیلی، ویژگی رفتاری و علمی دانشجویان از پختگی بیشتری برخوردار می گردد و از احساسات و هیجانات زود گذر و هیجانی فاصله بیشتری می گیرد. جامعه مورد بررسی این پژوهش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران می باشند.

روش انجام این پژوهش، نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای و تصادفی ساده می باشد؛ به این صورت که آزمودنی ها از میان چهار گروه آموزشی دانشگاه تهران، علوم انسانی و هنر، علوم پزشکی، فنی و مهندسی، علوم پایه تعیین و بر اساس نمونه گیری تصادفی انتخاب و از میان دانشکده های مرتبط با هر کدام از گروه های آموزشی - برای مثال، علوم پزشکی (دانشکده های بهداشت، پزشکی و پرستاری و مامایی)، گروه آموزشی علوم انسانی (دانشکده های ادبیات، زبان های خارجه و حقوق)، علوم پایه (دانشکده های شیمی، زیست شناسی و دانشکده ریاضی، آمار و علوم کامپیوتر) و گروه آموزشی فنی و مهندسی (دانشکده های مهندسی برق و کامپیوتر، مهندسی معدن و مهندسی صنایع) - بر اساس نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. سپس پرسشنامه ها در میان دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری به تناسب تعداد و متغیر جنسیت (زن و مرد) توزیع گردید. با استفاده از فرمول کوکران حجم کل نمونه آماری برابر ۳۵۶ می باشد.

در این پژوهش از روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. برای جمع آوری اطلاعات و مباحث نظری و پژوهش های قبلی انجام شده در این زمینه علاوه بر کتاب ها، پایان نامه ها و نشریات منتشر شده در این باب از اینترنت جهت جستجوی منابع مرتبط با این پژوهش به شیوه فیش برداری و تحلیل محتوا استفاده شده است.

از آنجا که موضوع مورد بررسی، دارای ابعاد پیچیده ای بود و استفاده صرف از تکنیک های پرسشنامه و فیش برداری با احتمال خطای بیشتری روبه رو بود، از شیوه مصاحبه نیز به منظور مشاهده حالت های گوناگون پاسخگویان در حین پاسخ به سوالات و بررسی این پاسخ ها و آگاهی به نقطه نظرات اساتید و دانشجویان آنها استفاده گردید. در روش اسنادی از تکنیک فیش برداری و تحلیل محتوا و در روش پیمایش از تکنیک پرسشنامه استفاده شد. در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته مورد نقد و بررسی متخصصان و اساتید قرار گرفت و پس از اعمال نظرات کارشناسانه آنها، ابتدا ۳۰ پرسشنامه میان افراد جامعه مورد نظر برای سنجش میزان آلفای کرونباخ پخش شد و پس از محاسبه میزان آلفای کرونباخ، حدود ۳۶۰ پرسشنامه میان افراد جامعه مورد نظر توزیع گردید.

جدول ۱: ضریب آلفای گویه های مربوط به هر یک از متغیرها

گویه ها	تعداد و ارتباطات در حوزه علم	علاقه مندی و لذت بردن از محیط علمی	موفقیت علمی	اصول و ارزش های اخلاق علمی	گرایش به ورزش غذایی	رفتار به سلامتی	گرایش به انجام امور زیبایی	رفتار به سبک زندگی	رفتار به یادگیری
ضریب آلفای کرونباخ	۰/۷۸۶	۰/۸۷۵	۰/۷۷۷	۰/۹۳۷	-	۰/۸۴۶	۰/۷۹۶	-	۰/۸۵۹
تعداد گویه ها	۹	۶	۱۰	۲۴	۱	۴	۱۲	۱	۶

یافته های پژوهشی

الف) یافته های توصیفی

پس از ورود و تجزیه و تحلیل داده های خام نتایجی به دست آمد که به طور خلاصه در این قسمت مرور می شود.

بیشتر پاسخگویان در رشته علوم انسانی تحصیل می کردند و ۳۷/۶ درصد از پاسخگویان را تشکیل می دادند. بعد از علوم انسانی، گروه آموزشی فنی و مهندسی (۲۴/۳ درصد). و در مرتبه سوم، گروه آموزشی علوم پزشکی (۱۹/۳ درصد) و در نهایت، گروه آموزشی علوم پایه (۱۸/۸ درصد) قرار داشتند. از این میان، ۶۳/۵ درصد از پاسخگویان را مرد و ۳۶/۵ درصد را زن تشکیل می دادند. این نتیجه نشانگر این است که بیشتر دانشجویان تحصیلات تکمیلی را مردان تشکیل داده اند. بیشتر دانشجویان پاسخگو (۷۲/۴ درصد) مجرد بودند و ۲۷/۶ درصد را متاهلان تشکیل می دادند.

۶۸/۲ درصد از دانشجویان در مقطع کارشناسی ارشد و ۳۱/۸ درصد از دانشجویان در مقطع دکتری تحصیل می کردند. ۳۹/۵ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه دارای درآمد خیلی کم، ۴۴/۵ درصد درآمد کم، ۵ درصد درآمد متوسط ۸ درصد درآمد زیاد ۳ درصد درآمد در حد خیلی زیاد بودند. بنابراین درآمد بیشتر پاسخگویان در حد کم قرار داشت.

ب) یافته های استنباطی

با توجه به سطح متغیرها، هر فرضیه با آزمون آماری ویژه ای سنجیده شده است. نتیجه آزمون فرضیه ها به قرار زیر است:

- جامعه پذیری علمی بر سبک پوشش اثر معناداری دارد. بر خلاف آن چه در گذشته عرف بود، افرادی که به معنای امروزی جامعه پذیری بالاتری داشتند معمولاً به وضعیت ظاهری خود بخصوص سبک پوشش خود توجه اندکی داشتند، اما امروزه بنابر مشاهدات و به استناد همین پژوهش، شواهدی دال بر تغییر این رویه را می توان نظاره گر بود؛ چنان که دانشجویان با وجود جامعه پذیری بالاتر معمولاً به سبک پوشش خود توجه بیشتری دارند.

- جامعه پذیری علمی بر رژیم غذایی اثر معناداری دارد. افرادی که جامعه پذیری آنها در سطح بالاتری قرار دارد، به ارزش توجه به رژیم غذایی پی برده اند و برای آن توجه ویژه تری قایل اند.

- جامعه پذیری علمی بر توجه به سلامتی اثر معناداری دارد. دانشجویانی که روح علمی را در خود پروراندند، به درک این نکته نیز رسیده اند که روح سالم در بدن سالم است. بنابراین برای سلامتی خود ارزش بیشتری قایل هستند.

- جامعه پذیری علمی بر خودآرایی اثر معناداری دارد. رسیدگی به امور ظاهری و بخصوص اهمیت دادن به خودآرایی سر و صورت در دانشجویانی که جامعه پذیری بالاتری دارند بیشتر است.

- جامعه پذیری علمی بر انجام جراحی زیبایی اثر منفی معناداری دارد. برطبق یافته های مرتبط با این فرضیه، همبستگی منفی آنها تایید شد. بنابراین افرادی که جامعه پذیری بالاتری دارند، کمتر به انجام عمل جراحی زیبایی گرایش نشان می دهند.

- جامعه پذیری علمی بر گرایش به ورزش اثر معناداری دارد. این فرضیه رد شد؛ به این معنا که افرادی که جامعه پذیری علمی بالاتری دارند، کمتر به انجام ورزش گرایش دارند.

فرضیه اصلی اینکه جامعه پذیری علمی بر مدیریت بدن اثر معناداری دارد. با آزمون مولفه های مربوط به هریک از این دو متغیر به طور جداگانه و برقراری رابطه بین آنها نتیجه پژوهش نشان دهنده وجود رابطه بین

جامعه پذیری علمی و مدیریت بدن دانشجویان بود. همانطور که در بخش های قبلی شرح داده شد، در این پژوهش ۷ فرضیه با استفاده از آزمون های آماری در نرم افزار spss سنجیده شدند که در جدول زیر به طور خلاصه فرضیه ها، نوع آزمون، سطح معناداری و نتیجه آزمون که به صورت قبولی یا ردی نشان داده شده، نمایان است.

جدول ۲: آزمون فرضیه ها

ردیف	فرضیه	نوع آزمون	سطح معناداری	قبولی یا ردی
۱	جامعه پذیری علمی بر انجام جراحی زیبایی اثر منفی معناداری دارد	آزمون اسپیرمن	۰/۰۰۰	تایید
۲	جامعه پذیری علمی بر توجه به سبک پوشش اثر معنادار دارد	آزمون پیرسون	۰/۰۰۰	تایید
۳	جامعه پذیری علمی بر توجه به رژیم غذایی اثر معناداری دارد	آزمون پیرسون	۰/۰۰۵	تایید
۴	جامعه پذیری علمی بر توجه به سلامتی اثر معنادار دارد	آزمون پیرسون	۰/۰۰۰	تایید
۵	جامعه پذیری علمی بر توجه به خودآرایی اثر معناداری دارد	آزمون پیرسون	۰/۰۰۰	تایید
۶	جامعه پذیری علمی بر گرایش به ورزش اثر معناداری دارد	آزمون اسپیرمن	۰/۷۰۲	رد
۷	جامعه پذیری علمی بر مدیریت بدن اثر معنادار دارد	آزمون پیرسون	۰/۰۰۰	تایید

در این بخش، پس از آزمون فرضیه ها، از تحلیل رگرسیونی به منظور مشخص کردن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بدون لحاظ کردن تقدم و تأخر در بین آنها استفاده شد. متغیر مستقل جامعه پذیری علمی و متغیر وابسته مدیریت بدن می باشد که هر یک از این دو متغیر با شاخص هایی سنجیده شده اند.

جدول ۳: جدول مشخص کننده های کلی تحلیل رگرسیونی تأثیر تعاملات و ارتباطات درحوزه علم، علاقمندی و لذت بردن از محیط علمی، موفقیت علمی و رعایت اصول و ارزش های اخلاقی علمی بر جامعه پذیری علمی

مدل	شاخص آماری	ضریب همبستگی	R ^۲	۲تعدیل شده R	F	سطح معناداری
موفقیت علمی	۰/۶۱۳	۰/۳۷۵	۰/۳۷۳	۱۸۳/۹۸۹	۰/۰۰۰	
لذت بردن از محیط علمی	۰/۴۵۵	۰/۲۰۷	۰/۲۰۴	۷۹/۸۳۴	۰/۰۰۰	
رعایت اصول و ارزش های اخلاق علمی	۰/۵۲۷	۰/۲۷۸	۰/۲۷۶	۱۳۶/۶۵۸	۰/۰۰۰	
تعاملات و ارتباطات درحوزه علم	۰/۴۲۶	۰/۱۸۲	۰/۱۷۹	۷۹/۶۰۶	۰/۰۰۰	

جدول ۴: جدول ضریب رگرسیونی تعاملات و ارتباطات درحوزه علم، علاقمندی و لذت بردن از محیط علمی، موفقیت علمی و رعایت اصول و ارزش های اخلاق علمی بر جامعه پذیری علمی

مدل	شاخص آماری	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	T	سطح معناداری	بتای استاندارد
ضریب ثابت	۸۹/۲۱۹	۴/۹۵۰	۱۸/۰۲۴	۰/۰۰۰	-	۰/۶۱۳
موفقیت علمی	۲/۴۷۲	۰/۱۸۲	۱۳/۵۶۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۱۳
ضریب ثابت	۱۳/۷۷۱	۱/۴۶۳	۹/۴۱۱	۰/۰۰۰	-	۰/۴۵۵
لذت بردن از محیط علمی	۰/۵۸۴	۰/۰۶۵	۸/۹۳۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۵۵
ضریب ثابت	۶/۶۷۰	۱/۳۰۲	۵/۱۲۳	۰/۰۰۰	-	۰/۵۲۷
رعایت اصول و ارزش های اخلاق علمی	۰/۱۶۹	۰/۰۱۴	۱۱/۷۷۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۲۷
ضریب ثابت	۷۱/۴۸۴	۲/۱۶۴	۳۳/۰۴۰	۰/۰۰۰	-	۰/۴۲۶
تعاملات و ارتباطات درحوزه علم	۱/۱۶۶	۰/۱۳۱	۸/۹۲۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۲۶

جدول ۵: جدول مشخص کننده های کلی تحلیل رگرسیونی تاثیر توجه خودآرایی، گرایش به ورزش، توجه به رژیم غذایی، گرایش به جراحی زیبایی، توجه به سلامت و توجه به نوع پوشش بر مدیریت بدن

مدل	شاخص آماری	ضریب همبستگی	R ^۲	تعدیل شده R	F	سطح معناداری
توجه به سبک پوشش	۰/۸۰۹	۰/۶۵۵	۰/۶۵۴	۶۸۲/۹۳۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
توجه به خودآرایی	۰/۷۲۵	۰/۵۲۶	۰/۵۲۴	۳۹۸/۷۳۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
توجه به سلامتی	۰/۴۳۸	۰/۱۹۲	۰/۱۹۰	۸۵/۴۳۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
توجه به رژیم غذایی	۳۱۰	۰/۹۶۰	۰/۹۴۰	۳۸/۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

جدول ۶: جدول ضریب رگرسیونی تعاملات و ارتباطات درحوزه علم، علاقمندی و لذت بردن از محیط علمی، موفقیت علمی و رعایت اصول و ارزش های اخلاق علمی بر جامعه پذیری علمی

مدل	شاخص آماری	ضریب همبستگی	R ^۲	تعدیل شده R	F	سطح معناداری
توجه به سبک پوشش	۰/۸۰۹	۰/۶۵۵	۰/۶۵۴	۶۸۲/۹۳۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
توجه به خودآرایی	۰/۷۲۵	۰/۵۲۶	۰/۵۲۴	۳۹۸/۷۳۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
توجه به سلامتی	۰/۴۳۸	۰/۱۹۲	۰/۱۹۰	۸۵/۴۳۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
توجه به رژیم غذایی	۳۱۰	۰/۹۶۰	۰/۹۴۰	۳۸/۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

روش تحلیل مسیر، تعمیمی از رگرسیون معمولی است که علاوه بر بیان آثار مستقیم، آثار غیرمستقیم و اثر کل هر یک از متغیرهای مستقل را برای متغیرهای وابسته نشان می‌دهد و با بیان منطقی، روابط و همبستگی مشاهده شده بین آن‌ها را تفسیر می‌کند. با وارد کردن عوامل زمینه‌ای و متغیر مستقل جامعه‌پذیری علمی - با شاخص‌های تعاملات و ارتباطات در حوزه علم، علاقمندی و لذت بردن از محیط علمی، موفقیت علمی و اصول و ارزش‌های اخلاق علمی - و سنجش تأثیر آنها بر متغیرهای مدیریت بدن - توجه خودآرایی، گرایش به ورزش، توجه به رژیم غذایی، گرایش به جراحی زیبایی، توجه به سلامت و توجه به نوع پوشش - در معادله رگرسیون، مدل نهایی تحلیل مسیر بعد از انجام مراحل آن، به صورت زیر بدست آمده که درصد اثر مستقیم و غیر مستقیم هر یک از عوامل نیز در آن مشخص شده است. به طور کلی، این مدل بیانگر این است که متغیر جامعه‌پذیری علمی به میزان ۳/۳۹ درصد توانایی پیش‌بینی متغیر وابسته مدیریت بدن را داراست.



بحث و نتیجه‌گیری

فرآیند جامعه‌پذیری علمی در این پژوهش مبتنی به آموخته‌ها و اندوخته‌های دانشگاه بوده است که بخش اعظم آن از طریق ارتباطات و تعاملات فرد و نهاد دانشگاه حاصل می‌شود. فرض بر این است که این فرآیند به درک عمیق مهم‌ترین کمال مطلوب‌های اخلاقی بیانجامد که از فردی‌ترین تا اجتماعی‌ترین جنبه انسانی را در برگیرد. از جمله بعد فردی آن را می‌توان در توجه و نحوه مدیریت فرد از بدن خود مورد ارزیابی قرار داد. این در حالی است که در جوامع مدرن، نگاه به بدن و جسم انسان دگرگون شده است و بدنی که همواره و در همه دوران‌ها مورد نظارت و کنترل بوده، کانونی برای قدرت شده و به ابزاری تبدیل گردیده که فرد توسط آن هویت خویش را مطرح و نمایان می‌سازد. بدن، نحوه لباس پوشیدن و خودآرایی و ژست‌ها همگی نشان‌دهنده هویت افراد تلقی می‌شود. همان‌طور که «ترنر»، نه تنها بدن را مجموعه‌ای از اعمال اجتماعی می‌داند، بلکه آن را به عنوان نظامی از نشانه‌های مفهوم پردازی شده برمی‌شمارد که حامل معانی و نمادهای اجتماعی است. افرادی که وارد محیط دانشگاه می‌شوند، از بدو ورود تا انتهای دوره دانشجویی در معرض ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که بخشی از آنها آگاهانه یا ناآگاهانه درونی می‌شود و حتی فرد به ترویج آن نیز می‌پردازد. دانشجویان با قرار گرفتن در این محیط و از طریق ارتباطات و تعاملات با دیگر دانشجویان، اساتید و نهادهای موجود در دانشگاه، تغییراتی در وضع ظاهری، رژیم غذایی و توجه به ورزش ایجاد می‌کند. طبق این پژوهش صورت گرفته بر روی دانشجویان دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، جامعه‌پذیری علمی که در دانشگاه روی می‌دهد، بر نحوه مدیریت بدن دانشجویان اثر مستقیمی دارد. برای بررسی دقیق‌تر ابعاد جامعه‌پذیری علمی و مدیریت بدن و تاثیر عوامل به طور جداگانه فرضیات مورد ارزیابی و سنجش قرار

گرفتند.

بر اساس نظریه ویدمن که فرآیند جامعه پذیری علمی را فرآیندی پویا می داند، جامعه‌پذیری علمی به عنوان متغیر مستقل و حاصل جمع شاخص‌هایی مثل تعاملات و ارتباطات درحوزه علم، علاقمندی و لذت بردن از محیط علمی، موفقیت علمی و اصول و ارزش‌های اخلاق علمی (۱۲ اصل رزنیک) در نظر گرفته شد و با تک تک شاخص‌های سنجش مدیریت بدن آزموده شد. فرضیه پژوهشگر در آزمون‌های سنجش رابطه جامعه‌پذیری علمی با عدم گرایش به جراحی زیبایی، توجه خودآرایی، توجه به رژیم غذایی، گرایش به جراحی زیبایی، توجه به سلامت و توجه به نوع پوشش تایید شد و در مجموع می‌توان گفت مورد رابطه جامعه‌پذیری با گرایش به ورزش رد گردید. که بین جامعه‌پذیری علمی و مدیریت بدن رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی، با آزمون مولفه‌های مربوط به هریک از این دو متغیر به طور جداگانه و برقراری رابطه بین آنها، نتیجه پژوهش نشان‌دهنده وجود تاثیر جامعه‌پذیری علمی بر مدیریت بدن دانشجویان بود. البته باید توجه داشت که امروزه، در توجه به بدن از سوی افراد علمی و دانشگاهی تغییراتی زیادی روی داده است و برخلاف گذشته که چنین افرادی معمولاً به بعدی فردی از جمله مدیریت بدن خود توجه چندانی نداشتند، اینک نگاه به بدن تغییر یافته است؛ به طوری که افراد بدن خود را به نحو مطلوب تری نسبت به گذشته مدیریت می‌کنند. به تعبیر بوردیو، با در نظر گرفتن بدن به عنوان یک سرمایه فیزیکی، هویت‌های افراد با ارزش‌های اجتماعی منطبق با اندازه، شکل و ظاهر بدنی مرتبط شده و با هرچه مدرن‌تر شدن جوامع، روز به روز بر توجه به مدیریت بدن افزوده می‌گردد.

منابع

- اباذری، یوسف و نفیسه حمیدی (۱۳۸۷) "جامعه شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات". پژوهش زنان. دوره ۶، ش ۴.
- احمدنیا، شیرین (۱۳۸۵) "جامعه شناسی بدن و بدن زنان". فصلنامه زنان. ش ۵.
- اسمارت، بری (۱۳۸۶) میشل فوکو. لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان. تهران: اختران
- توسلی، افسانه و حبیبی، الهام (۱۳۸۹) "بررسی تاثیر فشارهای هنجاری بر مدیریت بدن زنان". فصلنامه جامعه شناسی معاصر دانشگاه علوم و تحقیقات. سال سوم، شماره اول.
- چاوشیان، حسن (۱۳۸۱) "بدن به مثابه رسانه هویت". مجله جامعه‌شناسی ایران. ش ۴.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. تهران: علمی
- دواس، دی‌ای (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ نایی. تهران: نشرنی. چاپ اول
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) روشهای پژوهش در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. جلد اول
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷) روشهای پژوهش در علوم اجتماعی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. جلد دوم
- شهابی محمود (۱۳۸۹) صنعت - فرهنگ ظاهرآرایی و زیباسازی بدن در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی. قم: صبح صادق
- قانع راد، محمدامین و ابراهیم آبادی حسین (۱۳۸۹) "تاثیر ساختار اجتماعی آموزش بر عملکرد دانشجویان". فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران. سال دوم، شماره ۴.
- قانع راد، محمد امین و قاضی پور (۱۳۸۱) "عوامل هنجاری و سازمانی موثر بر میزان بهره وری اعضای هیئت علمی". فصلنامه پژوهش فرهنگی. شماره ۴.
- قانع راد، محمدامین (۱۳۸۱) "شیوه جدید تولید دانش". مجله جامعه شناسی ایران. دوره چهارم، شماره ۳.
- قانع راد، محمدامین و مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۳) "پیمایش فهم عمومی از علم و فناوری: مطالعه موردی شهروندان تهرانی". فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست علم و فن آوری. سال سوم، شماره ۳.
- قانع راد، محمدامین (۱۳۸۳) ناهمزمانی دانش - روابط علم و نظام های اجتماعی اقتصادی در ایران. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور
- گیبینز، جان آر و بو ریمر (۱۳۸۱) سیاست پست مدرنیته. منصور انصاری. تهران: گام نو
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) تجدد و تخصص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ناصر موفقیان. تهران: نشر نی
- لطف آبادی، حسین (۱۳۷۸) روانشناسی رشد ۲ نوجوانی، جوانی، بزرگسالی. تهران: سمت
- محسنی تبریزی علیرضا و همکاران (۱۳۸۹) "تاثیر مسایل و چالشهای محیط علمی بر جامعه پذیری دانشگاهی" فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش علمی. ش ۵۵.
- ودادهیر، ابوعلی و همکاران (۱۳۸۷) "تأملی بر جامعه شناسی اخلاق در علم، فناوری مرتن و رزینک". فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. سال سوم، شماره های ۳ و ۴.
- Elliot, Anthony (2010) "Social Theory". Published By ROUYLEDGE. USA.

- Featherstone, M. (1991) **"Consumer Culture and Postmodernism"**. London Journal of Sociology, vol 85, No 9
- Karen I, & Jarry, J.L. (2008) **"Investment in body image for self-definition results in greater vulnerability to the thin media than does investment in appearance management"**. Body Image. 5. 59–69
- Shilling, Chris (1993) **"Body and Social Theory"**. London, Sage Publication
- Shilling, Chris. (2007) **The Body in Culture, Technology & Society**. London, Newbury Park and New Delhi. Sage Press. Theory, Culture & Society.
- Turner, B. S. (1996) **"The body and sociology (Exploration in social theory)"**. stage population : London.
- Tylka, T.L. (2011) **"Refinement of the tripartite influence model for men: Dual body image pathways to body change behaviors"**. Body Image, 8, 199–207
- Sissem, Priscilla, and Maria Heckert, Druann (2003) **"The stigmatization of women of size"**. GPS (The Great Plains Sociologist). Official Journal of the Great Plains Sociological Association USA.
- The Economist (2003) **Pots of promise: The beauty business**.
- Weidman and Elizabeth L. Stein (2003) **"Socialization of doctoral student to academic norms"**. Research in Higher Education, Vol. 44, No.
- Weidman, J. C. (2008) **Socialization in Higher Education**. University of Pittsburgh, USA, Chian National University, Taiwan, 20.
- Weidman, J. C. , D. J. Twale and E. I. Stein (2001) **"Socialization of Graduate and Professional Students in Higher Education-A Perilous Passage"**. ASHE-ERIC Higher Education Report. No. 28(3), Washington, DC: The George Washington University, School of Education and Human Development



شناسایی الگوهای جوانان و نوجوانان و عوامل زمینه ای موثر بر آن (مورد مطالعه: شهر شیراز)

نرگس عرب مقدم^۱

عباس گرگی^۲

بهنام جمشیدی^۳

راضیه شیخ الاسلامی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۳/۳۰

جوانان و نوجوانان در معرض الگوهای مختلفی قرار دارند که بررسی این الگوها، به شناسایی بهتر و دقیق تر وضعیت آنان کمک خواهد کرد. در این پژوهش پیمایشی، الگوهای انتخابی نوجوانان (۱۴-۱۸ سال) و جوانان (۱۹-۲۹ سال) دختر و پسر و نیز عوامل زمینه ای موثر بر آنها مورد بررسی قرار گرفت. در بین نظریه های روانشناسی، رویکرد یادگیری شناختی- اجتماعی بندورا تبیین قابل توجهی از روند الگوپذیری ارائه می دهد. جامعه آماری این پژوهش شامل نوجوانان و جوانان شهر شیراز بود. حجم نمونه، با استفاده از جدول لین، با سطح اطمینان ۹۵ درصد و پایایی ۳ درصد، ۸۹۵ نفر از جوانان و نوجوانان ۱۴-۲۹ سال برآورد گردید که افراد براساس نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. به منظور بررسی اولویت های الگوهای جوانان و نوجوانان، از پرسشنامه محقق ساخته با ۲۶ عنوان الگوهای داخلی و خارجی استفاده شد. پس از بازنگری پرسشنامه توسط اساتید دانشگاه و مشاور طرح، پرسشنامه در سطح شهر توزیع گردید.

براساس تحلیل عاملی، الگوها بر ۵ دسته تقسیم گردیدند که در مجموع ۶۰/۷۲ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین می کردند. نتایج نشان داد الگوهای انتخابی پاسخگویان به ترتیب عبارت اند از: اعضای خانواده؛

E-mail: narabmoghaddam@yahoo.com

۱. استادیار، پژوهش، جهاد دانشگاهی فارس (نویسنده مسئول)

۲. دکترای جامعه شناسی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

۳. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز

۴. دانشیار، روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز

الگوهای علمی- ادبی؛ دوستان- آشنایان؛ الگوهای اجتماعی و الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای. ضریب آلفای کرونباخ برای الگوهای اجتماعی ۰/۹۰، الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای ۰/۸۴، الگوهای علمی- ادبی ۰/۸۶، الگوهای خانوادگی ۰/۷۱ و الگوهای دوستان- آشنایان ۰/۴۹ می‌باشد. بر اساس نتایج، تفاوت‌هایی میان دو گروه سنی جوان و نوجوان و نیز جنسیت مشاهده گردید. عوامل زمینه ای سطح تحصیلات فرد، درآمد خانواده، وضعیت تاهل، منزلت شغلی پدر و تحصیلات مادر نیز برانتخاب نوع الگوها تأثیرگذار بودند.

واژگان کلیدی: الگوهای نوجوانان، الگوهای جوانان، الگوهای دختران، الگوهای پسران و عوامل زمینه‌ای

بیان مسئله

الگوها و الگوبرداری در هر جامعه ای به عنوان یک فرآیند مهم در جامعه پذیری مطرح است. از طریق این فرآیند، شخص در طول حیات خویش تمام یا قسمتی از عناصر اجتماعی - فرهنگی محیط خود را می گیرد، درونی می سازد و ساخت شخصیت خود را تحت تاثیر تجارب و عوامل اجتماعی معنی دار یگانه می سازد تا خود را با محیط تطبیق دهد. بندورا (۱۹۷۷) اصطلاح الگوبرداری را شامل یک دسته دگرگونی های رفتاری، شناختی و عاطفی می داند که از راه مشاهده یک یا چند الگو حاصل می شود. اهمیت نقش الگوهای مثبت در رشد هویت فردی، سلامت روانی و پیشرفت و ترقی در جنبه های مختلف زندگی را می توان در برخی از پژوهش ها یافت. از طرف دیگر، نقش الگوهای منفی در افزایش رفتارهای بزهکارانه و جرم و جنایت نیز از جمله موضوعاتی است که نظر بسیاری از صاحب نظران را به خود جلب کرده است.

افراد در مواجهه با الگوهای مختلف به یک اندازه متأثر نمی گردند، همه از یک الگو تبعیت نمی کنند و برخی الگوهای متناسب با ارزش های جامعه و برخی در تضاد با استانداردهای جامعه انتخاب می کنند. همچنین، فرایند الگوبرداری افراد با توجه به دوران های مختلف رشد، جنسیت، عوامل جمعیت شناختی و بسیاری عوامل دیگر متفاوت می باشد.

یکی از دوره های رشدی، دوره نوجوانی و جوانی است. الگوهای نوجوانان و جوانان به دلیل تغییرات سریع جامعه، بسیار پیچیده و متنوع شده است. به نظر می رسد جوان و نوجوان امروزی - چه دختر و چه پسر - برغم اینکه جامعه ما از الگوهای بسیار غنی بهره می برد، چنان در معرض بمباران الگوهای مختلف و اغلب نامتناسب با شئون فرهنگی و اجتماعی قرار دارد که انتخاب الگوی مناسب، خود به منبعی از تعارض و تردید بدل گردیده است. فرایند جهانی شدن، بسیاری از الگوهای فرهنگی ملی را نشانه رفته و نسل جدید را با الگوبرداری نوین مواجه ساخته است. گسترش وسایل ارتباط جمعی، ماهواره، اینترنت و ... همه و همه در ارائه الگوهای تازه به نسل جدید بسیار مؤثر بوده و نمودهای فرهنگی مدرن را در میان جوانان و نوجوانان بیشتر از هر دوره دیگر متجلی ساخته است.

با این حال با وجود اهمیت موضوع، اغلب اطلاعات ما در مورد الگوها تنها محدود به عده معدودی از جوانان و نوجوانان است که با انتخاب الگوهای نامتعارف و نامتداول، توجه منفی همگان را برمی انگیزند؛ به طوری که می توان گفت در مورد الگوهای انتخابی اغلب جوانان و نوجوانان کشور اطلاعات کمی در دسترس قرار دارد و بویژه پیرامون الگوهای جوانان و نوجوانان شهر شیراز اطلاعات بسیار محدودتر است. بنابر این در این مقاله در صدد شناخت الگوهای انتخابی جوانان و نوجوانان هستیم، زیرا دوره رشدی جوانی و نوجوانی، از دوره های حساس زندگی انسان محسوب می شوند. در این دوره است که افراد ورود به جامعه کلان را تجربه می کنند و شخصیت آنها از طریق الگوهایی که با آنان مواجه اند، در حال شکل گیری است. پرداختن به الگوهای این دوره های رشدی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا جامعه ایران جامعه جوانی است که درصد زیادی از جمعیت آن را جوانان و نوجوانان تشکیل می دهند و نوع رفتار و الگوهای آنان بیانگر میزان اهمیت و توجه به ارزش های جامعه است.

انتخاب الگوها علاوه بر اینکه تحت تاثیر دوره های رشدی جوانی و نوجوانی است و تفاوت های الگوهای جوانان و نوجوانان را توجیه می کند، می تواند تحت تاثیر جنسیت نیز باشد؛ بدین معنا که احتمال دارد الگوهای انتخابی دختران و پسران متفاوت باشند. با توجه به موارد فوق سوالی که در این مقاله مطرح است این است که دختران و پسران جوان نوجوان چه الگوهایی را انتخاب می کنند؟ آیا تفاوتی میان این دو رده سنی و نیز جنسیت آنان وجود دارد؟

پژوهش‌های محدود انجام شده در کشور ما و نیز تحقیقات خارج از کشور، نشان می‌دهد، عوامل متعددی می‌تواند بر انتخاب نوع الگوها تأثیر گذار باشد. آنچه در این مقاله مورد توجه قرار می‌گیرد عوامل زمینه ای است با این پیش فرض که بندورا معتقد است موقعیت اجتماعی و اقتصادی بر انتخاب الگوها تأثیر می‌گذارد. بنابر این سوال بعدی که به ذهن متبادر می‌گردد این است که آیا برخی عوامل زمینه ای همچون: تحصیلات فرد و خانواده، وضعیت تاهل و درآمد فرد یا خانواده بر انتخاب الگوهای جوانان و نوجوانان تأثیر گذار است یا نه؟ بدیهی است که شناخت تأثیر این عوامل ما را در جهت شناسایی الگوهای قشرهای مختلف کمک می‌کند. در مجموع، روشن نمودن این موضوع که چه شخصیت‌ها و چه الگوهایی تأثیر بیشتری بر جوانان و نوجوانان دارند و نیز شناخت عوامل موثر بر انتخاب نوع الگوها، از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد، چرا که به نوبه خود علاوه بر شناسایی بهتر و دقیق‌تر وضعیت نوجوانان و جوانان، می‌تواند نگرش‌ها، ارزش‌ها و حتی معیارهای جوانان را روشن نماید و عوامل موثر بر آن را نمایان سازد و در پیش بینی بهتر تحولات جامعه و افراد تأثیر گذار باشد.

کاربرد بسیار ارزشمند اینگونه تحقیقات نیز می‌تواند در بهبود وضعیت الگوهای رفتاری، تحصیلی، اجتماعی و ... جوانان و نوجوانان از طریق کمک به ارائه الگوهای مطلوب موثر باشد تا بدین وسیله، ارزش‌هایی که جامعه برای رسیدن به اهداف خود به آنها نیاز حیاتی دارد، در دراز مدت نهادینه شود. با توجه به اهمیت این موضوع، در این پژوهش تلاش گردید تا ضمن شناسایی الگوهای انتخابی نوجوانان و جوانان، عامل جنسیت و نیز برخی از عوامل زمینه‌ای همچون وضعیت تاهل، شاغل بودن، تحصیلات فرد، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر و درآمد فرد یا خانواده مورد توجه قرار گیرد.

بدین ترتیب، هدف کلی این پژوهش، بررسی الگوهای جوانان و نوجوانان شهر شیراز و اهداف جزئی به قرار زیر می‌باشد:

- شناسایی الگوهای گروه سنی جوانان و نوجوانان و مقایسه آن‌ها با هم؛
- شناسایی تفاوت‌های جنسیتی در انتخاب الگوها؛
- تعیین تأثیر ویژگی‌های زمینه‌ای (وضعیت تاهل، شاغل بودن، تحصیلات فرد، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر و درآمد) بر انتخاب الگوها.

ادبیات پژوهش

تقریباً همه جامعه‌شناسان و روانشناسان ضمن تأکید بر نقش الگوپذیری در فرایند ساخت شخصیت فرد و رفتارهای او، منابع الگوپذیری را در جامعه امروزی خانواده، گروه همسال، سیستم آموزشی، دیگران مهم، نظام فرهنگی جامعه و رسانه‌های جمعی می‌دانند. تأثیر این منابع در همه دوره‌های زندگی بخصوص دوره نوجوانی و جوانی به دلیل وجود روابط و مناسبات همیشگی و مداوم بین فرد و جامعه طبیعی است. در بین نظریه‌های روانشناسی، رویکرد یادگیری شناختی - اجتماعی بندورا (یادگیری مشاهده ای) روند الگوپذیری را به خوبی تبیین می‌کند. بندورا الگوبرداری را جریان مداومی می‌داند که براساس آن رفتارهای جدید آموخته می‌شود (۱۹۷۳). از نظر بندورا، یادگیری از طریق الگوهای واقعی یا مصداقی - معمولاً والدین، خانواده، دوستان و برخی افراد مهم دیگر همچون: افراد فامیل، معلمان و نظایر آن - در جامعه صورت می‌گیرد. در تربیت فرزندان توجه زیادی به استفاده والدین از الگوهای مصداقی شده است که از طریق توصیف کلامی یا تصویری صورت می‌گیرد و یا اگر رفتار یک الگو برای فرد شناخته شده باشد به الگو یا بعضی از خصوصیات آن ارجاع داده می‌شود (بندورا و والترز، ۱۹۶۴).

گرچه الگوهای واقعی نقش مهمی در یادگیری ایفا می‌کنند، ولی امروزه با توجه به گسترش فناوری و وسایل صوتی و ارتباطات گسترده، الگوهای نمادین بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. بندورا معتقد است یکی از منابع نافذ در یادگیری مشاهده‌ای، فراوانی و گوناگونی الگوهای نمادین از سوی تلویزیون، سینما و دیگر رسانه‌های گروهی است. بدیهی است که مخاطبان، بسیاری از انگیزش‌ها، پاسخ‌های هیجانی و شیوه‌های جدید رفتاری را از طریق الگوهای تلویزیونی و سینمایی فرا می‌گیرند (بندورا، ۱۳۷۲).

از نظر بندورا، فرایند الگوپذیری در دوره‌های مختلف رشد متفاوت می‌باشد؛ بدین معنی که در سال‌های اولیه رشد، الگوپذیری کودکان تا حدود زیادی به تقلید آبی و فوری محدود است (شولتز و شولتز، ۱۳۷۹)، اما از دوره نوجوانی، فرایند الگوپذیری به صورت متفاوتی انجام می‌پذیرد که در قالب آن امکان ترکیب عناصر رفتاری از چند الگوی مختلف و ایجاد رفتار جدید و بعضاً خلاف‌آنچه از سوی مشاهده‌کننده وجود دارد (بندورا و والترز، ۱۹۶۴؛ هرگنهان و السون، ۱۳۷۹). به طور کلی، در سنین نوجوانی و جوانی الگوپذیری جنبه وسیعی را در بر می‌گیرد و علاوه بر اعضای خانواده و همسالان، معلمان، قهرمانان، اسطوره‌ها، شخصیت‌های مذهبی، هنرپیشه‌ها، خوانندگان، ورزشکاران و نظایر آن را شامل می‌شود. جوانان و نوجوانان از میان الگوهای فوق بر بعضی بیشتر تاکید می‌کنند. در این پژوهش برای شناخت بیشتر وضعیت الگویی جوانان در صدد بر آمدیم تا الگوهای جوانان و نوجوانان را مورد بررسی قرار دهیم.

همچنین به عقیده بندورا، میزان تاثیر پذیری افراد از الگوها با توجه به برخی از عوامل متفاوت است. از نظر او ویژگی‌های شخص مشاهده‌کننده - مانند سن، جنس - تا حد زیادی میزان الگوپذیری افراد را محدود و یا گسترش می‌دهد (بندورا، ۱۳۷۲؛ بندورا و والترز، ۱۹۶۴) و معمولاً انتخاب نوع الگوها و میزان تاثیر پذیری از الگوها در میان دختران و پسران و در گروه‌های سنی جوانان و نوجوانان متفاوت است. همچنین عوامل اجتماعی-اقتصادی از عواملی است که می‌تواند در نوع انتخاب الگوها و میزان تاثیر پذیری از آنان دخالت کنند. عوامل مذکور به منظور بررسی تاثیر آنها بر انتخاب الگوها، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. تحقیقات مختلفی در مورد الگوپذیری و انتخاب الگوها صورت گرفته است. لطیفیان (۱۳۷۳) در بررسی نوجوانان ۱۸ تا ۱۴ سال دریافت که والدین، معلمان، دوستان، شخصیت‌های مذهبی، دانشمندان، قهرمانان داستان یا شخصیت‌های تاریخی، هنرپیشگان، شاعران، نویسندگان، هنرمندان و صنعتگران به ترتیب بیشترین تاثیر را به عنوان الگو داشته‌اند. نتایج تحقیق دیره (۱۳۷۵) نیز حاکی از آن بود که نوجوانان در برخی جنبه‌ها از والدین و در برخی دیگر از گروه دوستان تاثیرپذیری بیشتری دارند. یادگارزاده در تحقیقی در زمینه نحوه الگوگزینی اجتماعی-فرهنگی جوانان شهر همدان، عمده‌ترین الگوهای انتخاب شده از سوی جوانان را الگوهای مذهبی و پس از آن الگوهای ورزشی و هنری می‌داند. در این پژوهش، ارتباط معنی‌داری بین میزان تحصیلات فرد و انتخاب نوع الگوها وجود داشت (یادگارزاده، ۱۳۷۹). در ارتباط با نوع الگوهای انتخابی در پژوهشی پیرامون دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در تهران، مهم‌ترین الگوی دانش‌آموزان به ترتیب: الگوهای خانوادگی، گروه همسالان، معلمان، الگوهای مذهبی، علمی، ادبی، سیاسی، و ورزشی گزارش گردید (روایی، ۱۳۷۸).

در بین مطالعات خارجی، گالبو و دمترولیاس (۱۹۹۶) دریافتند که بیشتر دانشجویان تحت بررسی آنان، والدین و خویشان‌اند نزدیک خود را به عنوان الگو معرفی کردند و معلمان و دوستان در رده‌های بعدی قرار داشتند. در بررسی دراموند و همکارانش مشخص شد که نوجوانان از میان الگوهای متعدد، بیشتر ورزشکاران، مادران و خوانندگان را به عنوان سه الگوی مهم خود انتخاب کردند. دراموند و همکارانش رابطه معنی‌داری

بین سن و جنسیت با انتخاب الگوها یافتند؛ بدین معنا که هر چه سن بالاتر بود، مادران کمتر به عنوان الگو انتخاب می شدند و نوجوانان دوستان خود را به عنوان الگو انتخاب می کردند. همچنین پسران، ورزشکاران و دختران، خوانندگان را به عنوان الگو ترجیح می دادند (دراموند، سنترفیت و فانتین، ۱۹۹۹). دانگ و چانگ^۲ (۲۰۰۰) در یک مطالعه تطبیقی با تفکیک گرایش افراد نسبت به الگوها در دو کشور چین و هنگ کنگ نشان دادند که بین میزان تحصیلات افراد، مکان زندگی و وضعیت طبقاتی آنان با گرایش به الگو و تبعیت از آنها تفاوت معناداری وجود دارد. یانسی و همکاران (۲۰۰۲) دریافتند که الگوهای نوجوانان به ترتیب والدین، ورزشکاران و سپس خواهران و برادران و خوانندگان بوده اند. پسران بیشتر از دختران به الگوهای معرفی شده از سوی رسانه های جمعی توجه داشتند و نوجوانان با سطح درآمد بالا کمتر از این نوع الگوها یاد می کردند. یانسی و همکاران (۲۰۱۱) نیز دریافتند که نوجوانان آمریکایی با سطح درآمد بالا بیشتر از نوجوانان کم درآمد به الگوپردازی از الگوهای مختلف در زندگی خود توجه می کنند.

با توجه به اینکه مستندات پژوهشی و علمی خاصی که بتواند جهت فرضیه ها را مشخص کند، موجود نیست و نتایج پژوهش ها در زمینه الگوها متناقض به نظر می رسد، در اینجا به طرح سوالات پژوهش اکتفا می شود و از بیان فرضیات خودداری می شود. با توجه به آنچه تا بحال گفته شد سوالات پژوهش عبارت اند از:

- جوانان و نوجوانان دختر و پسر کدام الگوها را بیشتر انتخاب می کنند؟
- آیا متغیرهای زمینه ای (وضعیت تأهل، شاغل بودن، تحصیلات فرد، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر و درآمد) پیش بین معنی داری بر انتخاب نوع الگوها می باشد؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه پیمایشی انجام شد و شیوه گردآوری اطلاعات، میدانی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود. جامعه آماری این تحقیق جوانان و نوجوانان ۱۴-۲۹ ساله شهر شیراز بود. طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ کل این افراد ۶۳۹۴۹۶ نفر می باشد. این تحقیق، سن ۱۴ تا ۱۸ سال به عنوان دوره نوجوانی و ۱۹ تا ۲۹ به عنوان دوره جوانی در نظر گرفته شد. حجم نمونه این تحقیق، طبق جدول لین (۱۹۷۶) برای جمعیت بالای ۵۰۰۰۰۰ نفر با ۳ درصد خطای نمونه گیری و ۹۵ درصد اطمینان ۸۹۵ نفر برآورد گردید که تعداد ۹۰۰ پرسشنامه توزیع شد و در نهایت، ۸۷۱ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شیوه نمونه گیری، خوشه ای چند مرحله ای تصادفی بود. از این رو، مناطق مختلف شهر شیراز انتخاب و از هر منطقه، چند بلوک بر اساس تصادف برگزیده شدند. آنگاه افراد نمونه به صورت تصادفی سیستماتیک با رعایت فاصله منظم بین منازل (فاصله ۲ واحدی) مورد پرسش قرار گرفتند.

به منظور کسب اطلاعات مورد نیاز این پژوهش، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. به جز سؤالاتی که شامل اطلاعات در مورد مشخصات و برخی از متغیرهای زمینه ای می شد، فهرستی از الگوهای متداول براساس مطالعات پیشین و مطالعه اکتشافی تهیه گردید. این الگوها شامل والدین، خواهران، برادران، هنرمندان ایرانی و غیر ایرانی، آموزگاران، شخصیت های مذهبی ایرانی و غیرایرانی، شخصیت های انقلابی، دانشمندان ایرانی و غیرایرانی و نظایر آن بود. در نهایت، پس از بازنگری پرسشنامه توسط دو تن از اساتید دانشگاه و مشاور طرح، پرسشنامه نهایی این تحقیق در قالب ۲۶ الگو، در یک طیف لیکرتی ۶ درجه ای (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم، و اصلاً) تهیه و تنظیم گردید. از افراد خواسته شده بود تا مشخص کنند تا چه حد از مقوله های

1. Drummond, Senterfitt & Fountain

2. Dong & Cheung

شخصیتی فوق به عنوان الگوی خود استفاده می کنند.

در این پژوهش از تحلیل عاملی جهت بررسی روایی پرسشنامه الگوها استفاده گردید. نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس حاکی از آن بود که انواع الگوها را می توان به پنج گروه کاهش داد. این عوامل به ترتیب عبارت بودند از: ۱- شخصیت‌های اجتماعی (شامل شخصیت‌های انقلابی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی و تاریخی ایرانی و غیر ایرانی). ۲- شخصیت‌های هنری - ورزشی - افسانه‌ای؛ ۳- شخصیت‌های علمی - ادبی؛ ۴- اعضای خانواده؛ ۵- دوستان - آشنایان. این پنج عامل در مجموع ۶۰/۷۲ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین می کردند. در ضمن، مقدار KMO برای کفایت نمونه ۰/۸۹ بود و آزمون بارتلت نیز در سطح ۰/۰۰۰۱ معنی دار بود. برای سنجش پایایی پرسشنامه نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. ضریب آلفای کرونباخ برای گروه‌های پنج گانه الگوها به قرار زیر بود: الگوهای اجتماعی ۰/۹۰، الگوهای هنری - ورزشی - افسانه‌ای ۰/۸۴، الگوهای علمی - ادبی ۰/۸۶، الگوهای خانوادگی ۰/۷۱ و الگوهای دوستان - آشنایان ۰/۴۹.

یافته‌های پژوهش

از میان ۸۹۵ پرسشنامه، تجزیه و تحلیل داده ها براساس ۸۷۱ پرسشنامه صورت گرفت. از این تعداد، برخی به علت تکمیل نبودن پرسشنامه از تحلیل حذف گردیدند. تعداد پرسشنامه ها بر حسب جنس و گروه سنی جوان و نوجوان در جدول زیر درج شده است:

جدول ۱: تعداد پاسخگویان بر حسب جنس و گروه سنی

گروه	دختر	پسر	کل
نوجوان	۱۹۰	۲۶۱	۴۵۱
جوان	۱۶۱	۲۵۹	۴۲۰
کل	۳۵۱	۵۲۰	۸۷۱

یافته‌های پژوهش بر اساس نتایج به دست آمده برای هر کدام از سوالات پژوهش گزارش می شود:
جوانان و نوجوانان دختر و پسر کدام الگوها را بیشتر انتخاب می کنند؟
جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد مربوط به متغیر انواع الگوها به تفکیک گروه سنی (جوانان و نوجوانان) و جنسیت (دختران و پسران) را نشان می دهد:

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد الگوهای نوجوانان و جوانان به تفکیک جنسیت

الگوها	اجتماعی	خانواده	هنری - ورزشی - افسانه‌ای	علمی - ادبی	دوستان - آشنایان
نوجوان	پسر $\bar{X}=2/73$ $SD=1/17$	$\bar{X}=4/05$ $SD=0/99$	$\bar{X}=3/16$ $SD=1/28$	$\bar{X}=3/44$ $SD=1/27$	$\bar{X}=3/38$ $SD=1/13$
	دختر $\bar{X}=2/7$ $SD=1/05$	$\bar{X}=4/16$ $SD=1/03$	$\bar{X}=2/58$ $SD=1/15$	$\bar{X}=3/58$ $SD=1/31$	$\bar{X}=3/48$ $SD=1/18$

نوجوان	کل	$\bar{X}=2/71$ SD=1/1	$\bar{X}=4/12$ SD=1/01	$\bar{X}=2/82$ SD=1/24	$\bar{X}=3/52$ SD=1/29	$\bar{X}=3/44$ SD=1/16
جوان	پسر	$\bar{X}=2/82$ SD=1/1	$\bar{X}=3/96$ SD=1/15	$\bar{X}=2/67$ SD=1/09	$\bar{X}=3/65$ SD=1/3	$\bar{X}=3/23$ SD=1/14
	دختر	$\bar{X}=2/73$ SD=1/16	$\bar{X}=4/05$ SD=1/03	$\bar{X}=2/38$ SD=1/11	$\bar{X}=3/37$ SD=1/4	$\bar{X}=3/14$ SD=1/19
	کل	$\bar{X}=2/76$ SD=1/14	$\bar{X}=4/02$ SD=1/07	$\bar{X}=2/48$ SD=1/11	$\bar{X}=3/47$ SD=1/37	$\bar{X}=3/17$ SD=1/17
کل	پسر	$\bar{X}=2/77$ SD=1/14	$\bar{X}=4/01$ SD=1/07	$\bar{X}=2/93$ SD=1/22	$\bar{X}=3/54$ SD=1/28	$\bar{X}=3/31$ SD=1/14
	دختر	$\bar{X}=2/72$ SD=1/11	$\bar{X}=4/01$ SD=1/03	$\bar{X}=2/48$ SD=1/33	$\bar{X}=3/47$ SD=1/36	$\bar{X}=3/31$ SD=1/20
	کل	$\bar{X}=2/74$ SD=1/12	$\bar{X}=4/07$ SD=1/04	$\bar{X}=2/65$ SD=1/19	$\bar{X}=3/50$ SD=1/33	$\bar{X}=3/31$ SD=1/17

با توجه به ردیف آخر جدول، آزمودنی‌های این تحقیق به ترتیب از: ۱- اعضای خانواده؛ ۲- الگوهای علمی- ادبی. ۳- دوستان- آشنایان؛ ۴- الگوهای اجتماعی؛ ۵- الگوهای هنری- ورزشی- افسانه ای بیش‌ترین الگوبرداری را داشته‌اند. از طرفی، تفاوت‌هایی میان الگوهای دو گروه سنی به تفکیک جنسیت مشاهده می‌شود. در گروه نوجوانان، پسران در مقایسه با دختران از خانواده، دوستان، بستگان و الگوهای علمی- ادبی کمتر الگو می‌گیرند و از سایر انواع الگوها توجه بیشتری نشان می‌دهند. این امر به ویژه در مورد الگوهای هنری- ورزشی- افسانه ای بیشتر به چشم می‌خورد. در گروه جوانان، پسران در مقایسه با دختران تنها از اعضای خانواده کمتر الگو می‌گیرند و به سایر انواع الگوها بیش از دختران توجه نشان می‌دهند. همچنین، به نظر می‌رسد میزان الگوگیری پسران جوان از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه ای در مقایسه با نوجوانان کمتر شده و به میزان الگوپذیری دختران از الگوهای فوق نزدیک تر شده است. با این حال، تفاوت میان دختران و پسران نوجوان از نظر میزان الگوبرداری از انواع الگوها از طریق اجرای آزمون تی مستقل مورد بررسی قرار گرفت. طبق جدول ۳، نتایج آزمون تی مستقل حاکی از آن بود که درگروه نوجوانان، پسران تنها در الگوبرداری از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای به طور معنی‌داری بالاتر از دختران هستند.

جدول ۳: آزمون تی مستقل برای مقایسه دختران و پسران نوجوان از نظرمیزان الگوبرداری از انواع الگوها

انواع الگوها	جنسیت	N	$\bar{x}$	SD	T	DF	P≤
اجتماعی	پسر	۱۶۸	۲/۶۶	۱/۱۳	۰/۳۶	۴۱۳	۰/۷۲
	دختر	۲۴۷	۲/۷	۱/۰۷			

خانواده	پسر	۱۴۸	۴/۰۷	۰/۹۹	۰/۶۸	۳۵۱	۰/۴۹
	دختر	۲۰۵	۴/۱۵	۱/۰۴			
دوستان- آشنایان	پسر	۱۷۹	۳/۳۷	۱/۱۴	۰/۱۲	۳۸۵/۳۸	۰/۹
	دختر	۲۵۵	۳/۳۸	۱/۱۵			
هنری- ورزشی- افسانه‌ای	پسر	۱۷۶	۳/۱۱	۱/۲۶	۴/۶۰	۴۲۴	۰/۰۰۰۱
	دختر	۲۵۰	۲/۵۶	۱/۱۵			
علمی- ادبی	پسر	۱۷۰	۳/۴۳	۱/۲۴	۱/۴۵	۴۲۰	۰/۱۵
	دختر	۲۵۲	۳/۶۲	۱/۳۴			

۱۷۷

جدول ۴، نتایج مربوط به دختران و پسران جوان را نشان می‌دهد. نتایج آزمون تی مستقل در گروه جوانان حاکی از آن بود که پسران هم در الگوبرداری از الگوهای هنری-ورزشی-افسانه‌ای و هم در الگوبرداری از الگوهای علمی-ادبی به صورت معنی‌داری بالاتر از دختران هستند.

جدول ۴: آزمون تی مستقل برای مقایسه دختران و پسران جوان از نظر میزان الگوبرداری از انواع الگوها

انواع الگوها	جنسیت	N	$\bar{x}$	SD	T	DF	P≤
اجتماعی	پسر	۱۴۳	۲/۷۳	۱/۱۲	۰/۴۳	۳۰۶/۷۳	۰/۶۷
	دختر	۲۳۶	۲/۶۸	۱/۱۶			
خانواده	پسر	۱۳۰	۳/۹۹	۱/۱۹	-۰/۳۳	۳۴۸	۰/۷۴
	دختر	۲۲۰	۴/۰۳	۱/۰۶			
دوستان- آشنایان	پسر	۱۵۲	۳/۳۱	۱/۱۷	۱/۰۹	۳۹۵	۰/۲۸
	دختر	۲۴۵	۳/۱۷	۱/۱۸			
هنری-ورزشی- افسانه‌ای	پسر	۱۴۷	۲/۶۵	۱/۱۷	۲/۱۰	۳۸۳	۰/۰۴
	دختر	۲۳۸	۲/۴	۱/۱۳			
علمی- ادبی	پسر	۱۴۹	۳/۶۳	۱/۳۵	۲/۰۷	۳۸۹	۰/۰۴
	دختر	۲۴۲	۳/۳۳	۱/۴			

آیا متغیرهای زمینه‌ای (وضعیت تأهل، شاغل بودن، تحصیلات فرد، تحصیلات پدر و مادر و درآمد) پیش بین معنی‌داری بر انتخاب نوع الگوها می‌باشد؟
برای بررسی تاثیر متغیرهای زمینه‌ای بر میزان الگوبرداری افراد از گروه‌های مختلف الگوها، تنها آن دسته از متغیرهایی که در ماتریس همبستگی رابطه معنی‌داری داشتند، انتخاب و از طریق آزمون‌های آماری مناسب

بررسی گردیدند.

بر اساس نتایج ماتریس همبستگی، بین الگوهای خانوادگی و درآمد خانواده، تحصیلات خود فرد و تحصیلات مادر رابطه وجود داشت. به منظور بررسی "رابطه متغیرهای زمینه ای درآمد خانواده، تحصیلات خود فرد و تحصیلات مادر با میزان الگوبرداری از اعضای خانواده" از روش رگرسیون با ورود قدم به قدم استفاده گردید. براساس جدول ۵، متغیرهای درآمد خانواده ($B = -0/11$) و تحصیلات خود فرد ($B = -0/09$) به ترتیب قوی ترین پیش بین الگوبرداری از اعضای خانواده بودند؛ چنانکه با افزایش در سطح تحصیلات فرد و درآمد خانواده یا افزایش پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد، میزان الگوبرداری از اعضای خانواده کاهش می یافت. در ضمن تحصیلات مادر پیش بین معنی داری برای متغیر ملاک نبود.

جدول ۵: رگرسیون برای بررسی رابطه متغیرهای زمینه ای و میزان الگوبرداری از اعضای خانواده

مدل	B	SE	β	Constant	R	R^2	$P \leq$
۱ درآمد خانواده	-۰/۳۳	۰/۱۱	-۰/۱۱	۱۷/۳۴	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۰۰۳
۲ درآمد خانواده تحصیلات فرد	-۰/۲۷ -۰/۱۶	۰/۱۱ ۰/۰۷	-۰/۰۹ -۰/۰۹	۱۹/۱	۰/۱۵	۰/۰۲	۰/۰۲

بر اساس نتایج مربوط به ماتریس همبستگی، فقط وضعیت تاهل آزمودنی ها با میزان الگوبرداری از الگوهای علمی- ادبی رابطه داشت. به منظور بررسی "رابطه متغیر زمینه ای وضعیت تاهل با انتخاب الگوهای علمی- ادبی" از آزمون تی مستقل (جدول ۶) استفاده گردید؛ بدین معنی که برای مقایسه آزمودنی های متأهل و مجرد از نظر میزان الگوبرداری از الگوهای علمی- ادبی، آزمون تی برای نمونه های مستقل مورد استفاده قرار گرفت. نتایج این تحلیل حاکی از آن بود که بین آزمودنی های مجرد و متأهل در بعد مذکور تفاوت معنی داری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، آزمودنی های مجرد به میزان بیشتری از الگوهای علمی- ادبی الگوبرداری می کنند.

جدول ۶: آزمون تی مستقل برای مقایسه آزمودنی های متأهل و مجرد از نظر میزان الگوبرداری از الگوهای علمی- ادبی

متغیر وابسته	وضعیت تاهل	N	$\bar{x}$	SD	T	DF	$P \leq$
الگوهای علمی- ادبی	مجرد	۶۴۰	۱۴/۳۴	۵/۳۲	۳/۱۶	۸۰۶	۰/۰۰۲
	متأهل	۱۶۸	۱۲/۸۸	۵/۴۱			

بر اساس نتایج مربوط به ماتریس همبستگی، متغیرهای سن و منزلت شغلی پدر آزمودنی ها با میزان الگوبرداری از دوستان- آشنایان رابطه داشت. به منظور بررسی "رابطه متغیرهای زمینه ای سن و منزلت شغلی پدر با میزان الگوبرداری از دوستان- آشنایان" از روش رگرسیون با ورود قدم به قدم استفاده گردید (جدول ۷). نتایج این تحلیل حاکی از آن بود که متغیرهای سن ($B = -0/11$) و منزلت شغلی پدر ($B = -0/09$) به ترتیب

۱. منزلت شغلی به رتبه ای اطلاق می شود که بر اساس پرسشنامه رتبه بندی مشاغل (مقدس، ۱۳۷۴) برای شغل افراد محاسبه گردید.

قوی‌ترین پیش‌بین الگوبرداری از دوستان- آشنایان بود. میزان الگوبرداری از دوستان- آشنایان با افزایش سن، کاهش و با افزایش منزلت شغلی پدر، افزایش می‌یافت. درصد واریانس تبیین شده به وسیله مدل با اضافه شدن متغیر منزلت شغلی، به میزان ۱ درصد افزایش یافت.

جدول ۷: رگرسیون برای بررسی رابطه متغیرهای زمینه ای و میزان الگوبرداری دوستان- آشنایان

مدل	B	SE	β	Constant	R	R ^۲	P≤
۱ سن (به سال)	-۰/۳۳	۰/۱۱	-۰/۱۱	۷/۹۶	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۰۰۲
۲ سن (به سال) منزلت شغلی پدر	-۰/۲۷ -۰/۱۶	۰/۱۱ ۰/۰۷	-۰/۰۹ -۰/۰۹	۷/۵۳	۰/۱۴	۰/۰۲	۰/۰۲

بر اساس نتایج ماتریس همبستگی، متغیرهای درآمد خانواده، تحصیلات خود فرد و تحصیلات مادر با میزان الگوبرداری از الگوهای اجتماعی رابطه داشت. به منظور بررسی "رابطه متغیرهای زمینه ای درآمد خانواده، تحصیلات خود فرد و تحصیلات مادر با میزان الگوبرداری از الگوهای اجتماعی" از روش رگرسیون با ورود قدم به قدم استفاده گردید. طبق جدول ۸، متغیرهای درآمد خانواده ($B = -۰/۱۵$)، تحصیلات خود فرد ($-۰/۱۲$) و تحصیلات مادر ($B = -۰/۰۹$) به ترتیب قوی‌ترین پیش‌بین الگوبرداری از الگوهای اجتماعی بودند؛ به طوری که افزایش در این متغیرها، با کاهش در متغیر یاد شده همراه بود. در ضمن تحصیلات پدر پیش‌بین معنی‌داری برای متغیر ملاک نبود.

جدول ۸: رگرسیون قدم به قدم برای بررسی رابطه متغیرهای زمینه ای با میزان الگوبرداری از الگوهای اجتماعی

مدل	B	SE	β	Constant	R	R ^۲	P≤
۱ درآمد خانواده	-۱/۰۹	۰/۲۷	-۰/۱۵	۳۰/۴۲	۰/۱۵	۰/۰۲	۰/۰۰۰۱
۲ درآمد خانواده تحصیلات خود فرد	-۰/۹ -۰/۵۴	۰/۲۷ ۰/۱۷	-۰/۱۲ -۰/۱۲	۳۶/۶۷	۰/۱۹	۰/۰۴	۰/۰۰۱
۳ درآمد خانواده تحصیلات خود فرد تحصیلات مادر	-۰/۶۹ -۰/۴۸ -۰/۲۶	۰/۲۹ ۰/۱۷ ۰/۱	-۰/۰۱ -۰/۱ -۰/۰۹	۳۷/۵۱	۰/۲۱	۰/۰۴۲	۰/۰۲

بر اساس نتایج ماتریس همبستگی، تنها متغیر سطح تحصیلات با الگوبرداری از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای رابطه داشت. به منظور بررسی "رابطه متغیرهای زمینه ای با میزان الگوبرداری از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای"، از روش رگرسیون با ورود قدم به قدم استفاده گردید. نتایج این تحلیل که در جدول ۹ آمده است، حاکی از آن بود که تنها متغیر سطح تحصیلات ($B = -۰/۲۹$)، پیش‌بین الگوبرداری از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای بود. با افزایش میزان تحصیلات فرد، الگوبرداری از الگوهای فوق کاهش می‌یافت.

جدول ۹: رگرسیون برای رابطه متغیرهای زمینه ای با میزان الگوبرداری از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای

مدل	B	SE	β	Constant	R	R ^۲	P $\leq$
۱ تحصیلات فرد	-۰/۸۵	۰/۱	-۰/۲۹	۲۶/۳۳	۰/۲۹	۰/۰۸	۰/۰۰۰۱

به طور کلی، نتایج تحلیل رگرسیون های فوق نشان می دهد که با افزایش سطح تحصیلات فرد و درآمد خانواده، میزان الگوبرداری از اعضای خانواده کاهش می یابد. آزمودنی های مجرد به میزان بیشتری از الگوهای علمی- ادبی الگوبرداری می کنند. میزان الگوبرداری از دوستان- آشنایان با افزایش سن، کاهش و با افزایش منزلت شغلی پدر، افزایش می یابد. متغیرهای درآمد خانواده، تحصیلات خود فرد، و تحصیلات مادر به ترتیب قوی ترین پیش بین الگوبرداری از الگوهای اجتماعی هستند؛ به گونه ای که افزایش در درآمد خانواده، تحصیلات خود فرد و تحصیلات مادر با کاهش در متغیر الگوبرداری از الگوهای اجتماعی همراه بوده است. همچنین تنها متغیر سطح تحصیلات، پیش بین الگوبرداری از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه ای است؛ یعنی، با افزایش میزان تحصیلات فرد، الگوبرداری از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه ای کاهش می یابد.

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، الگوهای نوجوانان (۱۴-۱۸ سال) و جوانان (۱۹-۲۹ سال) و عوامل زمینه ای مؤثر بر انتخاب الگوها مورد توجه قرار گرفت. یکی از نتایج عمده در این تحقیق، انتخاب الگوهای خانوادگی به عنوان اولویت نخست افراد می باشد. نتایج این پژوهش با نتایج لطیفیان (۱۳۷۳)، گالبو و دمترولیاس (۱۹۹۶) و یانسی و همکاران (۲۰۰۲) همسوست. این امر، بیانگر این است که تأثیر والدین بر افراد و تبعیت از رفتارها و ارزش های خانواده در این دوره نیز اغلب بر الگوهای خارج از خانواده برتری دارد (بندورا و والترز، ۱۹۶۴). هرچند اهمیت خانواده در شکل گیری شخصیت افراد غیرقابل انکار است، اما با توجه به تأکید اغلب متون روان شناسی رشدی بر اهمیت گروه همسالان در سال های نوجوانی و جوانی، انتظار می رفت گروه های نوجوان و جوان، بیشتر از همسالان الگوبرداری داشته باشند. ولی به نظر می رسد در فرهنگ ایرانی، نقش خانواده در رشد نوجوانان و جوانان بسیار پر رنگ است. تأثیر والدین بر افراد حتی در طی سال های جوانی نیز که انتظار می رود افراد به استقلال نسبی از خانواده دست یافته باشند، هنوز هم محسوس است. نکته جالبی که در نتایج تحلیل اندازه گیری مکرر به چشم می خورد، این است که پاسخگویان بعد از خانواده، بیشترین الگوبرداری را از الگوهای علمی- ادبی داشته اند. با در نظر گرفتن این مطلب که الگوهای علمی- ادبی اغلب الگوهای نمادینی هستند که در کتب درسی معرفی شده اند، این یافته تلویحاً حاکی از اهمیت مدارس و مواد آموزشی به عنوان یکی از منابع الگوپذیری نوجوانان و جوانان می باشد.

در ادامه نتایج، ملاحظه گردید که میزان الگوبرداری از الگوهای مختلف تحت تأثیر جنسیت (دختر و پسر) و گروه سنی (نوجوان، جوان) قرار می گیرد؛ بدین معنا که میزان الگوبرداری نوجوانان پسر از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه ای بیش از میزان الگوبرداری دختران نوجوان از الگوهای ذکر شده است. در بررسی یانسی و همکاران (۲۰۰۲) نیز نوجوانان پسر نسبت به دختران بیشتر به الگوهایی که معمولاً از طریق رسانه های جمعی معرفی می شوند، تمایل داشتند. برغم اینکه این تفاوت جنسیتی در دوره جوانی کاهش می یابد، اما پسران همچنان چنین الگوهایی را بیشتر انتخاب می کردند. گرایش بیشتر پسران به این الگوها می تواند ناشی از دو مسئله باشد: نخست آن که الگوهای ورزشی ارائه شده در رسانه های ایران، اغلب مرد

هستند و طبعاً شباهت‌های جنسی و نقش‌های جنسیتی پسران با این الگوها موجب توجه و الگوبرداری بیشتر آنان می‌شود- در مورد هنرمندان نیز الگوبرداری دختران از هنرمندان زن که از طریق مبادی غیررسمی نظیر ماهواره ارائه می‌شوند، واکنش منفی اجتماعی را ایجاد خواهد نمود. بنابراین الگوهای هنری - ورزشی - افسانه ای در مجموع برای دختران جذابیت کمتری داشته است؛ دوم آن که پسران با ورود به دوره جوانی، بیشتر با واقعیات زندگی آشنا می‌شدند و مسئولیت‌های بیشتری را برعهده می‌گیرند. بنابراین، گرایش آن‌ها به الگوهای هنری-ورزشی- افسانه ای که اغلب آرمان‌گرایانه و غیرقابل دسترس هستند، کمتر می‌شود. نکته مهم دیگری که در این بخش از نتایج به چشم می‌خورد، این است که میزان الگوبرداری دختران جوان از الگوهای علمی- ادبی به طور معنی‌داری کمتر از پسران است. تبیین احتمالی این پدیده می‌تواند این باشد که دختران با ورود به دوران جوانی، اغلب متأهل می‌شوند و پذیرش مسئولیت‌های خانوادگی سبب خروج الگوهای علمی- ادبی از کانون توجه آن‌ها می‌گردد. در تأیید این ادعا در یک تحلیل جانبی، نتایج آزمون خی-دو برای بررسی رابطه جنسیت و وضعیت تأهل در گروه جوانان حاکی از آن بود که تعداد دختران متأهل در گروه جوانان به گونه معنی‌داری بیش از پسران است. از طرفی، بررسی دقیق میانگین‌ها و نمودارهای تعاملی حاکی از آن است که بخشی از تفاوت‌های جنسیتی جوانان از نظر الگوهای علمی- ادبی ناشی از گرایش بیشتر پسران به این الگوهاست. مطالعات دراموند و همکارانش نیز بیانگر رابطه معنادار میان جنس و انتخاب الگوهاست (دراموند و همکاران، ۱۹۹۹).

بررسی تأثیر متغیرهای زمینه ای بر میزان الگوبرداری از گروه‌های مختلف الگوها در این طرح پژوهشی، جنبه دیگری بود که مورد توجه قرار گرفت. نتایج نشان داد هر چه سطح تحصیلات و درآمد خانواده افزایش می‌یابد، الگوبرداری از اعضای خانواده کمتر می‌شود. یکی از تبیین‌های احتمالی می‌تواند بدین نحو باشد که با افزایش سطح تحصیلات (که همسو با افزایش سن است) فرد به سمت استقلال نسبی از خانواده و سایر الگوهای تأثیرگذار سوق داده می‌شود. افزایش درآمد خانواده نیز نتایج تقریباً مشابهی داشته است و تأثیر درآمد خانواده بر کاهش الگوبرداری را نیز می‌توان با تأثیر احتمالی آن در افزایش استقلال مالی افراد توجیه کرد. همچنین تحصیلات فرد بر میزان الگوبرداری از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه ای نیز مؤثر بود؛ هر چه تحصیلات فرد بیشتر شود، میزان الگوبرداری از الگوهای مذکور کمتر خواهد بود. یادگار زاده (۱۳۷۹) نیز تأثیر عواملی همچون تحصیلات فرد را بر انتخاب نوع الگوها مشاهده کرده است. از کل تحلیل می‌توان نتیجه گرفت که بالا رفتن تحصیلات بر انتخاب نوع الگوها تأثیر دارد و باعث می‌شود افراد اقبال کمتری به الگوهای اجتماعی، هنری- ورزشی- افسانه ای و خانوادگی داشته باشند و بطور کلی به نظر می‌رسد هر چه پایگاه اقتصادی- اجتماعی (تحصیلات فرد، تحصیلات والدین، میزان درآمد و رتبه شغلی) بالاتر باشد، الگوهای اجتماعی، هنری- ورزشی- افسانه ای، خانوادگی و دوستان- آشنایان کمتر انتخاب می‌شوند.

بنابراین باتوجه به اهمیت الگوها و نقش هدایت گر آن‌ها در زندگی حال و آینده، هر فرد در طول زندگی خویش تلاش می‌کند تا رفتارها و شیوه زندگی خود را با برخی از الگوهای مهم منطبق سازد. شناخت فرایند الگوپذیری از آن جهت اهمیت می‌یابد که این فرایند، نقش مهمی در روند هویت یابی و همچنین اجتماعی شدن فرد و انتقال ارزش‌ها در یک جامعه دارد. با توجه به این امر در مجموع یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که انتخاب نوع الگوها و میزان الگوبرداری از آن در بین نوجوانان و جوانان با وضعیت‌های اجتماعی- اقتصادی متفاوت یکسان نمی‌باشد.

همچنین، انتخاب الگوهای خانوادگی به عنوان اولین الگو از سوی جوانان و نوجوانان بیانگر اهمیت نقش خانواده در الگوپذیری است. بنابراین آموزش مستمر والدین و ارتقای سطح آگاهی‌های آنان به منظور کمک به

فرزندان در رویارویی با الگوهای مختلف ضروری می باشد. از سویی ساختار سنی جوان جامعه و وجود طیف وسیعی از الگوهای مختلف، ارتقای دانش و مهارت های اجتماعی الگوپذیران را امری حائز اهمیت می سازد. از بعد تحقیقی لازم است مشخص گردد جوانان و نوجوانان این شهر، ارزش های مطلوب - صداقت، صمیمیت، قانون مند بودن، متفکر بودن، احساس مسئولیت، پشتکار و نظایر آن - را از چه الگوهایی دریافت می کنند. همچنین، بررسی تأثیر الگوهای مختلف (مثبت و منفی) بر رفتارهای الگوگیرنده نیز جنبه مهمی است که باید در پژوهش های آتی مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است که شناخت این نکته که از نظر جوانان الگوهای آنان باید چه ویژگی هایی باشد ما را در آگاهی هر چه بیشتر از نیازهای جوانان و نوجوانان به الگوبرداری یاری می دهد. بررسی راه ها، و مؤلفه ها و فرایندهایی که از طریق آن جوانان و نوجوانان تحت تأثیر الگو قرار می گیرند نیز می تواند در شناخت هر چه بهتر فرایند الگوبرداری نوجوانان و جوانان مؤثر واقع شود.

منابع

- بندورا، آلبرت (۱۳۷۲) *نظریه‌های یادگیری اجتماعی*. فرهاد ماهر. شیراز: راهگشا
- دیره، عزت (۱۳۷۵) "بررسی تعیین کننده‌های هویت یابی و الگوگزینی درمیان دانش آموزان دبیرستانی شهرستان شیراز و ارتباط با شیوه های فرزند پروری خانواده ها". معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی فارس.
- روایی، سلطنت (۱۳۷۸) "بررسی چگونگی الگوپذیری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۱۷ آموزش و پرورش تهران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد امور فرهنگی.
- شولتز، دوان و شولتز، الن سیدنی (۱۳۷۹) *نظریه‌های شخصیت*. یحیی سید محمدی. تهران: نشر نی
- لطیفیان، مرتضی (۱۳۷۳) "بررسی برخی از مشکلات و مسائل گروهی از دانش‌آموزان نوجوان در شهر شیراز". مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ۱۰، ۱، ۷۷-۱۰۰.
- مقدس، علی اصغر (۱۳۷۴) "منزلت مشاغل در جامعه شهری ایران: مورد مطالعه شهر شیراز". مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ۱۰، ۲، ۶۵-۹۴.
- هرگنهان، بی.ار و السون، متیواچ. (۱۳۷۹) *مقدمه ای بر نظریه های یادگیری*. علی اکبر سیف. تهران: نشر دوران
- یادگارزاده، غلامرضا (۱۳۷۹) « بررسی عوامل موثر بر نحوه الگوگزینی اجتماعی - فرهنگی جوانان در شهر همدان ». فرهنگ همدان. سال پنجم، شماره ۲۳ و ۲۴.
- Bandura, A. (1997) **Self-efficacy: The exercise of control**. New York, W.H. Freeman & Company.
- Bandura, A. & Walters, R. H. (1964) **Social Learning and Personality Development**. Holt, Rinehart & Winston, Inc. New Jersey, Prentice Hall, Inc. Englewood cliffs
- Bandura, A. (1973) **Aggression: A Social Learning Analysis**. New Jersey, Prentice Hall, Inc. Englewood Cliffs
- Dong, Y. X. & Cheung, C. K. (2000) "Selection of favorite idols and models among Chinese young people: A comparative study in Hong Kong." International Journal of Behavioral Development. 24, 91-98.
- Drummond, K. J., Senterfitt, H. & Fountain, C. (1999) "Role models of urban minority students". Psychological Reports. 84 (1), 181-182.
- Galbo, J. J. & Demetruilas, D. M. (1996) "Recollections of nonparental significant adults during childhood and adolescence". Youth & Society. 27, 4, 403-420.
- Hurd, N. M., Zimmerman, M. A., & Reischl, T. M. (2011) "Role model behavior and youth violence: A study of positive and negative effects". The Journal of Early Adolescence. 31, 2, 323-354.
- Line, Nan (1978) **Foundation of Social Research**. New York, McGraw Hill, Inc.
- Rhodes, J. E., Spencer, R., Keller, T. E., Liang, B., & Noam, G. (2006) "A model for the influence of mentoring relationships on youth development". Journal of Community Psychology. 34, 6, 691-707.
- Saxby, H. L. (2010) **Theory critique of modeling and role-modeling**. University of Virginia, GCNL

- Sealy, R.H.V. & Singh, V. (2010) **“The Importance of role models and demographic context for senior women’s work identity development”**. International Journal of Management Reviews, 12, 3, 284-300.
- Yancey, A.K., Siegel, J.M., & McDaniel, K.L. (2002) **“Role models, ethnic identity, and health-risk behaviors in urban adolescents”**. Arch Pediatr Adolesc Med, 156, 55-61.
- Yancey, A.K., Grant, D., Kurosky, S., Kravitz-Wirtz, N., & Mistry, R. (2011). **“Role modeling, risk, and resilience in California adolescents”**. 48 (1), 36-43.



ویژگی های روان سنجی پرسشنامه سلامت اجتماعی مبتنی بر آموزه های اسلام و پایش شهروندان تهرانی بر اساس آن

محمد مهدی شمسایی^۱

حسن پاشاشریفی^۲

محمد باقر صابری زفرقندی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲۲

بعد فردی سلامت اجتماعی، جنبه ای از سلامت فرد است که اساساً به شخصیت فرد به عنوان موجودی اجتماعی توجه دارد. نظریه های موجود در این زمینه از نظر ماهیت و کیفیت سرشت- سرنوشت انسان، تفاوت و گاه تضادهای بنیادین با نگاه اسلام دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه بعد فردی سلامت اجتماعی و سنجش بعد فردی سلامت اجتماعی شهروندان تهرانی بر اساس ویژگی های جمعیت شناختی شان انجام شده است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی، اکتشافی و پس رویدادی است. ۹۶۲ آزمودنی به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای منظم انتخاب شدند. داده های جمع آوری شده به روش تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل واریانس بررسی گردیدند. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه بعد فردی سلامت اجتماعی مبتنی بر آموزه های اسلام ۰/۹۶ و مقیاس تدوین شده ۵۹ درصد واریانس بعد فردی سلامت اجتماعی را تبیین می نماید. بعد فردی سلامت اجتماعی در مردان، افراد مجرد، بی کار و گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال پایین تر از زنان، افراد متأهل، شاغل و گروه های سنی بالاتر است. در وضعیت ترسیمی و مورد انتظار دیدگاه اسلام با وضعیت سلامت اجتماعی شهروندان تهرانی تفاوت وجود دارد. پیشنهاد می شود نظام سلامت کشور و برنامه ملی سلامت جوانان در تدوین راهبرد ها و برنامه های کلان خود، مفهوم سلامت اجتماعی را مبتنی بر آموزه های اسلام مد نظر قرار دهد و ارتقای سلامت اجتماعی مردان، افراد مجرد، بی کار و گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال مورد توجه ویژه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: بعد فردی سلامت اجتماعی، آموزه های اسلام، شهروندان تهرانی و جوانان

۱. استادیار، گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرگز (نویسنده مسئول) Email: shamsaei@bandargaziau.ac.ir

۲. دانشیار، گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن

۳. استادیار روان پزشکی، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان (انستیتو روان پزشکی تهران)، دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه

سلامت، مفهومی پویا و گسترده در مسیر رشد و تکامل انسان است و دستیابی به آن هدف اصلی سیاست گذاران حوزه سلامت به شمار می آید. برای تاکید فزاینده بر نقش مهم عوامل روانی و اجتماعی در سلامت و بیماری، سازمان بهداشت جهانی از تعریف چند بعدی سلامت حمایت کرده و سلامت را رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی می داند (سازمان بهداشت جهانی^۱، ۱۹۸۵). کییز و شاپیرو^۲ (۲۰۰۴) توانایی فرد در تعامل موثر با دیگران به منظور ایجاد روابط ارضا کننده فردی و به انجام رساندن نقش های اجتماعی را سلامت اجتماعی^۳ می نامند. پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، تسلط بر محیط، هدفمند بودن در زندگی و استقلال (کیز، شموئکین و رایف^۴، ۲۰۰۲) کیفیت و کمیت تساوی افراد و میزان درگیر شدن فرد با اجتماع (دنالد^۵، ۱۹۷۹ به نقل از رفیعی و همکاران، ۱۳۸۹) و توانایی انجام راحت و موثر نقش های اجتماعی بدون آسیب رساندن به دیگران (نورطراپ و اسنایدر^۶، ۲۰۱۰) از جمله سایر تعاریف ارائه شده پیرامون سلامت اجتماعی می باشند. استون و جیکوب^۷ (۲۰۰۵) شاخص های مهم سلامت اجتماعی را مشارکت فعال در زندگی اجتماعی، پذیرش مسئولیت، شناخت حقوق و وظایف دیگران و احترام به حقوق آنان، احترام به محیط زیست و تلاش در راه حفظ آن، شناخت فرهنگ و ارزش های اجتماعی، پرهیز از خشونت و داشتن شکیبایی و مدارا با دیگران دانسته اند. به طور کلی، مجموع نظرات مربوط به سلامت اجتماعی را می توان در سه رویکرد جمع بندی نمود: الف) سلامت اجتماعی به مثابه عوامل اجتماعی سلامت بخش؛ ب) سلامت اجتماعی به مثابه وضعیت اجتماعی بهتر؛ ج) سلامت اجتماعی به مثابه جنبه ای از سلامت فرد در کنار سلامت جسمی و روانی. در رویکرد سلامت اجتماعی به مثابه جنبه ای از سلامت فرد، به طور بنیادی به شخصیت فرد به عنوان موجودی اجتماعی نگریسته می شود (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۹). سلامت اجتماعی در این معنا، به توانایی فرد در شاد بودن و شاد ساختن دیگران، ارتباط با دیگران و حضور فعال در اجتماع و محل کار، توانایی ایجاد آرامش در خانواده، کار و روابط مطلوب اجتماعی می باشد؛ یعنی، مهارت های اجتماعی فرد در روابط بین فردی مطلوب که برای حفظ بهزیستی اعمال می شود (جیرینکوا و اسوبودا^۸، ۲۰۱۰). مولفه های اصلی این رویکرد استقلال، خودجوشی، توانایی ارتباط با گستره ای از مردم و کار کردن با آن ها و مسئولیت پذیری اجتماعی می باشد (فیلیپس، ۲۰۰۷).

پایه و مبنای علوم انسانی غربی مبتنی بر فلسفه های غیردینی، مادی گرا، مسئول ندانستن انسان در قبال خداوند، حیوان انگاشتن انسان و نداشتن نگاه معنوی به انسان می باشد (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۱). مفهوم سلامت اجتماعی پیش تر در کشورهای صنعتی و توسعه یافته مورد توجه قرار گرفته، ولی در ایران ادبیات و نظریه بومی مورد تولید نشده است. نوع نگاه به جنبه های ماهوی و کیفیت سرشت و سرنوشت انسان که "از خدا و به سوی خداست" (مائده، ۱۸؛ آل عمران، ۵۵؛ نور، ۲۲؛ ممتحنه، ۴؛ ق، ۴۳؛ زحرف، ۱۴؛ شوری، ۱۵؛ یس، ۸۲؛ بقره، ۲۸۵؛ ملک، ۱۵؛ تغابن، ۳؛ غافر، ۴۳؛ زمر، ۴۴؛ لقمان، ۱۴ و یونس، ۴) دیدگاهی متفاوت است که گاه تضادهای بنیادی با نظریه پردازی های علوم انسانی غربی دارد. بدیهی است که این شناخت می تواند

1. World Health Organization (WHO)
2. Keyes And Shapiro
3. Social health
4. Ryff
5. Denald
6. Northrup&Snyder
7. Ustun And Jakob
8. Jirincova & Svoboda

به آگاه ساختن انسان ها به رسالت تاریخی خود و علاقمند ساختن آنان به سرنوشت نوع بشر؛ کاستن از میزان خودخواهی ها و خودمیان بینی های انسان و ایجاد طرز فکری نوع دوستانه در انسان - که از برکت آن نفع جمعی و سعادت آینده بشر را به نفع خود ترجیح دهد (سیف، ۱۳۸۶) - بینجامد. تمدن امروزی با پشت کردن به مشارکت، همبستگی، اخلاق اجتماعی و به جای آن گسترش تضاد، تعارض و خشونت در زندگی اجتماعی سبب بروز نوعی تنگ خلقی و بیزاری از هم نوع شده است (وزارت کشور، ۱۳۷۵). حمایت اجتماعی، اتحاد یا انزوای اجتماعی، شبکه های اجتماعی، نقش ها و فعالیت های اجتماعی، ارتباط تنگاتنگی با سلامت دارند (بلاکستر، ۱۹۹۰) ولی اهمیت بسیاری از عوامل اصلی تعیین کننده سلامت همچون روابط اجتماعی، اعتماد متقابل بین شهروندان و سرمایه اجتماعی مورد غفلت قرار گرفته است (به نقل از سلطانی بهرام، بهارلویی، ۱۳۸۹). دشمن امروز فقط هرزگی نیست، بلکه فردگرایی است (کوک، ۲۰۰۲؛ ترجمه نمایی، ۱۳۸۶). سطحی شدن روابط، تجردگرایی، کم رنگ شدن نظارت اجتماعی، بی اعتمادی به یکدیگر، کاهش هم دلی، گسترش تهمت، غیبت، دروغ و تجاوز به حریم خصوصی، مهم ترین مشکلات اجتماعی جامعه امروز می باشد (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۹). این مسائل در کنار فقدان نظام جامع آموزش مهارت های زندگی اجتماعی حاکی از وجود مشکلات بالقوه ای در این زمینه می باشد. از دیدگاه فاروقی (۱۳۹۱) یکی از مراحل دوازده گانه اجرایی شدن اسلامی سازی دانش، تاکید بر شناسایی و رفع مشکلات و بحران های امت اسلامی است. اسلام به عنوان کامل ترین نسخه هدایت الهی تا آخرین نسل بشر الگوها و مبانی جامع و دقیقی در مورد تفکر، احساس و رفتار شایسته و سالم فرد در تعامل و ارتباط با دیگران ارائه نموده است؛ به گونه ای که سلامت و سلام به معنای کنار بودن از آفات ظاهری و باطنی است و قلب سلیم از شک، حسد و کفر دور می باشد (واقعه، آیات ۲۵ و ۲۶). از این رو، گفتار و رفتار باید از هم دیگر در سلام باشند.

در مجموع، با توجه به وابستگی مفهوم سلامت اجتماعی به ارزش های فرهنگی جامعه و ماندگاری و اثربخشی بیشتر آموزش این مفاهیم در سنین پایین تر، بررسی ویژگی های روان سنجی پرسشنامه بعد فردی سلامت اجتماعی مبتنی بر قرآن و آموزه های اسلام و سنجش بعد فردی سلامت اجتماعی شهروندان تهرانی بر اساس ویژگی های جمعیت شناختی شان، به عنوان اهداف اصلی، پژوهش تعیین گردید.

روش شناسی پژوهش

پژوهش کاربردی حاضر، از نوع اکتشافی و توصیفی است. پژوهشگر هیچ مداخله و تاثیری در میزان بعد فردی سلامت اجتماعی نداشته و از این بعد، پژوهشی پس رویدادی و از لحاظ مدت زمان اجرای تحقیق، جزو مطالعات مقطعی است.

جامعه و نمونه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش شامل تمامی شهروندان مسلمان ۱۸ تا ۶۵ ساله، اعم از زن و مرد می باشد که در سال ۱۳۹۰ ساکن محدوده قانونی ۲۲ منطقه شهر تهران بودند. در این پژوهش، چارچوب نمونه گیری دربرگیرنده اطلاعات مربوط به حوزه و بلوک شهر تهران، واحد نمونه گیری شامل خانوارهای مسلمان ساکن در این بلوک ها و عنصر نمونه گیری، یک نفر از اعضای بالای ۱۸ سال خانوار بود. در این پژوهش با این پیش فرض که ساکنان هر منطقه از شرایط یکسان و مشابهی به لحاظ کالبد و فرهنگ برخوردار نبوده و با دیگر مناطق متفاوت هستند، از ترکیب تکنیک نمونه گیری طبقه ای تصادفی با تخصیص متناسب و تکنیک نمونه گیری سیستماتیک استفاده شد. بر این اساس هر یک از حوزه های شمال، غرب، شرق، جنوب و مرکز شهر تهران به عنوان یک طبقه در نظر گرفته شد و سپس از هر طبقه، متناسب با جمعیت ساکن در آن، نمونه ها انتخاب

شدند. برای انتخاب اعضای نمونه از داخل هر طبقه، تعدادی بلوک آماری به روش تصادفی انتخاب و سپس از داخل هر بلوک به طور متوسط تعداد ۲۰ خانوار (واحد مسکونی) به روش نمونه گیری سیستماتیک انتخاب شد و توسط یک نفر از اعضای خانوار به عنوان عنصر نمونه گیری پرسشنامه تکمیل شد. در انتخاب خانوارها، بدین صورت عمل شد که پس از تخمین تعداد کل خانه های موجود در هر بلوک آماری، از اولین خانه واقع در ضلع جنوب غربی، انتخاب خانوار شروع و بعد از شمارش ۵ زنگ، منزل بعدی انتخاب می شد. در صورت عدم پاسخگویی یا عدم همکاری خانوارها، بلافاصله منزل بعدی به عنوان نمونه جایگزین می گردید و این عمل تا پایان تعداد ۲۰ نمونه یا اتمام پرسشنامه ها ادامه می نمود. با توجه به تعداد بالای سوالات، پرسشنامه ها همراه با یک هدیه به افراد تحویل و مجدداً برای بازپس گرفتن پرسشنامه های تکمیل شده به درب منازل مراجعه می گردید.

برای برآورد حجم نمونه و به منظور افزایش ضریب دقت و کاهش خطای نمونه گیری مقدار دقیق حجم نمونه از فرمول کوکران^۱ استفاده شد که بر اساس آن n برابر با حجم نمونه، N جمعیت افراد ۱۵ تا ۶۵ سال شهر تهران در سال ۱۳۸۵ که برابر با ۵۷۶۵۲۹۹ نفر می باشد، $Z_{1-\alpha/2}$ برابر با ضریب اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۱/۹۶ از منحنی نرمال، p برابر با نسبت دارا بودن صفت مورد بررسی (حداکثر فرض برابر با ۰/۵)، q نسبت فقدان صفت مورد بررسی (حداکثر فرض برابر با ۰/۵) و مقدار d یا فاصله اطمینان ۰/۰۳ در نظر گرفته شد.

$$n = \frac{N \left(z_{1-\frac{\alpha}{2}} \right)^2 p.q}{(N-1)d^2 + z_{1-\frac{\alpha}{2}}^2 .p.q}$$

$$n = \frac{5765299(1.96)^2 .5*.5}{(5765299-1).003^2 + (1.96)^2 .5*.5} \rightarrow n = 1066$$

بنابراین، با در نظر گرفتن مقادیر فوق و جایگذاری آن در رابطه بالا، حداقل حجم نمونه لازم برابر ۱۰۶۶ نفر بدست آمد. در این تحقیق با توجه به احتمال عدم همکاری برخی از شهروندان، تعداد نمونه ها برابر ۱۲۰۰ نفر در نظر گرفته شد که پس از توزیع این تعداد پرسشنامه، ۱۰۷۸ نفر حاضر به همکاری شدند و پرسشنامه ها را بازگرداندند. پس از گردآوری اطلاعات ۱۰۷۸ پرسشنامه بازگردانده شده و حذف پاسخگوییانی که به کمتر از هشتاد درصد از سوالات پاسخ داده بودند، در نهایت اطلاعات ۹۶۲ پرسشنامه در تحلیل داده ها مورد استفاده قرار گرفت.

ابزار گردآوری اطلاعات

الف: پرسشنامه جمعیت شناختی: پرسشنامه جمعیت شناختی تنظیم شده شامل اطلاعات مربوط به جنسیت، وضعیت تأهل، اشتغال و گروه سنی پاسخگویان است.

ب: پرسشنامه بعد فردی سلامت اجتماعی: روایی و اعتبار پرسشنامه بعد فردی سلامت اجتماعی مبتنی بر آموزه های اسلام، بر اساس چندین مرحله مطالعات کیفی و اجرای پایلوت بر پنجاه نفر از اقشار اجتماعی مختلف مورد تایید قرار گرفت. برای امتیاز دهی به سوالات پرسشنامه به گزینه کاملاً درست امتیاز ۴، درست ۳، تا حدی درست ۲، نادرست ۱ و کاملاً نادرست صفر تعلق گرفت و برای گویه هایی که بار معنایی منفی دارند، کدگذاری آنها به صورت معکوس انجام شد. این پرسشنامه دارای ۱۵۸ سوال در پنج مقیاس

صداقت و پایبندی به پیمان (شامل مولفه های صداقت در مقابل دروغگویی، خیانت در مقابل وفای به عهد، تهمت و افترا و ظاهرسازی و دورویی)، معنویت دینی (شامل مولفه های ایمان به خدا، همنشینی با افراد ناهل و مشارکت در گناه، نیت الهی در مقابل غیرالهی، اشاعه زشتی بین دیگران، جهاد و از جان گذاشتن در راه خدا)، رعایت حقوق و برادری (شامل مولفه های طمع به مال دیگران، استهزا و تمسخر، ادای حقوق در مقابل پایمال کردن حقوق دیگران، التزام به پرداخت خمس، زکات و مالیات، سخن چینی و غیبت، تحقیر و سرزنش، پرده دری در مقابل رعایت حریم خصوصی دیگران، مهربانی در مقابل آزار و سنگدلی، سوء ظن و بدگمانی، بی تفاوتی نسبت به مشکلات دیگران در مقابل حفظ و خیرخواهی آنان، بخل در مقابل رواداری، امر به معروف و نهی از منکر، سبقت در کارهای خیر، حسد، خودبرتربینی)، رعایت کرامت و عفت (شامل مولفه های انتقام در مقابل گذشت بزرگوارانه، خوش خلقی در مقابل سوء خلق، پوشیدگی و حجاب در مقابل عدم رعایت حجاب، عفت و پاکدامنی، حفظ اسرار و عزت انسانی خود) و مقیاس مشارکت و همبستگی (شامل مولفه های تعاون و همکاری در امور دینی، مشورت، اصلاح میان مردم، صله ارحام و دیدار یکدیگر در مقابل قطع رحم، ازدواج) است (شمسانی، پاشاشیرینی و جدیدی، ۱۳۹۲).

روش ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها

بعد از جمع آوری و کدگذاری پرسشنامه ها، داده ها وارد نرم افزار آماری SPSS ۱۶ و به کمک آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای توصیف داده ها از روش های معمول در آمار توصیفی نظیر تهیه جدول فراوانی، محاسبه شاخص های آماری و همچنین از روش های آمار استنباطی مانند آزمون تی استیودنت، آلفای کرونباخ، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شد.

یافته های پژوهش

سوال اول: آیا پرسشنامه بعد فردی سلامت اجتماعی از اعتبار لازم برخوردار است؟

با توجه به محقق ساخته بودن پرسشنامه سنجش بعد فردی سلامت اجتماعی، برای بررسی اعتبار آن از روش همسانی درونی سوالات و مقیاس های پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۱: جدول ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه بعد فردی سلامت اجتماعی و مقیاس های آن

ابعاد	مقدار ضریب آلفا	فراوانی
صداقت و پایبندی به پیمان	۰/۸۲۰	۹۶۲
معنویت دینی	۰/۸۵۳	۹۶۲
رعایت حقوق و برادری	۰/۹۲۰	۹۶۲
رعایت کرامت و عفت	۰/۷۷۶	۹۶۲
مشارکت و همبستگی	۰/۷۹۵	۹۶۲
بعد فردی سلامت اجتماعی	۰/۹۶۲	۹۶۲
پنج مقیاس	۰/۸۴۳	۹۶۲

با توجه به جدول فوق مشاهده می شود که ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه بعد فردی سلامت اجتماعی ۰/۹۶ و برای مقیاس صداقت و پابندی به پیمان ۰/۸۲، معنویت دینی ۰/۸۵، رعایت حقوق و برادری ۰/۹۲، رعایت کرامت و عفت ۰/۷۷ و مشارکت و همبستگی ۰/۷۹ بدست آمد که نشان دهنده اعتبار مطلوب و بالای پرسشنامه بعد فردی سلامت اجتماعی است.

جدول ۲: جدول ماتریس همبستگی بین مقیاس های بعد فردی سلامت اجتماعی

مقیاس ها	سلامت اجتماعی	صداقت و پابندی به پیمان	معنویت دینی	رعایت حقوق و برادری	رعایت کرامت و عفت
صداقت و پابندی به پیمان	ضریب همبستگی	۰/۷۳۷**	-----	-----	-----
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	-----	-----	-----
	فراوانی	۹۶۲	-----	-----	-----
معنویت دینی	ضریب همبستگی	۰/۸۵۷**	۰/۴۷۱**	-----	-----
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-----	-----
	فراوانی	۹۶۲	۹۶۲	-----	-----
رعایت حقوق و برادری	ضریب همبستگی	۰/۸۶۱**	۰/۵۲۹**	۰/۷۳۹**	-----
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-----
	فراوانی	۹۶۲	۹۶۲	۹۶۲	-----
رعایت کرامت و عفت	ضریب همبستگی	۰/۹۶۸**	۰/۶۹۳**	۰/۷۸۴**	۰/۷۷۸**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-----
	فراوانی	۹۶۲	۹۶۲	۹۶۲	-----
مشارکت و همبستگی	ضریب همبستگی	۰/۷۹۵**	۰/۴۰۹**	۰/۶۹۴**	۰/۶۷۲**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-----
	فراوانی	۹۶۲	۹۶۲	۹۶۲	۹۶۲

با توجه به جدول فوق، بیشترین همبستگی درونی میان مقیاس ها با بعد فردی سلامت اجتماعی به ترتیب متعلق به مقیاس های رعایت کرامت و عفت (۰/۹۷)، رعایت حقوق و برادری (۰/۸۶)، معنویت دینی (۰/۸۵)، مشارکت و همبستگی (۰/۷۹) و صداقت (۰/۷۳) می باشد. همچنین بیشترین همبستگی میان مقیاس ها، مربوط به مقیاس رعایت کرامت و عفت با مقیاس های معنویت دینی و رعایت حقوق و برادری با ضریب همبستگی (۰/۷۸) و مقیاس رعایت حقوق و برادری با معنویت دینی (۰/۷۴) می باشد. نتایج گویای آن است که میزان همبستگی پرسشنامه بعد فردی سلامت اجتماعی با تمامی ابعاد صداقت و پابندی به پیمان، معنویت دینی، رعایت حقوق و برادری، رعایت کرامت و عفت و مشارکت و همبستگی مثبت معنادار و قوی دارد که حاکی

از همسانی درونی بالای ابعاد مختلف پرسشنامه بعد فردی سلامت اجتماعی با یکدیگر می باشد.

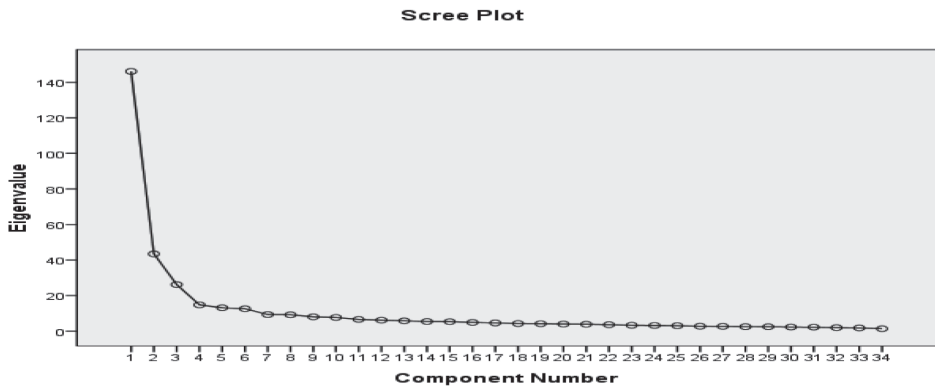
سوال دوم: آیا پرسشنامه بعد فردی سلامت اجتماعی از روایی لازم برخوردار است؟

برای تعیین روایی پرسشنامه بعد فردی سلامت اجتماعی و مشخص ساختن اینکه آیا پرسشنامه تدوین شده واقعا سلامت اجتماعی فرد را می سنجد، سی و چهار مولفه تشکیل دهنده سلامت اجتماعی فرد بر اساس آموزه های اسلام مورد تحلیل عاملی قرار گرفتند.

جدول ۳: آزمون K-M-O و بارتلت

۰/۹۵۵	آزمون KMO و بارتلت
۰/۰۰۰	سطح معناداری

بر اساس نتیجه آزمون KMO که مقدار آن برابر با ۰/۹۵۵ و بزرگتر از ۰/۷۰ است و شاخص کروییت بارتلت که از نظر آماری معنادار می باشد، می توان نتیجه گرفت که داده ها برای تحلیل عاملی شرایط لازم را دارند. برای اینکه معلوم شود چند عامل بنیادی می توان استخراج کرد، نمودار اسکری توسط نرم افزار spss تولید شد که در زیر نشان داده شده است:



طبق نمودار فوق، سی و چهار مولفه به دست آمده قابل تحلیل به مولفه های بنیادی تری هستند که تعداد مولفه ها در محور عمود نمودار مشخص گردیده اند. در جدول ۸، ارزش ویژه و درصد واریانس تبیین شده توسط عامل ها نشان داده شده است. بر اساس معیار کیزر عامل هایی که از ارزش ویژه کمتر از یک برخوردارند، در انتخاب عامل ها به حساب نمی یابند.

جدول ۵: جدول تحلیل عاملی سی و چهار مولفه تشکیل دهنده بعد فردی سلامت اجتماعی

مولفه ها	ارزش ویژه اولیه		
	مجموع	درصد واریانس	تجمع واریانس ها
۱	۱۴۶/۰۸۵	۳۸/۴۵۲	۳۸/۴۵۲
۲	۴۳/۴۶۴	۱۱/۴۴۰	۴۹/۸۹۲
۳	۲۶/۲۲۷	۶/۹۰۳	۵۶/۷۹۵
۴	۱۴/۸۰۶	۳/۸۹۷	۶۰/۶۹۲
۵	۱۳/۱۷۶	۳/۴۶۸	۶۴/۱۶۰
۶	۱۲/۶۲۷	۳/۳۲۴	۶۷/۴۸۴
۷	۹/۳۶۸	۲/۴۶۶	۶۹/۹۵۰
۸	۹/۲۳۴	۲/۴۳۰	۷۲/۳۸۰
۹	۸/۰۸۵	۲/۱۲۸	۷۴/۵۰۸
۱۰	۷/۷۳۹	۲/۰۳۷	۷۶/۵۴۵
۱۱	۶/۶۲۳	۱/۷۴۳	۷۸/۲۸۸
۱۲	۶/۲۱۲	۱/۶۳۵	۷۹/۹۲۳
۱۳	۵/۸۳۴	۱/۵۳۶	۸۱/۴۵۹
۱۴	۵/۴۳۷	۱/۴۳۱	۸۲/۸۹۰
۱۵	۵/۳۶۶	۱/۴۱۲	۸۴/۳۰۲
۱۶	۴/۹۲۴	۱/۲۹۶	۸۵/۵۹۸
۱۷	۴/۶۵۷	۱/۲۲۶	۸۶/۸۲۴
۱۸	۴/۲۹۶	۱/۱۳۱	۸۷/۹۵۵
۱۹	۴/۲۱۹	۱/۱۱۰	۸۹/۰۶۶
۲۰	۴/۰۰۳	۱/۰۵۴	۹۰/۱۱۹
۲۱	۳/۹۰۱	۱/۰۲۷	۹۱/۱۴۶
۲۲	۳/۶۵۳	۰/۹۶۲	۹۲/۱۰۷
۲۳	۳/۳۲۳	۰/۸۷۵	۹۲/۹۸۲

۹۳/۸۳۰	۰/۸۴۸	۳/۲۲۰	۲۴
۹۴/۶۴۴	۰/۸۱۴	۳/۰۹۲	۲۵
۹۵/۳۷۳	۰/۷۲۹	۲/۷۷۱	۲۶
۹۶/۰۹۱	۰/۷۱۸	۲/۷۲۹	۲۷
۹۶/۷۵۸	۰/۶۶۷	۲/۵۳۳	۲۸
۹۷/۴۱۵	۰/۶۵۷	۲/۴۹۷	۲۹
۹۸/۰۳۱	۰/۶۱۶	۲/۳۴۰	۳۰
۹۸/۶۳۱	۰/۶۰۰	۲/۲۷۹	۳۱
۹۹/۱۵۳	۰/۵۲۲	۱/۹۸۴	۳۲
۹۹/۶۳۲	۰/۴۷۹	۱/۸۲۰	۳۳
۱۰۰/۰۰۰	۰/۳۶۸	۱/۳۹۸	۳۴

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، پرسشنامه تدوین شده می تواند حدود ۵۹ درصد از سلامت اجتماعی فرد را بسنجد که گویای روایی قابل قبول پرسشنامه می باشد. همچنین، می توان دریافت که بیش از ۶۰ درصد واریانس سازه مورد نظر به وسیله این شش عامل تبیین می شود. از آنجا که ۶۰ درصد بیشتر از ۵۰ درصد است، بنابراین نتیجه می گیریم که مقیاس مورد نظر از روایی سازه خوبی برخوردار است.

سوال سوم: آیا بین بعد فردی سلامت اجتماعی شهروندان تهرانی بر اساس جنسیت شان تفاوت دارد؟

جدول ۵: جدول آزمون t مقایسه میانگین بعد فردی سلامت اجتماعی بر اساس جنسیت

آزمون t		آزمون لوینسون						
معناداری	درجه آزادی	t	معناداری	F	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	جنسیت
۰/۰۱۴	۹۴۱	-۲/۴۶۵	۰/۰۰۱	۱۰/۸۶۲	۶۸/۸۸۹	۳۹۰/۳۱	۴۳۱	مرد
					۵۹/۲۴۳	۴۰۰/۵۹	۵۱۲	زن

بعد فردی سلامت اجتماعی

طبق جدول فوق چون t محاسبه شده $(۲/۴۶۵-)$ از اندازه مبین جدول در سطح ۹۹ درصد بزرگتر است، می توان گفت که تفاوت میانگین بعد فردی سلامت اجتماعی زنان در مقایسه با مردان از لحاظ آماری معنادار است؛ به نحوی که زنان از بعد فردی سلامت اجتماعی بالاتری نسبت به مردان برخوردارند.

سوال چهارم: آیا بین بعد فردی سلامت اجتماعی بر اساس وضعیت تأهل تفاوت وجود دارد؟

جدول ۶: جدول آمار توصیفی بعد فردی سلامت اجتماعی بر اساس وضعیت تأهل

مقیاس	وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
بعد فردی سلامت اجتماعی	مجرد	۴۱۲	۳۸۳/۹۸۰	۶۲/۱۵۶
	متأهل	۴۷۲	۴۰۴/۴۶۳	۶۵/۱۲۲
	متارکه	۳۰	۴۱۵/۲۹۲	۵۲/۶۵۵
	مطلقه	۱۱	۴۰۱/۰۲۴	۴۸/۶۴۸
	فوت همسر	۱۱	۳۸۰/۵۵۷	۵۱/۹۶۹
	مجموع	۹۳۶	۳۹۵/۴۷۳	۶۳/۹۴۸

جدول ۷: جدول نتایج آزمون تحلیل واریانس بعد فردی سلامت اجتماعی بر اساس وضعیت تأهل

		مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
تفاوت بین گروه ها	بین گروه ها	۱۰۷۱۴۳/۱۵۴	۴	۲۶۷۸۵/۷۸۸	۶/۷۱۰	۰/۰۰۰
	درون گروه ها	۳۷۱۶۴۴۲/۸۰۸	۹۳۱	۳۹۹۱/۸۸۳		
	مجموع	۳۸۲۳۵۸۵/۹۶۲	۹۳۵			

با توجه به جدول فوق بین میانگین بعد فردی سلامت اجتماعی پاسخگویان بر اساس وضعیت تأهل تفاوت معنادار وجود دارد، چرا که F محاسبه شده $(۶/۷۱۰)$ از اندازه مبین جدول در سطح ۹۹ درصد بزرگتر است. برای تعیین اینکه تفاوت میانگین بعد فردی سلامت اجتماعی بین کدامیک از گروه بندی های مربوط به وضعیت تأهل وجود دارد از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد.

جدول ۸: جدول نتایج آزمون توکی مقایسه میانگین بعد فردی سلامت اجتماعی بر اساس وضعیت تأهل

متغیر مستقل	وضعیت تأهل (I)	وضعیت تأهل (J)	تفاوت میانگین ها (I-J)	خطای استاندارد	معناداری
بعد فردی سلامت اجتماعی	مجرد	متأهل	*-۲۰/۴۸۴	۴/۲۶	۰
	متأهل	مجرد	*-۲۰/۴۸۴	۴/۲۶	۰

طبق جدول آزمون توکی میانگین بعد فردی سلامت اجتماعی افراد مجرد در مقایسه با سایر گروه بندی های مربوط به وضعیت تأهل تنها با میانگین بعد فردی سلامت اجتماعی افراد متأهل تفاوت معنادار دارد؛ به طوری که افراد مجرد میانگین پایین تری در بعد فردی سلامت اجتماعی نسبت به افراد متأهل کسب نموده اند. **سوال پنجم:** آیا بین میزان بعد فردی سلامت اجتماعی بر اساس وضعیت اشتغال تفاوت وجود دارد؟

جدول ۹: جدول آمار توصیفی بعد فردی سلامت اجتماعی بر اساس وضعیت اشتغال

مقیاس	وضعیت اشتغال	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
تفرد فردی سلامت اجتماعی	بیکار	۱۱۰	۳۷۰/۷۷۰	۵۸/۶۶۳
	شاغل	۴۳۲	۴۰۳/۲۶۱	۶۵/۶۵۶
	خانه دار	۱۷۲	۴۰۱/۲۷۵	۶۰/۷۴۸
	سرباز	۱۳	۳۲۹/۳۲۷	۵۶/۲۸۰
	دانشجو	۱۳۷	۳۸۹/۴۷۶	۵۴/۴۱۷
	طلبه	۳	۳۵۸/۸۴۴	۶۷/۲۰۳
	بازنشسته	۲۷	۴۲۳/۸۶۰	۶۷/۲۸۲
	مجموع	۸۹۴	۳۹۶/۱۶۷	۶۳/۶۵۰

جدول ۱۰: جدول نتایج آزمون تحلیل واریانس بعد فردی سلامت اجتماعی بر اساس وضعیت اشتغال

	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری
تفرد فردی سلامت اجتماعی	۱۸۶۸۱/۵۶۰	۶	۳۱۰۴۶/۹۲۷	۸/۰۲۵	۰/۰۰۰
	۳۴۳۱۶۰۹/۸۱۵	۸۸۷	۳۸۶۸/۷۸۲		
	۳۶۱۷۸۹۱/۳۷۵	۸۹۳	-----		

با توجه به جدول فوق، میانگین بعد فردی سلامت اجتماعی بر اساس وضعیت اشتغال پاسخگویان تفاوت معنادار دارد، چرا که F محاسبه شده (۸/۰۲۵) از اندازه مبین جدول در سطح ۹۹ درصد بزرگتر است. برای تعیین اینکه تفاوت بین کدامیک از گروه بندی های مربوط به وضعیت اشتغال پاسخگویان می باشد، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد.

جدول ۱۱: جدول آزمون توکی مقایسه میانگین بعد فردی سلامت اجتماعی بر اساس وضعیت اشتغال

متغیر مستقل	(I) وضعیت اشتغال	(J) وضعیت اشتغال	(I-J) تفاوت میانگین ها	خطای استاندارد	معداری
وضعیت اشتغال	بیکار	شاغل	*-۳۲/۴۹۲	۶/۶۴۳	۰
		خانه دار	*-۳۰/۵۰۵	۷/۵۹۴	۰/۰۰۱
		بازنشسته	*-۵۳/۰۹۰	۱۳/۳۵۹	۰/۰۰۱
	شاغل	بیکار	*۳۲/۴۹۲	۶/۶۴۳	۰
		سرباز	*۷۳/۹۳۵	۱۷/۵۰۹	۰/۰۰۱
	خانه دار	بیکار	*۳۰/۵۰۵	۷/۵۹۴	۰/۰۰۱
		سرباز	*۷۱/۹۴۸	۱۷/۸۹۱	۰/۰۰۱
	سرباز	شاغل	*-۷۳/۹۳۵	۱۷/۵۰۹	۰/۰۰۱
		خانه دار	*-۷۱/۹۴۸	۱۷/۸۹۱	۰/۰۰۱
		دانشجو	*-۶۰/۱۴۹	۱۸/۰۵۱	۰/۰۱۶
		بازنشسته	*-۹۴/۵۳۳	۲۰/۹۹۷	۰
	دانشجو	سرباز	*۶۰/۱۴۹	۱۸/۰۵۱	۰/۰۱۶
	بازنشسته	بیکار	*۵۳/۰۹۰	۱۳/۳۵۹	۰/۰۰۱
		سرباز	*۹۴/۵۳۳	۲۰/۹۹۷	۰

طبق جدول آزمون توکی فوق، میانگین بعد فردی سلامت اجتماعی افراد شاغل، بازنشسته، خانه دار و دانشجو در مقایسه با افراد بیکار و سرباز تفاوت معنادار دارد؛ به طوری که به ترتیب سربازان و بیکاران میانگین بعد فردی سلامت اجتماعی کمتری به دست آورده اند.

سوال ششم: آیا بین بعد فردی سلامت اجتماعی و مقیاس های آن در گروه های مختلف سنی ۱۸ تا ۶۵ سال تفاوت وجود دارد؟

جدول ۱۲: جدول آمار توصیفی بعد فردی سلامت اجتماعی بر اساس گروه سنی

مقیاس ها	گروه سنی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
بعد فردی سلامت اجتماعی	تا ۲۰ سال	۱۷۱	۳۸۱/۲۴۴	۵۶/۶۴۳
	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۳۸۳	۳۸۶/۷۳۷	۶۲/۰۵۴
	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	۲۲۲	۴۰۶/۸۸۵	۶۳/۱۰۷
	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	۱۰۴	۴۱۵/۲۰۶	۶۷/۹۴۸
	بین ۵۱ تا ۶۰ سال	۴۱	۴۰۹/۴۳۵	۶۹/۹۹۴
	بالای ۶۰ سال	۱۴	۴۲۶/۴۰۷	۸۲/۶۰۳
	مجموع	۹۳۵	۳۹۵/۲۷۲	۶۳/۸۸۰

جدول ۱۳: جدول نتایج آزمون تحلیل واریانس بعد فردی سلامت اجتماعی بر اساس گروه سنی

مقیاس ها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
بین گروه ها	۱۵۴۶۰۹/۰۱۵	۵	۳۰۹۲۱/۸۰۳	۷/۸۵۶	۰/۰۰۰
درون گروه ها	۳۶۵۶۷۷۱/۷۵۴	۹۲۹	۳۹۳۶/۲۴۵		
مجموع	۳۸۱۱۳۸۰/۷۶۹	۹۳۴			

با توجه به جدول فوق ملاحظه می شود که بین گروه های سنی مختلف از نظر بعد فردی سلامت اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد، چرا که F محاسبه شده (۷/۸۵۶) از اندازه مبین جدول در سطح ۹۹ درصد بزرگتر است. بنابراین بین بعد فردی سلامت اجتماعی در گروه های مختلف سنی ۱۸ تا ۶۵ سال تفاوت وجود دارد. برای تعیین اینکه این تفاوت بین کدامیک از گروه های سنی وجود دارد از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد.

جدول ۱۴: جدول آزمون توکی مقایسه میانگین بعد فردی سلامت اجتماعی بر اساس گروه های سنی

متغیر مستقل	گروه سنی (I)	گروه سنی (J)	(I-J) تفاوت میانگین ها	انحراف استاندارد	معناداری
تفاوت سنی	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	تا ۲۰ سال	۲۵/۶۴۰	۶/۳۸۴	۰/۰۰۱
		بین ۲۱ تا ۳۰ سال	۲۰/۱۴۸	۵/۲۹۲	۰/۰۰۲
	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	تا ۲۰ سال	۳۳/۹۶۱	۷/۸۰۲	۰
		بین ۲۱ تا ۳۰ سال	۲۸/۴۶۹	۶/۹۳۷	۰/۰۰۱

طبق جدول آزمون توکی فوق مشاهده می شود گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و ۳۱ تا ۴۰ سال، از بعد فردی سلامت اجتماعی بیشتری نسبت به گروه سنی زیر ۲۰ سال برخوردارند. همچنین، به ترتیب گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و ۳۱ تا ۴۰ سال از بعد فردی سلامت اجتماعی بیشتری نسبت به گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال برخوردارند. به ترتیب گروه سنی تا ۲۰ سال و ۲۱ تا ۳۰ سال از بعد فردی سلامت اجتماعی کمتری نسبت به گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال برخوردارند. همچنین، به ترتیب گروه سنی تا ۲۰ سال و ۲۱ تا ۳۰ سال از بعد فردی سلامت اجتماعی کمتری نسبت به گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال برخوردارند.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به بدیع و جدید بودن نوع نگاه و رویکرد انتخابی در تعریف و ابزار سنجش بعد فردی سلامت اجتماعی در پژوهش حاضر و تفاوت و تضادهای اساسی رویکرد انتخابی با دیدگاه های موجود، تبیین و

مقایسه نتایج با یافته های همسو و ناهمسو در زمینه بعد فردی سلامت اجتماعی امکان پذیر نمی باشد. همان طور که نظریه شناختی - اجتماعی بندورا و رویکرد اجتماعی و فرهنگی، بخش مهمی از منشاء اندیشه و رفتار انسان را در اجتماع جستجو می کند، میانگین بالاتر بعد فردی سلامت اجتماعی در زنان می تواند ناشی از تأکید بیشتر خانواده، آموزش و فرهنگ جامعه بر رعایت مولفه های مثبت سلامت اجتماعی توسط زنان باشد. به عبارتی، طبق "قانون اثر" ثرندایک و "قرارداد وابستگی" اسکینر خانواده، مدرسه و اجتماع با حساسیت و دقت بیشتری در برابر میزان پایبندی و رعایت مولفه های مذکور، واکنش های تقویتی و تنبیهی به زنان ارائه می دهد و در نتیجه به قول کلارک هال، زنان در مولفه های یاد شده از نیرومندی عادت بیشتری نسبت به مردان برخوردار می شوند. همچنین، طبق دیدگاه مکینتاش می توان گفت که زنان توجه و پردازش اطلاعات بیشتری را نسبت به مردان در برابر این مولفه ها دارند. این یافته بر خلاف فرض های نظریه روانکاوی است که معتقدند زنان به دلیل صرف هزینه کمتر نسبت به مردان برای حل "عقده الکتر" از "فرامن" ضعیف تری نسبت به مردان برخوردارند. در روان شناسی جنایی نیز، دلایل احتمالی آمار پایین جرایم و مشکلات قضایی زنان به عوامل بیرونی و مواردی مانند حضور و فعالیت اجتماعی کم رنگ تر و چشم پوشی و اغماض بیشتر در خصوص جرائم زنان اسناد داده شده، ولیکن طبق یافته های پژوهش احتمالاً این وضعیت ناشی از عوامل درونی مانند برخورداری بیشتر از بعد فردی سلامت اجتماعی می باشد؛ همان طور که کارول گیلیگان دریافت زنان از چشم اندازی متفاوت به مسائل اخلاقی می نگرند. زنان بر حساسیت نسبت به احساسات و حقوق دیگران و توجه و مراقبت از آنان تأکید دارند و توجه به انسان مهمتر از اطاعت از اصول انتزاعی است. به عبارت دیگر، طبق رویکرد انسان گرایی احتمالاً زنان به طور آزاد و ارادی خود پایبندی بیشتر به این مولفه ها را انتخاب نموده اند.

با توجه به میانگین پایین تر بعد فردی سلامت اجتماعی افراد مجرد نسبت به متأهل، به نظر می رسد تشکیل خانواده و تاهل به لحاظ سرمایه گذاری جسمی، روانی و اجتماعی و رعایت حقوقی و خیرخواهی که فرد برای همسر خود دارد، تمرین و آمادگی برای ایجاد تعامل و ارتباطی سالم با سایر افراد جامعه باشد. به بیان دیگر، ازدواج و برخورداری از زندگی مشترک می تواند زمینه ساز ایجاد آمایه ثرندایکی یا به قول کلارک هال، توان واکنش موثر بیشتری برای رعایت، مولفه های سلامت اجتماعی در روابط بین فردی شود. افراد بازنشسته در میان گروه بندی های مربوط به وضعیت اشتغال، دارای بالاترین میانگین و سربازان پایین ترین میانگین در بعد فردی سلامت اجتماعی بودند. به نظر می رسد سرمایه گذاری جسمی، روانی و اجتماعی افراد و ایجاد احساس تعلق با جامعه به واسطه اشتغال در مشاغل مختلف، با ارتقای بعد فردی سلامت اجتماعی مرتبط باشد، به طوری که افرادی که سی سال از زمان مفید عمر خود را در این مسیر قرار داده و بیشترین سرمایه گذاری را در این خصوص انجام داده اند، بهترین وضعیت را در بعد فردی سلامت اجتماعی دارند. از سویی، گویا هر چقدر افراد نقش، جایگاه و کارکرد مشخص تری در جامعه داشته باشند، پایبندی بیشتری به مولفه های بعد فردی سلامت از خود نشان می دهند. به عبارتی، احساس تعلق و ارائه خدمات به جامعه به واسطه جایگاه و کارکرد مشخص شغلی و سرمایه گذاری جسمی، روانی و اجتماعی در جامعه که تحت از آن به عنوان "سرمایه انسانی" و "سرمایه اجتماعی" یاد می شود، تعاملی دوسویه با بعد فردی سلامت اجتماعی دارد؛ به طوری که افرادی که سی سال از زمان مفید عمر خود را در این مسیر قرار داده و بیشترین سرمایه گذاری را در این خصوص انجام داده اند، از بهترین وضعیت در بعد فردی سلامت اجتماعی برخوردارند. به نظر می رسد حتی اگر این احساس تعلق، نقش، جایگاه و کارکرد مانند افراد خانه دار در محدوده اعضای خانواده باشد، زمینه ساز وضعیت بهتر بعد فردی سلامت اجتماعی نسبت به افراد بیکار، سرباز

و دانشجو خواهد بود. از سوی دیگر، هر چند انتظار می رود جایگاه، کارکرد و کیفیت ارتباطی افراد بیکار با دیگران نسبت به سربازان و دانشجویان متفاوت باشد، اما سربازان و دانشجویان نیز مانند افراد بیکار، احساس تعلق، نقش، جایگاه و کارکرد مشخصی را در ارتباط با دیگران و جامعه ندارند و سربازان حتی وضعیت پایین تری در این زمینه نسبت به دانشجویان دارند.

یافته های تفاوت بعد فردی سلامت اجتماعی در گروه های مختلف سنی حاکی از آن است که در میان گروه بندی های مربوط به سن، محدوده سنی ۳۱ تا ۵۰ سال نسبت به محدوده سنی زیر ۲۰ تا ۳۰ سال از وضعیت بهتری در بعد فردی سلامت اجتماعی برخوردارند. به نظر می رسد این تفاوت ها بیشتر در ارتباط با تغییر در کیفیت و ویژگی های روانی، عاطفی و اجتماعی مراحل مختلف رشد و تحول سنی افراد باشد تا اینکه مبتنی بر تاکید آموزه های اسلام بر رعایت مولفه های مثبت و پرهیز از مولفه های منفی از ابتدای سن تکلیف و پذیرش مسئولیت اجرای دستورات دین در ارتباط با دیگران و اجتماع، زیرا اقتضای ثبات نسبی در ویژگی های روانی- اجتماعی محدوده سنی ۳۱ تا ۵۰ سال که همراه با پشت سر گذاشتن بحران های مختلف فردی و اجتماعی است، پایداری بیشتری به مولفه های سلامت اجتماعی است. گذار جامعه از دوران سنتی به صنعتی موجب تداوم بحران های هویتی، شغلی و اجتماعی افراد جامعه تا حدود سن ۳۰ سالگی گردیده که پابند و متعهد نبودن نسبت به دیگران و اجتماع یکی از پیامدهای جدی آن است- همان طور که طبق نظریه اریکسون تشکیل صفت پایداری، تعهد و مسئولیت پذیری ناشی از حل مطلوب این بحران های هویتی و شغلی است. به عبارت دیگر، رعایت بیشتر مولفه های سلامت اجتماعی در گروه های سنی ۳۱ تا ۵۰ سال احتمالاً ناشی از گذراندن نسبتاً مطلوب این بحران ها و بی توجهی و ضعف در پایداری به این مولفه ها در محدوده سنی زیر ۲۰ تا ۳۰ سال است.

به طور کلی نتایج پژوهش گویای آن بود که نسبت برخورداری شهروندان تهرانی از سلامت اجتماعی مبتنی بر آموزه های اسلام در سطح متوسط است. همچنین بر خلاف نتایج پژوهش حاضر پیرامون وجود تفاوت در سلامت اجتماعی افراد بر اساس جنسیت، وضعیت تاهل، اشتغال و گروه سنی شان، الگوی ترسیمی سلامت اجتماعی در اسلام منوط به هیچ یک از این متغیرها نیست و از تمامی مسلمانانی که به بلوغ و تکلیف شرعی رسیده اند انتظار می رود به مولفه های مطرح شده در سلامت اجتماعی پابند باشند.

با توجه به تاکید نقشه جامع علمی کشور در حوزه سلامت پیشنهاد می شود در برنامه سلامت اجتماعی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، برنامه ملی سلامت جوانان و اقدامات دستگاه های اجرایی مرتبط با سلامت، بعد فردی سلامت اجتماعی مبتنی بر آموزه های اسلام مد نظر قرار گیرد و در این زمینه ارتقای سلامت اجتماعی مردان، افراد مجرد، بی کار و گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال با توجه ویژه دنبال گردد.

منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۰) "آزمون جهت گیری مذهبی با تکیه بر اسلام". پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم.
- رفیعی، حسن؛ سمیعی، مرسله؛ امینی رارانی، مصطفی و اکبریان، مهدی (۱۳۸۹) "سلامت اجتماعی ایران: از تعریف اجماع مدار تا شاخص شواهد مدار". مجموعه مقالات و سخنرانی های نخستین هم اندیشی ملی سلامت اجتماعی. تهران: وزارت سلامت، درمان و آموزش پزشکی.
- رمضان خانی، خالقی، سلطانی، میرآقایی و کیهانی (۱۳۸۹) "عوامل موثر بر سلامت اجتماعی زنان شهر تهران". اولین همایش کشوری دانشجویی عوامل اجتماعی موثر بر سلامت [خلاصه مقالات]. تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات سلامتی و درمانی ایران.
- سلطانی بهرام، سعید و بهارلویی، حمزه (۱۳۸۹) "سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی یک نگرش جامعه شناختی". اولین همایش کشوری دانشجویی عوامل اجتماعی موثر بر سلامت [خلاصه مقالات]. تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات سلامتی و درمانی ایران.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۶) **تغییر رفتار و رفتار درمانی نظریه ها و روش ها**. چاپ نهم، تهران: نشر دوران
- شمسایی، محمد مهدی؛ پاشاشریفی، حسن و جدیدی، محسن (۱۳۹۲) **سنجش بعد فردی سلامت اجتماعی**. تهران: نشر برزآفرین
- عبدالله تباری، هادی؛ کلدی، علیرضا؛ محقق، کمال؛ سیدحسین، فروزان؛ آمنه، ستاره و صالحی، مسعود (۱۳۸۷) "بررسی سلامت اجتماعی دانشجویان". فصلنامه رفاه اجتماعی. ۸ (۳۰-۳۱): ۱۷۱-۱۸۹.
- عطاردی، عزیز (۱۳۷۸) **الله ایمان و کفر - ترجمه الیمان و الکفر بحار الانوار**. تهران: انتشارات عطارد
- قرشی، سید علی اکبر (قرن ۱۵) **قاموس قرآن**. ناشر: دار الکتب الإسلامیة، ج ۳، ص ۲۹۶؛ تهران: سال چاپ: ۱۳۷۱ش؛ نوبت چاپ: ششم.
- کوک، مایکل (۱۳۸۶) **امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی**. احمد نمایی. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی (سال نشر اثر به زبان اصلی ۲۰۰۲)
- مجلسی، علامه محمد باقر بن محمد تقی (۱۰۳۷-۱۱۱۱ هجری) **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام**. تهران: ناشر اسلامیه
- مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۹) "آسیب شناسی مشکلات اجتماعی و اخلاقی در جامعه ایران". گزارش راهبردی، مرکز تحقیقات استراتژیک. سال ۴ شماره ۹۸.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸) **رستگاران**. محمد مهدی نادری قمی. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- الوانی، مهدی و تقوی، میرعلی (۱۳۸۳) "مفاهیم و نظریه های سرمایه اجتماعی". فصلنامه مطالعات مدیریت. شماره ۳۴، ۳۳ و ۴۷ صص ۷۰-۵۳.
- وزارت کشور (۱۳۷۵) "بحران اخلاقی، تهدید و امنیت ملی". نشریه امنیت. سال ۴، شماره ۱۰۹.
- Belloc, N. B., Breslow, L., and Hochstim, J. R. (1971) **Measurement of physical health in a general population survey**. American Journal of Epidemiology. 93, 328-336.
- Blaxter, M. (1990) **Health and Lifestyles**. London: Routledge
- Jirincova, B., & Svoboda, M. (2010) "Social Health In Terms of Students of Educational Courses". School and Health. 21, 191-199.

- Keyes, C. L. M. (1998) **"Social well-being"**. Social psychology quarterly. 61, 121-141.
- Keyes, C. L. M., & Shapiro, A. (2004) **"Social Well-Being in the United States: A Descriptive Epidemiology"**. In How Healthy Are We? A National Study of Well Being at Midlife, edited by Orville G. Brim, Carol Ryff and Ronald Kessler. Chicago: University of Chicago Press.
- Keyes, C. L. M., Shmotkin, D., & Ryff, C. D. (2002) **"Optimizing wellbeing: The empirical encounter of two traditions"**. Journal of Personality and Social Psychology. 82, 1007-1022.
- Northrup-Snyder, K. (2010) "Community Health Concepts".
- Skulmoski, G. J., Hartman, F. t. & Krahn, J. (2007) **"The Delphi Method for Graduate Research"**. Journal of Information Technology Education. 6, (1), 1-21
- Ustun, B. T., & Jakob, R. (2005) **"Re-defining 'Health'"**. Bulletin of the World Health Organization. 83, 802.
- World Health Organization (1985) **"Targets in Support of the European Strategy for Health for All"**.

تبیین جامعه شناختی عوامل موثر بر تمایل دختران نوجوان به بزهکاری در شهر کرمان

محمد تقی ایمان^۱

الهام شیردل^۲

فاطمه انجم شعاع^۳

حمید شیردل^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۳/۲

این پژوهش در صدد است تا تمایل به رفتارهای بزهکارانه دختران نوجوان شهر کرمان را از طریق عوامل اجتماعی تبیین کند. بدین منظور در چهارچوب نظری این پژوهش، از نظریه کنترل اجتماعی هیرشی استفاده شده است. متغیرهای مستقل این پژوهش شبکه اجتماعی، تحصیلات والدین و الگوهای گذران اوقات فراغت هستند. متغیر وابسته این پژوهش نیز متشکل از ۲۴ گویه در قالب تعداد دفعات تمایل به انجام بزهکاری در خود و دوستان نزدیک ارزیابی شده است. این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش، دختران نوجوان شهر کرمان در سال ۱۳۹۲ و تعداد نمونه ۳۸۱ نفر می باشند. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می دهد: الف) تمایل به بزهکاری به میزانی قابل ملاحظه در رفتارهای دختران نوجوان وجود دارد. ب) بین متغیرهای مستقل فراغت اینترنتی، ماهواره ای، فراغت گردشی - تفریحی، استفاده از موسیقی مدرن و فراغت ورزشی با تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. ج) متغیرهای شبکه اجتماعی، تحصیلات والدین و فراغت دینی بر تمایل به بزهکاری اثری کاهنده دارند. د) اجرای تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که تنها سه متغیر الگوی فراغتی بر شدت تمایل به بزهکاری اثر دارند و می توانند ۲۳ درصد آن را تبیین کنند. این سه متغیر عبارت بودند از:

۱. استاد گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، عضو هیأت علمی دانشگاه دولتی شیراز

۲. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

E-mail: el.mshirdel@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد، گروه جامعه شناسی، بخش علوم اجتماعی، دانشگاه باهنر کرمان

۴. کارشناسی ارشد، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه علوم و تحقیقات کرمان

متغیر فراغت اینترنتی، گردشگری - تفریحی و استفاده از ماهواره. (ر) متغیر فراغت اینترنتی از بین سایر متغیرها بیشترین تأثیر کل را بر متغیر وابسته نشان داده است. بنابراین، عوامل اجتماعی نظیر سطح تحصیلات پایین والدین، فقدان پیوندهای اجتماعی در شبکه روابط افراد و عدم کنترل اجتماعی درست و صحیح در اوقات فراغت می‌تواند دختران نوجوان را به سوی بزهکاری سوق دهد.

واژگان کلیدی: عوامل اجتماعی، فراغت، تمایل به بزهکاری و دختران

طرح مسأله

بدون تردید، توسعه و پیشرفت جوامع بشری، مرهون نیروی انسانی سالم، متعهد، متخصص و جوان آنهاست. یکی از عواملی که در نابودی نیروی انسانی به ویژه جمعیت جوان و فعال جوامع، سهم بسزایی دارد، پدیده بزهکاری است که امروزه گریبانگیر بسیاری از کشورها، از جمله ایران شده است. هدف این پژوهش، شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان دختر به بزهکاری است. آمارها و اطلاعات مربوطه به تغییرات جرم زنان در سطح کشور نشان می دهد که تعداد زنان محکوم شده به زندان در کل کشور از ۷۰۷۶ نفر در سال ۱۳۶۰ به ۹۶۴۶ نفر در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. این روند افزایشی از سال ۱۳۷۰ به بعد شتاب بیشتری داشته است. بررسی آمار مربوط به جرایم زنان بر اساس استان نیز حاکی از آن است که استان کرمان از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ به ترتیب با ۷/۸ و ۷/۹ درصد یکی از استان هایی بوده که دارای بیشترین میزان رشد جرایم ارتكابی در زنان است. بررسی آمار محکومان به زندان نشانگر آن است که تعداد جرایم ثبت شده زنان از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در کل کشور، افزایشی معادل ۲/۲ برابر داشته است. در همین مدت، جمعیت زنان بالای پانزده سال، افزایشی حدود ۱/۵ برابر را نشان می دهد. بنابراین، رشد جرایم زنان بیش از رشد جمعیت بالای پانزده سال بوده است. همچنین، جرایم اخلاقی، جنسی و مواد مخدر بیشترین نوع جرایم رایج در بین زنان طی این سال ها شناخته شده اند (جربانی، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

اوقات فراغت نیز مانند سایر جنبه های زندگی بشر، در طول قرون و اعصار ثابت نمانده و تغییرات زیادی را در روند تاریخی خود شاهد بوده است. مهم ترین برهه ای که تغییر و تحولی بنیادین را در اوقات فراغت پدید آورد، انقلاب صنعتی بود. آمیختگی کار با اوقات فراغت، همراه با زندگی در خانواده گسترده، زندگی سالم و نسبتاً رضایت بخشی را برای مردم جوامع سنتی فراهم کرده بود. در خانواده گسترده، فرزندان با همسالان خود بازی، تفریح و دوستی می کردند و اعضای خانواده گسترده از حمایت های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و فرهنگی خانواده برخوردار بودند. فعالیت های تفریحی و فراغتی مختلفی نیز در میان آنها رایج بود. به طور مثال، مطالعه قرآن، نهج البلاغه، مثنوی معنوی، شاهنامه، گلستان سعدی و دیوان حافظ، و بیان حکایت ها و قصه گوئی های پدر بزرگ ها، مادر بزرگ ها و بزرگان خانواده از فعالیت هایی بود که اعضای خانواده های گسترده جوامع ایرانی در ساعات فراغت بعد از کار و هنگام دور هم نشینی ها به آنها می پرداختند. بدیهی است که این فعالیت ها به طور مستقیم و غیرمستقیم، به رشد شناختی، عاطفی و معنوی همه اعضای خانواده به خصوص افراد نوجوان و جوان کمک بسیار می کرد. انقلاب صنعتی در قرن های هجدهم و نوزدهم، تغییرات و تحولات عمیقی به وجود آورد. کارخانه ها و شهرهای بزرگ به افزایش جمعیت شهری، آپارتمان نشینی، ازدحام، مسکن نامرغوب، فقر، ایجاد حلی آبادها و افزایش جنایت منجر شد. در این هنگام، خانواده گسترده کم کم جای خود را به خانواده هسته ای داد. محل بازی فرزندان به فضاهای گرفته و کوچک اتاق ها محدود شد، زندگی شتاب سرسام آوری به خود گرفت و روابط اجتماعی و فراغت با کیفیت و سازنده به دست فراموشی سپرده شد (اردکانیان، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

با ایجاد تغییرات اجتماعی، توسعه فناوری های نوین و بروز نیازهای جدید در خانواده ها و جوانان، الگو های فراغتی رسانه ای و مجازی پا به عرصه گذاشتند و روابط اجتماعی شکل جدیدی به خود گرفت. گرایش روزافزون به ارتباطات مجازی که جایگزین نامناسبی برای تخلیه هیجان و وقت گذرانی است و از آن به عنوان "آسیب های نوپدید" یاد می گردد، نوجوانان و جوانان را از دنیای واقعی به دنیای مجازی و هیجانی کشاند، چرا که فرد در دنیای واقعی جایی برای تخلیه این هیجانات ندارد. بدیهی است به همان میزان که افراد وقت خود را برای روابط و بازی های مجازی صرف می کنند، از تعامل آنان با دیگران در محیط تحصیل

و خانواده کاسته می‌شود (معاونت آموزش دفتر کاهش آسیب‌های اجتماعی، ۱۳۹۰). همین‌طور بازی‌های کامپیوتری به علت در دسترس بودن آسان و نبود گزینه‌های مناسب دیگر در اوقات فراغت جوانان، رواج بیش از اندازه‌ای یافت. بی‌تردید، احساس کمبود بر اثر از بین رفتن روابط اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی در کنار رواج استفاده از الگوهای فراغتی نامناسب و مخرب از جمله فراغت مجازی و رسانه‌ای باعث افزایش آسیب‌پذیری فرد در برابر انحرافات می‌شود.

شبکه اجتماعی قوی و اوقات فراغت سازنده از استفاده‌های ضد اجتماعی و بزهکارانه از وقت آزاد پیشگیری می‌کند. اوقات فراغت با تدارک برنامه‌های سازنده و لذتبخش برای جوانان از طریق فرصت‌های تفریحی مرتبط با سایر خدمات لازم برای آنها، از استفاده ضد اجتماعی یا مخرب وقت آزاد مانند بزهکاری یا سوء مصرف مواد پیشگیری می‌کند یا تأثیرات منفی این نوع استفاده از وقت آزاد را کاهش می‌دهد. برخی از محققان، نقطه آغازین بزهکاری جوانان را در برخی از اشکال ناسالم بازی‌های دوران نوجوانی و جوانی شناسایی کرده‌اند. محرومیت از اوقات فراغت مناسب، زمینه مساعدی را برای ایجاد و گسترش انواع انحرافات اجتماعی که روی ساختار نیز تأثیرات مخربی باقی می‌گذارند، فراهم می‌نماید. از آن میان می‌توان به اعتیاد، انحرافات جنسی، بزهکاری (مدرسه‌گریزی، پرسه زنی و ولگردی در خیابان، پرخاشگری و تجاوز به حقوق دیگران، طغیان علیه اولیا، خانواده و جامعه، تشکیل باندهای نابه‌هنجار، سرقت، تخریب اموال مدرسه یا هر مکان دیگری و...) اشاره کرد (مک‌لین و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۷۵).

اوقات فراغت، فرصتی طلایی است که می‌تواند زمینه مناسبی را برای رشد و بالندگی افراد فراهم آورد. استفاده صحیح از اوقات فراغت هم بر زندگی فرد و هم بر جامعه تأثیر مثبت خواهد داشت - همچنان که استفاده نادرست از اوقات فراغت در هر دو سطح یاد شده نیز می‌تواند باعث بروز مشکلات و خسارات جبران‌ناپذیری شود. این مسئله به خصوص در مورد جوانان و نوجوانان از حساسیت بیشتری برخوردار است، زیرا این قشر آینده‌ساز، خود و نسل بعدی اجتماع را خواهند ساخت و سرنوشت آنها با سرنوشت جامعه گره خورده است. همچنین، میزان فراغت این گروه و نیز سهم آنان در فعالیت‌های فراغتی، بیشتر از سایر اقشار است (معاونت آموزش دفتر کاهش آسیب‌های اجتماعی، ۱۳۹۰). نداشتن برنامه‌ای مفید و راهبردی مشخص برای سپری کردن موثر این اوقات و همچنین نبود شبکه اجتماعی که بتواند فرد را از لحاظ عاطفی، مالی، اجتماعی و مصاحبتی حمایت کند، بدون شک زمینه را برای بروز بسیاری از مفاسد اجتماعی فراهم می‌آورد و در نهایت، امنیت و نظم اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۶). در اثر تعداد و کیفیت روابط اجتماعی و فعالیت‌های سالم در اوقات فراغت هم آسایش روحی، روانی و جسمی دختران جوان تأمین می‌شود، هم شخصیت آنان رشد و شکوفایی می‌یابد و از هدر رفتن نیروها که در صورت عدم هدایت صحیح ممکن است موجب بزهکاری‌های فردی و اجتماعی گردد، جلوگیری به عمل می‌آید. همچنین، اشاعه فرهنگ و امنیت عمومی، توسعه فرهنگی و نشاط و سرزندگی در جامعه افزایش می‌یابد (مک‌لین و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۷۰).

تحلیل جنسیتی اوقات فراغت کمک می‌کند تا نیازهای خاص فراغتی دختران جوان را براساس مقتضیات روحی، روانی و جسمانی آنان شناخته و آسیب‌های بالقوه اوقات فراغت در این گروه با دقت بیشتری بررسی شود. از طرف دیگر، دختران جوان به علت وضعیت خاص بیولوژیکی و شرایط اجتماعی و عرفی جامعه ایران به حمایت‌های اجتماعی بیشتر و برنامه‌های فراغتی متفاوت با پسران نیاز دارند. عدم برخورداری از حمایت‌ها و پیوندهای اجتماعی سالم و فعالیت‌های فراغتی و تفریحی مطلوب به کاهش کارایی زنان و دختران جوان در محیط تحصیل، خانواده و افزایش افسردگی دامن می‌زند و چه بسا باعث تخریب روابط

انسانی در حوز اجتماع و خانواده شود (رفعت جاه و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۳). داشتن روابط اجتماعی سالم و اوقات فراغت سازنده، بر اجتماعی شدن و یادگیری ارزش ها و هنجارها تاثیر دارد و از نظر فرهنگی به حفظ کلیت نظام اجتماعی کمک می کند. اوقات فراغت، یک نهاد اجتماعی است که ارزش ها و هنجارها را به افراد انتقال می دهد و به شکل دادن و ساختن جامعه کمک می کند. نحوه گذران اوقات فراغت، نشان دهنده ارزش های موجود در جامعه است و ممکن است به حفظ الگوهای جامعه کمک کند، از تنش های جامعه بکاهد و به حس رفاقت، دوستی، تعلق اجتماعی و کاهش گرایشات و اقدامات بزهکارانه کمک کند (هاشمی، ۱۳۸۹: ۲).

از اهداف مهم این مطالعه، بررسی انواع الگو های فراغتی رایج در بین دختران نوجوان شهر کرمان و پاسخگویی به سوالات زیر است:

- چه میزان و شکل هایی از تمایل به بزهکاری در دختران نوجوان وجود دارد؟
- ویژگی های فردی سن و بعد خانوار با رفتار بزهکارانه دختران نوجوان چه رابطه ای دارد؟
- عوامل اجتماعی نظیر میزان تحصیلات والدین، روابط اجتماعی غیر رسمی با خانواده، دوستان و ... در تمایل به بزهکاری دختران نوجوان چه تأثیری می گذارد؟
- گرایش به اقدامات خلافکارانه دختران نوجوان با الگو های فراغتی چه رابطه ای دارد؟
- الگو های فراغتی چه آثار سوئی بر رفتارهای دختران نوجوان دارد؟
- کدام یک از الگو های فراغتی، این گروه را از گرایشات بزهکارانه دور نگه می دارد و کدام یک بر میزان آن می افزاید؟

ادبیات و پیشینه پژوهش

برخی تحقیقات و مطالعات تجربی اخیر مبین رابطه معکوس و برخی دیگر حاکی از وجود رابطه مستقیم بین اوقات فراغت و بزهکاری می باشند. تحقیقات بسیاری نشان داده است که اغلب بزهکاران جوان، از اوقات فراغت خود سوء استفاده می کنند. مک لین و دیگران (۲۰۰۵) شکستن شیشه پنجره ها، مردم آزاری، فرار از مدرسه و امثال آن را اشکالی از بازی، ماجراجویی و هیجان می دانند. ساوینا^۱ (۲۰۰۸) در پژوهش خود با عنوان "فراغت و خشونت جسمی" بیان می کند که رابطه بین انحرافات اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت معنی دار می باشد و گرایش به خشونت جسمی نسبت به دیگران در بین جوانانی که اوقات فراغت خود را در کنار یکدیگر می گذرانند (گروه همال) بیشتر از جوانانی است که این اوقات را در کنار گروه همال خود به سر نمی برند. کلی^۲ (۲۰۰۴) در فراتحلیل خود اعلام می کند که بین همه انواع ورزش های درون مدرسه و بزهکاری، رابطه مستقیم و معناداری دیده شده است - اما برخی دیگر از مطالعات، وجود رابطه معکوس بین ورزش و بزهکاری را گزارش کرده اند.

نشریه حقوق جوانان^۳ (۱۹۹۹) بیان می کند که بیشتر اوقات فراغت به عنوان فرصتی برای رفتارهای مشکل آفرین جوانان تصور می شود. رابینسون^۴ و دیگران (۱۹۹۹) نتیجه می گیرند جوانان بیشتر تحت تأثیر گروه همسالان و رسانه های جمعی هستند تا خانواده و ارزش های جمعی و محلی.

پوریوسفی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی که در مورد "بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر الگوپذیری

1. Savina

2. Kelley

3. National report series

4. Robinson

رفتار اجتماعی دختران“ روی دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران انجام داده‌اند، به این نتیجه دست یافتند که متغیر تحصیلات والدین با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه‌ای معنادار دارد. همچنین، رابطه نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران با گروه دوستان و همسالان معنادار بوده و نیز رابطه معناداری بین متغیر وابسته تحقیق با نوع فعالیت‌های پرورشی و آموزشی مدارس مشاهده شده است. بالاخره، یکپارچگی با دیگران با الگوهای رفتاری دختران رابطه‌ای معنادار داشته است.

نتایج تحقیق صادقی فر (۱۳۸۹) در مورد“ عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن” نشان داد در نوجوانان و جوانان بزهکار پسر در زندان بیرجند بین متغیرهای میزان نابسامانی خانواده و نوع همسالان با بزهکاری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، ردادی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای در مورد“ رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی” نشان می‌دهد که با تقویت همیاری، انسجام بخشی و کاهش کنترل رسمی شهروندان در طول زمان می‌توان از بسیاری از جرایم پیشگیری کرد.

زاهد و الماسی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان“ بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان حاشیه‌نشینان و غیر حاشیه‌نشینان در مورد دانش آموزان پسر دبیرستانی شهر ایلام”، رابطه بین متغیرهای صمیمیت بین اعضای خانواده، وابستگی به دوستان و مدرسه، آشفتگی خانواده و استفاده از تولیدات فرهنگی خارجی با رفتارهای بزهکارانه را تأیید کردند.

بنا به نظر افروز (۱۳۷۰) اوقات فراغت، بستر مطلوبی برای جریان نیکوی رشد شخصیت و اعتلای وجود و یا زمینه‌همواری برای بروز اختلالات رفتاری و انحرافات اخلاقی و بزهکاری‌های اجتماعی است. کوهستانی و دیگران (۱۳۸۷) نتیجه می‌گیرند میزان انحرافات جوانان در ساعات بعد از مدرسه به ویژه ساعات فراغت افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش‌های سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴) بیان می‌کند بسیاری از انحرافات و بزهکاری‌های جوانان به واسطه عدم وجود برنامه صحیح در گذران اوقات فراغت جوانان پدید می‌آید. مهمترین شاهد در این زمینه آن است که در تابستان به دلیل افزایش وقت آزاد و فرصت‌های فراغتی، بیشترین بزهکاری‌ها و اختلالات رفتاری در میان جوانان به وقوع می‌پیوندد.

نتایج تحقیق خواجه نوری و دیگران (۱۳۸۹) در مورد“ رابطه اوقات فراغت و بزهکاری” نشان داده است بین فعالیت‌های فراغتی سازمان نیافته و بزهکاری رابطه معنادار مثبتی وجود دارد و اوقات فراغت سازمان یافته بر روی هم ۲۳ درصد تغییرات متغیر بزهکاری را تبیین کرده است. احمدی و دیگران (۱۳۸۸) در تحقیقی که به روش پیمایش اجتماعی و در نمونه‌ای شامل ۶۵۰ پاسخگوی نوجوان صورت پذیرفت، نشان می‌دهند که بین محل تولد، جنسیت، وضعیت تحصیلی، استفاده از تولیدات فرهنگی غرب و نحوه گذراندن اوقات فراغت و رفتار بزهکارانه پاسخگویان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

علی‌وردی نیا و دیگران (۱۳۸۷) در تحقیق در مورد“ فعالیت‌های ورزشی و بزهکاری” بین مشغولیت بیشتر در ورزش‌های انفرادی و بزهکاری رابطه‌ای مثبت یافته‌اند. مشکانی و دیگران (۱۳۸۱) در مقاله“ سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان”، به بررسی میدانی موضوع بزهکاری نوجوانانی که به جرم بزهکاری در تهران بزرگ در سال ۱۳۷۱ دستگیر شده‌اند پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهند که هر قدر وابستگی نوجوان به خانواده قوی‌تر باشد، از شدت عمل بزهکارانه کاسته می‌شود و نگرش‌های منفی نسبت به قانون، مجریان قانون و هنجارهای اجتماعی باعث تقویت بزهکاری می‌شوند. سرانجام ارتباط با بزهکاران به صورت صمیمی و مستمر، نوجوان را بشدت به سوی بزهکاری سوق می‌دهد.

تنهایی و عباسی (۱۳۸۷) نشان می‌دهند که فعالیت‌های اوقات فراغت معین و هدایت شده، اثری کاهنده بر

میزان بزهکاری دارند. نقش عضویت در باشگاه‌های ورزشی و انجمن‌های ادبی، فرهنگی و علمی قوی‌تر از الگوهای فراغتی دیگر است. وی بیان می‌کند که میزان مشغولیت فرد به فعالیت‌های فراغتی گوناگون باعث می‌شود که فرد برای کار خلاف وقت نداشته باشد. درگیر شدن در سرگرمی‌های مدرسه و خانه، اشتغال به فعالیت‌های فوق برنامه، سرگرمی‌های خاص، عضویت در باشگاه‌های ورزشی و انجمن‌های ادبی، فرهنگی و علمی قاعدتا فرصت لازم را برای انجام بزهکاری از بین می‌برد.

یافته‌های تحقیق رفعت جاه و دیگران (۱۳۸۹) در مورد "تبیین جامعه شناختی فعالیت‌های فراغتی دختران جوان با تأکید بر عوامل آسیب شناختی آن" حاکی از آن است که سایر نهادهای اجتماعی از جمله رسانه‌های جمعی بر نگرش و رفتار فرد تأثیر بیشتری می‌گذارند. پژوهش‌های سلگی (۱۳۸۲)، رفعت جاه (۱۳۸۷) و کاظمی (۱۳۸۷) جملگی بسیاری از انحرافات جوانان را نتیجه فقدان برنامه ریزی صحیح در گذران اوقات فراغت می‌دانند. مهدوی و دیگران (۱۳۸۷) در تحقیقی در مورد "کج رفتاری و اوقات فراغت" نتیجه گرفتند که فعالیت‌های فراغتی ورزشی بیشترین تأثیر منفی معنی دار را بر انواع آسیب‌های اجتماعی دارند.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌ها و مدل‌های گوناگونی برای تبیین گسترش رفتارهای بزهکارانه توسط جامعه‌شناسان و اندیشمندان مطرح شده است. دورکیم، بنیانگذار اصلی جامعه‌شناسی بر این باور است که نرخ انحراف در جوامع، متأثر از نوع سازمان اجتماعی و میزان انسجام اجتماعی است. او در مطالعات خود نشان داد که نوع و میزان جرم در جامعه مستقیماً با شیوه‌های بنیادی که جامعه حول آن سازمان یافته است، مرتبط می‌باشد. مرتن همسو با دورکیم بر این باور بود که رفتار انحرافی در هر جامعه، نشانگر نوع خاصی بی‌سازمانی اجتماعی است. در تحلیل مرتن اثرات روانی فشار و تنش‌های موجود در جامعه بر انحراف تأثیر گذار است. شاو و مک کی در مکتب شیکاگو بر سبک‌های زندگی تأکید نمودند. آنها سبک‌های زندگی به گونه‌ای که نتیجه بی‌سازمانی و فقدان همبستگی اجتماعی است را عامل بروز بزه و جرم به شمار می‌آورند (احمدی، ۱۳۸۴). ساترلند، در نظریه همنشینی افراقی معتقد است که افراد یک جامعه از طریق فرایند همنشینی، فرهنگ و ارزش‌های بزهکارانه و جنایی را فرا می‌گیرند. کوهن، خرده فرهنگ نابهنجار را شیوه خاص زندگی برخی افراد و گروه‌ها در جامعه می‌داند که شیوه زندگی شان تبدیل به نوعی سنت در آن جامعه شده است و همین خرده فرهنگ باعث روی آوردن افراد به رفتارهای بزهکارانه می‌شود. اگنیو در نظریه فشار بیان می‌کند که از دست دادن روابط و یا روابط منفی و آزار دهنده با والدین، گروه همسالان و اطرافیان و فشارهای ناشی از رویدادهای استرس‌زای زندگی می‌تواند منجر به ظهور رفتارهای بزهکارانه شود. از نظر گاتفریدسون و هیرشی، خودکنترلی پایین، در کنار فرصت‌های موجود، گرایش افراد به ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد. در مقابل، میزان بالای خودکنترلی، از احتمال ارتکاب جرم به میزان قابل توجهی می‌کاهد. با وجود این، کنترل پایین به تنهایی علت وقوع جرم و بزه نمی‌باشد، زیرا در ارتکاب جرم علاوه بر خودکنترلی پایین، وجود فرصت‌های ارتکاب جرم نیز ضروری است (پیرز و مسراشمیت، ۲۰۰۵: ۱۷۸-۲۴۰).

نظریه‌ای که در تحقیق حاضر از بین نظریه‌های انحرافات اجتماعی به منظور تبیین عوامل جامعه شناختی تمایل به بزهکاری دختران جوان انتخاب گردیده، "نظریه پیوند اجتماعی هیرشی" است. هیرشی بر این باور است که بزهکاری، نتیجه فقدان پیوندهای اجتماعی بین نوجوانان و یک یا چند نهاد متعارف موثر و یا برنامه‌های اجتماعی به عنوان خطوط متعارف فعالیت‌ها می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۶). در جامعه مدرن، نهاد تازه‌ای که با کارکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته، «فراغت» نام دارد. کنترل

اجتماعی از طریق کلیه نهادها که نهاد فراغت یکی از آنهاست، انجام می‌شود و به نوعی تضمین‌کننده نظم اجتماعی است و نقش عمده‌ای در سلامت و رفاه اجتماعی دارد. تاکید اصلی کنترل اجتماعی، چگونگی اجتماعی شدن اعضای گروه می‌باشد. الگوهای فراغتی و روابط اجتماعی غیر رسمی نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها و هنجارها به جوانان بر عهده دارند. براساس این دیدگاه، جرم و بزه‌های ناهنجار می‌دهد که پیوندهای اجتماعی بین فرد و جامعه تضعیف و یا تشدید می‌شوند. بعد مخرب و ناسالم الگوهای فراغتی که پیوندهای اجتماعی را بین جوانان با اعضای خانواده، گروه همسالان و جامعه، وابستگی و تعهد نوجوانان به الگوهای مثبت و اهداف مقبول و متعارف جامعه و مشارکت روزمره نوجوانان را تضعیف کند، به تمایلات بزهکارانه در جوانان منجر می‌شود. بر اساس این نظریه، چهار عنصر وابستگی، تعهد، مشارکت و اعتقاد مانع رفتار بزهکارانه می‌شود. در همین جهت، ضعف هر یک از این چهار بعد در پیوندهای اجتماعی و در الگوهای فراغتی سالم دختران جوان می‌تواند موجب بروز رفتارهای انحرافی در آنها شود. "وابستگی"، میزان عاطفه و احترامی است که فرد برای دیگران مهم قائل است (پیرز و مسراشمیت، ۲۰۰۵: ۲۲۸). به عقیده هیرشی اگر جوان به واسطه فعالیت فراغتی سالم پیوندهای نزدیکی با دیگران برقرار کند، احتمال بیشتری هست که نسبت به آنچه آنها درباره رفتار او فکر می‌کنند، مراقب باشد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۰). الگوهای فراغتی که وابستگی و تعلق دختران جوان را به والدین، مدرسه، همسالان و دوستان به هنجار افزایش دهد، تمایلات و رفتارهای بزهکارانه را کاهش می‌دهد (علیوردی نیا و آرمان مهر، ۱۳۸۷: ۱۴۴). درحقیقت، دختران نوجوانی که از فراغتی اینترنتی به عنوان ابزاری برای فرار از واقعیت استفاده می‌کنند، از تماس‌های اجتماعی کناره‌گیری می‌کنند. بنابراین، آسیب‌پذیری اجتماعی آنها افزایش می‌یابد (فرهمند، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

عنصر دوم نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، "تعهد" است. تعهد مربوط به میزان سرمایه‌گذاری است که فرد برای دستیابی به اهداف عرفی انجام می‌دهد. هر چه سرمایه‌گذاری بیشتر باشد یا انگیزه برای کسب آن بالاتر باشد، دلیل بیشتری برای همنوایی با هنجارهای جامعه وجود دارد. به نظر می‌رسد دختران جوانی که آرزوی موفقیت‌های ورزشی، علمی، هنری و... را در سر می‌پروراند یا برای این منظور هزینه مالی می‌کند و در کلاس‌های فوق برنامه شرکت و از الگوهای فراغتی سالم استفاده می‌کنند، به واسطه احساس تعهد حاصل از آن، پیوند قوی‌تری با جامعه برقرار می‌کنند که می‌تواند منجر به کاهش احتمال بزهکار شدن ایشان شود. سومین عنصر، "مشارکت" است. مشارکت براین فرض استوار است که درگیری در فعالیت‌های فراغتی مورد قبول جامعه، موجب می‌شود وقت و آزادی محدود فرد صرف شود و نتواند به سراغ عمل بزهکارانه برود. بنابراین، هر چقدر دختران جوان در فعالیت‌های متعارف آموزشی، درسی و... مشارکت بیشتری داشته باشند، تمایل آنها نسبت به بزهکاری کمتر می‌شود. آخرین عنصر نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، عنصر "اعتقاد" می‌باشد. باور، وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی گروه است. بسیاری اعتقاد دارند که نتیجه مهم فعالیت‌های فراغتی سالم نظیر ورزش، فرایند اجتماعی‌سازی آن است و بر اثر این تأثیرگذاری، جوانان نقش‌های اجتماعی را که در آینده با آن رو به رو خواهند شد، می‌آموزند. هیرشی استدلال می‌کند که اعتقاد به خوب بودن برخی از ارزش‌ها همانند احترام به قانون و پلیس و اعتقاد به نادرستی برخی از رفتارها مانند بزهکاری نوجوانان، عامل موثری در ممانعت از بزهکاری نوجوانان می‌باشد (علیوردی نیا و آرمان مهر، ۱۳۸۷: ۱۴۴). چالشی که مربیان و متخصصان اوقات فراغت پیش رو دارند، چیزی بیش از آموزش مهارت‌ها و تدارک فرصت‌های بازی است. آنها باید به مردم کمک کنند تا در هر سنی که هستند، به اهمیت تأثیر اوقات فراغت در سلامت فردی و رفاه اجتماعی و تأثیری که تفریح و بازی بر ایجاد و تقویت ارزش‌های مثبت بشری دارند، ارج نهند (پیچلی، ۲۰۰۲: ۲).

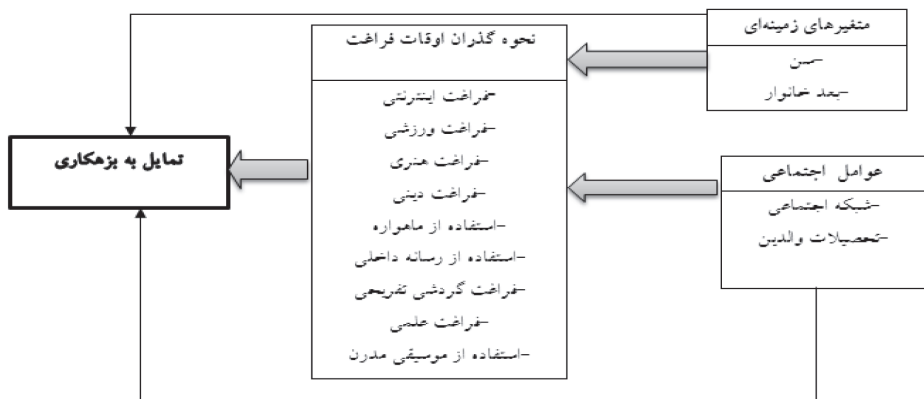
در نهایت، هیرشی معتقد است که تمامی این چهار عامل (وابستگی، تعهد، مشارکت و اعتقاد) ارتباط زیادی با یکدیگر دارند؛ به طور کلی، هر چقدر فردی از طریق کاربرد یکی از این الگوهای فراغتی، ارتباط بیشتری با اجتماع برقرار نماید، احتمال استفاده از دیگر عناصر در جهت ارتباط با جامعه از سوی وی بیشتر می گردد. به عنوان مثال، دختر جوانی که به واسطه اوقات فراغت سالم به افراد بهنجار، وابستگی و تعلق دارد، احتمال مشارکت وی در فعالیت های متعارف و درک بهترش از رفتارهای مطلوب بیشتر می گردد (پیرز و مسراشمیت، ۲۰۰۵: ۲۲۸).

به باور هیرشی، جوانانی که اوقات فراغت خود را صرف انجام فعالیت های عرفی نظیر ورزش، تفریحات سالم و... می کنند، کمتر احتمال دارد دست به اعمال انحرافی بزنند. به علاوه، کمیت و کیفیت روابط اجتماعی و مشغولیت در فعالیت های عرفی فراغتی به گونه ای است که جوان نیازی به انجام بزه در خود احساس نمی کند. شبکه اجتماعی غیر رسمی و الگوهای فراغتی به عنوان یکی از فعالیت های مهم اوقات فراغت، از اشکال مهم کنترل اجتماعی به حساب می آیند و دارای اهداف تربیتی زیادی هستند و باعث می شوند که مردم ارزش های مطلوب را یاد بگیرند (علیوردی نیا و آرمان مهر، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

فرضیه های پژوهش

- ۱- بین تحصیلات والدین و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۲- بین شبکه اجتماعی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۳- بین فراغت اینترنتی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۴- بین فراغت ورزشی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۵- بین فراغت هنری و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۶- بین فراغت دینی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۷- بین استفاده از رسانه های خارجی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۸- بین استفاده از رسانه های داخلی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۹- بین فراغت گردشگری - تفریحی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۱۰- بین فراغت علمی و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد.

نمودار ۱: مدل مفهومی و تجربی تحقیق



تعریف مفاهیم شبکه اجتماعی

شبکه های اجتماعی، واحد تشکیل دهنده ساخت جامعه هستند. ساخت اجتماعی به عنوان یک شبکه، از اعضای شبکه و مجموعه ای از پیوندها تشکیل شده است که افراد، کنشگران یا گروه ها را به هم متصل می سازد. بلوک های اصلی شبکه، "ارتباط" نام دارد (باستانی و صالحی هیکویی، ۱۳۸۶: ۶۷). اعضای شبکه سعی دارند با تبادل منابع مختلف، حمایت سایر اعضا را جلب نمایند و در مقابل، به گونه ای خاص از آنها حمایت کنند. بنابراین، حمایت اجتماعی از اعضای شبکه یکی از کارکردهای شبکه روابط اجتماعی محسوب می شود. حمایت اجتماعی، یکی از پیامدهای اصلی روابط اجتماعی شبکه است که در سراسر جهان مورد توجه قرار گرفته است (دیویدسون و دیگران، ۲۰۰۸: ۳۶۳). حمایت اجتماعی عبارت است از: تأمین منابع مادی و روانی از سوی شبکه اجتماعی، به گونه ای که توانایی فرد را برای رویارویی با فشارها افزایش می دهد (کوهن، ۲۰۰۴: ۶۷۶). باستانی و صالحی هیکویی (۱۳۸۶) از حمایت مصاحبتی، حمایت عاطفی، حمایت خدماتی، حمایت مالی، حمایت اطلاعاتی و حمایت مشورتی به عنوان مهمترین انواع حمایت اجتماعی یاد می کنند. حمایت عاطفی و ابزاری، وجه اشتراک سه تعریف فوق هستند و به نظر می رسد مهمترین انواع حمایت های موجود در شبکه هم باشند. در این پژوهش، شبکه اجتماعی از طریق در نظر گرفتن کمیت (تعداد) و کیفیت (میزان صمیمیت) ارتباطات، رابطه فرد با اعضای خانواده، دوستان و خویشاوندان و میزان حمایت اجتماعی - در ابعاد مختلف آن، نظیر حمایت مالی، مصاحبتی، عاطفی، اطلاعاتی و خدماتی - را مورد سنجش قرار داد.

الگوهای فراغتی

مجموعه فعالیت هایی را در برمی گیرد که شخص به میل و انگیزه درونی خود، خواه برای استراحت و سلامتی، خواه برای تفریح و بازی، خواه برای گسترش اعتقادات، دانش و ذوق یا مشارکت آزاد اجتماعی یا بروز خلاقیت و توانایی، در زمانی فارغ از تعهدات و الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی انجام می دهد (لس هی وود، ۱۳۸۰: ۹). برای بررسی اعتبار سازه طیف الگوی اوقات فراغت، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد (جدول ۱). بر پایه نتایج این تکنیک، هشت عامل به دست آمد که به ترتیب: فعالیت های دینی، اینترنتی، استفاده از موسیقی مدرن، استفاده از ماهواره، فعالیت های هنری، فعالیت های ورزشی، فعالیت گردشگری - تفریحی و استفاده از رسانه داخلی نام گذاری شدند. بر اساس نتیجه جدول ۱ و با توجه به آماره $K.M.O = 0.85$ در تمام ابعاد، می توان نتیجه گرفت که داده ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده و نتیجه آزمون بارتلت نیز معنی دار است. در واقع، میزان خطا در سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد با $Sig = 0.000$ معنادار است. به عبارت دیگر، کلیه عناصر به کار رفته برای هر بعد، قدرت تبیین کنندگی مورد نظر را برای متغیر مورد نظر داشته اند. بنابراین، در این پژوهش برای اندازه گیری الگوهای فراغتی از فعالیت های هنری (انجام فعالیت هنری نقاشی، موسیقی و ... و حضور در کلاس های هنری)، ورزشی (انجام ورزش پیاده روی، شنا، شرکت در انجمن های ورزشی، رفتن به پارک ها و باشگاه برای ورزش کردن)، اینترنتی (استفاده از اینترنت برای گرفتن اخبار و اطلاعات، چت و وبگردی)، گردشگری - تفریحی (رفتن به مراکز خرید و اماکن عمومی نظیر سینما و تئاتر، صرف غذا در رستوران، رفتن به مهمانی و گشت و گذار)، دینی (انجام امور مذهبی و رفتن به مراکز مذهبی)، علمی (رفتن به کلاس های آموزش مهارت ها، مطالعه و پژوهش)، استفاده از رسانه داخلی (شامل تماشای برنامه های مختلف تلویزیون داخلی، استفاده از رادیو و روزنامه و مجلات داخلی)، استفاده از موسیقی مدرن (استفاده از سی. دی. و دی. وی. دی. و گوش دادن به آهنگ های پاپ، جاز، راک) و ماهواره (مشاهده برنامه های مختلف، تبلیغات و فیلم های ماهواره ای) در مکان های مختلف استفاده شد (مهدوی و تمیز، ۱۳۸۷: ۱۲).

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی

آزمون KMO	ابعاد الگوهای فراغتی	عامل های الگوهای فراغتی								اجزای الگوهای فراغتی
		عامل ۸	عامل ۷	عامل ۶	عامل ۵	عامل ۴	عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱	
K.M.O=۰/۰۸۵ Sig=۰	فعالیت های دینی								۰/۷۸۸	شرکت در جلسات مذهبی
									۰/۷۷۷	همکاری با هیئت های دینی
									۰/۷۰۳	حضور در نیروی بسیج
									۰/۶۶۰	تماشای برنامه های مذهبی تلویزیون
									۰/۶۲۰	شرکت در نمازهای جماعت
									۰/۵۹۹	حضور در مساجد، کلیسا یا کنیسه
									۰/۵۰۵	انجام فعالیت های مذهبی در خانه
	فعالیت های اینترنتی							۰/۸۰		چت کردن با اینترنت
								۰/۷۹		وبگردی
								۰/۷۲		استفاده از فیس بوک و تویتر
								۰/۶۲		استفاده از پست الکترونیکی
								۰/۴۹		استفاده از اینترنت جهت به دست آوردن خبر و اطلاعات مورد نیاز

K.M.O=۰/۸۵ Sig=۰	استفاده از موسیقی مدرن					۰/۸۱۳		گوش دادن به موسیقی جاز، رپ و راک
						۰/۷۲۰		گوش دادن به موسیقی خارجی کلاسیک
						۰/۵۵۹		DVD، استفاده از MP۳ موسیقی، CD، Mp۴ player
						۰/۵۴۱		گوش دادن به موسیقی پاپ ایرانی لوس آنجلسی
	استفاده از ماهواره				۰/۷۳۶			مشاهده فیلم یا شوهای تلویزیون های خارجی
					۰/۶۶۶			مشاهده تبلیغات ماهواره ای در زمینه لباس، مد و ...
					۰/۶۱۸			مشاهده برنامه های مختلف ماهواره ای
	فعالیت های هنری			۰/۷۳				انجام فعالیت هنری مانند نقاشی و نوازندگی
				۰/۵۸				حضور در نمایشگاه های مختلف (نقاشی، خطاطی و ...)
				۰/۴۹				کلاس نقاشی، خطاطی و موسیقی
	فعالیت های علمی			۰/۴۹				کلاس زبان های خارجی یا آموزش رایانه و نرم افزارهای آن
								مطالعه کتاب
								حضور در کتابخانه ها و پژوهشگاه

K.M.O=۰/۸۵
Sig=۰

فعالیت های ورزشی			۰/۶۹					ورزش والیبال، بسکتبال، کوهنوردی و شنا
			۰/۴۹					شرکت در انجمن های ورزشی
			۰/۴۸					رقصیدن، انجام حرکات آیروبیک و حرکات یوگا
			۰/۴۵					استفاده از وسایل ورزشی در منزل
فعالیت های گردشگری- تفریحی		۰/۶۸۸						حضور در پارک ها و امکان تفریحی
		۰/۶۷						گشت و گذار در خیابان ها، پاساژها و ...
		۰/۶۶۰						صرف غذا در رستوران، فست فود
		۰/۶۲						حضور در مهمانی های Party (دوستانه)
		۰/۶						آرایش صورت، مو، تاتوی موقت
		۰/۵۹						حضور در سینماها، تئاتر، ...
استفاده از رسانه داخلی	۰/۵۱							مطالعه روزنامه ها و مجلات داخلی
	۰/۴۹							گوش دادن به برنامه های رادیو داخلی
	۰/۴۵							مشاهده برنامه های تلویزیون داخلی
	۰/۴۴							تماشای برنامه های مذهبی تلویزیون

تمایل به بزهکاری

بزهکاری جوانان، پدیده‌ای جهانی است که جوامع گوناگون بر حسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبرو هستند. بزهکاری جوانان، شاخه‌ای فرعی از انحراف و جرم است که به طور خلاصه می‌توان آن را نقض معیارهای قانونی توسط جوانان تعریف کرد. اصطلاح بزهکار در مورد کسانی به کار برده می‌شود که اعمالی بر خلاف موازین، قوانین و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی مرتکب می‌شوند (فرجاد، ۱۳۷۵: ۱۶۹). متغیر وابسته تمایل به بزهکاری بر حسب عمق و شدت عمل انحرافی به دسته‌های کوچکتری مانند بزهکاری شدید (حملات شدید، سرقت، استفاده از سلاح گرم در سرقت‌ها و ...) و بزهکاری ملایم (تخریب و شکستن اموال مدرسه و عمومی، پاره کردن صندلی و ...) تقسیم می‌شود (اگنیو، ۱۹۹۱: ۵۹). در پژوهش حاضر، منظور از رفتار بزهکارانه، بزهکاری از نوع خفیف است و موارد زیر به عنوان رفتار بزهکارانه شناخته می‌شوند: فرار از مدرسه، فرار از خانه، ارتباط تلفنی یا مستقیم با جنس مخالف، دروغ، شرکت در دعوای گروهی یا فردی، تخریب اموال عمومی (اموال مدرسه، صندلی اتوبوس و...)، تقلب در امتحان، آوردن فیلم و سی. دی. های غیرمجاز به مدرسه، دزدی، نافرمانی نسبت به والدین و توهین به آنها، تأخیر در مدرسه به طوری که موجب ناراحتی خانواده و مدرسه شده باشد (زاهد زاهدانی و الماسی، ۱۳۸۶: ۴۴). متغیر تمایل به بزهکاری در این پژوهش در قالب تعداد دفعات تمایل به انجام رفتارهای بزهکارانه خفیف فوق در خود و دوستان نزدیک ارزیابی شده است.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی است و اطلاعات مورد نیاز، با تکنیک پرسشنامه جمع‌آوری شد. جامعه آماری تحقیق دختران ۱۵-۱۸ ساله ساکن در شهر کرمان هستند که جمعیت آن‌ها در سال ۱۳۹۲ برابر با ۳۶۵۶۸ نفر است (مرکز آمار اطلاعات استان کرمان، ۱۳۹۲). با استفاده از فرمول کوکران با ضریب اطمینان ۹۵ درصد، تعداد ۳۸۱ نفر حجم نمونه (افراد) تعیین شد. در پژوهش حاضر، به علت محدودیت در دسترسی به آمار جمعیت جوانان زیربط در خانه‌ها، چارچوب نمونه‌گیری تحقیق محدوده مصوب شهر مورد مطالعه بود و از شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بهره گرفته شد؛ بدین صورت که ۴ منطقه در شهر کرمان و در هر منطقه تقریباً ۷۰۰ بلوک قرار دارد. با استفاده از فرمول کوکران ۸۴ بلوک از هر منطقه به طور تصادفی انتخاب شد. سپس از هر ۲۵ خانه در درون هر بلوک، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی یک خانه و در برخی مناطق پر جمعیت تر، دو خانه انتخاب شدند. در تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی و از نرم افزار اس پی اس (Spss) استفاده شده است. در فرایند جمع‌آوری داده‌ها به شرکت کنندگان توضیح داده شد که مشارکت آنها در تحقیق داوطلبانه و اطلاعات آن‌ها کاملاً محرمانه خواهد بود.

در پژوهش حاضر، از اعتبار صوری برای طیف متغیر شبکه اجتماعی، تحصیلات والدین و تمایل به بزهکاری و نظر کارشناسان و صاحب نظران استفاده شده، زیرا در تحقیقات انجام شده اعتبار این طیف‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین، از آزمون تحلیل عامل جهت اعتبارسنجی طیف الگوهای فراغتی نیز بهره گرفته شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. کلیه سؤالات در قالب طیف لیکرت و سطح یا مقیاس فاصله‌ای مطرح و بر همین اساس، نمره دهی انجام شد. نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای طیف الگوهای فراغتی بطور کلی ۰/۸۲ و برای طیف تمایل به بزهکاری ۰/۸۳ به دست آمد. در بین ابعاد الگوی فراغت، طیف فعالیت‌های گردشی - تفریحی و اینترنتی دارای بیشترین پایایی (۰/۸۰) و

استفاده از رسانه داخلی دارای کمترین ضریب پایایی ($0/42$) می باشند. ضریب آلفای کرونباخ طیف شبکه اجتماعی، $0/84$ به دست آمد.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

به منظور شناخت کلی از ویژگی های فردی پاسخگویان این پژوهش، نتایج توصیفی نشان می دهد که میانگین سنی پاسخگویان ۱۵ سال بوده است. بیشتر پاسخگویان ($35/8$ درصد) ۱۶ ساله بوده اند که $88/9$ درصد آنها متولد شهر کرمان و $11/1$ درصد متولد سایر شهرها - $68/6$ درصد متولد شهرستان های کرمان و $31/4$ درصد متولد سایر استان های کشور- بوده اند. بیشتر پاسخگویان در خانواده چهار نفری زندگی می کنند و بیشترین تعداد اعضای خانواده ۹ نفر (تنها یک پاسخگو) و کمترین تعداد اعضای خانواده ۲ نفر- دارای فراوانی ۸- بوده است. در پاسخ به سوال از معدل سال گذشته، بیشتر پاسخگویان ($44/6$ درصد) معدل خود را ۱۹ بیان کرده اند. در مورد سطح تحصیلات پدر و مادر، بیشتر پاسخگویان به ترتیب با $37/9$ درصد و $38/9$ درصد به سطح دیپلم اشاره داشته اند.

نتایج توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب نمره اکتسابی از متغیرهای مستقل نشان می دهد که ۷۸ درصد در حد کم از رسانه داخلی و $31/6$ درصد در حد متوسط از رسانه خارجی استفاده می کنند. حدود ۴۷ درصد در زمان اوقات فراغت در حد متوسط به فعالیت های گردشی- تفریحی می پردازند و تنها $7/6$ درصد از پاسخگویان در حد زیاد از اینترنت استفاده می کنند. همچنین، ۴۱ درصد از پاسخگویان در سطح متوسط به فعالیت دینی و مذهبی می پردازند، اما فعالیت ورزشی بیشتر پاسخگویان ($75/5$ درصد) در سطح کم بوده است. نتایج توصیفی متغیر تمایل به بزهکاری و برخی گویه های آن نیز به این شرح است: تقریباً ۵۰ درصد از پاسخگویان تمایل به بزهکاری در سطح متوسط داشته اند. بیشتر پاسخگویان ($33/1$ درصد) بیان کرده اند که خیلی کم به دیگران دروغ گفته اند. $10/8$ درصد از پاسخگویان اظهار داشته اند که در امتحانات زیاد تقلب می کنند. در پاسخ به سوال برداشتن وسایل دیگران، بیشتر پاسخگویان به گزینه خیلی کم و $16/8$ درصد به گزینه حد متوسط اشاره کرده اند.

$23/6$ درصد از پاسخگویان، ارتباط خود را با جنس مخالف در حد متوسط بیان کرده اند. همچنین، در پاسخ به سوال آسیب رساندن به وسایل مدرسه برای سرگرمی و بدون دلیل خاصی، $17/8$ درصد به حد متوسط و $3/7$ درصد به حد زیاد اشاره نموده اند. علاوه بر این، در پاسخ به سوال آسیب رساندن به وسایل مدرسه برای انتقام از مدیر و معلم $13/6$ درصد در حد متوسط و $2/9$ درصد در حد زیاد جواب داده اند. $21/5$ درصد از پاسخگویان دعوا در مدرسه خود را در حد متوسط اظهار داشته اند، اما بیشتر ($52/8$ درصد) پاسخ اصلاً را بیان کرده اند.

جهت آزمون فرضیات تحقیق پیش فرض نرمال بودن متغیر اصلی تحقیق با استفاده از آزمون کولموگروف- اسمیرنف مورد بررسی قرار گرفت. نتایج اجرای این آزمون در جدول ۲ نشان می دهد که آماره ($K-S Z$) با مقدار به دست آمده $0/81$ در سطح کوچک تر از $0/01$ معنی دار نیست؛ یعنی، مقدار آن بین $1/96+$ و $1/96-$ قرار گرفته و با $0/99$ درصد اطمینان می توان گفت توزیع متغیر تمایل به بزهکاری در بین نمونه با توزیع آن در جامعه نرمال است و تفاوت معنی داری بین فراوانی های مشاهده شده و فراوانی های مورد انتظار وجود ندارد. در نتیجه، در پژوهش حاضر برای تحلیل داده ها، از آزمون های ناپارامتریک مناسب استفاده گردید.

جدول ۲: آزمون کولموگروف-اسمیرنف تک نمونه‌ای

متغیر وابسته	میانگین	انحراف استاندارد	K-S Z آماره	سطح معنی داری
تمایل به بزهکاری	۸۸/۶۶	۱۴/۶۱	۰/۸۲	۰/۵۶

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل و تمایل به بزهکاری دختران نوجوان

تمایل به بزهکاری					متغیر وابسته
Sig	همبستگی پیرسون	متغیر مستقل	Sig	همبستگی پیرسون	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۰/۳۵	ماهواره	۰/۹۳	۰/۰۰۵	سن
۰/۰۰۰	۰/۲۸	موسیقی مدرن	۰/۳۵	-۰/۰۵۲	بعد خانوار
۰/۱۷	۰/۰۷	رسانه داخلی	۰/۰۱	-۰/۱۳۲	شبکه اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۱۷	فعالیت ورزشی	۰/۰۲	-۰/۱۳	تحصیلات والدین
۰/۳۶	۰/۰۵	فراغت هنری	۰/۰۰۰	۰/۴۱	فراغت اینترنتی
۰/۸	۰/۰۱۳	فراغت علمی	۰/۰۰۰	۰/۳۵	فراغت گردشی-
			۰/۰۰۱	-۰/۱۸	فراغت دینی

با توجه به مندرجات جدول ۳ مشاهده می‌شود که برای بررسی ارتباط متغیرهای مستقل با تمایل به بزهکاری از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون گویای آن است که تمامی روابط به جز روابط متغیرهای مستقل سن، بعد خانوار، استفاده از رسانه داخلی، فراغت علمی و هنری با تمایل به بزهکاری به لحاظ آماری معنی دار بوده است. جهت رابطه شبکه اجتماعی، تحصیلات والدین، فراغت دینی و تمایل به بزهکاری منفی بوده است، در حالی که جهت سایر روابط مثبت است. گفتنی است که بیشترین ضریب همبستگی مربوط به الگوی فراغت اینترنتی می‌باشد. ضریب همبستگی مثبت رابطه الگوهای فراغتی اینترنتی، استفاده از ماهواره و موسیقی مدرن، فراغت گردشی-تفریحی و فعالیت ورزشی با متغیر وابسته، به این معناست که افزایش این الگوهای فراغتی، موجب افزایش تمایل به بزهکاری دانش‌آموزان دختر نوجوان می‌شود، اما در مورد متغیر الگو فراغت دینی، شبکه اجتماعی و تحصیلات والدین رابطه برعکس است و با افزایش این متغیرها در بین پاسخگویان، نمره تمایل به بزهکاری دختران نوجوان کاهش می‌یابد.

جدول ۴: تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر تمایل به بزهکاری دختران نوجوان بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام

مرحله	متغیر وارد شده	R	R ^۲	B	Beta	T	سطح معنی داری
اول	فراغت اینترنتی	۰/۳۹۷	۰/۱۵۸	۱/۸۶	۰/۳۸	۷/۳۹	۰/۰۰۰

دوم	استفاده از ماهواره	۰/۴۶۶	۰/۲۱۷	۰/۴۳۹	۰/۲۶	۴/۶۸	۰/۰۰۰
سوم	فراغت گردشی - تفریحی	۰/۴۸۰	۰/۲۳۱	۰/۳۴۶	۰/۱۵	۲/۲۸	۰/۰۲۳

هدف این قسمت، یافتن میزان و سهم اثر متغیرهای مستقل در تبیین میزان تمایل به بزهکاری دختران نوجوان شهر کرمان می باشد. روش مورد استفاده در اینجا روش گام به گام^۱ می باشد که طی آن متغیرها برحسب بیشترین تأثیری که در تعیین متغیر وابسته دارند وارد معادله می گردند. بر اساس نتایج حاصل از جدول ۴ در طی مراحل مختلف تحلیل رگرسیون، ۳ مدل شناسایی شد. به طور خلاصه نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون نشان می دهد که ۲۳ درصد از تغییرات تمایل به بزهکاری دختران نوجوان توسط سه متغیر فراغت اینترنتی، استفاده از ماهواره و فراغت گردشی - تفریحی تبیین می شود؛ چنان که مشاهده می شود در این مدل ابتدا متغیر فراغت اینترنتی، سپس متغیر استفاده از ماهواره و فراغت گردشی - تفریحی وارد شده است و متغیرهای شبکه اجتماعی، تحصیلات والدین، فعالیت ورزشی، فراغت دینی و استفاده از موسیقی مدرن از معادله حذف شدند. متغیر فراغت اینترنتی در دختران نوجوان دارای بیشترین ضریب بتا با تمایل به بزهکاری می باشد. کلیه ضرایب بتا در این جدول مثبت است؛ یعنی، با افزایش نمره فرد در هریک از این متغیرها، نمره تمایل به بزهکاری افزایش می یابد. بنابراین می توان نتیجه گرفت هر چه میزان استفاده از اینترنت، استفاده از ماهواره و فراغت گردشی - تفریحی در زمان فراغت بیشتر شود، میزان تمایل به بزهکاری دختران نوجوان نیز افزایش می یابد.

جدول ۵ نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام برای سنجش رابطه غیر مستقیم بین متغیرهای زمینه ای (سن و بعد خانوار) و متغیرهای مستقل اصلی (شبکه اجتماعی، تحصیلات والدین و الگوهای فراغتی) با متغیر وابسته را نشان می دهد. بر اساس نتایج این آزمون، متغیرهای شبکه اجتماعی و تحصیلات والدین به عنوان عوامل تعیین کننده بر متغیرهای واسطه ای فراغت اینترنتی، استفاده از ماهواره، فراغت تفریحی - گردشی وارد معادله شدند و متغیرهای سن و بعد خانوار از مدل تحقیق حذف گردیدند.

جدول ۵: محاسبه رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام برای بررسی تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیرهای واسطه ای

متغیر واسطه ای	متغیر مستقل	R ^۲	B	Beta	خطای استاندارد	میزان تی	سطح معناداری
فراغت اینترنتی	شبکه اجتماعی	۰/۰۸	۰/۰۱۶	۰/۲۹	۰/۰۰۳	۵/۲۷	۰/۰۰۰
	تحصیلات والدین	۰/۰۱۲	۰/۰۴۶	۰/۱۹	۰/۰۱۳	۳/۵۲	۰/۰۰۰
استفاده از ماهواره	شبکه اجتماعی	۰/۰۴	۰/۰۱۲	۰/۱۹	۰/۰۰۴	۳/۴۸	۰/۰۰۱
	تحصیلات والدین	۰/۰۵	۰/۰۳۲	۰/۱۲	۰/۰۱۶	۲/۰۹	۰/۰۳۷
فراغت تفریحی - گردشی	شبکه اجتماعی	۰/۱۱	۰/۰۲۳	۰/۳۲	۰/۰۰۴	۶/۰۳	۰/۰۰۰
	تحصیلات والدین	۰/۱۲	۰/۰۴	۰/۱۳	۰/۰۱۷	۲/۴۱	۰/۰۱۷

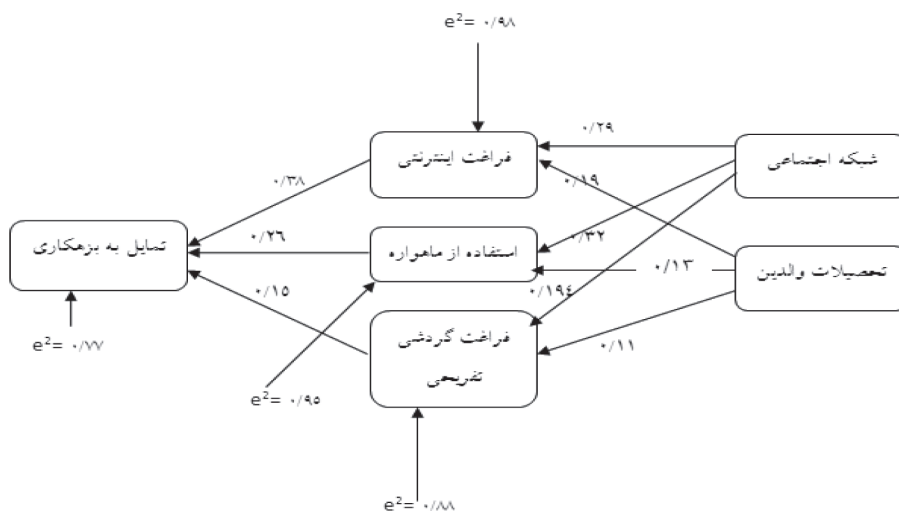
مدل تجربی پژوهش، یک مدل علی از نوع تحلیل مسیر است. برای رسم مدل مسیر از ضرایب بتای متغیرهایی استفاده شده است که مقدار T آنها در سطح معنی‌داری قرار دارد. ضریب بتا در این مدل، نماینده شدت رابطه بین دو متغیر با ثابت نگه داشتن اثر متغیرهای دیگر موجود در مدل است. در ضمن فلش‌های اضافی که از بیرون به متغیرها هدایت شده‌اند، به مقداری از واریانس توضیح داده نشده برای هر متغیر برمی‌گردد که کنترل آنها از توان ما خارج بوده است.

با توجه به مدل مسیر می‌توان گفت در میان متغیرهای گنجانده شده در مدل، بیشترین تأثیر مستقیم و کل بر تمایل به بزهکاری به ترتیب توسط متغیر فراغت اینترنتی و استفاده از ماهواره مشخص شده است. وزن بتا در مرحله ورود مستقیم و تأثیر کل برای متغیر فراغت اینترنتی برابر $(\text{Beta} = 0/38)$ و برای متغیر استفاده از ماهواره $(\text{Beta} = 0/26)$ بوده است که بیشترین درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. از متغیرهایی که بصورت غیر مستقیم بیشترین تأثیر بر تمایل به بزهکاری داشته‌اند، شبکه اجتماعی $(\text{Beta} = 0/22)$ می‌باشد.

جدول ۶: ضریب مسیر متغیرهای مدل

نام متغیر	شبکه اجتماعی	تحصیلات والدین	فراغت اینترنتی	استفاده از ماهواره	فراغت گردشگری - تفریحی
تأثیر مستقیم	----	----	0/38	0/26	0/15
تأثیر غیر مستقیم	0/22	0/12	----	----	----
تأثیر کل	0/22	0/12	0/38	0/26	0/15

نمودار ۲: مدل تحلیل مسیر



بحث و نتیجه گیری

یافته های تحقیق نشان می دهد که گذران اوقات فراغت دختران نوجوان در الگو های گوناگون با کاستی روبه روست. به طور کلی، مشارکت و فعالیت آنها در الگو های فراغتی پایین و قابل توجه است. این مسئله در مورد دختران نوجوان و جوان با توجه به این نکته که غالب فضاهای فراغتی مانند مراکز ورزشی و تفریحی تحت نظارت مردان قرار دارد، برجستگی بیشتری به خود می گیرد. علاوه بر این، دختران برای دسترسی به وسایل حمل و نقل نیز با محدودیت و مشکل روبه رو هستند. محدودیت های فضایی - زمانی نیز دامنه گزینش فعالیت های فراغتی دختران را بسیار محدود می کند که به این عوامل، عامل مادی را هم باید افزود، چرا که بسیاری از دختران معمولاً به دلیل درآمد مصرفی به مردان خانواده وابسته اند (گرین^۱، ۱۹۹۰: ۱۳۶). نتایج توزیع فراوانی الگو های فراغتی حاکی از آن است که تمایل دختران جوان به استفاده از اینترنت و رسانه های خارجی نظیر فیلم، ماهواره، موسیقی مدرن و... در حال افزایش است. در مقابل، توجه به رسانه داخلی و ورزش در بین آنها کاهش چشمگیری را نشان می دهد. با توجه به باورهای رایج ناشی از جهانی شدن فرهنگی تمایل دختران به تناسب اندام، لاغری از طریق رژیم های غذایی افزایش و استفاده از ورزش های تیمی و حتی انفرادی به خصوص با نبود انگیزه های موفقیت ورزشی، رو به کاهش است. همچنین نتایج حاکی از آن است که فراغت دینی و گردشی - تفریحی در بین دختران نوجوان با اقبالی در حد متوسط رو به روست.

نتایج توصیفی متغیر وابسته نیز نشان می دهد که تقریباً نیمی از دختران نوجوان تمایل به بزهکاری داشتند و به ترتیب مرتکب برقراری رابطه با جنس مخالف، دروغ، تقلب، برداشتن وسایل دیگران، آسیب رساندن به وسایل مدرسه و عمومی و دعوا در مدرسه می شوند. یافته های استنباطی این پژوهش نشان داد که تحصیلات والدین با گرایش نوجوانان دختر به رفتارهای بزهکارانه رابطه منفی دارد. نوجوانان دختری که والدین آنها از تحصیلات بیشتری برخوردارند، تمایل کمتری به بزهکاری نشان دادند. در واقع، همان گونه که بوردیو (۱۹۷۸) استدلال می کند نحوه گذران اوقات فراغت به عنوان یک مولفه سبک زندگی بر اساس میزان سرمایه فرهنگی که فرد در اختیار دارد، تعیین می شود. سرمایه فرهنگی و سبک فراغتی انتخاب شده، به عنوان منبع تفسیر و رفتار فرد عمل می کنند و جزو عوامل شکل گیری رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان دختر به شمار می آیند. نتیجه آزمون این فرضیه با نتایج تحقیقات احمدی (۱۳۸۸) و پوریوسفی (۱۳۸۸) همسوست.

این پژوهش مطابق با نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و یافته های محققان علمی مک لین (۲۰۰۵)، ساوینا (۲۰۰۸)، افروز (۱۳۷۰)، خواجه نوری (۱۳۸۹)، احمدی (۱۳۸۸) و تنهایی و عباسی (۱۳۸۷) نشان می دهد که استفاده از الگو های فراغتی با گرایش نوجوانان دختر به رفتارهای بزهکارانه رابطه دارد. میزان مشغول بودن فرد به فعالیت های فراغتی گوناگون باعث می شود که فرد برای کار خلاف وقت نداشته باشد، اما همان طور که هیرشی بیان می کند الگو های فراغتی گوناگون، ویژگی های متفاوتی در زمینه ایجاد وابستگی، مشارکت، تعهد و اعتقاد دارند. بنابراین تأثیر متفاوتی نیز بر رفتارهای دختران نوجوان می گذارند. به عنوان مثال، فراغت اینترنتی، گردشی - تفریحی و استفاده از رسانه خارجی بیشترین تأثیر مثبت را بر تمایل به بزهکاری دختران نوجوان می گذارد، زیرا بر طبق نظریه هیرشی، این الگو ها فاقد چهار عنصر نظریه پیوند اجتماعی (وابستگی، مشارکت، تعهد و اعتقاد) می باشند. گوش دادن به موسیقی های مبتذل و بدون پیام های معنادار، نمایش تصاویر خشونت آمیز و صحنه های قبیح و نامتعارف از رسانه های خارجی، شبکه های ماهواره و اینترنت و آشنایی با بعضی ترفندهای مجرمانه که در فیلم ها به تصویر کشیده می شوند، بازی های رایانه ای مهیج و

محرك و ارتباط مجازی از طریق اینترنت، در نوع خود تاثیر منفی بر استفاده کنندگان، به ویژه قشر کم سن و سال و دختران جوان می‌گذارد و گرایش آنها به ارتکاب اعمال ناهنجار را افزایش می‌دهد.

همچنین، رابطه مثبت بین فراغت ورزشی با تمایل به بزهکاری دختران نوجوان با نتیجه تحقیق علی‌وردی نیا و کلی همخوانی دارد که تأیید این رابطه، گواهی بر تحریف و بی محتوا شدن عرصه های گوناگون زندگی حتی ورزش است. کلاس های ورزشی موجود فاقد توانایی لازم جهت ایجاد وابستگی، مشارکت دهی دختران نوجوان، درگیر کردن آنها در فعالیت ها و اهداف مقبول جامعه و نشاط و سرزندگی هستند. از این رو، با توجه به روند جهانی شدن، ورزش های جدید انفرادی- نظیر آیروبیک، یوگا و ورزش در منزل با دستگاه های ورزشی و... به وجود آمده که نه تنها ارتباط آنها را با دیگران افزایش نمی دهد، بلکه باورها و تعهدات شان را نیز دستخوش تغییر می سازد.

در این پژوهش، دختران نوجوان که فراغت دینی داشتند، گرایشات بزهکارانه کمتری بروز می دادند. همچنین، بین فراغت علمی، هنری و استفاده از رسانه داخلی با تمایل به بزهکاری دختران نوجوان رابطه وجود نداشت. درگیر شدن در فعالیت های دینی، فرهنگی، علمی و استفاده از رسانه داخلی قاعدتا مشارکت آنها را در فعالیت های متعارف افزایش می دهد و فرصت لازم برای انجام بزهکاری را از بین می برد. از طرف دیگر، دخترانی که از این الگو ها استفاده می کنند، با باورهای به هنجار و شایسته جلا می یابند و به نسبت دخترانی که از رسانه خارجی استفاده می کنند، تعهد بیشتری نسبت به اهداف جامعه دارند. بنابراین، الگو های فراغتی که پیوندهای اجتماعی را بین جوانان با اعضای خانواده، گروه همسالان سالم و جامعه، وابستگی و تعهد نوجوانان را به الگوهای مثبت و اهداف مقبول و متعارف جامعه و مشارکت روزمره دختران نوجوان را افزایش دهد، تمایلات بزهکارانه را در آنها تضعیف می نماید.

نتایج تحقیق، رابطه منفی بین شبکه اجتماعی با متغیر وابسته تمایل به بزهکاری را تأیید نمود که با تحقیقات تجربی پوریوسفی و همکاران (۱۳۸۸)، صادقی فر (۱۳۸۹) و زاهد و الماسی (۱۳۸۶) همسوست. در عصر کنونی، گسترش شهرنشینی و تحرک جغرافیایی مانع شکل گیری شبکه های اجتماعی قوی و مستحکم در بین افراد شده است. روابط اجتماعی غیر رسمی در زندگی شهری تغییر کرده است. روابط غیر رسمی و شبکه اجتماعی فرد در مقایسه با گذشته، ویژگی ها و برخی کارکردهای خود را از دست داده است و از طرف دیگر، شبکه های اجتماعی مجازی و منابع دیگری بوجود آمده اند که نقش آنها را بر عهده گرفته اند. جوان امروزی در چنین شرایط و وضعیتی برای پر کردن وقت آزاد و خلأ شبکه اجتماعی خود به سمت گزینه ها و منابع دیگری سوق داده می شود و بر اساس سرمایه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که در اختیار دارد الگوهای فراغتی مختلفی را بر می گزیند، اما کیفیت و اهمیت الگوهای فراغتی در رشد و پرورش ارزش های اخلاقی و هنجاری افراد نادیده گرفته شده است.

در واقع، تغییرات اجتماعی و ورود سریع اطلاعات به جوامع جهان سوم به طور مرتب نیازها و خواسته های جوانان و نوجوانان را تغییر می دهد. یکی از این تغییرات اجتماعی، تغییر بعد کمی و کیفی شبکه های اجتماعی است. شبکه اجتماعی، عامل ایجاد پیوندهای اجتماعی نوجوانان هستند و با پیوند نوجوان به ارزش ها و هنجارهای جامعه از مشارکت، تعلق، اعتقاد و تعهد نوجوان به ارزش ها و هنجارهای غیر اخلاقی و رفتارهای ناهنجارانه جلوگیری می کند. در گذشته، این شبکه های اجتماعی مسئولیت پر کردن اوقات فراغت و انتقال ارزش ها و هنجارهای اخلاقی بر عهده داشتند، اما امروزه با کاهش ابعاد کمی و کیفی شبکه اجتماعی و گسترش فراغت، این امر مهم را نهاد فراغت برای جامعه انجام می دهد. در نتیجه، نهاد فراغت به عنوان یک نیروی کمکی می تواند در ایجاد چهار بعد مشارکت، وابستگی، تعهد و اعتقاد به ارزش ها و هنجارهای

اجتماعی هر جامعه در نوجوانان دختر تأثیرگذار باشد. بنابراین، فقط پر کردن اوقات فراغت جوانان بدون توجه به کیفیت و جنبه های مخرب فعالیت های فراغتی می تواند آسیب زا باشد. همچنین، رشد سریع فناوری های نوین ارتباطی پیام آور این است که فراغت مجازی به الگوی غالب فراغتی در نسل جدید و آینده تبدیل می شود، زیرا به نظر می رسد در عصر حاضر نیاز وسیعی در نوجوانان و جوانان به پر کردن اوقات فراغت وجود دارد، اما در دسترس ترین و آسان ترین وسیله برای پر کردن اوقات فراغت همین فناوری های ارتباطی نوین است که منبعی برای پر کردن خلأ شبکه اجتماعی و نبود فراغت های جالب و در دسترس هستند. بنابراین، در فراغت های نوین و کلاس های تفریحی جدیدی که برگزار می شود باید به کیفیت و جنبه های سالم و ناسالم آنها توجه بیشتری شود.

واقعیت انکارناپذیر این است که با افزایش اوقات فراغت برنامه ریزی نشده و تعطیلات غیرهدفمند، آسیب های اجتماعی در جامعه افزایش می یابد. این موضوع، بیانگر اهمیت پرداختن به برنامه ریزی برای افزایش بهره وری اوقات فراغت به ویژه برای نسل جوان و دختران است. لذا با توجه به نتایج این پژوهش، ضروری است عناصر وابستگی، مشارکت، تعهد و اعتقاد در برنامه ریزی الگو های فراغتی مورد توجه قرار گیرد تا ضمن جلوگیری از هدر رفتن اوقات فراغت، بر باروری آن و از این راه بر غنای علمی و فرهنگی جامعه افزوده گردد.

پیشنهادهای

با توجه به آنچه گفته شد، پیشنهاد می شود:

- ساخت برنامه های متنوع و مطابق با علائق و خواسته های گروه نوجوانان دختر در دستور کار صدا و سیما قرار گیرد.
- کتاب های علمی و مفید برای گروه نوجوانان تهیه، شناسایی و معرفی شود.
- کلاس ها و کتاب های کاربردی که به رفع مسائل ویژه گروه مدنظر کمک می کند فراهم شود.
- موسیقی های مناسب روحیه و علائق دختران نوجوان ساخته و در اکران عمومی معرفی شود.
- برنامه های فرهنگی با شور و هیجان برای این گروه سنی و جنسی تدارک دیده شود.
- اوقات فراغت مطابق با ویژگی جامعه امروزی باشد و دسترسی به آنها برای همه اقشار و گروه های سنی به ویژه برای دختران نوجوان طبقات پایین تر فراهم شود.
- ایجاد یک گروه متخصص و ایده پرداز که همواره در مورد ارائه برنامه های فراغتی جدید و جذابی نیاز به بودجه زیادی ندارند و در دسترس باشند، فعالیت کنند.
- شرکت های تولیدی در زمینه هنرهای تجسمی، صنایع دستی و غیره با رویکرد اقتصاد-محور ایجاد شود تا بتواند از توانایی ها و استعداد این افراد بهره گیری شود.
- کلاس های ورزشی با علاقه و توجه بیشتر تشکیل شوند و بر فعالیت های گروهی تأکید بیشتری شود.
- افراد به فراغت های خانوادگی ترغیب گردند و امکاناتی ویژه برای این نوع از فراغت در نظر گرفته شود.

منابع

- احمدی، حبیب و میترا ابراهیمی (۱۳۹۱) "بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش دختران به رفتارهای بزهکارانه مطالعه موردی شهر گرگان". فصلنامه تخصصی حقوق. شماره ۹، صص ۵۰-۲۶.
- احمدی، حبیب، بیژن خواجه نوری و سید مجید موسوی (۱۳۸۸) "عوامل مرتبط با بزهکاری دانش آموزان نوجوان". رفاه اجتماعی. شماره ۳۳، صص ۱۲۲-۱۰۵.
- اردکانیان، عباس (۱۳۸۶) "اهمیت آموزش اوقات فراغت در ارتقای سلامت جامعه". برگ فرهنگ. شماره ۲۴، صص ۱۸۸-۱۷۶.
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۰) *هنگامه های فراغت زمینه ساز بهداشت روانی*. تهران: انتشارات آموزش و پرورش.
- باستانی، سوسن و مریم صالحی هیکویی (۱۳۸۶) "سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت، بررسی ویژگی های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران". نامه علوم اجتماعی. شماره ۳۰: ۸۷-۶۳.
- پور یوسفی، حمید؛ طایفه، اشرف و آقا پور، فرکوش (۱۳۸۸) "بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران". پژوهش نامه علوم اجتماعی. سال سوم، شماره اول، صص ۱۹۰-۱۶۰.
- تنهایی، ابوالحسن و عباسی اسفنجیر، علی اصغر (۱۳۸۷) "بررسی تأثیر اشتغال در فعالیت های روزمره بزهکارانه". جامعه شناسی. شماره ۱۲، صص ۲۸-۹.
- جربانی، حمید (۱۳۸۹) "بررسی آمار جرایم زنان ایران". مجله حقوق دادگستری. شماره ۷۲، صص ۹۱-۱۱۷.
- خواجه نوری، بیژن و هاشمی نیا، فاطمه (۱۳۸۹) "رابطه اوقات فراغت و بزهکاری دانش آموزان نوجوان شهر شیراز". مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. سال هفتم، شماره اول، صص ۵-۳۱.
- ردادی، محسن (۱۳۸۷) "سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی". راهبرد یاس. شماره ۱۶.
- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۷) «بررسی الگوهای فراغتی دانشجویان خوابگاهی در دانشگاه تهران». دانشگاه تهران، معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی.
- رفعت جاه، مریم؛ رشوند، مرجان و شهیدی زندی، مریم (۱۳۸۹) "تبیین جامعه شناسی فعالیت های فراغتی دختران جوان با تأکید بر عوامل آسیب شناختی آن". مطالعات راهبردی زنان. سال سیزدهم، شماره ۵، صص ۸۰-۲۹.
- زاهد زاهدانی، سید سعید و الماسی، مسعود (۱۳۸۶) "بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان حاشیه نشینان و غیر حاشیه نشینان". فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. سال دوم، شماره سوم، صص ۷۴-۲۵.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴) *بررسی وضعیت فراغت جوانان*. تهران: اهل قلم
- سلگی، محمد و صادق پور، بهرام و همکاران (۱۳۸۲) "بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان، گزارش ملی جوانان". تهران: اهل قلم
- صادقی فر، مهدی (۱۳۸۹) "عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن". فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم. سال پنجم، شماره

شانزدهم، صص ۸۶-۱۱۶.

- علیوردی نیا، اکبر و آرمان مهر، وجیهه (۱۳۸۷) "فعالیت های ورزشی و بزهکاری: آزمون تجربی نظریه پیوند اجتماعی هیرشی". نشریه علوم حرکتی و ورزش. سال ششم، جلد دوم، شماره ۱۲، صص ۱۴۱-۱۳۳.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۵) آسیب شناسی اجتماعی، خانواده و طلاق. تهران: انتشارات منصوری
- فرهمند، مریم (۱۳۸۷) "دختران و کاربرد اینترنت". مطالعات راهبردی زنان. شماره ۴۱، صص ۱۶۹-۱۳۷.
- کاظمی، عباس (۱۳۸۷) "بررسی الگوهای فراغتی در میان دانشجویان کشور و عوامل همبسته آن". پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، تهران.
- کوهستانی، حسینعلی و خلیل زاده، علی اصغر (۱۳۸۷) پژوهشی در اوقات فراغت و راه های بهره وری از آن. مشهد: تیهو
- لس هی وود و دیگران (۱۳۸۰) اوقات فراغت. محمد احسانی. تهران: نشر امید دانش
- مشکانی، محمدرضا و مشکانی، زهرا السادات (۱۳۸۱) "سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان". مجله جامعه شناسی ایران. دوره چهارم، شماره ۲، صص ۲۵-۳.
- معاونت آموزش دفتر کاهش آسیب های اجتماعی (۱۳۹۰) اوقات فراغت جوانان، آسیب های اجتماعی و راهکارهای کاهش آسیبهای اجتماعی ناشی از آن. سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور، وزارت کار و امور اجتماعی.
- مهدوی، سید محمدصادق و تمیز، رقیه (۱۳۸۷) "کج رفتاری و اوقات فراغت". پژوهش نامه علوم اجتماعی. دوره دوم، شماره اول، صص ۲۴-۶.
- هاشمی، سید ضیاء (۱۳۸۹) "الگوهای فراغتی دانشجویان شهر تهران". نامه علوم اجتماعی. شماره ۳۳، ۹۵-۱۱۴.
- Agnew, R. (1991) "The interactive effects of peer variables on delinquency". American Journal of Criminology. Vol. 29, No. 1, Pp: 47-72.
- Bourdieu, P. (1978) "Sport and Social Class, in Social Science Information". Conceptuelle et méthodologique". Loisir et Société, 9 (2), 239-256.
- Cohen, S. (2004) "Social Retationship and Health". American Psychologist. 59: 676-684.
- Green, E. & S. Hebron, & D. Woodward (1990) **Women's Leisure, what leisure**. London, Macmillan.
- Kelley, M., K.J. Sokol, J.H. Broddock & F.L. Bassinger (2004) **Control theory, sport and patterns in delinquency for youth**. New York: Edwin Mellen Press.
- Mclean, Daniel D., Amy, R., Hurd and Nancy Brattain, Rogers (2005) **Kraus' Recreation and Leisure in Modern Society**. London: Jones and Bartlett Publishers
- National Report Series N/A. (1999) "Leisure time". Juvenile Justice Bulletin. P: 23.
- Pichly, Andre (2002) "Individuals can benefit physically, mentality, emotionally, spiritually and socially from a comprehensive leisure education program implemented in the schools during childhood."
- Piers, B. & James W. Messerschmidt (2005) "Criminology: A Sociological Approach". Oxford University

- Robinson, J. P. & G. Godbey (1999) **Time for Life: The Surprising Ways Americans Use Their Time**. University Park, PA, Pennsylvania State University Press.
- Savina, N. N. (2008) **Leisure time and deviances**. Russia Education Society. Stated a Finish Adoloescent's Perceptions of Social Support: A Cross Cultural Analysis". **International School of Psychology**. 29 (3): 363-375

فرم ارسال مقاله برای فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از تمامی محققان، پژوهشگران، استادان و فعالان دو حوزه ورزش و جوانان دعوت می شود که مقاله های علمی - پژوهشی خود را به همراه فرم تکمیل شده زیر، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:

مشخصات مقاله

عنوان مقاله: نوع مقاله:

مشخصات نویسنده مسئول

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن " مرد "

میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:

شغل:

خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

تلفن تماس همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکر کدشهر):

نشانی کامل پستی:

مشخصات سایر نویسندگان

نام و نام خانوادگی: نام و نام خانوادگی:

میزان تحصیلات: میزان تحصیلات:

شغل: شغل:

خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی: خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

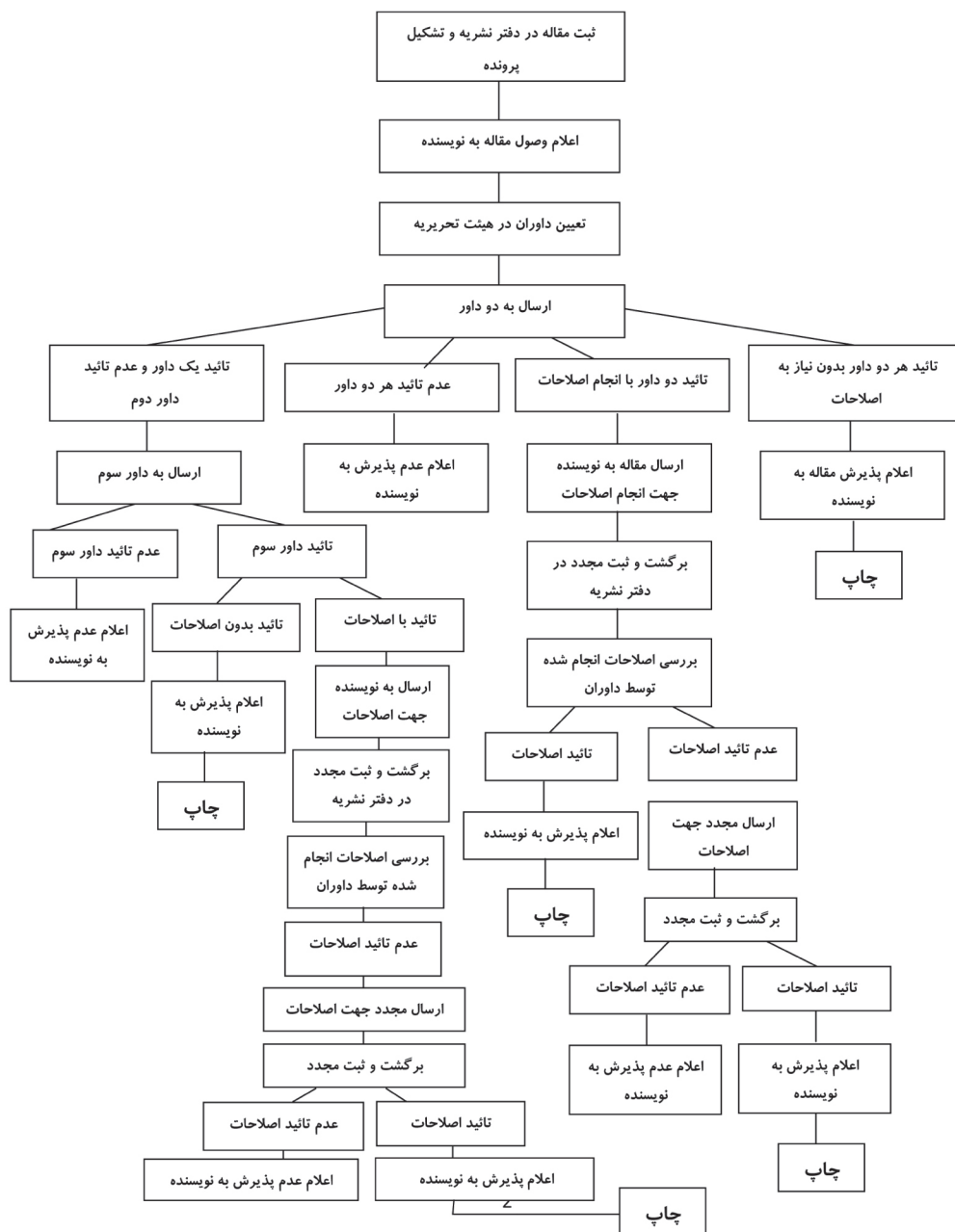
.....

تلفن تماس همراه: تلفن تماس همراه:

پست الکترونیک: پست الکترونیک:

تاریخ ارسال مقاله: امضای نویسنده مسئول:

فرآیند چاپ مقاله در فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان



راهنمای اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می شود که فرم اشتراک زیر را پس از تکمیل، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:
تهران- بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان
مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی
دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

۲۲۹

فرم اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

مشخصات متقاضی حقیقی

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن " " مرد " "
میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:
شغل: تلفن تماس ثابت (با ذکر کد شهر):
تلفن همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکر کد شهر):
نشانی:
کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:
امضای متقاضی:

مشخصات متقاضی حقوقی:

نام موسسه / اداره / سازمان / کتابخانه:
واحد درخواست کننده: کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:
تلفن ثابت (با ذکر کد شهر): نمابر (با ذکر کد شهر):
امضای مسئول و مهر مؤسسه:

A sociological Explanation of Effective Factors on Tendency to Delinquency of Teenage Girls in Kerman City

Mohammad Taghi Iman

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Shiraz University

Elham Shirdel

Ph.D. student in Sociology, Shiraz University

Fatemeh Anjom Shoa

M.A. student in Sociology, Bahonar University, Kerman

Hamid Shirdel

Master degree in Sport Management, Science and Research University, Kerman

Received: 11 May 2015

Accepted: 23 May 2015

This research is to clarify the teenage girls' behaviors of tendency toward delinquency through social factors in Kerman. To do so, the social control theory of Hirsch has been used in the theoretical framework of this research. The independent variants of this research are social network, education rate of parents and patterns of leisure. The dependent variant of this survey including 24 items in the form of the number of times willing to commit delinquency in their intimate friends and themselves has been evaluated. The method of this research is investigative and the statistical population is teenage high school girls in Kerman in 2014. The number of sample is 381 students and the data was collected through a questionnaire. The results of descriptive and inferential statistics obtained from the data using SPSS software show: A) A considerable amount of interest in delinquency behavior of teenage girls is seen. B) There is a direct and meaningful relation between the internet leisure, use of satellite, recreational leisure, modern music, sports leisure patterns of leisure and the girls' tendency toward delinquency. C) The pattern of social network, education rate of parents and Islamic leisure has a decreasing effect on the tendency toward delinquency. D) Performing the multiple regression analysis showed that only three models of leisure have effects on the intensity of the tendency toward delinquency and can clarify 23 percent of it. These three variants were: Changing patterns of internet leisure, Sightseeing and Recreational and use of satellite. Finally, social factor for example the education rate of parents, the lack of social ties in relations network of people and inexistence of correct social control in the leisure activities that lead the teenage girls to delinquency.

Keywords: Social Factor, Leisure, Tendency toward Delinquency and Girls

and present individual dimension of social health. Healthy patterns of life style consistent with Islam education is one of the primary preferences of health system in universal scientific plan of Iran. Thus, a necessary issue of health system in providing strategies and programs would be relate to social health concept based on Islam education.

Key words: Individual Dimension of Social Health, Islam Education, Factor Analysis and Youth

Youth Social Health and Islam Education (Case Study: Tehran City)

Mohammad Mahdi Shamsaee

Ph.D., Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Bandargaz Branch

Hassan Pasha Sharifi

Ph.D., Associate Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Rudehen Branch

Mohammad Bagher Saberi zafarghandi

Ph.D., Assistant Professor in psychiatry, Department of Psychiatry, Tehran Psychiatric Institute, Iran University of Medical Sciences

Received: 2 Oct. 2014

Accepted: 13 Mar. 2015

21

An aspect of social health relates to Individual dimension of social health which substantially considers human as a social organism. Derived theories of this domain related to quality of nature, fate and temperament of human; these theories have great differences and paradoxes to Islam perspective. Present study designed to investigate psychometric properties of individual dimension of social health questionnaire and also to evaluate individual dimension of social health in Tehran citizens.

The present study is an applied and ex post facto research. 962 subjects were selected by systematic categorical randomized sampling and recruited data was analyzed by exploratory factor analysis.

Chronbach's alpha of the individual dimension of social health based on Islam education is 0.96, and the questionnaire account for 59 percent of variance of individual dimension of social health of the sample. Results of exploratory factor analysis indicate that individual dimension of social health consist of 2 principle factor: A) Components of divine intentions, faith, lack of grandeur, solving problems of social communications, humorness, visiting relatives, and marriage. b) Components of avoiding tendering of others, advising to benevolence and preventing inappropriate behaviors, and avoiding inferiority and blaming others. Results of the study show significant differences between the male, single and jobless subjects than their counterparts in respect to individual dimension of social health.

Results indicate that there is difference between Islam expected perspective

sample differences were observed by age groups, sex, mother and person's education, family income, marital status, and father's socio-economic occupation status.

Keywords: Adolescents' Role Models, Youths' Role Models, Girls' Role Models, Boys' Role Models and Contextual Factors

Exploration of Role Models among Youths and Adolescences and Contextual Factors Affecting the Chosen Role Models (Case Study: Shiraz City)

Narges Arab-Moghaddam

Master degree in Psychology, Reseach Assistant Professor, Fars ACECR

Abass Gorgi

Ph.D. in Sociology

Behnam Jamshidy

Ph.D. Student, Educational Psychology Dept., Shiraz University

Raziyeh Sheikholeslami

Associate Professor, Educational Psychology Dept., Shiraz University

Received: 8 Feb. 2015

Accepted: 20 Jun. 2015

Youths and adolesences are exposed to different role models. Having information about types of role models that youth and adolesences choose, helps to more understading about youth and adolesences situation in the society. This research was conducted to investigate the perceived significant role models of adolescents (14-18years old) and youth (19-29 years old) to examine how much youths and adolescents are influenced by role models, and to figure out how these relate to contextual characteristics. Among different theoretical perspective, Bandura's social-cognitive theory is the best theoretical base which is used in this reseach. Statistical population was adolescents and youths of Shiraz city. Sample size using Lin Table, with confident level of 95% and validity of 3%was 895of youths andadolescents which were randomly selected basedon cluster sampling procedure. A questionnaire consisted of a list of 26 categories of role models had been used. Factor analysis was conducted for the 26 categories which explained 60.72 % of overall variance. The rotated component matrix resulted in 5 categories. The results showed that youths and adolescents chose family members as their first role models. Scientific-literary role models, friends-relatives and acquaintances role models, social role models and artistic-athletic-fictional role models were next, respectively. Chronbach'salphafor role models were as follows: Social role models 0.90,artistic-athletic-fictional role models 0.84, Scientific-literary role models 0.86, family members 0.71, and relatives and acquaintances role models 0.49.The results also showed that the

Scientific Socialization and Body Management in University (Case Study: MA and Ph.D. Students of University of Tehran)

Mohammad Amin Ghaneirad

Ph.D., Associate Professor, National Research Institute for Science Policy

Azar Rashtiani

Ph.D. student, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran

Received: 30 Nov. 2014

Accepted: 20 Jun. 2015

18

People show different interactions affected by the type of internalized socialization and type of their socialization affects on the lifestyle and different aspects of life. The most fundamental aspect of life style is body management. After the students were in the process of socialization, they make changes in terms of this aspect of their life consciously or unconsciously.

The method of the research was descriptive and was done by a survey. Theoretically, the present study focused on scientific socialization and body management, and then theoretical model of the research was designed. Indicators to be surveyed for measure of scientific socialization are: Interactions and communications in areas of science, scientific interest and enjoyment of the environment, scientific success and scientific ethical values and principle. To measure body management, indicators like: tend to exercise, attention to the diet, doing cosmetic surgery, attention to health, coverage style and the self-assembly are applied. The current study is done among students of Tehran University, Statistical universe and samples are all ph. D. and MA. Students in four educational groups of humanities, basic sciences, technical and engineering and medical sciences, of which 256 individuals were chosen as sample by Cochran sampling. To gather the data, questionnaires were distributed among participants. When questionnaires were filled, statistical coefficients which are relevant to the variables, (pierson correlation coefficient tests and multivariate stepwise regression analysis) were analyzed by using Spss 17 software.

The final results according to the results of hypothesis revealed that there is a significant and direct relationship between scientific socialization and body management.

Key words: Scientific Socialization, Body Management and Student

A Study on Relationship between Leisure Time and Youth Happiness (Case Study: The Youth of 15-29 in Marand)

Firooz Rad

Ph.D., Assistant professor, Payam Noor University

Hamideh mohammadzadeh

Master degree in Sociology, Lecturer of Payam-e- Noor University

Fatemeh mohammadzadeh

Master degree in Sociology, Lecturer of Payam-e- Noor University

Received: 28 Apr. 2015

Accepted: 17 May 2015

17

This research is to study the relationship between leisure time and happiness among youth of Marand city. Research method was survey and was conducted with a sample size consisting of 381 subjects among the (15-29 year old) youth in Marand. The data was collected using the questionnaires. According to the results, youth happiness was at average level. The results of the research showed that there was a significant positive correlation between Leisure Time, Active Leisure and Passive Leisure and the youth happiness. The youth happiness in terms their socio-economic status is a significant difference, but the difference with other demographic variables were not significant. Also there was no significant relationship between age and happiness. The results of multiple regression analysis showed that Active Leisure had greatest contribution in explaining the distribution of youth happiness. Based on the results of this research, Leisure Time has an effective role on youth happiness.

Keywords: Happiness, Leisure Time, Active Leisure and Passive Leisure and Youth

on the Value of Beta (β); 64% of the Change in Media's Political Socialization of Political Messages (R^2), Depends on the Increasing of Media's Political Persuasion of Political Messages (+.54), increasing of Political Awareness in follow of Political Messages (+.26), Depreciation of Political Value of Political Messages (-.17), Increasing of Political Selection of Important's Political Messages (+.17) and Increasing of Political Attitude to Political Messages (+.10), Between the Female Students (-.16) Residing in Housing Impersonal (-.12) With High-Volume Sampling of Households (+.12) in the Islamic Azad University of Zanjan .

Keywords: Media's Political Socialization, Political Crises and Social Network

Political Crises, Social Networks & Media's Political Socialization of Youth

Zabihallah Sadafi

Ph.D. in Sociology, Assistant Professor, Faculty of Humanities and Social Sciences, Islamic Azad University, Zanzan Branch

Sakineh Babaie

Master degree in Anthropology, Specialist of Social Sciences of doctor Hesabi Student House Research

Received: 17 Jul. 2014

Accepted: 4 Nov. 2014

15

This paper is to explain the effect of Media Persuasion on youths' political socialization process. Therefore, based on the Path Analysis of Effective Factors in Media's Political Socialization Among Youths and the Theory of the V. Schramm in the form five Models- Model of Media's Political Persuasion, Model of Message's Political Awareness, Model of Message's Political Value, Model of Message's Political Attitude, Model of Important's Messages Political Selection- the Research Hypotheses Path is Considered. It is based on Surveys and Referring to Media's Political Messages Audience Among Youths. About 368 People of students of Islamic Azad University of Zanzan- using the Statistical Sample to Determine Sample Size Rules- were Selected Randomly and studied based on the Multi-Stage Cluster Sampling and Quota. Subsequently, using a questionnaire, the research Was conducted. The required data were collected and analyzed using the Statistical Package for the Social Sciences (SPSS). Findings Based on the Pearson Correlation Coefficient (r) indicates that the Process of Political Crises in cyberspace, especially in the area of social networks, was high among male students (compared to female students). Also, High Political Awareness of Media's Political Messages and High Political Attitude to Media's Political Messages were seen among male ones. Meanwhile, there are not significant differences between the Male and Female Students of Media's Political Socialization, Media's Political Persuasion of Political Messages, Political Value of Political Messages, Political Selection of Important's Political Messages. In the Case of Multiple Regression (R) and Path Analysis of Factors Affecting Media's Political Socialization, for Goodness of Fit of the Theoretical Model, Based

A Study on the Ways of Reporting Human Resources Accounting in Iranian Football Clubs

Morteza Soleimani

Master degree Student in Accounting, Islamic Azad University, Gilan Sciences and Researches Branch

Behnam Gilani Nia

Ph. D., Assistant Professor, Islamic Azad University, Rasht Branch

Received: 19 Oct. 2014

Accepted: 7 Mar. 2015

14

With consideration of that the financial statements of famous and professional international football clubs are provided with the human resources accounting approach, it has been tried that with the study of presented research and financial statements to introduce the conventional approach and the ways of reporting by using this approach. By using this way, make the producers and users of Iranian football clubs' financial statements familiar with the merits and benefits of these financial reporting procedures. Another goal is to identify and explore the barriers to the implementation of these methods in preparing the financial statements of Iranian football clubs.

Research Methodology is Descriptive-analytic and the type of survey is considered functional. After studying the survey's literature and interviewing the experts and professors of accounting and local football clubs' financial managers and managing directors, Items with lack of effective complete implementation were identified in Iran's football clubs, Then, by using a common model of exploratory factor analysis, factors and effective measures, were identified and classified into three general categories: internal factors, micro external, macro-external. In the next step a structural equation model was designed based on three categories of aforementioned factors and criteria that affect on each of them and three hypotheses were perceived, which by using lisrel software in confirmatory factor analysis method, the designed model was analyzed and confirmed. by Using the Friedman test, each of the affecting factors and Criteria for the external macro, and micro external and internal factors, were also ranked respectively.

Key words: Human Resources Accounting, Financial Statements of Football Clubs, Football Players' Accounting and Intangible Assets

A Study on the Impact of Sports Activities on the Rate of Youth Social Deviances

Ahmad Bokharaee

Ph. D., Assistant Professor in Sociology, University of Payam-e- Noor

Seyyed Mahdi Aghapoor

Ph. D., Assistant Professor in Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran

Amir Sattari Dolat Abad

Ph.D. student in Sociology, Islamic Azad University, Tehran Branch

Received: 23 Sep. 2014

Accepted: 11 Oct. 2014

13

The research attempts to explain the relationship between sports activities on social deviations among youth with regard to intermediate variables such as social link and differential link for detailed explanation of indirect relationship between sports activities and social deviations. The most important questions which answered in this study are as follows: Do sports activities are effective on social deviations? What impacts Sports activities have on social deviance through social link and differential link? The research method is survey one and data collection instrument is questionnaire. In addition to formal credit, confirmatory factor analysis was used to evaluate the validity of the questionnaire, and the reliability was measured based on calculation Cronbach's alpha measure. The Sample of 400 young people ranging 15-29 years old which habited in Tabriz was selected primarily by cluster sampling technique and thereafter by simple random sampling technique by the help of survey and questionnaire procedures. owing to the fact that sports activities (independent variables) are apportioned to (regular, irregular, organized, non-organized individual and team varieties) and social deviations (dependent variable) are assorted to (vandalism, aggression, violence, drugs, alcoholism, and cultural-ethical deviances), statistical findings support the correlation of regular or irregular sports activities and their rate, team or individual sports. The rate of social association and devious friends with social deviances were confirmed but the correlation between organized and non-organized sports activities and social deviances and also between sports activities and social association as well as between irregular sports activities and devious friends were not confirmed.

Keywords: Sport Activities, Social Deviances, Social Association and Differential Association

Designing Private Sector Participation Barriers Model in Iranian Football Clubs

Hassan Gharehkhani

Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences, University of Zanjan

Jabar Seifpanahi

Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences, University of Zanjan

Shahram Fuladi Heidarloo

Master degree in Physical Education and Sport Sciences

12

Received: 15 Apr. 2015

Accepted: 25 May 2015

The aim of this study was to design private sector participation barriers model in Iranian football clubs that is done using exploratory–descriptive method. Professional football clubs' managers at football federation top managers and sport management and other sport experts familiar with football clubs were selected as research sample (N= 150). Questionnaire (Validity was confirmed, Reliability (0/87) was used for Data gathering. Descriptive statis, Exploratory and Confirmatory Factor Analysis were applied for data analysis. Excell, Amos and Spss were used.

The most important barrier is economic (0/79), then legal(0/63) and structural (0/4)at last. Managerial barriers were not confirmed in final model.

Economic barriers have to a large extent prevented achieving privatization objective of football clubs. So, we suggested that government, sport managers provide Commercial making actions to increase football clubs income sources. Also legal and structural changes are necessary before privatization. Otherwise, as in the past years the privatization of football clubs would be a dream.

Key words: Barriers, Privatization and Football clubs

The Impacts of Sport Development on Iran's Globalization

Yusef Hamzeli

MA student Hakim Sabzavari University

Mohammadreza Moeinfard

Ph.D., Assistant Professor, Hakim Sabzavari University

Parvin Shooshinasab

Ph.D., Assistant Professor, Hakim Sabzavari University

Received: 4 Feb. 2015

Accepted: 10 Mar. 2015

11

The aim of the present study was to investigate the effects of sport on the process of globalization. The research tool was a researcher made questionnaire which after confirming face and content validity ($KMO=0/908$) and reliability ($\alpha : 0/93$) was used. The statistical society was sport management professionals and academics. Research subjects were purposefully selected. Kolmogorov-Smirnov test was used to assess the normality of the data distribution. The statistical significance test was used to assess the importance of statistical significance test items and to prioritize the effects of development of sport on four dimensions of globalization. The results showed that the most important development effects of sport is on the economic, social, political and cultural dimension of globalization which include "increasing (direct and indirect) foreign investments", "development of tourism industry", "extension of diplomacy and cooperation with other countries" and "expanding the use of the International language" respectively. Globalization is an inevitable and semi dimensional fact. Managing of this phenomenon is essential in order to enhance the positive effects and avoid the negative ones. In this regard, recognizing the effects can be admitted for effective planning and development.

Keyword: Sport, Globalization and Iran

Effective Success Factors of Small and Medium Enterprise in Sports in Iran

Farzad Nobakht

Ph.D., Academic Member, University of Mohaghegh Ardabili

Mohammad Ehsani

Ph.D., Academic Member, Tarbiat Modares University

Hashem Koozehchian

Ph.D., Academic Member, Tarbiat Modares University

Mojtaba Amiri

Ph.D., Academic Member, University of Tehran

Received: 5 May 2015

Accepted: 9 Jun. 2015

This study is to analyze the contextual success factors of small and medium enterprise in Sports in Iran.

The research method is field-descriptive, that carried out using a Persian self-designed questionnaire with acceptable validity and reliability. The statistical population and sample of this research include sport SMEs in Iran (n=306, N=1500). Data gathered using distribution questionnaire among company executives and analyzed with factor analyze.

The study discloses that marketing, Business plan, Government support, networking, Entrepreneurial readiness, technology, legality, information access and capital access are important factors in sport business success.

The results suggest that the owners of these businesses should pay more attention to the perfect business plan, improve marketing activities, networking, using of government support, technology development and entrepreneurship levels. Government agencies and universities should also be prepared to give assistances in those fields. Improving legality can be helpful to Simplification of bureaucracy.

Keywords: Small and Medium Enterprise (SMEs), Sport Business and Success

Meta-analysis of the Relationship between Economic Factors and Performance in Sports Events

Farnaz Fakhri

Ph.D. student in Sport Management, University of Mazandaran

Seyyed Mohamad Hosein Razavi

Ph. D., Associate Professor, University of Mazandaran

Amir Reza Khadem

Ph. D., Assistant Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Shahid Beheshti

Received: 10 Oct. 2014

Accepted: 15 Mar. 2015

9

Recently, the competition between countries to gain medals in international competitions and rankings of countries based on scores, has taken a high intensity and this has led these researchers to begin to explore affecting socio-economic and other factors in sporting success in various competitions including the Olympic Games. However, the growth of research in this field and distribution of information, dominance of all aspects of this area is impossible. Hence, the combination of the results of previous conducted studies to obtain an overview research topic is more useful than the definition of new research projects. In the present study, purposive sampling (snowball sampling) was used. After reviewing the articles about the relationship between economic factors and sport performance, 20 studies were selected. To analyze the data collected, a comprehensive meta-analysis software program was used. The results showed that the mean of effect size of the relationship between economic factors and performance in sports events was 0.415. Since the effect size of the estimated is significant at 95% level, economic factors effect on sports performance.

Key words: Economic Factors, Meta-analysis, Sport Performance and Sports Events

Islamic Azad University, Bandargaz Branch

Hassan Pasha Sharifi / Ph.D., Associate Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Rudehen Branch

Mohammad Bagher Saberi zafarghandi / Ph.D., Assistant Professor in psychiatry, Department of Psychiatry, Tehran Psychiatric Institute, Iran University of Medical Sciences

..... 21

A sociological Explanation of Effective Factors on Tendency to Delinquency of Teenage Girls in Kerman City

Mohammad Taghi Iman / Ph.D., Associate Professor in Sociology, Shiraz University

Elham Shirdel / Ph.D. student in Sociology, Shiraz University

Fatemeh Anjom Shoa / M.A. student in Sociology, Bahonar University, Kerman

Hamid Shirdel / Master degree in Sport Management, Science and Research University, Kerman

..... 23

A Study on the Ways of Reporting Human Resources Accounting in Iranian Football Clubs

Morteza Soleimani / Master degree Student in Accounting, Islamic Azad University, Gilan Sciences and Researches Branch

Behnam Gilani Nia / Ph. D., Assistant Professor, Islamic Azad University, Rasht Branch

.....14

Political Crises, Social Networks & Media's Political Socialization of Youth

Zabihallah Sadafi / Ph.D. in Sociology, Assistant Professor, Faculty of Humanities and Social Sciences, Islamic Azad University, Zanzan Branch

Sakineh Babaie / Master degree in Anthropology, Specialist of Social Sciences of doctor Hesabi Student House Research

.....15

A Study on Relationship between Leisure Time and Youth Happiness (Case Study: The Youth of 15-29 in Marand)

Firooz Rad / Ph.D., Assistant professor, Payam Noor University

Hamideh mohammadzadeh / Master degree in Sociology, Lecturer of Payam-e- Noor University

Fatemeh mohammadzadeh / Master degree in Sociology, Lecturer of Payam-e- Noor University

.....17

Scientific Socialization and Body Management in University

(Case Study: MA and Ph.D. Students of University of Tehran)

Mohammad Amin Ghaneirad / Ph.D., Associate Professor, National Research Institute for Science Policy

Azar Rashtiani / Ph.D. student, Islamic Azad University, Science and Reaserch Branch, Tehran

.....18

Exploration of Role Models among Youths and Adolescences and Contextual Factors Affecting the Chosen Role Models (Case Study: Shiraz City)

Narges Arab-Moghaddam / Master degree in Psychology, Reseach Assistant Professor, Fars ACECR

Abass Gorgi / Ph.D. in Sociology

Behnam Jamshidy / Ph.D. Student, Educational Psychology Dept., Shiraz University

Raziyeh Sheikholeslami / Associate Professor, Educational Psychology Dept., Shiraz University

.....19

Youth Social Health and Islam Education (Case Study: Tehran City)

Mohammad Mahdi Shamsaee / Ph.D., Assistant Professor, Department of Psychology,

CONTENTS

Meta-analysis of the Relationship between Economic Factors and Performance in Sports Events

Farnaz Fakhri / Ph.D. student in Sport Management, University of Mazandaran

Seyyed Mohamad Hosein Razavi / Ph. D., Associate Professor, University of Mazandaran

Amir Reza Khadem / Ph. D., Assistant Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Shahid Beheshti

9

Effective Success Factors of Small and Medium Enterprise in Sports in Iran

Farzad Nobakht / Ph.D., Academic Member, University of Mohaghegh Ardabili

Mohammad Ehsani / Ph.D., Academic Member, Tarbiat Modares University

Hashem Koozehchian / Ph.D., Academic Member, Tarbiat Modares University

Mojtaba Amiri / Ph.D., Academic Member, University of Tehran

10

The Impacts of Sport Development on Iran's Globalization

Yusef Hamzeli / MA student Hakim Sabzavari University

Mohammadreza Moeinfard / Ph.D., Assistant Professor, Hakim Sabzavari University

Parvin Shooshinasab / Ph.D., Assistant Professor, Hakim Sabzavari University

11

Designing Private Sector Participation Barriers Model in Iranian Football

Clubs

Hassan Gharehkhani / Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences, University of Zanjan

Jabar Seifpanahi / Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences, University of Zanjan

Shahram Fuladi Heidarloo / Master degree in Physical Education and Sport Sciences

12

A Study on the Impact of Sports Activities on the Rate of Youth Social Deviances

Ahmad Bokharaee / Ph. D., Assistant Professor in Sociology, University of Payam-e- Noor

Seyyed Mahdi Aghapoor / Ph. D., Assistant Professor in Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran

Amir Sattari Dolat Abad / Ph.D. student in Sociology, Islamic Azad University, Tehran Branch

13

Editorial Board:

Kiumarth Ashtarian

Associate Professor of Political Science Department, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran

Mohammad Javadi pour

Assistant Professor of Educational Management and Planning Department, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran

Mahdi Taleb pour

Associate Professor of Movement Behavior Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Ferdowsi

Mohammad Hossain Abdollahi

Associate Professor of Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Kharazmi

Farzad Ghafouri

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Mohammad Kashti dar

Associate Professor of Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Birjand

Mahmood Golzari

Associate Professor of Clinical Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Allameh

Amir Maleki

Associate Professor of Social Sciences Department, Payam-e- Noor University

Habib Honari

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Quarterly of
**STRATEGIC STUDIES ON
YOUTH AND SPORTS**

No.28.Summer2015

Concessionaire:

Ministry Of Sports and Youth

Director:

Mohammad Reza Fazli

Editor-in-Chief:

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Office Manager:

Zahra Kamalian

Typist:

Pardis vahebzadeh

Publication:

Tehran University of Art Press

**Ministry Of Sports And Youth
Strategic Studies And Research Center**

Add: No.4. Sayeh St. Afriqa Blvd. Tehran, Iran

Tel:+98(21)22662267

Fax: +98(21)22662260

E- mail: strategic.studies@msy.gov.ir

*In The Name Of Allah
The Beneficent and the
Merciful*